

Cal  
1/4 3.74

GOVERNMENT OF INDIA  
DEPARTMENT OF ARCHAEOLOGY  
**CENTRAL ARCHAEOLOGICAL  
LIBRARY**

---

CALL NO. 929.739954M-AH

D.G.A. 79.

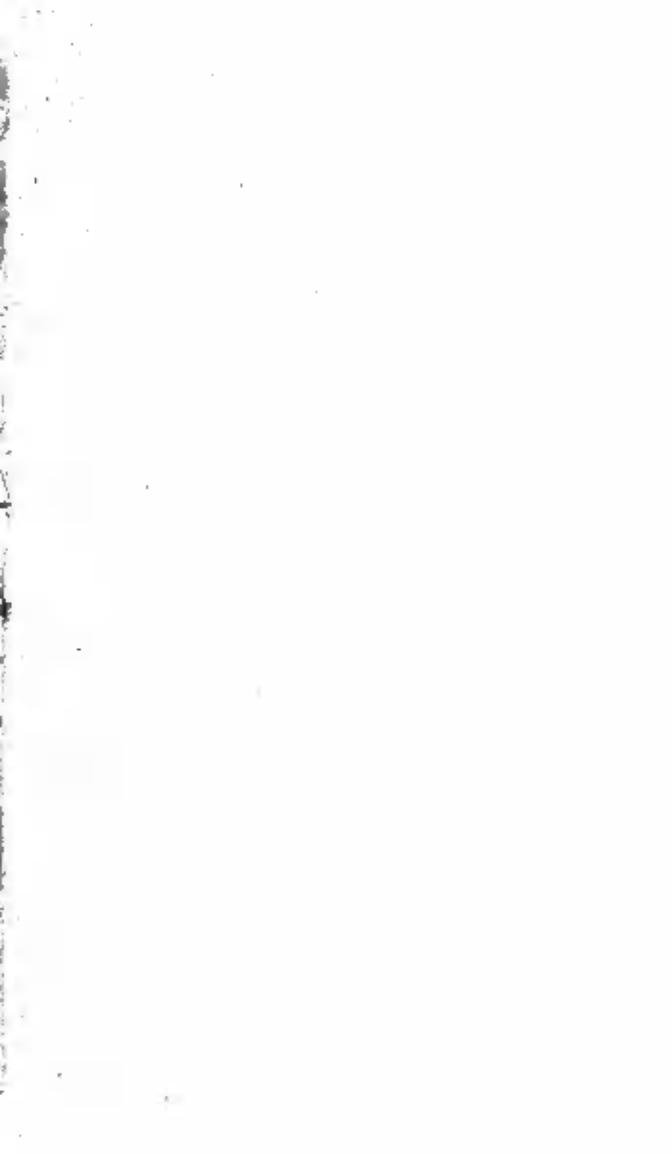
وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

أَن يَخْضَعُوا لِلنَّاسِ إِلاَّ رَجُلًا مِّنْهُمْ سَمَّى السَّامِرَ



بِأَنَّهُمْ هُمُ الَّذِينَ هُمْ فِي الْأَرْضِ وَأُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ هُمْ فِي الْأَرْضِ

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَكُونُ مَعَكُمْ طَبِيعُ شَدِّ





سپاس مقیاس حضرت رب الناس اوست موسس اساس عالم ایجاد  
 و تکوین میانی خلقت بشیر از او طین انسان را نسجش یافت از خلقت دیگر  
 پیاپی عتبار رسانیده و شرف را بر سبب سیادت از خلقت عصمت و حیا  
 پیرایه افتخار پوشتانیده در دو نامه و در هدیه بارگاه حضرت رسالت نبینا  
 محمد المصطفی نبوت پناه قبول باد کذات پاک کرم اولاد حضرت آدم و نوح  
 بخش خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات زریا بحسب به العباد و بر صهاب  
 علی القاب ابجد الامی و الی یوم التنا و باد **هـ** حیضاً اشرف انبیاء  
 که عرش مجیدش لوح و شکاف زبان تابود و در دامن جاگیر پشتهای محمد بود و پند

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَبَعَثَ فِيهِ رُسُلًا وَجَعَلَ  
 فِيهِمْ لُغَةً وَالسَّلَامَ عَلَى رُسُلِهِ سَيِّدِنَا وَبَيْنَنَا  
 وَمَوْلايَا مُحَمَّدٍ الْخَطِّ خَيْرُ الْعَرَبِ سَيِّدِنَا يَا بَارِئُ  
 فَتَعَالَى تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَبَرَزَتْ أَلْسِنُكُمْ وَكَلَّمَ  
 قُلُوبَكُمْ بِرُوحِهِمْ سَمِعْتُمْ أَوَّلَ نَدْوَى كُلِّ أَلَمِيٍّ  
 مَوْصُوفٍ بِمَوْصِيَةٍ تَحْمُوقُ بِهِ جَانِ الْعَالَمِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ  
 كَثِيرًا كَثِيرًا

از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظره نسب نامہ بزرگان دین عمدہ التیاز  
 کار تالیف شاه مخدوم بخش مخلص وافی فردوسی البهاری و بعد  
 این کتاب در سفر یافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الامظم فرزند فرزندان  
 انما شد نزد هیچ کتابی علمیه را تیرنیا مینماید ساخت و موسوم به کثر الانساب  
 پرداخت و این کتاب تفریق تفصیل چنین عنوان گردید و این مقدمه الکتاب  
 بعد و دیاب ضمیر نیست ذکر نسب پیشانیان بعد و ذکر نسب خوزن بعد و ذکر نسب  
 سامات که بگذرد امام می پیوند بعد و فصل در نسب یونخ ایضاً حضرات  
 اصحاب ثلاثه سلمی نمود و یک خاندان یک تفرقه واضح باد این کتاب است برین  
 یک مقدمه و دیاب چند نیست سه فصل اول مول مقدمه الکتاب  
 بذر نسب سالت کتاب ذکر نسب حضرت نبینا محمد صلی الله علیه و سلم  
 رسالت کتاب حضرت اسد الله الغالب الیحبنا بسیدنا علی بن ابی طالب بکر  
 فریت خواجہ عبد المطلب بنی جلاله سرمد الی غلبه در دو باب  
 ذکر حضرت حسین بنی دیکلی و ذکر حضرت امام حسن مجتبیٰ مد اولاد  
 و در دو بابی ذکر حضرت امام حسین شهید کربلا مد اولاد علیهم السلام  
 حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل و بجای تحقیق مسامرت بدین ترتیب فرستاد

	مقدمه الکتاب کثر الانساب	
فاصله باد بر هر کس فرو بفرستد مسلم و مسلمة واجب است داشتن چهار کرسی آنحضرت		





کلاب چنانچه نسب حضرت صداقت آید از حضرت سید البشر سلالت آید  
پیوندد بدو بر سر بندهم از مره بن کعب انجناب بنی تمیمند و نسب حضرت صدیق  
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدو چنانچه می پیوندد از کعب انجناب بنی  
عدوی اندیشه و تفریق نسب غلیظه سیوم صاحب جیاد و جد چهارم از آنحضرت  
که تحریر سابق نمود و نسب الی حسب بخود با او منین لقب حضرت ابوالحسن  
علی مرتضی اقرب الاقرب یعنی بیک اسطه از آنحضرت می پیوندد و بمصدق  
حدیثی یاد آوریم است اَنَا وَ عَلِيٌّ قَرْنٌ تَوَاحِدٌ کَلِمَةً فَرَسٌ وَ آنحضرت  
نور من نور علی احد است باید دانست نسب اودی آنحضرت صلی الله علیه  
و آله سلم بدو بطور است های غریب است که بی بی آمنه خاتون بنت ابی  
بن زهره بن کلاب بدانید کلاب را و پسری که فقی و دومی زهره هر دو  
نام پسریان خود نهادند عبد اللغات پس هر دو عبد اللغات اجداد جدی و اودی  
آنحضرت شدند و حضرت سعد ابن ابی وقاص عید الرحمن بن غوث  
هر دو صحاب از عشره مبشره از اولاد زهره بن کلاب اند و دختر کلانی و حسب  
ابن عبد اللغات بی بی مالک علی از وجه خواج عبد المطلب الدی بی صفیه  
و حضرت سید الشهدا امیر حمزه رضی الله عنهما با پدر شیند اگر چه مخفی حضرت  
عباس آوردند ایمان بر زمینم بفرقتی پیوندد و از امیر حمزه جد خصوصیت  
برادر خالائی را و در ضامی بفرقت اعلم ام المؤمنین حضرت خدیجه الکبری

نینا محمد علیه السلام هر وقت ایمان نیز بر سر جاپا کردی خود را نیتن بپوشان  
 تقویت مصابرت عجب است جنت نسبت شرف عالیا چون کتاب  
 نسب در دست نمود که از نسب آنحضرت در تحریر مقصود مسکین بی تسکین فسانی  
 نسب نامہ آنحضرت است خاتمہ صلی اللہ علیہ آلہ وسلم کہ  
 یعنی سیدنا و مولانا محمد مصطفیٰ رضی اللہ تعالیٰ عنہ المطلبین سیدنا عالیجاه  
 عبد اللہ ابن علی نسب خواجہ عبد المطلب بن سوزار یا ششم ابن  
 عبد المناف را جاپا کردی آنحضرت است همین قدر که تحریر نیست  
 بالا نسب این که عبد المناف ابن قحطی کہ لا بکدر ظهور شد تا عدد نان نسب  
 عالیجناب و ملا از حضرت اسمعیل ابرار سیم تا آدم است صورت استکامہ آنحضرت  
 با عدل آن کرد و اندر بیان بدانی عبد المناف را چارہ سپر کی نوقل جد چارم  
 حضرت حمیر سما ی نبی و ثانی مطلب جد ہشتم حضرت امام شافعی و علی  
 ثانی یا ششم و عیشہ شمس شد ہر دو توأم بنیاد تھا پیوستہ از ششم سر عبد  
 و اولاد ہر دو ششم نامہ تھا آخر ختم شد بر جناب سید الشہداء عبد شمس بن  
 اجداد امیر المومنین عثمان رضی اللہ عنہ و نیز اجداد حکم پروردگار و جد  
 معاویہ ابن ابوسفیان ازین قبیل اجداد کل نبی امیر و یا ششم پدر جد آنحضرت  
 و پدر جد حمیر کہ اگر یعنی جد جلد نو عبد المطلب و نسب حضرت شعیب بن اسحاق  
 من اقبایہ عشر و مبشر و ازین در جد بلا است کہ می بخورد و یعنی از قصبہ بن

و امیر و سرور و خواهر ان ایشان به نیند و لذت ببرند ابو فریاد حضرت  
 ابو فریاد الفاری که حضرت مخدوم محیی مینوی اندر فرقا فیض ابو حضرت  
 امام تاج فقه در که مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریع انجناب  
 تاج فقه اکثر اندوید و یکبار خصم ما در نیمه از حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه  
 شرف الدین قدس شد و این مخدوم محیی مینوی ابن مخدوم امیر  
 ابن حضرت امام محمد تاج فقه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام  
 ابو القاسم ابن امام ابو القاسم ابن امام ابو الدیلمی ابن امام ابو الیث ابن امام  
 ابو سرمد ابن امام ابو الدیلمی ابن امام ابو سعید ابن امام ابو دینار ابن زبیر ابن عامر  
 عبد المطلب بن یحیی بن عبد المطلب که ما اجلاد انحضرت اند علیه السلام  
 و انفع از کین زو جد سیدنا عباس بن عبد المطلب عم خیر الناس شیوخ  
 عباسی خلفا عباسی ابنان حضرت عباس شهید است اند فیصل ابن عباس  
 عبد الله ابن عباس قثم از طین سابقین چون بنی ابی القاسم استند مادر  
 خلفا عباس سید و ذریع انجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه  
 امولان اند و مکر و واقع در موضع شیخ لور فرودان و ان علاقه بهار فیض چنان  
 مکر و در بنای نسب نامه می نماید حضرت مخدوم شاه مأمون ابن مولانا شیخ ابوبکر  
 ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمن ابن شیخ عبد الغفران ابن شیخ امیر  
 ابن شیخ عبد الله چون لوی ابن شیخ عبد الواحد قتالی ابن شیخ ابو القاسم

[illegible]

بنت حضرت عمر رضی الله عنه بطبع ام المومنین حضرت زینب بنت جحش دختر  
 عمر بنی بودند تا مسلم المومنین مسوده بنت رعد بن قیس مادر ام المومنین  
 زینب بنت خزیمه لقب ام المساکین بن طارث سالیه ام المومنین ام سلمه  
 بنت ابی ایه که بنت عاتکه عمه بنی بودند تا ام المومنین ام حبیبه دختر  
 یوسفیان خواهر امیر معاویه تا مسلم المومنین حضرت میمون بنت الحارث عشر  
 ام المومنین صفیه بنت میمون بن خطابه بنت جعفر ابی ریحان بنی علی السلام  
 بودند تا روح بنی جویسه بنت الحارث ابن مسعود و زینب ابی ماریه قطیبه  
 بنی شیبیر بن سیزه شده و در باره یکی مطلق شدند ذکر فرزند آن  
 آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوه والسلام که از ابطین ام المومنین  
 خدیجه الکبری بوجوه آمدند در عالم شهید و بنید و دو پسر چهار دختر از  
 ابطین خدیجه پاک مفره سیر ملک شدند و اول سیدنا قاسم پور شیر خوار  
 بست حضرت سالکی آنحضرت تولد یافتند بعد از سه ساله ولادت کردند و نام آن  
 را چون ثانی ولد سیدنا عجمه الله که زینب بنت جحش بنی امیه آنحضرت در  
 آمدند و چون طیب طاهر بودند از جناب رب تعالی در ایام ضیاعت بخدا  
 برین شتافتند بعد ولادت ایشان سوره مکه نازل شد و در حجت ارتفاع ملال  
 و گوینده ابتر شد و تولد آنحضرت رسول ربانی بنی نبوت بعمر  
 سی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خوانه زاد طلم المومنین خدیجه الکبری

ابن شیح ابو سعید صفائی این شیخ ابو سعید ابن امام ابو الوثرین بن امام ابو سعید  
 ابن امام ابو الیقین ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زبیر ابن امام عبید الله ابن  
 حضرت عباس ابن خواجه عبد المطلب جد نبی صلی الله علیه و سلم حضرت امیر  
 حمزه ابو عماره یک پسر عماره و نام دختر قاطره بنت حمزه و دیگر پسران نام یاقان  
 الاسدی و زینب کزیمت ایشان تحریر نمود و الا خواهر ابی اسحاق حضرت امیر حمزه بی بی  
 صفیه بنت عبد المطلب منسوبه سابقه مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویله حضرت  
 زبیر و مادر حضرت صدیق اکبر از الطین بی بی اماءه پسر عبد الله ابن زبیر عرو  
 ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروه محدث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج  
 بی بی سکنه دختر حضرت امام حسین علیه السلام از قبیل از عمارات نبی ایمان  
 آورد و بی بی صفیه بی بی عماره و دو عم ایشان بودند حضرت عباس و حضرت  
 امیر حمزه آنحضرت چهار عم بودند از علما عام ایمان آوردند و ابوبکر کافر شدند  
 ابی طالب بن ندبه بن نند که از اراج نبی آنحضرت بنیام محمد المصطفی  
 صلی الله علیه و سلم الطین حضرت امام المؤمنین بی بی حبیبه الکبری  
 بنت خویله از الطین پاک ایشان کل علایق علیه السلام غیر سیدنا ابراهیم که  
 از الطین ماریه طیبیه شدند و عالم مناعت تشریف برد و بسوی جنت عقاب آمد  
 ثانی بمؤمنین محمد بن بی بی عاتقه صدیقہ رضی الله عنہا بنت حضرت  
 صدیق اکبر رضی الله عنہ و اولاد نشد از ایشان ثالثه لم المؤمنین بی بی حفصه

شیر نذیر آینه محمود نسل پهلوی در پشت برشی و نسب محمد در پشت علی واضح باد  
چون ببال دوم حیرت گردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیده طاهره بنت ابی طالب  
فاطمه الزهراء رضی الله عنها با حضرت ابد الله الغالب علی بن ابیطالب  
در شان پاکه منی فرمود و حضرت آینه محمود النعمان بنی فاطمه  
پار هجر من بهت الحسول چون توانی السعدین شد از خضر علی بنی قبول سمرانی

یافتند ابیات

یابنت منی چو یافت تریج کی

هر قرسه علی عطا شد به

چون گشت بمن مستردان سعدین

از چرخ نهم چنین ندما شد به

دو لعل ازین مهد و برآیند

مسرور علی ازین صدا شد

سر آینه کریم ظهور رسید آیت

عمر حج النعمان یکتایان از طین پاک نبت سر لولاک و دوزند بوجو آمد  
یک بعد دیگری بمقتضی شد صورت مسوداری شدند جو و  
از شک گل مقصود مطابق کلام بانی نخرج منهما اللوء و المرجان  
باید نیست مراد از لولوء یعنی مروارید بلی حضرت امام حسن مجتبی که مراد  
سعدین نام است نیز امامان بن جیش شهادت حضرت است و مقصود از مرجان  
سرخ رنگ شهادت جفا حضرت امام حسین علیه السلام است الحق  
برایند بعد تولد آن نیرین حضرت محمد مصطفی پس بوم نیز جفا حضرت  
علی مرتضی تولد یافتند با یام صناعت مدنا محسن بسوی حین شتافتند

الی العاص کتخدا شدند از اطمینان بی بی دو اولاد شدند یک پسر و یک دختر نام پسر  
 شد علی که بعد از شایب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامه بنت زینب  
 که حسبیت بعد از طاعت جانبیده فاطمه را بر این زوجیت و نام دختر علی  
 بر تفسی کرم شد و بعد از آن از اطمینان پسر خفید یک پسر شد و نامش سبط بن علی  
 همراه برادران در شیدان که بلای راه شهادت جان بخت نمود و تسلیم فریفت  
 بی بی زینب بختها تمام آن دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی  
 عمر بیست و نه سالگی متولد شدند بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه  
 و آمدند عید الله اکبر از اطمینان پسر ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند و نامش جهان  
 انتقال بعد از انتقال حضرت رقیه و دختر ثالث آنحضرت بی بی کلثوم که بی بی  
 و شش سالگی آنحضرت متولد شدند در عقد نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه  
 و آمدند از اطمینان بی بی عیسیٰ بن مریم بوجود آمدند و نامش حیل ملک افتاد  
 شدند عقاب مانند قبل از نکاح حضرت با حیا در سفر سی و هفت سالگی هر دو  
 برادر عید عقیقه لبنان الحلب بود و نام این دو نکاح آنحضرت بی بی شرف شدند  
 بولایت پسران کافر شدند و میان کفر و اسلام نکاح باطل خلع واقع شد هنوز  
 هر دو خواهر بن بیلو غایت نرسیده بودند و بعد چند سال یکی بعد دیگری  
 در عقد نکاح حضرت با حیا عثمان غنی رضی الله عنه و نامش عقاب  
 مانند آن نسل حضرت رسول مقبول حضرت تحول و زینب است که فرمودند آنحضرت



سیده شش فرزند سید و سده خضر و کندلو جو و باقی از اهلطان دیگر زوج با  
معروف است که نسبت چهار اولاد شده و سید باقی و خضران بجای ذکر هر تفصیل  
خواهد داشت بدانید از سده فرزند نسب علوی اولاد و اند باقی و در وایت است  
که حضرت مخدوم نصیر الدین چپانغ و بلوی و نسبت فرزندى بحضرت عباس  
بن علی که عمار بودند و سید مورالاد که نسب بنی فکی می نگاشت و از فرزند علی  
محمد حنیف ابن حیدر که اولاد است و سید چپانغ سید محمود غازی  
ابن سید محمود ابن سید عبد الله ابن سید محمد الشان ابن سید عبد الله اکبر ابن امیر حمید  
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولانا علی کرم السد و سید باوری سید  
سالار غازی ابا اولاد است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند  
و نسب سیدی حضرت خواجه محمد السیدی رحمه الله علیه خلیفه حضرت امام  
ابو یوسف اهلانی اند نیز پیوند به خطور است خواجه احمد السیدی  
ابن سلطان خواجه ابراهیم ابن سلطان خواجه امیر محمود ابن سلطان خواجه  
عبد الفتاح ابن سلطان خواجه عمر ترکستانی ابن سلطان خواجه عثمان  
ابن سلطان خواجه میر حسن ابن سلطان خواجه موسی ابن سلطان خواجه  
اصحیل ابن سلطان خواجه موسی ابن سلطان خواجه یارون ابن سلطان  
خواجه اسحاق ابن خواجه عبد الرحمن ابن خواجه عبد الرحیم ابن خواجه عبد القهار  
ابن امیر عبد الفتاح ابن حضرت محمد حنیف بن حضرت علی حیدر کرار دین

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین نهند همانند الهامی  
 اولاد شد ز شریف نعت کلانی حضرت علی مقبول یابی که از حضرت عیسیٰ الشرف  
 ابن جعفر طیار برادر عمزاد و نسبش نهند و گویند از طین آن بانی بی نیز ستودند  
 محمد بن محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده و سکر بلا گرفتند  
 بلا و خدا و دیار انقباب ایشان تا آمد دختر ثانی حضرت شیر خدای بی کاشوم  
 در عقد نکاح حضرت امیر المومنین محمد فاروق بود آمدند از طین این سنجی فرزند  
 زید نام تولد شدند از طین طهریت همان بچن کردند تسلیم ختر سیم جناب تبول  
 بی بی رقیه بر عمر و سالگی ولادت یافتند از اینها انقباب نماند غیر حضرت  
 حسین فرزند رسول مقبول و ائمه با نقل ششویزبان عام خاص مذکور  
 مراد از ذریه سیادت بنی فاطمه است و اولاد مرتضی علی چرا که  
 لقب سیادت به پنج است پنج ای نکته سخن که آنحضرت چنین فرمود حدیث  
 آنکه سیادت بشرف سید الانبیاء و سید المرسلین یا علی است سید المرسلین  
 و سید الانبیاء و ائمه سید الانبیاء العالمین و الحسن  
 و الحسین سید شباب فضل القیوم ازین حکایت و روایت  
 رسید به ثبوت پنج سیادت بدانید اولاد حسین و حمزه و پنج سیادت برستند  
 از سید علوی از یک سیادت است ابوی هر بیان اولاد علی  
 از طین غیر تبول از اینجا که سیادت علونیت واضح باد از طین پاک

ملاذریع حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه مرتد شد  
 خویشی ایشان شد بطور سیبیل و فرزند ایشان محمد اسیر ایچیم بود  
 سفند بله حق تعالی کل ذریع ایشان بود که ملا بله سید لشکر است  
 شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را سید سبیل بله  
 اسما و بنت اس کی عید الاملا بن جعفر که از حضرت زینب  
 دختر علی رضی الله عنه و جد او فرزند از بله پال آمدند بوجود  
 محمد بن محمد جعفر بود و نصف کر بلا شدند شهید قاتل شان مطیع  
 یزدی و لاد باقی نماند لاد و لاد باقیست محمد بن عون ابنان  
 جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا که ذریع حضرت  
 زینب را عقاب نماند واضح بود که از لاد بود و بزرگوار امیر عطاء الله  
 نامی بنزالت گرامی دارد بدین دیار سفند در دیار شاهی و سنجید همسران  
 سفند و ممتاز گشته فرایین و هیات مقبول کرده یافتار جندی بسنجدی  
 سکونت قصبه کھلوار سی ضلع پینه کردند اختیار چنانچه اکثر مشایخین  
 این دیار نسبت نسب خود بامیر عطاء الله مدوح می پیوندند آنچه که  
 باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض تر جان جد بزرگوار خود است  
 عمده الشایخین چنانچه بصره سید شاه علام حسین قدس سره داماد پوری  
 درین مضمون نگار و آنچه که در زینبیل خود دارد می کرد یعنی صاحبان گن

منتقل است نسب حضرت مرزا منظر جان جاناان میر سید محمد و یه سبب پشت  
 واسطه فرزندی بحضرت امیر محمد حنیف میر سید و نسب میرزای جانب داری  
 با امیر تیمور میر سبب نسب نامہ حافظ محمد عقیق بلان حضرت عمر ابن علی  
 حیدر کرار میر سید بن بطور کہ حافظ محمد عقیق بن حافظ عبد اللطیف  
 ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح  
 ابن امیر اور سید ابن امیر یونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر  
 عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاہوری ابن سید حامی علی ابن امیر محمد ذکریا  
 فقیر ابن مولانا محمد یحییٰ زاهد ابن میر سید زاهد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ  
 سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن  
 حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبدالشامین سید امان الشاہ ابن سید  
 علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناصر ابن حضرت علی  
 کرم اللہ وجہہ واضح باد اکثر سیادت علمی نسب و سبب شمار بہر اہل سار و دیار چون  
 نسب نامہ نیافت متعذر شد از تحریر و نگاشت ذکر در بیت حضرت  
 عقیل ابن ابیطالب و ذکر در بیت حضرت جعفر طیار میکلم الا اول  
 لی اسمی بانی بہت ابی طالب کہ از آنحضرت سبب محبت و عقیدت شد  
 علاوہ نسب عمر ادکی منقول بودند چنان کہ در خانہ پرست نشانی ایشان  
 واقع معراج نبی لبوی آسمان و می اولاد و شدہ نہ کیفیت ذکر بیت در ریاست نشد

نسبت سائل در ذریع  
 حضرت امام حسن علیه السلام

نسبت دوم در ذریع حضرت  
 سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

واضح باد از تحریر مؤرخین، با بقین ایداج حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمای  
 پنجاه شش تن و چهارده عاقل و شاعر و هر که آنحضرت بود و کثیر النکاح بدست شریعی کی  
 بعد دیگری چهار زن موافق و تنه میکردند و طلاق کثرت نکاح بود و تناسلی  
 ارشاد آنحضرت علیه السلام و آنحضرت شهر با او بودند رضی الله عنهما  
 و در کتب تواریخ کل چهار و چهار بنجاب نیافت که می نگاشت الا احوال چند جامی یا  
 می نگار و بدانی و جوادین حواله نسبت منظور بن حیدر الله لاد و اشم بن  
 محمد المنیات نامی نسب از الطین این ر و هر یک فرزند رتبه باشد جناب حضرت  
 امام حسن مجتبی رضی الله عنه و از الطین بی بی صفوره بنت سعد بن زید بن  
 خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر بی بی عایشه  
 نام که کنیت ام عجمه و نیز فاطمه ثانی نام بنشته اند و مؤرخین بن بی بی و جعفر  
 علی ثانی امام زین العابدین بن امام حسین علیه السلام که خدائی امام  
 حسن مجتبی از دخت عم برادر گوار حضرت امام حسین علیه السلام گرفته نام  
 نامی این بی بی فاطمه صغری از الطین غنیفه تولد شده سیدنا عجمه الله  
 المحض و حضرت امام حسن مجتبی و نواد حضرت امام حسین شهبه که بلا که از  
 اجداد و اجداد حضرت فاطمه سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنهم

مجمالی شهر ضلع جوشپور یکی از رؤسا و مشاییر مولوی علی کبیر و برادران  
 و خواهرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار بهنگام عمده  
 بروزگار سرکادی نایب دار ضلع غازی پور ملاقات شد از مولوی محمد طور  
 صدر الصده و ضلع غازی پور وزیر عین سفر حج ملاقات شد از برادر کلانی شان  
 اندوهرین شیر مولوی عبدالشکور عند الله که کرده بیان در میت  
 خود بامیر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماجد فرموده بود  
 و نیز ملاذمت خود بشهر ال آباد از آنحضرت بیان میکردند و نیز مولوی  
 محمود و وقت مراجعت سفر حج همراه آمدند این فقیر حقیقتاً شگافه آورده  
 بودند که ذکر آل ابطالب بیده بودم شمره و ذکر مشایخان پهلوانی  
 که خود را بدمیر عطاء الله نامند یعنی شاه طهماسب رحمه الله علیه  
 فالله بجه شاه مجیب الله که والد ماجد و پیر مرشد حضرت شاه نعمت الله  
 قادری پهلوانی رحمه الله علیه بودند و نیز مولانا عماد الدین قلندر  
 قادری که شیر پیر مرشد جناب حضرت شاه مجیب الله قادری بودند و  
 نیز از ذریع امیر محمود مولوی شاه وحید الحق و امام شاه مجیب الله  
 علیه الرحمه کیفیت ذریع ایشان خوب میدانم در تتمه کتاب خواهد نوشت.

تفصیل دیگر که فرزندان ایشان بسیارند

باب اول ذکر اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بر دو بیت

سید جعفر بن سیدنا محمد و ولید کی سید ابراہیم و بی بی سید لولیس و فرزند  
 عبد اللہ سید لولیس و سید سلیمان کی نسبت حضرت قاسم و فاضل  
 یابید شہید و ولاد سید ابراہیم و سید لولیس و سید سلیمان سید اولاد و  
 فرزند ان سید جعفر بن عمر زید شہید و ولاد سیدنا محمد سید موسیٰ  
 و سید یحییٰ و سید جعفر و سید ابو بکر و ولاد سید عبد اللہ سید لولیس  
 و سید اسماعیل و سید یحییٰ و سید یحییٰ و سید یحییٰ و سید یحییٰ  
 و خلفاء و عباسیہ و خروج کردند بعض از مہلت آنها فرزند بعض شدند و شہید  
 عشرہ نسبت و م یابید لولیس و ولاد حضرت امام حسن مثنیٰ جد  
 حضرت عوث الثقلیین یابید دست حضرت امام حسن مثنیٰ جد فرزند  
 شد و ولاد از اولین سیدنا عبد اللہ محض ثانی سیدنا ابراہیم ثالث سیدنا  
 عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا جعفر ابن ہبلاہ الطہری بن قاسم  
 صفری نسبت حضرت امام حسین علیہ السلام و الطہریہ و سید سید اولاد  
 و سید جعفر و سید جعفر و سید اولاد حسن مثلث باقی زمانہ و دیگران باقی  
 عشرہ سید موسیٰ سیدنا عبد اللہ محض رابع و پسرند از الطہری بن قاسم و خسر  
 حضرت امام زین العابدین علیہ السلام و فرزند سیدنا موسیٰ ابی بکر و  
 محمد سید ابراہیم و الطہری و سید اولاد سید یحییٰ نسبت ایشان علامہ  
 از نسبت حضرت موسیٰ ابی بکر کہ تفصیل از نگاشته خواہم شد اولاد سید محمد

و فرزند بی بی ام عبد الله عایشه ثانی حضرت امام محمد باقر بن حضرت  
 امام زین العابدین نواسه سید شمس امام حسن مجتبی رضی الله عنهما فریات  
 این حضرت سلب بیاد است حسن بن حسین و حسین بن الحسن که کیفیت ذکر نسبت بیشتر  
 نگاشته خواهد شد و در اینجا تفصیل از وراج حضرت امام حسن علیه السلام می آید سید  
 باید شنید بی بی ام البشیر دختر مسعود اماری از بطین این بی بی متولد شده  
 سید ناقاسم هستند و از زوجة العبدی بی ماهره تولد شدند سیدنا  
 عبد الله بن امام حسن مجتبی و از بطین و جعفر فاسم بی تراهره سیدنا  
 ابو بکر بن حسن تولد یافتند و از بطین و جعفر فاسم بی ام ولد سیدنا عمر  
 بن حسن پدید شدند و از بطین و جعفر فاسم بی بی سعدا تولد شدند سیدنا  
 محمد بن حسن مجتبی از بطین بی بی انیسسه نامند و از بطین بی بی طاهره  
 چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند چند زوج بی بی فاضله بی بی محمود  
 بی بی انیسسه بی بی خدیجه بی بی عابده و دختران متولد شده باشند  
 کل چهار ده و از وراج آمد بشمار بالا واحد هجده بنسبت جعفر که هم نام بود  
 کاندس زم نو شیده شهاب است یافتند الله و انما الیکنا چون نوکر فرزندان  
 حضرت امام حسن مجتبی و کتاب مایه نامی و محاشه اند و دختران  
 است تحریر میکند الا اهل سنن و عین معتمدین هر یک قدر نوشته اند که در تحریر  
 و تألیف نیست سیدنا ابو بکر سیدنا ابراهیم فرزند سیدنا عمر



از ششمین فرزند شد نهید قاضی حضرت مطیع نیریز و اولاد ایشان از هر سلسله  
 آخر اعقاب نما اندیز حضرت شد داود ثمره ششم نسبت دوم باب اول  
 خلف الرشید سید موسی ثانی سید داود و محمد یاقب از اجداد حضرت غوثی  
 بودند نام اخوان شان یافت نشد که خدای حضرت شد داود از دختر محبت  
 حضرت امام علی موسی ضامن نام بی بی بنیه بود و دیگر فرزندان  
 دیگر دریافت نشد ثمره هفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سیدنا  
 محمد نسبت ابو القاسم معروف موسی که خدای ایشان شد از دختر یکی از بنی  
 سید حمزه نام سیده دختر شان بی بی بسیار که از طبق این بی بی سیدنا  
 یحیی زاهد تولد شدند و چون سید یحیی بی بی عصمت بودند ثمره ششم  
 سیدنا یحیی از طبق بی بی رضیه دو فرزند یکی سید عبد الله که عاقبت با نام  
 موسی عید الله شد ثمره هفتم که خدای سید عبد الله ثالث از دختر  
 اخوان شد از بی بی رحمت گردیده فرزند شد از جمله اولادیک باقی ماند  
 ثمره هفتم نسبت دوم باب اول واضح با سیدنا ابومحکم نسبت موسی نام  
 جنگد دوست خدای بکر و ذوالاولیا سیدنا اصینا بسیار بنام پدر از پدر شیخ  
 کاملین سیدنا عارفین زید بن حضرت بی بی اسم الحیر فاطمه ثانی از دختر حضرت  
 سید ابو عبد الله و قد موسی که این حضرت دختر چیلان زادیه بنا کرد و بعد از  
 آنی بود مشغول کیفیت کلمات جدا موسی حضرت غوثی تعلیم بسیار است

شمس بنی فرزند کلانی ایشان سید قاسم ثانی سید ابراهیم سید عبد الله  
 بلکه بعضی اهل مذریبه باطله و ناصب و خارج سید محمد بن سید عبد الله المحض  
 را حقه موعود دانند هر که نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصور و الحاق از  
 خلفاء عباسیه بود اول شیخ محمد باجوس محمود لیده شهید که دو حال ذریه  
 سید ادریس و سید ابراهیم سید یحیی کسی کتاب یافته اند که می نوشت شجره چای  
 نسبت دوم باب اول سید موسی که پسر یک سیاه و الله ای که آن  
 چون گفته معنی چون سیاه رنگ که خدای ایشان یعنی سید موسی ابی چون از خست  
 نخست از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم آن بی بی رقیه ثانیه دوفسند  
 از طین این بی بی شده متولد یک سید ابراهیم که عقاب ایشان نمائند ثانی  
 سید عبد الله ثانی که لقب بود و بدین صانع که خدای ایشان از بی بی  
 ماله دختر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شد از طین این بی بی پنج  
 فرزند تولد گشتند پسر یک سید موسی ثانی که بودند از اجداد حضرت غوث الاعظمین  
 ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید ابو صالح  
 ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیار اند شجره پنجم  
 نسبت دوم باب دوم مذکور موسی ثانی کنیه ایشان ابو عمر که از دختر امام موسی  
 کاظم علیه السلام که خدا شد نام بی بی طیبیه از طین این بی بی بوجود آمدند  
 هفت پسر و یازده پسر از حاریر و میوه حضرت موسی ثانی در بود و هجری از شجره

بجای نسب نامگان بزرگوار خواهد نوشتند از آنکه اکثر از نسب نامه جانبادی حضرت  
غوث الثقلین جعفری نسب نامه نیز نسب سبب مادی جانا حضرت خواهر بزرگوار

آن نیز جعفری اند و نسب مادی حضرت شیخ اشیرخ تیر جعفری

شیخه نسب حضرت قطب الدین بیاول جیو پوری برادر ایشان فضل الله

واضح یاد سید قطب الدین بیاول جیو پوری و سید نصیر الدین و ولد سید فضل الله

عرفت سید گوسائین هر دو در لود اخیالان لا قوه من میر سید حسن قادری ولد

میر سید قادری ابن میر سید نصیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید

صمد الدین ابن میر سید کریم الدین له میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین

ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسی قادری

ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد الله قادری

ولد حضرت سینا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی

و من الله عنه رحمه الله آن بابا شینید حضرت سید فضل الله در عری سید گوسائین

قدس سره برادر زاده و ولد او مرید و کشته شد و نیز و نیز حضرت سید قطب الدین

بنام الله از جیو پوری اند و مریدان فضل الله از سید فضل الله در مبارک و نیز برادر

شان و فریق اند و در بین کثره از اهل بیت امامیه بیشتر اند و در نزد ایشان شایسته

و اولاد حضرت سید قطب الدین بیاول جیو پوری است که از ماکو و علاقه شهر

آل را باوند و قطب سید شهوانه سنت جماعت در بین اند از اهل خانه سید شاه

به بسط و طول با حاصل از بطول این غنیمت و فرزندگی سید الواحتمانی معزز الهی  
 ثانی حضرت عرفی قطب قلبی بانی محبوبی بمانی سید عبد القادر جیلانی صاحب سلسله  
 معنوی موجود طریق قادری که از نام آن حضرت منسوب است عقیدت و تعجب بسیار است  
 مطلوب است نام خواهران حضرت عرفی پاک بودنی بی جلیبگی رفیع مانده  
 پاک الهی بهیچ بی جمیل و فرزندانها بدو دهند یا زده رتبه بلند فریت هر یک  
 پس از این سید الاولاد سید فرزندان و ریحانه سیده انداز شل و شکر و یا شکر  
 اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب ثانی سیدنا عبد الرزاق  
 شهمه و آفاق ثالث سیدنا عبد الغفری سجاد و ثمین انجمن و از فرزندان ایشان  
 هستند همین بنده که را اولاد رسیده اند در اینجا و همصار باید شنیدند سیدنا  
 عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شمس الدین  
 سابع سیدنا یحیی که حضور اند حلیه مشا و والد ماجد خود شریع جلالی  
 مغرب بخشنده منتظر ملاقات حضرت عیسی علیه السلام هستند نام من سیدنا  
 موسی ناسع سیدنا ابوالاسحاق عاشر سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا  
 عبد الجلیل اثن عشر و نسب شان یحیی انجمن اشیاف آسمانی نسب نبی کوکب  
 الاصلین قامت حدیثه طیبیه مکمل مشرفه از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی  
 که حضور اند و دیگر برادران ذی اولاد اند و الله اعلم حاصل نسب امره شایعین انجمن  
 ازین سه فرزند منی میشود و از دیگران نه یعنی زرافیه اند و یا سید اند و غیره نیز

سید شاه امیر الله معرفت بدمی و برادران عمر و ابوشیان سید شاه عبدالرزاق  
 معرفت که دومی سید عبدالکریم الدبیه بکلیل تفصیل این جاسی کرده خواهد شد که  
 شمره دوم شجره نسب قادری حضرت میر سید علی قادری دهلوی پیران  
 قراویه باید دانست بن میر سید علی قادری پیر اجازت طریقت قادریه خیا حضرت  
 مرزا شاه قراوده من سره بود اهلای اندیس بپایند میر سید علی قادری ابن  
 میر سید یوسف ملقب خالی ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید عیسی قادری  
 ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادری  
 ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری  
 ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن  
 سید محیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن  
 حضرت سیدنا عبدالرزاق خلعتار خشیه ثانی حضرت محبوب جانی سید  
 عیسی القادر جیلانی رضی الله عنه مولاد مجاد ابن بزرگوار بنور و شهر  
 دهلوی موجود هستند شمره سیوم شجره نسب قادری حضرت میر عبدالرسول  
 قادری سالک اناپور واقع باد میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری  
 از دیار ملتان وارد هندوستان گشته بدینجا رسید و اقامت پذیر گشتند  
 چون شرافت و مجازات از حین شان بود و هویدا و دانا پور ریاست ضوی  
 معاصرت واقع شد یعنی از دهر خجسته آخر میر سید عماد الدین ابن میر سید

منظر علی ساکن کرده بودند و الدواجده سید منظر کریم الدیادی شمره شجره نسب  
 قادری حضرت سید محمد قادری انجری معروف است استانده انجری  
 یاب نیست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاه شمس الدین محمد درویش زردیار  
 مغرب شهر دلی نموده معمر پیکان و خاومان در استانده انجری که اول حسب  
 بشارت جدر نزد گدار سکونت الموضع کردند خستیار مغز از فین انوار است درین بار  
 حالا طور نسب منویسید اینجا کساراید ششید سید محمد قادری ابن شمس الدین  
 محمد درویش قادری ابن سید شاه عالم قادری ملقب بشاه کلان کلان ابن سید  
 شاه عید الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الفتاح قادری ابن سید شاه محمد  
 قادری ابن سید شاه عبد الرحمن قادری ابن سید شاه عبد الطیف قادری  
 ابن سید شاه عبدالحی قادری ابن سید شاه عبد الحلیل قادری ابن ششید  
 ابو القاسم ملقب شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الرزاق قادری  
 خلف ثانی حضرت محبوب جهان سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه  
 ذکر در میان حضرت جایی مصاحبت ایشان تفضیل خواهد نوشت پس بنده  
 دو فرزند تربلیند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید  
 معین الدین قادری حالا جاشین بنما از اولاد سید معین الدین هستند  
 چنانچه سید شاه اطیب الله قادری رحمه الله علیه خلف الرشیدشان  
 سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمعی علیه الرحمة بودند و برادر دیگر

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی  
 قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید  
 یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن بن ناصر قادری ابن  
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید محبوب جهانی حضرت سیدنا عبد القادر جیلانی

### شماره پنجم شجره نسب قادری حضرت سید فیض قلوبی

باید شنید حضرت فیض قادری ابن سیدنا ابوالاحیات ابن میر سید علی  
 قادری ابن میر سید سلیمان بن میر سید کریم بن میر سید یحیی ابن میر سید احمد  
 قادری ابن میر سید ابوالنضو خواجه ابن میر سید محمد جیلانی ابن میر سید بن ناصر  
 ابن میر سید سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جهانی سید  
 عبد القادر جیلانی بواسطه نسب فرزند می در میر سید بیعت و تربیت  
 از بنی انعام برادر است خاکسار شرف که زیارت فرار شده است بمقام معروف  
 پیران شاه دوره حضرت سید شاه قادیان محبت کرده اند بسیار از غریبه  
 نامشروع سیاحت کرده آخر بمقام خضر اباد توطن کرده اند و بسیار و متابل  
 انجمنی معروف بطریق کشتی بهست از انجا مسافر دیار مشرقی شدند و مردان و  
 بایران بسیار چنانچه بمقام محبت و بیکار کردند و صحبت میران از انجا اجازه  
 برداشته و روانه دیار عراق شدند و در آنجا بهست بمقام خضر اباد  
 شاپور و دفن کردند نقل کجند وقت بدون اجازه سید پاک خنده و در عقب همیار

عبد الفتاح عرف قاضی سید نرسه که خدا شنیدنی اولاد گشتند با ید شریفه  
 میر سید عبدلرحمن بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبید کلیل ابن میر سید  
 محمد طویل بن میر سید محمد جمیل بن میر سید بدر عالم بن میر سید اظفر عالم بن میر سید  
 ملطوف عالم بن میر سید احمد قادری ابن میر سید ادریس قادری ابن میر سید

ابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد عالم قادری ابن میر سید عبدالرحیم قادری  
 ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد اشرف قادری ابن میر سید سیدنا  
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جهانی سید عبد القادر جیلانی  
 شجره چهارم شجره نسب رزاقیه نیکو نسب میر سید محمد مهدی  
 مشهور با این میر سید محمد مهدی یکی از سیادت عظام عالمی مقام نزار الین  
 سلطنت شمر و ملی شاه جهان آباد و محمد شاه بادشاه بودند  
 امیر الامرا محاط بطلب بختاب بخدمت الدوله افتاد و بسبب امانت ظاهره  
 بکوفه فرستادند بنزد گ پدر بزرگوار الله ماجده قادری این فقیه حقیر بود  
 حالا سلسله نسب بیان میکنم میر سید محمد مهدی ابن میر سید عسکری ابن میر  
 سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر  
 ابوالمحمد قادری ابن میر سید جمیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید  
 اسماعیل قادری ابن میر سید عبدالباقی قادری ابن میر سید احمد قادری



نسبت جدی ایشان نسبت قادریه منسوبه طاهره و برادر قفا کردند سید  
اولاد حسین بن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید  
عبد الحلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری  
ابن میر سید یاقچم قادری ابن میر سید شهاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین  
قاسم ابن میر سید محی الدین یحیی ابن میر سید نور الدین حسن قادری ابن میر سید  
علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیدف الدین یحیی  
قادری ابن سید ظفر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد اصغر ابن سید ابو القاسم  
قاضی اقتضات ابن سید ناعبد الزراق قدس سره خلف الرشید ثانی  
حضرت پیر دستگیر قطب بانی سید عبد القادر جیلانی رضی الله تعالی عنہ

شجره هفتم شجره نسب ذراقیه قادریه سید حسین حموی

خواجه باد سید حسین حموی پیر مرشد حضرت شاه قاسم سلیمان اندک فرزند  
واقع بقلعه چپاگرده از کتاب معتبر یافته نسب نامه آنحضرت تحریر نمود  
بدین طور است سید حسین حموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید  
محمد قادری ابن سید محی الدین یحیی قادری ابن سید محمد قادری ابن  
سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری  
ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سید  
عبد الزراق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر جیلانی رضی الله تعالی عنہ

مانند چنانچه جای معروف است و در بهار بقام قلعه ستان شان خدام  
 میریدان بجای تکیه پاک مجاهد شده اند و بیات نند استان است عزرا  
 پیران بجای گردن این خاکسار و را بنده از مازوید و بود و لیش آستانه شاه اسلام  
 بعد شاه شاه الله شدند و شاه شوال از نند توکل خد شسته خدات داد  
 و صادر بجای نگذردنا پیشینان خود سبقت برده اند بجای قلیل صورت کثیر  
 می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه مصفاوری از ابا حاکم صاحب صور آمده بود  
 کفایت بر ایشان معین شده بود و وضع سناده میوه و پرکنه تربیت این خاکسار  
 ملاقات بود از جمله فرزندان پناه اما شاه صورت و سیرت بهتر شدند  
 و برادران شان را نیز دیده بود و علام شاه و حسین شاه چون نسب بنده قوی  
 این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ میران پهلوانی مستند پیران شجره برتر

### شجره ششم نسب بنده قویه قادریه سید علی قادری

سید اولاد سید علی شاه هر دو برادر فرزندان میر سید حسن قادری سید نسب  
 و نیز برادر عرصه از قیام پذیر شدند قبل از این قامت و ولد ایشان بود  
 و در شهر آباء که صورت مصابقت گوید و نسب مادری و والده ایشان  
 بنسبت ابو العلامیست یعنی سید شاه غلام علی جد مادری و ولد ایشان بود  
 و پنج و سبط نسب برزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید  
 نور الله بن میر سید فضل الله بن حضرت سید شاه ابو العلامی سرور بود

سید شاه مظفر حسین قادری دهلوی ابن سید شاه غیاث الدین احمد کبیر ملتانی  
 ابن سید شاه محمود و ملتانی ابن سید موسی قادری بیلور سیدی قادری  
 ملتانی ابن سید شاه حامد ملتانی ابن سید شاه عبدالرزاق ثانی ملتانی ابن سید  
 شاه عبدالقادر ثانی ملتانی ابن سید شاه محمد قادری ملتانی ابن سید  
 قادری ملتانی ابن سید شاه میر قادری ابن سید علی قادری ابن سید مسعود  
 قادری ابن سید احمد قادری ابن سید صفی الدین مونی ابن سید سید الدین  
 سیدنا عید الوهاب خلف الرشید کھانی محبوب بانی حضرت سید عبدالقادر

غره دوم شجره نسب اعلیٰ بایه قادریه  
 در نسب نامہ سید و جمہ الشہ قادری میں یکے

و امیر باد مولوی سید جلال شاہ ساکن بیرون بکیر لکھنؤ ابن سید احمد علی ابن سید  
 امیر الشہ کہ چار برادر بودند عیانی یکی نامی بدلت گرامی شہید باب الشہ عارف  
 باشد دومی سید شاه عیاد الله سیدی سید شاه نور الله چارمی شہید امیر الله  
 تذکیر الامم پنجم سید شاه تمیم الله از کاطین سلطین معروف بودند شاه باب الله  
 و تیر سیم احمد علی بن شاه امیر الله و فرزند دو یکی سید نور علی و الله سید حسن  
 ثانی خود مولوی و جمہ الله ابن سید احمد علی سپہ سالار سید جلال شاہ یکی سید  
 ابو الحسن امام شاه احمد کبیر دهلوی مولوی محمد اشرف یک پسر ایشان سیدی  
 مولوی سید حمید شرف بایہ شہید شاه باب الشہ ابن سید نعمت الله قادری

عشره ششم شجره نسب ذراقیه قادریه

سید امیر علی شاه و سید مظفر علی شاه و اکبر ابادی ابن سید منصور علی شاه  
 برادر ثانی سید حمید علی شاه و ابمان سید محمد علی شاه و محمد علی شاه و سید  
 احمد علی معروف بریلوی احمدی ابن شاه رکن الاسلام ابن سید موسی ابن  
 معین شاه ابن سید تیم شاه ابن سید محمدی شاه و سید اسطوخودوس ابن سید  
 سیدنا عبد الرزاق میسند و نیز بسید نبی محمد عثمان حکیم سید نور الدین ابن  
 حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بک حضرت سیدنا عبد الرزاق میرسد  
 چونکه اسامی نسب بقدر یافت که نداشت نیز در اکبر آباد بزرگ بودند نسب ذراقیه

عشره ششم شجره نسب اقیه قادریه نسب یحیی حسن

سید حسن عرف پیر محمد ابن سید فیض الله ابن سید شاه محمد تقیم ابن سید  
 تیم ابن سیدنا سیدنا ابن سید شاه برکت الله ابن سید شاه رحمت الله ابن  
 سید شاه نعمت الله ابن سید شاه محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود  
 ابن سید سعید ابن سیدنا مان الله ابن سید بدر الدین ابن سید ذکی الدین  
 ابن سید ابوالنضر ابن سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبد القادر جیلانی رسی الله عنه  
 شجره اول نسبت نسب قادریه و نامیه  
 نسب نامه سید شاه مظفر حسین قادری

باید دانست از خلفاء حضرت محمد صید نصیر الدین چراغ دلی چهار خلفا نامدار  
معروف بودند سید محمد کی سید محمد گیسو گیسو زنده دل و از فرار در گلگیر شریعت است  
این سید عبداللین نزدیکی نسبت دینی سید محمد گیسو زنده دل این سید جلال الدین  
کالپی باقری نسب از اجداد این خاکسار سیوی سید محمد این سید  
جعفری نسب از چاری سید محمد این سید احمد طتانی مؤلف کتاب بحر اللغات  
قادی و بنامیه نسب اند سید محمد این سید احمد طتانی این سید بیابانی این  
سید احمد این سید الدین مونی این سید ناسیف الدین عبد الوهاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر جیلانی

شجره نسب قادریه غزنیه نسب امیر شیهه عبد المنان قادی دجلوی  
سید شاه عبد المنان قادی این سید شاه رکن الدین محمد سرور ملقب به  
ابن سید عبد القادر طتانی این سید شاه عبد الغزیز طتانی این سید  
بیابانی این سید شاه علی جوانی این سید شاه حسن قادی بغدادی این  
سید شاه احمد قادی این سید شاه عبد الطیف قادی این سید شاه محمد قادی این  
سید سلطان قادی این سید ذکر اقامی بغدادی این سید شاه عبد الفتاح قادی  
بغدادی این سید شاه عبد الغزیز عالمیانی خلف الرشید ثالث حضرت سید  
عبد القادر جیلانی و امیر بادشیه و مظهر حسین قادی راجع شریف  
از پنجاه گذشت میاد و لا و قطع کرده و خانقاه دلی جماد شریف بودند یک شب

ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمد قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر  
 سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فرزند ابن سید عثمان قادری  
 ابن شیخ حسن الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین  
 قادری ابن میر سید فی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت  
 سید صفی الدین محسنی قادری ابن حضرت سیدنا سیف الدین عبد الوهاب  
 خلف الرشید کلانی حضرت محبوب سبحانی قطب بانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر جمیلانی رضی الله تعالی عنہ

نقره سیلوم شجره نسب دوم و بابیه قادریه بسبب شاه عبدالکریم  
 باید شنید سید شاه عبدالکریم و سید عبدالرحیم بانی قادری نسب بدو  
 برادر فرزند سید شاه امیر الله ابن سید شاه رحمت الشاہ بن سید مغرور  
 قادری ابن سید شاه عبدالهادی ابن سید شاه ابو شمس رابر ابن سید  
 مختار ابن سید عبدالشکور ابن سید شاه عطاء الله بغدادی که از  
 بغداد ارفیق آورده مسکن در قبال پوره قبول کردند فرزند اینهاست فیض شاه  
 و حمید و اسطوره و بالاسید و ولد ایشان در انجوا آمد بسیار خصوصاً  
 سید شاه تراز علی ابن سید داود علی از فرزندین شان اندر او رسید

داود علی معروف اند سید محمد تقی

نقره چهارم شجره نسب دوم و بابیه قادریه

دختر حضرت طلحه صحابی یکی از عشره مبشره متولد شدند بی بی فاطمه صغری  
 دختر حضرت امام حسین علیه السلام وجه حضرت امام حسن مثنی ابن جناب حضرت  
 امام حسن علیه السلام سیادت حسنی است بی بی از طعن این بی بی بوجود آمدن روح  
 ثالثی بی ام لیس و نیز ام یاسوگیند از طعن ایشان تولد یافتند حضرت  
 علی اکبر شبیه پیغمبر اعقاب ایشان مانند واقع کرد بلا حرام هم بر گوار دادند  
 شصت شدند و روح را بعد بی بی ریاب بنت قیس بن عبد المطلب بی بی طاهره  
 محبوب ترین وجه بودند از طعن ایشان دختر پیدا شدند بی بی سکینه محبوب ترین  
 دخترها پسید الشهدا و بی بی عیسی بنت مریم شان محبت ایشان ترجمه آن نیست  
 اوس بلکه کوه دستهای حسین و حسن مجتبی بن سکینه او در باب  
 حسین شهادت پسید الشهدا و بی بی شریک بودند در شهادت و قتال ایشان در وقت  
 غلط است از مصعب ابن زبیر گفتند چون لشکرمان عبد الملک بن  
 کوفه آوردند تاخت مصعب ابن زبیر را کردند شبیه بظلم شدند و در آنوقت سکینه  
 بر آوردند فریادی کوفیان ناشادان کوفت درین میدان کردی مرا تیری بپای  
 اینوقت کردید مرا بی شوهر روایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند  
 عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر هر سه بلاد ریاحی است  
 و عابر چاه زمزم سرست مطلب عا خواهد شد امارت که خواستند حضرت عبد الله  
 بعد واقع شد امارت پسید الشهدا تسلط امارت که مغفله شدند عروه دعا کردند

بعالم رو یا جدا نمخت پیر و گیسو عبد القادر جیلانی فرمودند مطلق در نصیب فرزند  
نیست الا در نصیب پارسا خواه تو یک فرزند ست و خواه برابجای مختار بخوان عقد  
نکاح او از سید محمد فرزند که اولاد من است بنجام کن ای کامل شاه مظفر حسین قادری  
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد فرزند که اولاد من است بنجام کن ای کامل شاه مظفر حسین  
شاه عبدالمنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود و اولادش را برابجای

کردند چنانچه خواننده را خوانند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام معذکر ذریعت حضرت  
تایید نسبت فرزندی سیادت بکدام امام میرسد بر پشت نسبت که  
باید داشت جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام بیوم ندامت حضرت فرزند  
جناب حضرت علی مرتضیٰ انصاری پیغمبر خدا محمد مصطفیٰ صلی الله علیه و آله و سلم  
اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت است از بی بی فاطمه قبول کل سیادت  
حسنه الحسینیه انداصل اول نبیره در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام  
ازواج خمس رسدند و از لطن هر یک فرزند متولد شدند و جوادین  
جناب معصی القاب بی بی شهر بانو دختر خجسته اختر نیز در دین شهر بایک بود  
بادشاه سلطنت عجم از اولاد نوشیروان پادشاه عادل باید دانست از چهار زوج  
بهر تیره فضل و بصورت کامل بودند از لطن ایشان متولد شدند امام زمانه سید جعفر  
علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام از لطن بی بی ام سحاق زوجه ثانی



وسید عجمه الرحمان وسید سلیمان وسید علی اشرف چهار فرزند اگر  
روایت است صحیح پس عقاب ایشان مانند ذکرا و اولاد آنها مانند درخت و هم  
خواهد نگاشت که آنها منسوب بسادات باقری اند و اینها منسوب بالقاب اجداد  
خود درت الفار ذکر هر سه بزرگوار است اولاد میکنند با بری و ریزی و حسینی  
النوار اول نسبت اولاد به هم زد که امام عبداللہ با وجود اولاد و تمام

### امام امیر سید تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو العلا قدس سره  
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلا ابن امیر سید  
قدس سره ابن امیر سید عبدالسلام ابن امیر سید عبدالملک ابن امیر سید عبدالعزیز  
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمود ابن امیر سید  
عماد الدین ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید نور الدین  
ابن امیر سید انور الدین ابن امیر سید اشرف الدین ابن امیر سید مجتبیٰ ابن امیر سید  
جیلانی ابن امیر سید یحییٰ ابن امیر سید باو شاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید  
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبداللہ ابن امیر سید حسین ابن امیر سید جلیل  
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبداللہ با بری ابن حضرت سید مساجد ابن امام  
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید شہدا امام حسین  
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید و است امیر سید عبدالسلام

که محبت شوند انچه آن گزید و مصعب فرستند و محبت حضرت سکینه انهم طلب شد  
 زوجه خامش بی اتم الا صغیر یعنی والده حضرت علی هفت شهید شیر خوار شهید  
 شد از ترس طبع میزد انما لیتید انما لیتید را چون قاتلان صورت زیور  
 نسبت او را بایم و ذکر او را و حضرت علی ثانی السید جبرین

امام زین العابدین علیه السلام بر سر او را و ذکر او را و

فاصله بود که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام  
 از صبیحه عم الا عظمی ابی امام عبد الله کنیت ابی بی عایشه ثانی بی بی فاطمه  
 ثانی ام ام بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردید و بی او را و  
 شد ندای یحشید چهار فرزند حضرت سید الساجدین از الطین آن بی بی متولد  
 شد و از الطین زوجه دیگر نیز غیر ایشان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام  
 محمد باقر علیه السلام که در حق امام مودا حضرت محمد بنی علی علیه الصلوٰه و السلام  
 از سید محمد ابن علی ابن حسین ابن علی عوایی یبقر فی علم الدین اسی جابر  
 نوید بی فرزند می را کنانش بود و محمد ابن علی ابن حسین علی که فرزند من است  
 یبقر و بقر بود او را و علم دین من ثانی امام عبد الله با هر صنی الله عز و شاک  
 امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین صخر در کتاب سحر الانساب چنین  
 مذکور بود ایت اهل سنن و فرقه در باب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت  
 امام زین العابدین از دیگر منکوحه پیدا شد و چنین نام سید محمد شرف

## شجره نسب مادری از جانب خواجه عبید الله احرار

در اینجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار قدس سره میکند  
 حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمود و ابن خواجه شهاب الدین شاشی  
 ابن خواجه محمد مدعو خواجه نامی از اولاد عبد الله انصاری بدینند حضرت خواجه  
 عبید الله احرار عم عطریه سید تقی الدین کرمانی بیک زمان معفی و شجره نسب  
 بودند با خود با بسبب بجا بخت شرفت جانین قدرت مصداق واقع شده  
 یعنی که خدای امیر سید عبد الله و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباقی  
 فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران هر سه خواجه عبید الله احرار  
 گردید و نسبت نامانی سیدنا ابو العلاء از نسب خواجه ترتیب واقع شد بدین طوری  
 امیر سید عبد الملک میرداماد سید تقی الدین خواجه حضرت خواجه احرار و امیر  
 عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسه خواجه عبد الله عرف خواجه جکا ابن خواجه  
 احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسه خواجه ابو الفیض  
 حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلاء ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه  
 حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیض ابن خواجه ابو الفیض ابن خواجه  
 ابن حضرت خواجه احرار بنسبت نام الله و حضرت سیدنا بی عارفه دختر خواجه  
 محمد فیض و امیر باد خواجه ابو الفیض اندک مادری برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض  
 دومی خواجه عبد الشهد سیدی خواجه عبد العظیم ابنان خواجه جکا و از زوجه

بعد از امیر سید ابو العلاء را چهار فرزند از آنجمله یکی امیر سید ابو نصر و الد امیر سید  
 علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو نصر را دو پسر امیر سید ابو الصفا  
 فرزند ایشان امیر سید عبدالباقی و الد امیر سید شاه عبدالمجا حد سیومی  
 حضرت امیر سید عبدالمطلب یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبدالمعظم و دیگری  
 امیر سید عجمه الباسط و خواهر ایشان لیلی مدیح زوجه سیدنا ابو العلاء  
 چارمی امیر سید ابو الوفا و الد ماجد سیدنا ابو العلاء و یک خواهر حضرت زوجه سید  
 سید عبدالباقی و الد امیر سید شاه عبدالمجا حد بنو حضرت سیدنا ابو العلاء  
 را دو فرزند یکی امیر سید نور العلاء و الد ماجد امیر سید تاج العلاء و دیگری  
 امیر سید قلیچ حسن الله و فضل العلاء نیز نام بود خلف ایشان امیر سید نور الله  
 که خدای هر دو فرزند سیدنا از نبات تمام یا احوال شد و صبی و آنحضرت سیدنا  
 یکی بی بی زینب زوجه خواجه عبد الرحمن ابن خواجه سلیمان که از اولاد  
 حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره بودند کینیت فریت ایشان  
 در یانت نشد ثانی حبیب حضرت سیدنا بی بی رقیه زوجه خواجه محمد عرف  
 خواجه تولاد ابن خواجه محمد سجاد و اما ثانی حضرت سیدنا انجناب نیز از اولاد  
 حضرت خواجه نقشبند قدس سره بودند مزار حضرت خواجه محمد تولاد در محاطه  
 مزار سیدنا موجود و در کبریا و کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

کینیت اولاد ایشان معلوم نشد

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر مریا عظیم آبادی  
 که انچه معروفست نسب فرزندان شان نیز انچه باطنی طویرست انچه که گفت  
 نگاشته بندگان سید نظام الدین ابن میر سید عیسا و پیر مریا ابن میر سید حمزه  
 پیر مریا ابن میر سید زکریا الدین پیر مریا ابن میر سید زین العابدین عرف سید  
 محمد پیر مریا واسطه ابن میر سید احمد دهلوی واسطه ابن میر سید حسن دهلوی  
 واسطه ابن میر سید قاسم واسطه ابن میر سید حامد واسطه ابن میر سید محمد  
 جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید اعتماد ابن میر سید طاهر ابن میر  
 سید ابو بکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن ابن میر سید امین ابن میر  
 علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین  
 ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیه نبی محمد و زبانه ابن میر سید حسین  
 زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید ششید ابن حضرت سید الشاجد  
 امام زین العابدین علیه السلام ابن حضرت امام حسین علیه السلام  
 شجره دوم النوار دوم نسب اول باب دوم در ذکر نسب پیر محمد سرور دلی  
 و اضرع باد منزه الانحضرت سید محمد سرور دلی بموضع دهلوی علاقه حضرت بهادر  
 است سید محمد سرور دلی ابن میر سید احمد دهلوی ابن میر سید یحیی دهلوی  
 ابن میر سید مصطفی پیشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن  
 میر سید میر علی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبداللّه دهلوی

دختر امیر تقی الدین نیز پسری خواهر بختی و دومی خواهر نظام الدین عبدالمجید  
 سیومی خواهر خاند محمد بود و خواهر ابو الفیض سیه برادر دختر خواهر نظام  
 که از اولاد صاحب برادری بود هر یک چند نذی اولاد و حضرت خواجگار  
 از هر دوز و وجه دو دختر نیز بود و نکستیت فریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا  
 دریافت نشد اما ابی محمد و محمد صدیق حضرت امیر نور الدین که از امیر محمد  
 ابن سید محمد اجل بن امیر سید علی رضا کتختا شدند کیفیت فریت ایشان  
 ترتیباً نیافت الا سیدان که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی به سینه  
 واسطه فرزند امیر سید محمد افضل بودند و نشی علی حسین مصطفی ابوری نیز  
 فرزند سید خواهر حضرت امیر سید محمد افضل میان می کردند و ابن نسبت البنت  
 سید شاه غلام علی سیدان که سید بنی شاه ابن سید حسن قادی  
 بودند و بنی نوای سیدان علی و امام سید شاه غلام علی که زیارت حضرت  
 کرده است این فقیر خیر الله در شهر کبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلام ابن  
 امیر سید نور العلام بیشتر زمان قیام اینجا گذرانید و سید اکرم الدین که  
 شهران اینجا کیفیت قبولی شان بحضرت سید تاجیان میکند و زوجه شان  
 که اولاد و نشد الا ابی خاوم که یک دختر بودند و لقب سیدانی صاحب  
 انوار دوم نسبت اول باب و هم در ذکر اولاد حضرت ابی حسن  
 زنده شمسین هر چهار شجره است شجره اول ذکر سید محمد پیر فریا

جاجنیری ابن میر سید بدیع الدین محمد میر حاج ابن میر سید علی مسعود و ابن  
 میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر سید ابو الفرج ابن سید ابو الفوارس محمد فراس  
 ابن سید ابو الفرج و اسی علی ابن میر سید داؤد و ابن میر سید محمد جاجنیری  
 ابن سید عیسیٰ ابن سید داؤد بزرگ و ابی کوفا ابن سید حسن ابن سید حسین  
 طلقب چشید ابن میر سید ابو الحسن فراس ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدا ان  
 ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدا ان ابن میر سید اشرف الدین  
 یحییٰ محدث شهید رسول مقبول علیه السلام بن سید حسن نیدی ابن حضرت امام  
 ابو الحسن زریه شهید ابن حضرت سید الساجدین علی الوسط امام بن العابدین علیه السلام  
 انوار سیوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت علی  
 علی صفر ابن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب  
 حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی بیهود و شجره که  
 واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد  
 یک جد اند بچند واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی صفر فرزند حضرت  
 امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت سادات اند و حضرت  
 سلطان ابراهیم او هم نسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب  
 اند از غلطه کاتبان تحریر نسب سادات است الا نسب مادری اجداد مولانا  
 مظفر بلخی از سلطان ابراهیم او هم پیوند و سبب تخت سلطنت نیز از

ابن میر سید اسد الله ابن میر سید علی ابن میر سید حسن ابن میر سید محمد الله ابن  
 میر سید حسین زاده ابن میر سید اسماعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارسی ابن میر  
 یحیی ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید محمد شهباز رسول مقبول ابن  
 میر سید حسین زاده ابن حضرت امام ابو الحسن زاده شهاب الدین حضرت امام زین العابدین ابن امام حسین  
 شجره دوم انوار دوم نسبت اول اب دوم و در بیان نسب نامه محمدی حضرت شیخ ابی  
 حضرت سید شاد محمدی علی رحمة الله علیه ابن میر سید ظفر علی ابن میر سید حسن ابن میر  
 سید وجه الدین عرف سید بلوکن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا شید شاه  
 قطب الدین مصطفی پوری تارکی ابن میر سید قاسم ابن میر سید اسماعیل ابن میر سید محمد ابن میر  
 سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر بن نسوی ابن میر سید فضل الله ابن میر سید  
 مضر الدین ابن میر سید علی شیر حاجتگیری ابن میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر  
 سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرج داسلی ابن میر سید محمد داود  
 ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسی ابن میر سید ابو الحسن قطب الدین میر سید محمد اکبر زید  
 ابن سید محمد منصور داغی خندان ابن سید عمر علی ابن سید محمدی شهباز رسول مقبول  
 ابن سید حسین زاده ابن حضرت امام ابو الحسن قطب زاده شهید ابن حضرت  
 سید الشاجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین علیه السلام  
 شجره چهارم انوار دوم نسبت اول اب دوم و در ذکر نسب حضرت محمد گویان  
 حضرت میر سید محمد گیسو زاده نواز ابن میر سید علی شیر حاجتگیری ابن میر سید محمد



ابن سید جمال بن سید فضل بن سید ظاهر بن سید مظاہر بن سید محمد بن  
 ابن سید نعمت اللہ بن سید عبد اللہ بن سید عبد اللہ بن سید لطف اللہ  
 ابن سید وجہ اللہ بن سید فضل اللہ بن سید نور اللہ بن سید ابراہیم بن  
 سید عمر بن سید جعفر بن سید محمد بن سید محمد بن سید یعقوب بن سید  
 ابن سید اسحاق بن سید عمر زید بن سید محمد بن سید قاسم بن حضرت  
 امام علی صغیر بن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علی بن ابی طالب  
 شجرہ نسب نامہ کی از مریدان تنقیح بدین نسبت میر سید محمد یوسف  
 ابن سید محمد یعقوب بن سید محمد ناصر بن سید منیر بن سید محمد حسین  
 ابن سید داوود بن سید ابراہیم بن سید اسحاق بن سید محمد حسین ابن  
 سید زین الدین ابن سید نور الدین ابن سید زید ابن سید عابد ابن سید  
 محمد ابن سید یونس ابن سید اسماعیل ابن سید یحییٰ ابن سید نذیر ابن  
 سید حمید ابن سید صفدر ابن سید محمد بن سید حسین ابن سید  
 یعقوب ابن سید محمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد  
 ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی صغیر رضی اللہ عنہ ابن حضرت  
 سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ  
 نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام

محمد باقر علیہ السلام بر دو شجرہ

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی بایده  
 مخدوم شاه شمس الدین بلخی باین سید شاه علی ابن سید شاه سلجوق  
 ابن میر سید محمد بن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد  
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفر علی ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت  
 امام علی صغر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام شجره ثانیه  
 نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید  
 شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن سید  
 ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد  
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفر علی ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن  
 حضرت امام علی صغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین  
 علیه السلام شجره پیوند نسب مادری از جانب حضرت ابراهیم بهم بدینطور است  
 بایده شیند میر سید محمد ابن میر سید یعقوب نواسند سلطان محمود ابن سلطان  
 ابراهیم نسب جدی حضرت سلطان ابراهیم بدینطور یعنی حضرت سلطان  
 ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ابراهیم ابن سلطان ابو ناصر باشم ابن عبد الله  
 مسلم ابن عبید الله ابن حضرت عاصم ابن امیر المؤمنين حضرت عمر خطاب  
 رضی الله عنه شجره نسب مکی از خلفای این فقیر سید امین الدین  
 ابن سید حسین ابن سید محمد ابن سید داود ابن سید جعفر ابن سید اکبر

حالا این کتاب است مفقود آنچکه باستماع جمله آنحضرت یاد است می نویسد بزرگ  
 بودند عده المشائخین خواججه حسن که آنجا برباست و دو هفته نسیب بودند  
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علقه ولایت تیراه و هرات  
 و دشت مرند وستان گردیدند و در بطور سیاحت قبل در مقام  
 واهی بدلاسلطنت کسیده ملاقات از هر یکی مشایخین کرده متوجه دیار شرقی  
 شدند و بنیست غریب شهر مشهر است موضع دیوشان که جای بمبید  
 بودند و در آنجا چند روز تشریف داشتند آنجای بهر سکونت بنما مشرف  
 پسند افتاد مردمان ساکنان آنجا قوم بودند معتقد شدند و نیز از مرزهای اسلام  
 شیونعی انصاری که مسکن آنجا بود کرد و بسیار اصلاح و زاری بهر مقام  
 آنجا هرگاه آنها با عفاقامت حضرت شدند ای آنها بنظر شریف متحسن  
 افتاد طرح اقامت پذیرفتند شیونعی آنها متقدیرین اکثر می شدند بعد نمید  
 سال عصر کردند بهر متاهل شدن آنحضرت به بسیار که بعد قبول شدند از آنجمله  
 یکی از مردمان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح آنحضرت بزوجیت داد بعد  
 چندی الله تعالی از آن بی بی عقیقه اولاد بخشید بسبب قاست و عدم کمالات  
 خاص در شیخ زادگان نوبت مصابرت افتاد از زبان مبارک پیر و تنگبر  
 خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است  
 که چنان حضرت خواججه ابوالبرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان

انور باد کدخدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فزوه دختر  
 نجمه دختر حضرت قاسم بن محمد این حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه  
 گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب انما از حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بدین  
 خطاب اسم محمد بن علی بن حسین ابن علی هو انی بیقر فی علم الدین  
 اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب انما از بی بی فزوه فرزند  
 شد چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه  
 که فرموده اند شده مخاطب نیز فاضل قول لا تسبوا علی ابی بکر انا  
 ولدانی مؤمنین هر اولاد منی نسبت صوری و منوی چه که از حضرت  
 قاسم جد امی فیض یافتند بدین کدخدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت  
 اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه  
 ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله طقب  
 کتب الکریم سیدی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم بایستند  
 نسبت کسی اولاد سید ابراهیم یافت نیست آنجا ب و ذکر حضرت امام  
 جعفر صادق و ذریب شان و نسب سیدوم جد اگاهانه تحریر خواهد شد  
 اولاد حضرت سید اسمعیل میکند که جدا علی جدا حضرت سیده خواجه  
 ابو البرکات قدس سره اند بدین خط تحریر است باید دانست در کتاب  
 حضرت مکتوب نسبت داده است بخوبی این فقیر نسبت یقین و اسطره میرسد

این شهر گردید هرگاه راجه دولت راجه گویا راجه میر سید علی شریف  
 سبب تشریف بری اینجا خواست آنحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه مقام  
 گویا چون حضرت صاحبزاده خود در خواجه ابوالحسنین قاضی شدند بسوی  
 گویا راجه چند سال در تشریف بردند چون که بودند فرزند چشم و چرخ در  
 مفارقت بر خود داشتند بدین قرار خود نیز معتمد و ملحقه فرزندان و اینجا  
 گویا راجه در زمانه راجه نیکو بامارت گذشت چند سال بعد که کشکی زیاده  
 چون بیجا بانی رانی این راجه از اینجا جای تیرت معتمد خود پندیده و افشا  
 شهر اله آباد کردند خستیا را آنحضرت نیز معتمد و ملحقه فرزندان و اینجا  
 تشریف آوردند از گویا راجه است پذیرگشته در اینجا نادت حیات  
 تشریف خود چنانچه در این شهر بسال یکزار و صد و پنجاه و شش هجری است  
 هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سید مادران زمین  
 بطور سبزه کردند تدفین بعده از اینجا آورده در شهر عظیم آباد پائین میر شد  
 یافتند تدفین عمر شریف بدینود و هفت رسیده بود ذکر اولاد آنحضرت  
 راسته دختر و دو پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین  
 بودند و دختر ثانی از میر محمد علی ساکن شده نارس که خدا شده ذی اولاد  
 شدند و دختر سیم آنحضرت و اله میر محمد علی و خواهران ایشان بودند  
 و فرزند کلان خواجه ابوالخیر رحمۃ الله علیه تر دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابوالحسن ابن خواجه علی ابن خواجه احمد  
 که بواسطه نسبت و سه پشت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیه السلام  
 پیوند دارند بدانند سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
 ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه زرق الله که هفت و هشت  
 واسطه نسب نزدی حضرت خواجه حسن قدس سره ساکن دیوانه است  
 مزار خواجه بسیار نفیس آثار زیاده نموده است این فاکسار چند بار چهره  
 کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری المار قام چرا که مرشدان مرشد و از پیران  
 احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
 بعد تحصیل علم ضروری چند می نوکری سرکار نواب و راجه آن دیار بودند بعد  
 قلعه ارمی برگاه طلب بهاء باطنی شد ترک کرده در شهر عظیم آباد رسید  
 بعد حصول بیعت از تربیت و صحبت جناب حضرت شاه رکن الدین  
 تخلص عشق قدس سره ابوالعلائی مشرف بنام اف شده و صحبت شدند  
 برگاه صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین معرف چو  
 حضرت عزیز نوشته محرک نشد بعین آوری آنحضرت شدند بیعت حصول  
 بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف به بیعت و تربیت  
 معنوی شدند و نیز خواجه زادگان اکثر مجبور شدند بهر قاصد آن شهر  
 آنحضرت بنویز گردند و اهل و عیال و الاخیاء طلب داشته و صورت اقامت

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولد سید احمد آبی ولد سید محمد معروف ابن  
 میر سید جنید ولد سید عثمان ثانی ابن سید عبدالوهاب ولد سید عثمان  
 شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف بزرگ پوش ابن سید عبدالقاسم  
 الحسول بن بزرگوار از مدینه طیبیه حرکت کرده نسل بعد نسل منفر کردند و یار  
 و امصار هر است و بخارا و لاهور آخرد و هلی رسید و چند لی اینجا اقامت  
 گزین شدند چرا که جای تخت سلطنت بود و اجماع درویشان و شایخین  
 حصول ملاقات اناصرا را را کین نموده بطور مرغیت در بارشاهی منصب  
 قضا کردند اختیار از اینجا رحلت گزین شده بسبب هتک استصفیه قضا  
 اینجا در موضع چوینورا قامت پذیر گشتند تا چند نشیت فرزندان اینجا  
 اقامت گزین شدند بعد و خلف ایشان میر سید محمد ابن منته  
 عبدالرحیم ولد سید عبدالرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولد  
 سید محمد فرید فرزندان شان سید ابراهیم را اینجا مراجعت کردند لبوی  
 و یار شرقی قریب بهار موضع سرالنوان پرکنه اردول طرح اقامت  
 انداختند معاهل و عیال خود و اینجا موضع مسکن ساختند از اینجا که در  
 دیار شاهی بود و سوخت کمال بندر لیامرا را کین چند موضع دیار  
 بمحصول فرمان شاهی برسد و معاش یافتند و جای سکونت را نامید  
 بندگوار موسوم فرید پور کردند بالاشد از صد سال که سکونت این بزرگوار

از میر محمد علی که خدا باقی بای دیگر و فرزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه  
 ابو احمد فرزند دارند و جناب حضرت خواجه ابو الحسین فرزند ثانی انحضرت  
 ایشان را دو فرزند دیگر دختر صاحبزاده قصا کردند و الا فرزند کلانی خواجه  
 علی حسین عرفت میر نواب که خدای ایشان را از دختر کلانی خواجه سلطان جان  
 گردید یک پسر و یک دختر که هشتاد و سه سال کردند انتقال ببال کمیز از و صد و نود  
 و پنج هجری ثانی صاحبزاده خود انحضرت را هم علی خواجه علی حسن عرفت  
 خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند و دختر از خواجه و حید جان با پنج  
 میر بخان که خدا شد و پسر کلانی خواجه حسن نواب امام ثانی را تسبیح خواجه  
 نواب حسن است بنور که خدای هر دو برادران نشود و بجای تقریر تعیین یافته  
 شجره نسبت دوم باب اول جز ذکر امام عبد الله اول ایشان  
 ابن امام محمد باقر علیه السلام - بیان نسب و اولاد انحضرت که در شجره  
 بیاید است سید امام عبد الله و فرزند که از پدر و نسبیت پیدا است  
 یکی میر سید با ششم وی سید حبیب الله فریت هر دو بلاد ریادات باقری  
 نسبت اند و اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است  
 بنده مسکین فی الما ذکر فریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت  
 از جانب الامینتاید بطور تحریر سید حبیب الله خلعت از رشید سید بکت الله پسر  
 شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صفوی مراد



و خواست و خوش مزاج و تحصیل علمی عربی فارسی حصول و بی قاسمی  
 وزیر حیدر اینهمه ذمی لیاقت و ذمی ملاقات است کلاسه را  
 ندیدم اوصاف شنیدم هر دو برادر را هر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن کهر  
 ابن میر حسام حیدر که خدا شد ندا و لا نشد باید دانست سید مبارک علی  
 ابن سید محمد اسحاق پانچ فرزند تبه بلند هر یک عالیقدر و ولایت پسر کلانی  
 سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر زوج میر امانت علی  
 که پسر حرف بودند یک دختر از آن دختر شد اولاد رفت از جهان و پسر کلانی را  
 نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سامین که خدا شد ندا  
 سید امجد علی چند دختر آن فرزند یک دختر محمد علی یک دختر از مولوی خیر علی  
 مشوب اولاد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسر ششی سید امداد علی که خدا  
 اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و پسر ثانی مولوی سید امان علی  
 و پسر بیوم مولوی سید **فضل علی** هر دو برادر بعد جلیل سرکاری بعد  
 دیشی بودند ممتاز و سرسند از سیدان علی برادر و پسر دو دختر یک حافظ سید  
 احمد رضا و بی سید محمد یحیی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی  
 عبد العلی که خدا شد ذمی اولاد است و دو خواهر آن سیکه زوج مولوی عبد الحق  
 ابن مولوی داغظ الحق و یک دختر زوج مولوی فخر الدین و شادامی اولین  
 حافظ احمد رضا از دختر محمد و یک دختر شد از آن عقیقه اولاد و فرزند

است در آن دیار هر یک که از آنجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عهد  
 ذی اقتدار لایسبند در میان ذی اقبال فضل الله کمال القدر سید ابوالحسن سید محمد فرید  
 شان سید محمد اودیشان سید محمد علی ابن سید محمد علی ابن سید علی اکبر سید  
 عبدالقدوس ابن سید محمد حسن ابن سید محمد یوسف و لده مولانا سید محمد  
 اسحاق که در اخلاق بسیط شهمه آفاق از ایشان شده ذریه اولاد بسیار  
 حالاً مینویسد باید شنید سید محمد اسحاق زاد و فرزندی سید کرم علی  
 دومی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی و دلیشانی یکی  
 سید صغیر علی و دلیشانی سید جمیل علی و محمد برآم سید جمیل علی  
 زاد و پسر و دختری که زود خواهد محمد حسن بی اولاد هستند و بی زوجه  
 میر محمد تاسم ساکن کمر ایشان نیز ذی اولاد است پسر و دخترو نام پسران  
 یک سید علی احمد و بی سید منور علی بی اولاد هستند همه عالایا پرشینه  
 سید فیض علی را پسر و دم سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید مبارک حسین  
 که از دختر قاضی نادر علی که خدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور حسین  
 جامع کمال است و نیز لا بنصب راجع می اندیک پسر ایشان مولوی انوار احمد  
 ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید و است قاضی نادر علی که خدا از خواهر  
 میر حسام حیدر ساکن کمر او نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب  
 قاضی صاحب مرحوم زاد و پسر یکی قاضی ناصر حیدر که بسیار مردم معقول و

از آنجا که این صاحبان به نسب سیادت واحد باقری بودند به جهت کیفیت  
 ایشان تصریح نگاشت و ترتیب نسب سلسله به منظور تخریب است و اگر  
 هر یک از این خود را به نسب به منظور شمار و مولوی نور محمد بن قاضی بزرگ  
 ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق  
 ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد حسن ابن سید عبد القدوس ابن سید  
 عبد الکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد محسن ابن سید  
 محمد اوجا بن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید  
 عبد الرحمن ابن سید عبد الرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف  
 بر قهر پوش ابن سید عثمان شیر سوار ابن سید عبد الوهاب ابن سید عثمان  
 ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد لاهی ابن سید  
 شهاب الدین لالی ابن محمد مونی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید  
 شهاب الدین نور الانوار ابن سید برکت الله ابن سید حبیب الله ابن  
 امام عبد الله کتب الکریم لقب ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
 ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام الوارثه و سبب دوم  
 باب دوم در ذکر اولاد سید محمد باشم ابن امام عبد الله  
 ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام باید دانست حضرت  
 امام عبد الله را دو پسر ذکر اولاد پسر ثانی تخریب شد با اولاد دوم حالا ذکر

و مولوی سید فضل علی رانیز و دیو و دو دختر یکیز و دو حافظ سید محمد رضا  
 مذکور بالا و همز و دو محمد ظفر الحق توپ سید محمد علی مرحوم و پسر کلانی  
 مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید مان علی که خدا ثانی سستید  
 محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول که خدا از علی  
 اند و شادی حافظ سید احمد رضا موضع مفتی گنج از خواهرزادی میسر  
 شاد حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کن و اسما دلی باشد خورم و شاد  
 باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظمی علی پنج پسر ایشان یکی مولوی  
 مظفر علی دومی مولوی نیاز علی سیومی میر مصاحب علی چارمی میر محمد علی  
 پنجمی سید احمد علی پسر بیستم سید مبارک علی مولوی اشرف علی فسرزند  
 رتبه بلند ایشان مولوی اظفر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی  
 میر مراد علی ایشان اشش فرزند ذی اقبال رتبه بلند یک از ان  
 مولوی وارث علی ایامت ظاہر باطنی هر دو دومی مولوی شیر علی  
 دختر ان ایشان از بزرگ جای قرابت که خدا و از نکو و دیو پسر شد بد پسر  
 سیومی میر مراد علی مولوی حمید علی چارمی سید جهان علی پنجمی مولوی نظر علی  
 ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین مولوی قد حسین فرزند  
 شیخ قادر علی که خدا شدند یک دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر آبی پنجمی پسر سید  
 مبارک علی میرا سد علی اولاد کنند از پنجهان بی بنیان بیایم چنان

که در کتابها سامیان زوجه های بزرگان و ذکر مصاحبت نیز است مکتوب  
 بود فهو المردی میاید بیان باید دانست نام والده ماجده آنحضرت صلوات  
 علیه وسلم سیدنا محمد بی بی آمنه دختر و سبب این عبد الله است که معروف  
 است اسم والده ماجده عید الله بن عبد المطلب وجه اولین آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم که ذی ولد شد نام المومنین خدیجه الکبری دختر خدیجه فاطمه  
 بنت اسد نام والده حضرت جد که در علی مرتضی این بابیطالب زوجه  
 پاک سیدنا علی راسه الله العالی بی بی تبول فاطمه الزهرا بنت حضرت  
 محمد رسول مقبول بکذا نام والده ماجده حضرت سید المشهد امام حسین  
 علیه السلام حضرت بی بی تبول بنت رسول نام والده حضرت علی امام  
 زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شهر بانو کنت  
 ام عبد الله اسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد الله  
 و عایشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام  
 و نام والده حضرت امام عبد الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فزوه  
 بنت حضرت قاسم بن محمد بن صدوق که در نام والده میر سیدنا ششم  
 بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سیدنا ششم  
 بی بی زینب بنت سیدنا احمد والده میر سیدنا حسن بود زوجه میر سیدنا حسن  
 بی بی رضیه بنت سیدنا حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بود زوجه سید

فرزندان حضرت میر سید باشم پسر کلانی امام عبداللہ مینوید بالاجمال  
 و بالتفصیل در شجرہ ثانی کہ بہت ذکر طولانی و کیفیت اخوان عم زاد سید  
 عطا حسین عبد الرزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت  
 سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید  
 شاہ محمد حسین ابن میر سید محمد باقر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا  
 ابن میر سید صدر جان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید قطب الدین  
 عرف سید پودھی کہ از کالی تشریف آورده بجای پودسکن ساختند  
 ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالی ابن میر سید جمال الدین کالی  
 ابن میر سید علاء الدین کالی ابن میر سید علی الدین پوری ابن میر سید جمیل پوری  
 ابن میر سید محمد حاکم لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید  
 محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبداللہ  
 طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابو القاسم طوسی ابن میر سید  
 احمد مدقشی ابن میر سید جمیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر سید  
 علی رسانوئی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد حسن مدنی ابن میر  
 سید باشم ابن امام عبداللہ کتب الکرام ابن حضرت امام محمد باقر  
 علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل لکتاب احتساب الانساب حضرت  
 میر سید ارشد کاپی ابن میر سید جمال الدین کالی

تروجه ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دہلی اقامت کردند  
 پختید فرزند تربلند شان میر سید تاج الدین کتخدائی ایشان  
 از بی بی عالیشہ دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن عبد الرحیم  
 ابن سید عبد شکور گردید نسب علوی از انجا در دارالخیر احمر مقرر شد  
 در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس السعالی  
 شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم یافتند مشرف شده فیض یافته  
 شرف خلافت یافتند و حسب طاعت پیر دستگیر دہلی طرح بود باش  
 ساختند و در محبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی  
 قدس سرہ در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند  
 میر سید علاء الدین و یک دختر سادات بی بی رخا از مولانا عبید اللہ  
 ابن سید عبد اللہ کتخدا شد ند از لطن بی بی مذکورہ و دو پسر یک سید علی  
 و دو بی سید عبد العزیز و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حاصل  
 شرف بیعت بطریق عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت  
 شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بوده بمقام  
 مالسی مقرر شده از انجا معاودت کرده در شهر کالی بمصب  
 ولایت انجا اقامت پذیرفتند بمحلہ محمود پورہ در عهد سلطنت آن دیار  
 محمود شاہ بادشاہ کہ خدائی ایشان از سادات عصمت النساء دختر

محمد جعفر بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والد میر سید علی  
 بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی ابن سید محمد که والد میر  
 سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی یحیی و دختر سید عبد الرزاق ابن سید  
 عبد الکیم که والد سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناظمه بنت سید  
 جعفر ابن سید محمد که والد سید اسماعیل بودند زوجه ایشان بی بی  
 صفیه والد میر سید ابوالقاسم بی بی رضیه و دختر فقیه عبد الله قریشی  
 نسب الله میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی رقیه و دختر سید طاهر ابن میر  
 سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیار آمده بفرسکونت کوند اخیار در خان  
 از اطن این بی بی اولاد شدند که میر سید الله کتخدانی ایشان در شهر  
 گردان بی بی خدیجه و دختر سید محمد عتیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن  
 احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی  
 رحمت بنت سید کمال الدین از اطن ابن عقیقه میر سید یعقوب بودند  
 آمدند از شهر طوس بشهر لاهور آمده اقامت کردند خستیار کتخدانی  
 ایشان از بی بی شفق و دختر سید احمد منوی در اینجا شدند زوجه بلند  
 ایشان میر سید داود زوجه ایشان بی بی سلیم و دختر سید محمد آفاق  
 فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه و دختر میر  
 سید ابن عبد الواعده فرزند ایشان میر سید محمد اسماعیل خاوری



بسوی دکن بمقام گلبرگه شریف سیدی میر سید محمد مؤلف کتاب  
 بحر المعانی از فرزندان سید عبد القادر جیلانی چارمی میر سید محمد  
 بهمانی به رسم شتبه انقدر تصریح تحریر نمود تا باز ناغم از ره مقصود  
 باید داشت و نیز میر سید محمد کالپی مرید و خلیفه سید جمال ولیاد تبر  
 مستر شد و خلیفه حضرت سید سید شاه ابو العلاء خدس سرکه  
 که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کالپی محله را محبوره حالا  
 فرزندان شان بعبور درای حرم میباشند را نام علی پور چوره  
 ساختند یعنی فرزندان سید شاه ابوسعید عرف خیرات علی سید شاه  
 نور احمد سید شاه ظهور احمد سید شاه سلطان احمد از مشایخ کاطین  
 وقت مراجعت سفر حج ملاقات هست بخوبی ازین خاکسار الفرض آن  
 سید محمد کالپی از اجداد این فقیر هستند حضرات اجداد بزرگوار  
 بمحله محبوره هست مسجد و خانقاه حالا غیر آباد عمارت است در آنجا که  
 از فرزندان نماند در زمانیم خدام بجا بودند ورامضای حدت بالا از سیال  
 اینهم نیست معلوم که وجود آنها باقیست نامعلوم اند که خدای میر سید  
 محمد کالپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مساه بی بی عزت  
 و که خدای میر سید احمد از بی بی حرمت و که خدای میر سید ارشد  
 کالپی از بی بی عصمت هر سه خواهران اعیانی دختران میر سید کمال الدین

میر سید محمد بن میر سید محمد دهلوی شده و بود و فرزند رتبه بلند  
 از اطنان ابن سبکی متولد شد عسکری سید جمال الدین دوی سید  
 کمال الدین میر سید جمال الدین در دهلوی رفته مرید حضرت سلطان  
 المشایخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیه یافتند  
 مشرف به خلافت شده مراجعت بسوی شهر کالی کرد و فاضل باد  
 شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمه گردید و گفتند بی  
 سید کمال الدین که مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی  
 گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا آنکه دختر از دختر سید عالم علی شدند  
 هر یک چهره برادران عمه را که خدا شدند باید دانست میر سید جمال الدین  
 راسته فرزند رتبه بلند کی میر سید محمد کالی دوی سید احمد  
 سیدی میر سید ارشد کالی این هر دو برادر مرید و خلیفه برادر  
 کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیه خلافت میر سید محمد کالی را از حضرت  
 محمد دم سید نصیر الدین چرانغ دهلوی قدس سره حصول ایشانرا بعد  
 اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بسید محمد گیسو دراز  
 ساختند بایشینده حضرت محمد دم نصیر الدین چرانغ دهلوی چهار خلیفه  
 بودند بنام سید محمد سبکی جدا علی ابن خاکسار که نه گور شد دوی سید  
 محمد گیسو از مخاطب بنده نواز زیدی نسبند فایض الانوارشان

بودند باقی از کتاب نسبت به تفصیل خواهد نوشت و سبب تشریف آوری  
حضرت میر سید تقی الدین معاد اهل عیال این بود که داود شاه باو شاه دیار  
شستر بمقام حاجی پور این محمد شاه باو شاه کاپی بمقام کاپی باز مقام  
حاجی پور شخص صاحبزادگان اینجا به معنی عریضه پرداخت از حاجری  
سبب حب باه معذور معاف نمایند تصور اگر کسی از صاحبزاده گان  
در اینجا معاد اهل عیال از تشریف خاکسار نوازی که مشرف از بیت شوم  
و از معاش و جه کفایت مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت سید

تقی الدین عرف سید بودی معترف زندان

نسبت یوم یازدهم در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق  
علیه السلام و ذکر اولاد انجناب که باولیا و الله است نسبت جعفری  
بر شجره و ثمره نسبت واضح یاد موزین سابقین خصوصاً در حدیث ما سید در  
ذکر اولاد آنحضرت نوشته است بسیار الا از تحقیق کتاب بحر الانساب یافت  
که این کتاب بالفعل نیست نایاب نوشت و تراحتساب الانساب لعل این کتاب  
مینویسد که آنحضرت صادق علیه السلام بودند بهشت فزیه شش سپرد و دو  
دختر سپرد اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام امام زمانه رضی الله  
و ثانی حضرت اسمعیل سیدم حضرت اسحاق چاری حضرت محمد  
نهم حضرت عباس ششم حضرت علی و ساسی صاحبزادان بی بی

ابن میر سید علاء الدین بمانید هر سه پراوختند نذوی اولاد حسب الامر  
 دو پسر میر سید احمد را یک میر سید حسن و دومی میر سید حسین هر دو دوی ولد  
 شدند و میر سید ارشد را یک پسر میر سید محمود و یک دختر بی بی حمید  
 نام اولاد ایشان در انجوا نازند و سید محمد کالپی را نیز دو پسر شد  
 یکی سید جلال الدین و دومی سید جمال الدین که خدای ایشان از  
 دختران عمر گوید یا حال دریافت نشد مفصل حال لا پسر سید جمال الدین دو  
 پسر شدند یکی سید معین الدین و دومی سید رشید الدین و یک دختر نام  
 بی بی خدیجه مدعو پچول بی بی و سید جلال الدین را نیز دو پسر و یک دختر  
 از بطین بی بی اسما و دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کالانی میر سید  
 تقی الدین عرف سید بوژدهی جواد علی ابن خاکسار و ثانی میر سید  
 عبدالحی یک پسر ایشان میر سید عبد المجید یک خواهر ایشان بی بی  
 نعمت النساء و دختر سید عبدالحی و زوجه میر سید قطب الدین ابن میر  
 سید تقی الدین سید تقی الدین عرف سید بوژدهی راسته فرزند الطین  
 بی بی خدیجه عرف بی بی پچول یکی سید قطب الدین مذکور الصد  
 دومی سید حاد عرف سید چاند سیدی سید علی ذکر اینها بجهل خود  
 نوشته خواهد شد اینقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود  
 و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد حسین که جدا بخداوند فقیر خیر

هر دو خواهر حیاتی دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن  
میر سید عبد الرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین  
ابن میر سید نور الدین ابن میر سید محمد الدین ابن میر سید محمد الدین

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیدوم نسب نامه مادری حضرت شهاب الدین بیروندی  
باید دانست جد مادری حضرت شیخ اشعری شهاب الدین بیروندی قدس سره  
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل الشیرازی  
ابن سید عبید الله ابن سید عبد الله ابن سید اسد الله ابن سید  
محمد ظاهر ابن سید احمد مظفر ابن سید حمید ابن سید محمد رفیع القصد  
عرف سید رفیع الدین ابن سید مظفر ابن سید مظفر ابن میر سید  
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی الله عنه علیه السلام  
شجره چهارم در بیان نسب نامه حضرت علی احمد صابری قدس سره  
مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابری ابن سید علی کلان ابن سید احمد  
حقانی ابن سید سعید الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی  
ابن سید نصرانی ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن  
سید عمر ابن سید غفر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
نسب مادری بنیاشیخ قاضی خاوری ناو حضرت بابا فخر الدین شکر الدین اندام الله حضرت سید احمد علی

امام فروغ دین بی امام فاطمه فرشته اند پس بدانید از هر یک که فرزند جاریست  
 اولاد بسیار درین فرزندان پس بسیار و نیز فرقه امامیه نیز جعفری نسب دارند  
 و کرامت نامه و نسب چهارم خواهد نوشت تفصیل الا اول نسب نسب دومی اولیاری که  
 از فرزندان حضرت شد میباید خصوصاً نسب مادری حضرت غوث الثقلین محبوب بیانی فرمودند

### شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبد الله صدوقی  
 جیلانی ابن سید ابو اجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاهر  
 ابن سید عبد الله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

### ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجه معین الدین  
 خواجه ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجه بزرگ ابن حضرت  
 سید عاقل ملک ابن سید عبد الله ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم  
 ابن سید ابو ابراهیم ابن سید حسین ابن سید یحیی ابن سید محمد ذکریا  
 ابن سید اسماعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه  
 بایده شنید الله حضرت غوث الثقلین و الله حضرت خواجه بزرگ  
 هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جد و مادری حضرت غوث الثقلین  
 بی بی عاتقه نام جد و مادری حضرت خواجه بزرگ بی بی معصومه

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین  
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شهاب الدین میر حکومت ہے

راحت النسا و دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری  
حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسماعیل ابن خواجہ محمد باقری ابن سید نجم الدین  
دعبل عن ابن سید نصیر الدین ابن سید نذر اللہ ابن سید ابو بکر علی ابن سید  
عبید اللہ ابن سید محمد اللہ ابن سید اسماعیل ابن حضرت جعفر صادق علیہ السلام  
سید محمد غوث گویاری ابن سید خیر الدین ابن خواجہ عبد اللطیف  
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتش نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بارباری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

شجرہ اول در نسب مادی حضرت بابا فرید الدین گنج  
والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بنی جمیلہ بنت سید وجہ الدین خجندیہ  
ابن سید محمد الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید محمد  
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید  
ابن سید عارف ابن سید اسماعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین علی  
حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین محمد عالم ابن سید ظہیر الدین

حلیہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بر وایت ثانی نامہ الدہ

انکنا سبیل بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

تجرہ نیچہ در بیان نسب ام حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری

ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید عمر

ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ

ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید گل الدین

ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام

جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوہر پیر مجتبیٰ بی بی نور دختر سید و جملہ الدین

چاند دختران حضرت بودندی بی رضیہ عرف شرمی یواسے بی عبیدہ عرف بی

حبیب بی جمال بی بی بدیزوجہ حضرت سلیمان لشکر زین والدہ بی بی کمال اللہ

اکثر نام ابن بی بی تیز بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر و دختر

ایکہ کہ سند یافتہ مخدوم بی جمال زوہر مخدوم شاہ حمید الدین ابن

مخدوم سید آدم صوفی ابن بی بی والدہ مخدوم شاہ تیم اللہ سفید بار بودندی

بی بی حبیبہ زوہر مخدوم سید موسیٰ بہائی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن

بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد حرم پوش اندو بی بی رضیہ زوہر حضرت

مخدوم شاہ احمد کھی انیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل نبیرہ حضرت نام



ابن سید محیی ابن سید یوسف ابن سید ارشد با خدا ابن سید احمد جہا  
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہمم در بیان نسب میر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید  
امام الدین ہمدانی ابن سید نور الدین ہمدانی ابن سید نقیر الدین ہمدانی  
ابن سید ظہیر الدین ہمدانی ابن سید طاهر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی  
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضاۃ ہمدانی  
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید محیی ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن  
سید قاسم ہمدانی ابن سید نرغان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دیباج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیف و نسب سید علی میر سید از حضرت سید علی ہمدانی  
سید شاہ و ولایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ  
حسن علی ابن سید محمد فضل بن سید رفیع الدین ابن سید شاہ علی ابن  
سید عظیم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجع محمد ابن سید عبد القدوس ابن  
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدیع الدین  
ابن سید شمس الدین سیاہ پوش بن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد

ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

ابن سید یونس ابن سید نور الدین ابن سید عمر زید ابن سید حیدر اطهر ابن  
 سید محمد ظفر ابن سید شهاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین  
 ابن سید خواجہ بقار الشہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد المجید ابن  
 سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطهر  
 ابن سید محمد اعجاز ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
 شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید شرف جہا نگیر  
 حضرت سید سلطان اشرف جہا نگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ  
 عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید  
 ابن سید محمد ہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارک الدین ابن سید جمال الدین  
 ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید عمر ابن سید علی  
 ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

عمر دوم نسب نامہ سید امین الدین بجا پوری یکی از خلفاء سید محمد کیو  
 سید امین الدین بجا پوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین  
 بجا پوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد الفتاح  
 ابن سید رفیع الدین محدث ابن سید ذکریا بیابانی ابن سید احمد کاشانی  
 ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید

عطاء الله ابن حضرت سید شاه وجه الله ابن سید شاه نظام الدین ابن  
 سید شاه بایت الله ابن سید شاه محمد بن ابن سید شاه رحیم داد ابن سید  
 شاه کریم داد ابن حضرت سید محمد فرید ابن سید محمد اسماعیل ابن خیر حضرت  
 سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه که دو نامگی  
 مانند واضح باد داد و غیب سید لطف حسین یا پنج پسر یکی سید اکبر حسین و پسر  
 ایشان سید محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکیم سید عابد حسین ایشان را  
 دو پسر یکی سید جعفر حسین ثانی بود کس سیومی سید اوسط حسین  
 پدر سید سلطان چاری عسکری حسین پدر محمد تقی پنجمی سید ذکی حسین فی ثانی  
 اند و میر بکاسین بنی عم ایشان پسر ایشان سید عطا حسین سید نظر حسین  
 و غیره انقدر دانت بگشت نسبت چهارم باب و هم در ذکر اولاد  
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و نسبت نسبت الی الله عز و  
 خصوصاً حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره شجره و شجره  
 واضح باد و معین مذکور به میر فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی الله عنه  
 شصت فرزند کرده اند و هر یک بیست و هفت پسر بیست و هفت دختر از سیزده  
 فرزند اولاد جاری در باقی عقاب مذکور به قیام من نقل از عقیدتنا ناگزیر  
 الا انچه در کتاب است بجز الانساب و احساب الانساب می نویسد و فقیر  
 حقیر عقدت پذیرا می فرزند من انحضرت نیست حضرت علی موسی رضا

## شماره چهارم نسب ماورسی قاضی محمد اجمل دام لطف

قاضی سید محمد اجمل خال لا عظم ایشان شاه محمد و اعظم عرف سید شاه ابدان است  
 ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید  
 محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه عظیم ابن  
 سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت  
 سید اجماع ابن سید محمد الدین ابن سید بدیع الدین ابن سید شمس الدین سیاه پوش  
 ابن سید علاء الدین بهدانی ابن سید محمد بهدانی ابن امیر کبیر سید علی  
 بهدانی جامع کتاب اورد فتمیه جعفری نسب مذکوره بالا جعفری نسب  
 اکثر مشایخین انجولو اند چونکه نسب نامه علی الترتیب سلسله نیافت نگذاشت  
 خصوصاً اهل شیعه خود را اکثر بدین نسب نامند یکی از ان در قرابت و معاشرت  
 این خلک را میوهضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی درین نسب اند  
 و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیه السلام نیز یکی حسین ابن داود غه  
 سید لطیف حسین اند و میریدی سید ابو الحسن ابن میر بهادر علی این جزو  
 بهجتند حکیم سید عابد حسین ابن داود غه سید لطیف حسین ابن میر نصر الله  
 ابن میر دولت علی ابن میر حسین ابن سید لطف الله ابن سید احمد عرف چولهای  
 ابن سید شاه غلام عطاء ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین  
 ابن سید شاه غلام شرف ابن حضرت سید شاه دعاء الله ابن حضرت سید شاه

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه لایث ایشان بمقام  
 سنانیه داده بودند و در حضور و اندام حیات خطاب یافتند حسام الدین بیست و هشت  
 باخر عمر با امدان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجه محمد الدین  
 ذی اولاد شدند خواجه محمد الدین را دو فرزند یکی خواجه کمال الدین کلائی  
 خلف ایشان خواجه زین الدین آئینه کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد  
 الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه محمد الدین که نام فرزند خود  
 بنام پسر خود نهاد وند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه حسین الدین  
 خور و کلائی که بعد ابا و اجداد در اجمیر شریف زیاده سجاد گشتند و نام فرزند  
 ایشان خواجه زین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین لقب بر ابا خلف  
 ایشان خواجه نجم الدین پسر ایشان خواجه احمد کمال ولد ایشان خواجه  
 شهاب الدین فرزند ایشان خواجه یاریز ثانی مقبول بر ابا فی حضرت ایشان  
 عمر خود در سیاحت تمام گردانیدند و در امصار و یاربعد مدت مدید شریف  
 آوردند در اجمیر شریف در آنوقت خادم فرستادند و نگار از فرزند  
 خواجه یاریز دیگر کردند آخر پشهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد  
 سلطان التارکین بود و در بادشاه وقت عطا و نبود خدمت دیوانی نفوذ  
 نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زیاده سجاد و آنحضرت  
 ایشان را کردند و دختر خود در عقد و نکاح ایشان دادند و اولاد جاری شد

امام زمانه کلانی و حضرت اور پس ثانی و سیدنا ابراهیم و سیدنا موسی ششم  
 و سیدنا عابد الله و سیدنا حمید الله و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا  
 اسماعیل و سیدنا یحیی خیر انجیل و نسب نامہ اولیاء اللہ یافتہ میں بہت نسبت نگاہ نور  
 شجرہ اول نسب چارم در نسب حضرت خواجہ بزرگ معین الدین چشتی مدین  
 حضرت خواجہ معین الدین چشتی سہری اجمیری آئین حضرت خواجہ غیاث الدین  
 سہری آئین خواجہ نجم الدین طاہر آئین خواجہ عبد الغفر مطہر آئین خواجہ سید موسی  
 مصفا آئین سید ادب آئین حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام حضرت امام جعفر صادق

### شجرہ اول بزرگ اولاد حضرت خواجہ قدس سرہ

آورده اند بعد کلیل فقر کمال حضرت خواجہ بزرگ بکبر سنی متاہل شدند اولاد  
 حسب بشارت ما شارت انحضرت نبینا محمد صلی اللہ علیہ وسلم نو سالگی عقد  
 نکاح کردند از دختر خجسته ختر سید و جہ الدین مشہدی رونقی زوجہ ثانی  
 بی بی آمنہ اللہ دختر راجہ آندیا و نام دختر سید و جہ الدین بی بی عصمت النساء  
 سہ لپشہ یک دختر در آن عمر شریف حضرت خواجہ در دنیا لم بوجود آمدند میگویند  
 بی بی حافظ جمال دختر انحضرت از طبق بی بی آمنہ اللہ متولد شدند و با شیخ  
 رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوسہ سوالی کہ  
 اجل خلفاء حضرت خواجہ بودند گفتہ باشند و فرمودند حضرت خواجہ بزرگ  
 اولاد حمید الدین عین اولاد معین است و فرزند کلانی خواجہ ابو سعید حلیت کنو

خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور قصد سفر کردند از اجیرت  
 فرزند رانیر لشیان شمس العارفین خواجه محمد را و وحشتی از دیار مغرب قاصد  
 دید معصارت شرقی شدند از شهر علی سیر کرده بدین نواح رسیدند بجای اقامت  
 در محال کلیمه پسندیدند و حسب مجزی و املاح را بجا بجا بنا گیه ساختند  
 بر وضع کندوسی پرگنه اکیکل منیع بهار در آنجا خبر گیر فقر او برد و ماله  
 کردند عاکموت ببر کفایت معین کردند انشاء شد پید اعراض اعراس پیران  
 که هست شیوه ایشان خصوصاً حاصل در ایشان شامل شدند و اولاد شد  
 پیدا الا خود را شیخ گویندند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود  
 حال اولاد اند فرزند ایشان خواجه داود خواجه محمد یوسف بودند بطریقه  
 آریائی قائم ماندند پس ایشان خواجه عبید الرقیب پس ایشان خواجه محمد جمیل  
 خود را شیخ گویندند و در ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان با بجا و دین  
 اقامت نمود نسبت به معاش صورت کفایت دانی چنانچه قاضی جعفر علی  
 ساکن بر وضع کندوسی از فرزندانش شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ  
 محمد جمیل و وضع جان پور تهریب جهان آباد کیهان متعین شدند فرزند  
 شیخ محمد لطیف شیخ محمد سحان در جا چیزی صورت معاش پیدا کردند شیخ  
 اقبال حسین غیره حاصل پس شاه محمد سحان بودند شیخ محمد شرف الدین  
 شیخ محب الله پس ایشان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پس ایشان شیخ

باید شنید که دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین  
 بودند فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه عیاض الدین پسر ایشان  
 خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو انجم مطهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد  
 هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین  
 ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم  
 خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمد هشتم خواجه شاه محمد مسعود از آنکه  
 چهار فرزند شدند دومی اولاد باقی چهار را عقاب نماندی بگذرد اولاد چهار  
 برادر دراجیمیر شریف نماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه  
 شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یک زینب سجاده حضرت  
 خواجه گشتند بعضی از اولاد مسافر شدند خستیدار رسید امصار و دیار هرگاه  
 به زیارت نزار رسید باجمیر شریف این فاکار در سال یک هزار و دویست  
 و شصت بهجری خیمین دریافت شد که در زمان چهل و هشت بهجری بمنصب  
 دیوانگی زینب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب مال بجای ایشان  
 برادرزاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت اغنا بنی  
 آنکه بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین و دیگر بخت  
 بودند اکنون دریافت شد که فرزند شاه سراج الدین زینب سجاده بخطاب  
 دیوانگی نماند مامور مبارک باد شهره سیوم روایت می نمایند هرگاه



چهاراند با مصار و دیار بسلسله نسب برین نیافت کسی که منی نگاشت الا خود  
 عرف خواجه میر جان و اما و حکیم غلام نبی خان از اولاد از یک فرزند آن خواج  
 امیر کلال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجه احمد حسین و یکی خواجه محمد حسین  
 عرف خواجه محمد ران خلف ایشان خواجه عبد السلام سیدی خواجه محمد حسین  
 عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبد الله هر یک اند محبت پناه که  
 شجره سیدوم نسب چهارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید  
 احمد ملقب چرمپوش معذکر اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش  
 ابن سید موسی هدائی ابن مخدوم سید مبارک هدائی ابن میر سید خضر ابن  
 سید ابراهیم هدائی ابن سید سلیمان هدائی ابن سید عبد الکریم ابن سید  
 عبد الحکیم ابن سید عبد الشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبد المجید  
 ابن سید عبد الرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود  
 ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبد الرحمن ابن میر سید قاسم ابن میر سید فخر  
 ابن میر سید یوسف ابن میر سید کن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر  
 یحیی ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید علی ابن میر سید

عبد الله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

شجره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد

مخاطب چرمپوش قدس سره

محمد زمان و الدمشقان شیخ محمد باسط لیسپیشیان شاه عبد الرحمان عرت شیخ  
 رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد و امیر حسین که از دختر نجیبه دختر مولانا  
 غلام قادر رحمة الله علیه که خدا شد مولانا منصف عدالت بودند علاقه صلح بها  
 این شیخ غلام حیدر شاه و امیر حسین از دختر مولانا سید فرزند مولوی  
 منیر الدین اشقر لیسپکلان با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند  
 انتقال مولوی امیر الدین احمد پشتری بعبده سرکاری بنوراند موجود و  
 سیدوم نصر الدین احمد رفت از نیوالم لیسپکلان مولوی امیر الدین احمد  
 که خدا شد اند الله تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم  
 باب دوم در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ نور الدین امیر کللال  
 باید دانست خواجہ نور الدین امیر کللال پیر مرشد حضرت خواجہ بابا الدین نقشبند  
 قدس سرہ اند خواجہ نور الدین امیر کللال بن خواجہ امیر حمزہ ابن امیر سید ابوالہیثم  
 ابن امیر سید محمد قصودی ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد الله  
 شیدابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر شیدابن امیر حسین ابن امیر سید  
 ابن امیر سید احمد لقب حسین ابن امیر سید محمد غلام ابن سید شریف موسی ابن  
 سید ابوالہیثم مرفعی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام باید دانست  
 فرزند حضرت امیر نور الدین کللال چہاد بودند یکی سید حمزہ و دیگری امیر  
 برتان الدین سیدوی امیر محمد شاه چاری امیر عمر اولاد بر فرزند نامہ

محمد حقیق که خدا شدند و دختر ایشان مسماة اطیبه عرف بے الطور و الله  
 شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش ابن شاه محمود اصل ابن شاه غلام برابن شاه  
 وجه الدین فروزش سید محمد ثانی را سید پسر یک سید شاه نجف علی ایشان را  
 دو دختر یک مسماة دُرُوبین الله امیر علیخان ابن همت علیخان و یکی مسماة  
 سُورین زوجه حاجی قشاه الطاف علی یک پسر ایشان شاه نور الحسن سرور  
 که از دختر قاضی صاحب علی که خدا شده و علی دلا داند و خواهر ایشان از قاضی  
 دمی احمد ابن قاضی صاحب علی که خدا و علی اولاد اند پسر دوم سید محمد ثانی  
 سید شاه احمد علی و دو پسر ایشان شد نیک سید شاه احمد حسین و یکی سید شاه  
 محمد حسین ایشان را دو پسر ایشان چند و دختر سید خلیف الرشید سید محمد ثانی  
 سید شاه پیر بخش خلیف الرشید ایشان سید شاه محمد دوم بخش  
 شاه کلن که بعد عرصه رونق خانه ان زینب مشایخی دادند پسر ایشان دو  
 سید و لایب حسین سید نورالحسین هر دو موجود اند الله تعالی ترقی بخش  
 و شاه نور الحسن ثانی ابن شاه برکت حسین نیز از فرزندان اند که جد بزرگ  
 ایشان و سلال حضرت محمد دوم سید شاه احمد پرموش بوده اند بدین سبب  
 سکونت نیز است و نیز شایسته حکیم محبت بن از فرزندانند و دیگران نیز میگویند  
 چون سلسله یافت تر شد نسبت بنیم باب دوم در ذکر حضرت  
 امام علی موسی ضامن که فرزند ان حضرت بر چهار سوره است و همراه

باید است حضرت مخدوم سید احمد چه می پوشش نواسه حضرت مخدوم سلطان  
 سید شهاب الدین سیرنگوت اندام والده ماجده انجناب بی بی جمعیله مدعوجیه  
 بودند و نام زوجة انجناب بنام اندالاد و فرزند تبه بلند بودند انجناب را یکی  
 مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دومی مخدوم سید شاه سراج الدین  
 ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید  
 شاه محمد الرحمان که از دخر عم کلان بی بی و اسعه بنت مخدوم شاه تاج الدین  
 که خدا شدند دیگر دختر و پسر بود و پسر و برادر یک پسر یک دختر پس سید شاه  
 عبدالرحمان بعد عم کلان و والد خود را سید سجاده نامند بعد خلف شان سید  
 شاه علی عرف مخدوم بده بان شین شدند بعد ایشان پسر ایشان  
 سید رکن الدین مدعو منجم و دل ایشان سید شاه محمود علی از سید سجاده  
 شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین نامند  
 پسر ایشان سید شاه حبیب الله و دل ایشان سید شاه محبوب الله پسر ایشان  
 سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمود دل ایشان سید شاه  
 سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الدین ایشان سید  
 حبیب الله ابن ایشان سید شاه علی صغیر ابن ایشان سید شاه  
 محمد ثانی واضح باد سید شاه علی صغیر را یک پسر سید محمد ثانی و  
 یک دختر شاه مجیده که از سید شاه غلام مخدوم و مدیری است اندام سید شاه

نام والده حضرت خواجہ قطب الدین بن رضیہ بنت سید محمد ابن سید  
 ابن سید احمد ابن سید ابو ابرہیم ابن سید آدم ابن سید عالم ابن سید محمد عالم ابن سید  
 عبد المجید ابن سید عبد المجید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن لد حضرت  
 امام علی موسی رضا علیہ السلام نسبت دوم ضروی نسب نامہ سید  
 شاہ ابو القاسم مشہدی جد المجید حضرت مولوی حسن خاں قدس سرہ  
 سید شاہ ابو القاسم ابن سید شاہ محمد بیات ابن سید شاہ محمد بیات ابن سید  
 مبارک ابن میر سید حفیظ ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاہ ابو الحنفیہ  
 ابن سید شاہ ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد القدوس  
 ابن سید عبد الحلیل ابن سید محمد طیل ابن سید حیل ابن سید علی بن بزرگ ابن سید مظفر ابن سید  
 عبد اللہ اکبر ابن سید محقق ابن سید یحییٰ ابن سید محمد ابن سید علی موسی رضا  
 رضی اللہ عنہ علیہ السلام کز دریت حضرت سید شاہ ابو القاسم طویل است نسبت  
 قرابت و مصاہرت اندین فقیر فقیر فقیر تحریر کرامات بعد ازین خواہ نوشت  
 نسبت سوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بکری والا ابو  
 جد المجید میر سید محمد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن سید ابو الفتح  
 ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک  
 ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی مصطفیٰ ابن میر  
 سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد علی ابن میر سید ابو الفتح

باید است حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام پنج فرزند رتبه بلند و یک  
 دختر عجمه و آخر بی بی فاطمه ثانیه از هر فرزند بن سلسله نسب باقیست  
 خود را ضوی سید میگفتند از اولاد امامیه و فرزنداند و الله اعلم فرزند اول حضرت  
 امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیم  
 سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند و بنیم  
 اجداد سیادت رضوی و واضح باد نسب حضرت پیر و شکیفته قطب الدین  
 آدشی لقب نجیتر کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام  
 علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند و خواجه قطب الدین نجیتر کاکی  
 ارشد و خلفا حضرت خواجه معین الدین حشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین  
 آدشی ماہن سید محمد آدشی ابن سید احمد آدشی ابن سید حسام الدین ابن  
 سید رشید الدین ابن سید غنی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد  
 اسحاق ابن سید محمد جوادی ابن سید علی جوادی ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت  
 امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه و واضح باد حضرت خواجه  
 قطب الدین ابلیس البقره را با اشاره آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم طلاق و فرار  
 بیارتائی متقابل شده اند لکن در وجه ثانیه که در اقران بودند و فرزند شدند  
 یکسید احمد دوی خواجه محمد سید خواجه احمد پیر سیزده سالگی بکمر حجت حق پیوست  
 پیر ثانی خواجه محمد را یک پسر بود و خواجه کبیر زان بعد عقیاب حضرت زمانه

از ولایت اشرفیه آوردند بعینه طالع علی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین  
بدر عالم در بارگاه شده اند بشغولی تدبیر بود در قدری کرامات ایشان  
بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را  
نام بود حضرت مخدوم دختر خیمه اختر بی بی ابدال خود را فرستادند بدست  
یکی از اینها دین کلانی قدر آوردند و توبه کردند اختیار چنانچه مزار ایشان  
واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع  
محققا واقع است در بطون بی بی ابدال او داشتند ساکن موضع بی بی پور شدند  
که جای چلپه بی بی محدوده مشهور است چنانچه انوضع و دیگر دیات معانی اقباض  
او لاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ داشتند بود غلامی که  
فرزند یک فرزند سید شاه اهل شده مذکور بالا و فرزند برادر دیگر سید غایت علی  
بودند خلف ایشان سید فرزند علی گوئی ایشان باز دختر میر مظفر حسین محمد  
ساکن شینو پوره شده سید فرزند علی برادر فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر  
میر اولاد علی بابن سید شاه ولایت علی که از اولاد بوان سید جعفر قدس سر  
بودند گردید اولاد ازین عالم فرزند و پسر ثانی میر فرزند علی میر جمیل علی از  
دو سه شادی اولاد جاری شده چند دختر من دو و پسر یکی سید و احمد حسین  
دو بی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان نزد شاه افطرسین تانیه زوج  
سید امیر الدین نوابادی ثالث زوج پیری صاحبان قاضی محمد بخش محمد

ابن میر سید ابوالحسن بن میر سید بن العابدین بن میر سید حسین عرف سید  
 محمد الطلیح بن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه التوراج  
 سیادات رضوی نسب هستند بسیار بر شهر و امصار و دیار بلکه اکثر اند و هیچ  
 از اولاد و کبار چون نسب نامه اولادشان مسلسل نیافت بدین وجه نگاشت  
 معتقد راند و نیز اکثر در سبب امیلند سیادات رضوی عویدار چنانچه درینجا و دیار و سواد  
 ساکنان موضع ابجمله که نسبت مصاهرت دارند واضح باد و در میان قاضی سلطان  
 بزرگ بودند مشاهیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبدالاحد عرف قاضی بزرگ  
 رضوی نسب بودند و نیز در شان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار  
 مصاهرت واقع شد از اولاد ایشان شهر فار موضع پل پیو و حضرت بهار  
 مذکره در میان ایشان در تیره کنان خواجه نگاشت و نیز در موضع ساسانین  
 ضلع چینه بزرگ و قریب بزرگ بودند منصب قاضی سید اولاد علی و الد ماجد  
 قاضی سید فضل حسین صدر اعلی مرحوم سپر ایشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم  
 و از بنی اسحاق ایشان میر احمد حسین میر محمد و محمد بن سید شجاعت علی  
 در آن موضع در سیادات رضوی ماند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید  
 شاه اهل الله رضوی را در این موضع مصاهرت واقع شد سید شاه اهل الله  
 جدمادری سید شاه عبد الرشید عرف شاه حجتی ابن سید شاه الطیب الله  
 قادری چنانچه منقول است دو سیدزاده بزرگ از سیادات رضوی نسب



سیر کرده حاصل رود یارب بخار را شریف آمده سکونت کردند اختیار پس بدین  
 شهر و بند گوار در آنجا متبل شد و در نسیب شهر فدا انجیل رسید بخاری را در وقت  
 شدند یکی سید احمد بدایونی تانی سید محمد بدایونی و نیز دو دختر شدند خواهر عرب شدند  
 و انبال یکی بنام دینی بی ترغی از و بر سید احمد بدایونی نام ثانی مظلوم شد  
 از بخار انوقت سکونت پیشتر بدایون رسید و در حضرت سید احمد سید  
 نظام الدین اولیا و کنیز ایشان بی بی زریب نام حضرت محبوب  
 تقی حضور بودند و از فرزندان بی بی زریب دو کی سید تقی الدین نوح  
 و وی سید رفیع الدین بدایون هر دو زیاده و لا شدند سید محمد بدایونی  
 را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیف حضرت محبوب تقی بود و غرض او  
 بودند فرزند رتبه بلند ایشان سید شاه ایراج هم ایشان را تربیت ظاهری  
 و باطنی از پدر بزرگوار خود بود خلف از رشید ایشان سید شاه فرید عرف  
 سید طویل بخش مرید و خلیف حضرت محمد نور قطب عالم بنام بود و  
 سید فرید بخش در بهار حبس بیت چشتیان اقامت پذیر شدند بکار جلاله  
 اولاد این بزرگوار سید از مشایخ که از فرزندان رتبه بلند آن حضرت سید معین الدین  
 بهاری خلف از رشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از بنیاد و فرزند  
 شدند به نسیب دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جدا جدا جدا  
 چاند پوره و سید بهاء الدین فرزند ثانی از جدا جدا جدا جدا جدا جدا جدا

و نواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر  
 معروفند بودند اما حاصل اینها بخلاف از سید برادر فرزند یکی سید رمضان علی  
 بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین معلوی دویسپوشان شدند  
 از دود و دیگری میر محمد حسین همانا رسید محمد حسین نوآبادی پسر ایشان سید محمد حسین  
 و از زوجه ثانی خلف الرشید ایشان سید حسین سخاوار ایشان ذی اولاد اند و سید  
 علی حسین بهار از دود میر حسین مکن بر روی شده بودند و دختر این ایشان را  
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام معروف است  
 باید دانست از تحریر تواریخ ما بقیم نیز از کتاب بحر الانساب پیشتر در ذیل حضرت  
 سید پسر سید و دختر فرزندان حضرت امام علی نقی علیه السلام نام زانده ثانی حضرت  
 موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد این مهر و بزرگواری و ادب و کبار اند جا بجا  
 ولی الله صاحب لایزال است و مانند بزرگوارشان فایض الاولاد به شجره اولی  
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشاهین  
 سید نظام الدین یا محمد الیونی حضرت سلطان الاولیاء  
 سید نظام الدین محبوب بانی ابن میر سید احمد الیونی ابن سید خواجه علی بخارا  
 ابن سید عبداللہ ابن سید حسن ابن سید احمد ابن سید عبداللہ ابن  
 سید احمد ولد حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام  
 باید دانست حضرت خواجه علی حضرت سید نایب عرف خواجه عرب از جواد عرب

قطب بخش کتخدا شدند پس دومی شاه قطب بخش شاه در گاهی والد ماجد سید  
 خید بخش و شاه محمد سبحان را دومی سید شاه محمد مهدی که دومی اولاد شد نماز دختر  
 پس دهمانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از طین نجفی رحمانی سید و محمد باقر  
 و سید شاه اسماعیل ایشان یک پس سید علی حسن که از دختر مولوی سید شریف علی ابن  
 سید شاه بهی علی کتخدا شدند یک پیشه ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه  
 تبار که حسین ابن شاه تئیم الله غوث شاه محمد باقر چهار فرزند سید سعید  
 و سید مقصود و سید مودود و فرزند کلانی سید محمد رحلت کردند هر یک با بهترین  
 جامی نسب مصداق است و در پشاه محمد اسماعیل سید علی حسن نام از دختر مولوی  
 سید شرف علی کتخدا شدند یک ملک بقا گشتند پس گذشتند سید حسن نام از دختر  
 شاه تبار که حسین مرحوم کتخدا است دومی ولد است فارشادی دیگر حضرت  
 شاه محمد سلطان رحمه الله علیه از فرزند دومی نامی شاه محمد حسین که از دختر  
 شاه قطب الدین میری کتخدا شدند یک دختر و یک فرزند و شاه محمد باقر  
 سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید حسن و سید کبیر حسین یکی ازین رحلت نمود  
 باقی دومی حیات دومی اولاد اند

مقدم دوم در بیان واقع شانی بذریع سید شاه بهاء الدین  
 ابن حضرت محمد دوم نصیر الدین واضح باد فرزند ثانی و حضرت سید  
 سید نصیر الدین دیوان سید بهاء الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

اولاد ہر سیکے موجود اند

## لمعاول در ذکر اولاد صاحبان چاند لویہ

باید است فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد الشیخ سید شاہ منصو  
ابن الشیخ سید شاہ محبوب الشیخ لویان سید محمد ولد الشیخ دیوان سید  
شاہ غایت الشیخ ابن الشیخ سید شاہ امیر الشیخ شہزادہ چار فرزند رتبہ بلند  
کہ پیدا شد شاخ بہر کی سید شاہ صفی اللہ ولد کلانی و جناب حضرت سید شاہ  
احسان اللہ فرزند ثانی حمادہ نشین بجای پسر سیدی سید اہل اللہ چارے  
سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری ابن بن فری اولاد اند و سید شاہ اہل اللہ  
برادر ختران لود و محمد سید شاہ صفی اللہ را بود ندیکہ ختر بی بی حبیبہ نام دختر  
این بی بی نام بی بی مسی از وید شاہ محمد و اصل کہ بد شاہ امیر علی  
فروری لودند جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ را یک دختر موسومہ  
بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید حسن زیدی نسب کتھا شدند  
از بطن این عقیقہ دو دختر بی بی رحمانی بی بی امانی و یک پسر جناب حضرت  
سید شاہ یحیی علی قدس سرہ و زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان  
نیرہ سید شاہ احسان اللہ دو و خلفہ انحضرت شاہ محمد بخش دو بی  
شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را و فرزند کی شاہ محمد سلطان مذکور  
دو بی شاہ محمد جان و یک دختر بی بی واجن کہ از شاہ محمد جان ابن شام

پسر ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دهری که از دختر سید نجف حسین  
 ساکن محل باره در می نگه داشتند ایشانرا چند دختر و یک پسر سید شاه عطاء  
 ذی اولاد هستند بجا که آبا اجداد نیت بخش اند ذکر نسب مادر حضرت  
 شاه آفاق و آبا اجدادشان که از حضرت سید محمد سهروردی  
 نسل است انور اجداد مادر پسر شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد  
 فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محمدی الدین که نسب بسادات کاملی بودند شادی  
 سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نورالدین بن سید محمد دم غلام  
 ابن سید صدق عالم ولد میر سید محمد سهروردی نزدیک نسب گردید و وجه سیده  
 غلام محمد دم دختر قاضی سید فتح الله خلیف که شادی اولی بود ساکن مقام  
 شیخ پوه از ایشان سید پسر ندیک سید نورالدین دوی سید محمد صالح سیوم  
 سید فقیر محمد عرف فقیر سید محمد صالح لا ولد الا سید نورالدین رانیر سید پسر کی سید  
 غلام مجتبی دوی سید غلام مرتضی سیومی سید غلام محمد پس بداند سید غلام  
 محققه را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد که خدا شدند و سید  
 غلام مرتضی رانیر یک پسر سید بخوردار و دو دختر یک زوجه شاه محمد مبارک  
 ساکن محل چاند پور دوی زوجه سید علی لکبر ساکن موضع شیخ پور و سید  
 غلام محمد رانیر سید پسر کی سید غلام حامد عرف پانچو دوی میر سید میر عرف  
 چه کوثری سیومی سید تاج محمد لا ولد و جد مادر سید شاه علیم الدین پدر

شعیب با حق ولد ایشان سید شاه عبید الله ابن ایشان دیوان سید شاه  
 عبد الوهاب چهار فرزند ایشان کلانی دیوان سید شاه عبد الواحد  
 بودند و دو دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سید می سید شاه  
 حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر  
 سید شاه جمال الدین از دو دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از جدید حضرت دیوان شاه  
 عبد الواحد مذکور شد که سید که از اجداد حضرت شاه محمد آفاق معرفت شاه  
 بگماذ نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله ایشان دریافت نشد شاه ذکی الدین  
 ثانی که پسر ایشان شاه نصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاه مراد علی پسر ایشان  
 شاه فرزند علی دومی شاه محمد پسر ایشان نعمت الله و مراد میروسی علی و از محل  
 دوم شاه ذکی الدین شاه محمد می بودند و نیز شاه ناصر حسین الدیاجید سید شاه  
 عبد الکرم بود که بعد از سید شاه رحیم بخش پسر ایشان سید عبد الکرم نام  
 است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادری حضرت شاه  
 محمد آفاق نسبت قرابت قریبه از قسملوره این خاکسار دریافت شد تبصره میشود  
 باید نیست سید شاه جمال الدین را دو پسر یکی سید محمد ثانی سید شاه کمال الدین  
 ایشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد  
 ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر  
 ایشان سید شاه علیم الدین که ایشان سید شاه محمد آفاق معرفت شاه بگما

ویک خواهر ایشان بی بی لطیفه از وجه شاه علی بخش برادر شاه کریم بخش و الدشاه  
 امیر علی واضح با د سید محفوظ را نیز و و لیسر یک سید رضا علی ابن سید ناصر علی لیسر  
 شان شاه غلام محمد و ثانی ولد ایشان سید احمد و اما و خورشاه نور علی  
 بلخ لیسر ایشان سید علی جان زوی اولاد شده لاولد از تیرجان قند لیسر دومی  
 سید محفوظ بودند سید معصوم لیسر ایشان سید محمد معصوم لیسر شان است و علی  
 و سید مشرف علی لیسر ایشان داود علی عرف و اهو و لیسر سید اشرف علی سید  
 امام علی پدر سید مروان علی و اما و شاه ترابا حق و نا پوری دو خواهر ایشان  
 یک زوجه سید داود علی دومی زوجه سید الفت حسین ابن سید شاه فخر الدین  
 و چهار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجه شاه فخر الدین مذکور و سبکی  
 مادر شاه منگ سیومی را ذکر معلوم نیست اما چارمی زوجه میر محمد عاصم نو اسر  
 حضرت شاه طلب الله مؤزوی خسر شاه محمد سجاده و نا پوری و سبکی  
 شجر نسبت نسباً میر حضرت میر خلیل الدین ابن حضرت سید  
 ابوسعید جعفر حضرت باره واضح با و سید خلیل الدین ابن سید ابوسعید  
 دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اهل الله عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید  
 اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال و شهنشاه ابن میر سید حامد عرف  
 چاند ابن سید محمد عرف سید پاری ابن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید منیا الدین  
 ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شهاب الدین ابن حضرت سید عبدالرزاق





**نواب الطاف حسین خان** که از دختر خال خود **نواب فضل حسین خان**  
 گنج داشتندی اولاد ازین جهان رفته و یک خواهر ایشان نیز بودند لا ولد رفته  
 بدینید خلف کلانی جناب حضرت شاه وارش علی صاحب نام نامی بمنزلت گرامی  
 اولاد علی صاحب کزیت و سجاد قبابی بودند و دختر ایشان یکی زوجه میرزا علی  
 مذکور الصدر لا ولد ثانی و وجه سید فادر محمدی اولاد شدند یک دختر و چهار پسر  
 ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد اجمل بن قاضی احمد علی و پسر کلانی سیده  
 امیر الدین زریب مجاوه و عذراوری شده نام سجاوت برده لا ولد ازین عالم  
 رفته و بی سید منیر الدین از میان رفته بی اولاد میوهی سید شاه  
 محمدی حسین که بخواهی موصوف انداز محل ادبی یک پسر و از سید احمد حسین  
 نام چارمی پسر بیایاقت و هنر سید شاه لطافت حسین بمرت و سخاوت  
 معروف اند که فدای ایشان از دختر سید سجاوت حسین مرحوم گردید که نام  
 دختر شاه ابراهیم حسین نواباوتی بودند که حاصل یک پسر است ایشان لطافت پسر  
 سید شاه حسین که بر لیاقت است خاکسار شاه گنجی ای آن از دختر مولوی  
 شاه حسین گردید و دختر این پسر و پسر و دختر و پسر و دختر و پسر و دختر و پسر  
 جداوری عزیز می باشد حسین بن میرزا حسین سکن موضع میوه و اقامت کباب  
 لیسر و ندایاقت انتظام معاش علاقه در راه پیر و مریا که شجره نسب  
 نسبت شجره باب و در ذکر نام و جد الدین چاکش قدس سره

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خاگ سوار سوار  
 ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه ابوالمؤید ابن حضرت سید ابوالکرم  
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر در میت ابن حضرت تبصریح انیسکه  
 سید طلس الدین ابن سید محمد جعفر راسه فرزند یکی سید جان عالم پسر ایشان  
 سید محمد جاده دومی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد راسه دومی که از پسر پسر  
 کلان سید صاحب عالم یک صبیبه ایشان بی بی زهره که از سید ابوالکرم خوانده  
 سید صاحب عالم ششند یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی محمد و نه وجه  
 میرزا محمد حسین شیخ پوری پورند پسر میرزا محمد حسین سید ابوالکرم علی که از دختر شاه صاحب  
 کتخا شدند سید سعادت علی پسر ایشان هستند دختر از میرزا محمد علی ابن میرزا علی  
 رنوی کتخا شدند دو پسر عالم قدر ایشان کلانی میرزا رحمت علی که از دختر میرزا  
 اولاد علی ابن سید شاه اورت علی کتخا شدند اولاد از ابن عالم رفتند پسر ثانی  
 میرزا میل علی بن میرزا رشادی ایشان سه دختران دو پسر یکی سید واجد حسین  
 داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی دومی سید احمد حسین فی ولد اند  
 دار دختران کلانی زوجه شاه ظاهر حسین بهاری ثانی زوجه سید امیر الدین نواب  
 ثالث زوجه بهاری صاحب پسر بی بی زهره زوجه سید ابوالکرم حضرت شاه  
 سید وارث علی پورند سه پسر ایشان یکی اولاد از ابن عالم رفتند دومی  
 میرزا فیض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخ پوره ساکن در میرزا فیض علی

یکده خرد یک پسر محمد دم عبد الله عرف سید سجاد اکبر کنعان ایشان از بنی ابی مخنف  
 و حضرت مبارک ابن سکندر گزید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیازی  
 و پسر سید شهاب الدین جویری سید زین العابدین کنعانی ایشان در او  
 شد یک دختر ایشان ابی حنیفه کنعان شد نماز سید ابو محمد پیازی خلعت سید  
 سجاد اکبر پسر سید ابو محمد پیازی را چهار پسر شد یکی سید حج الدین دوی سید  
 فیض الدین هر دو اولاد الاسدی سید امام الدین کنعانی سید بلای  
 ذی اولاد شد و اولاد ایشان و از آنجا که سید سجاد از موضع بلای نرکان  
 مولوی آل احمد و دای محمد دم پور گزید اول یک از آن شاه امیر حیدر  
 و شاه خمیر حیدر و غیره و در اینجا میر تقی بخش و محمد بخش غیره الا خلف  
 چاری علیهم الدین عرف شاه بیکه از آنجا و قصبه پیر آمده اقامت پذیرفتند  
 رونق بخش سجاد و حضرت محمد دم الملک شدند اولادشان کثیر جمعه محمد دم زاده  
 سابر حضرت اولاد ایشان هستند مفضل و ضامن اول حضرت محمد دم الملک  
 خواب نوشت که طول است شجره نسب امام حضرت خواجه ابو یوسف  
 همدانی معتقد اسلسله نقشبندیه تقوی نسب بدانند حضرت خواجه  
 ابو یوسف همدانی ابن خواجه عبد الله ثانی ابن خواجه قطب الدین یوسف  
 ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظفر ابن سید عبد الله ابن حسین  
 ابن سید محیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

که خواهرزاده حضرت خواجہ نجیب الدین فردوسی و داماد ابن حضرت شرف الدین  
 بودند قدس سرہ سید و حید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاہ حسن  
 مصطفیٰ ابن سید شاہ نجاس من لدن سید علی بن سید شاہ حیدر ابن سید تقی  
 ابن حضرت ملائی مرتفع پوش ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام رضی اللہ  
 بایہ داشت سید و حید الدین چلک کش کتخدا شدند از بی بی بار که دختر حضرت  
 محمد دوم شاہ ذکی الدین ابن حضرت محمد دوم شاہ شرف الدین قدس سرہ  
 بدانیہ پد رسید و حید الدین شیخ علاء الدین سید برادر بودند سید سکندر علی  
 و سید محسن الدین ابیان شیخ حسن مصطفیٰ سید محسن الدین عم شان کتخدا شدند  
 ابن بی رقیہ بنت محمد دوم شاہ طلیل الدین که برادر کلانی حضرت محمد دوم الملک  
 قدس سرہ بودند از بطین ابن بی بی دو دختر یکی بی بی ماہ خاتون دینی  
 بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتخدا شدند و بی اولاد  
 و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند لا اولاد  
 از پنجمان و فرزند بی بی جمال حضرت محمد دوم مجری بودند معروف ابن سید مبارک  
 فرزند ایشان جو صبح کمر انت موضع اوترا لاری موجود اند میر شارت علی  
 کھانت و میر ابوالقاسم اوترا باقی کیست سید و حید الدین چلک کش ابن است  
 معروف است که از بطین بی بی بار که یک دختر موسومہ بی بی زمرہ فرستاد  
 شدند از سید شہاب الدین جویری علوی نسب بطین بی بی بار که بی بی

واضح باد جدا جدا محمد دوم شاه درویش محمد دوم پسر سید که نواز توانا اند سید  
 ابو جعفر لاؤ که نواز نسب نامه سید ابو جعفر بن منظور سید ابو جعفر لاؤ که نواز  
 ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید محمد العین عبد الرزاق که نواز اولاد حضرت  
 غوث الثقلین محی الدین سید عبد القادر جیلانی اند چه که نسب بالا نام حضرت  
 با در آن رسید از تحریر متعذر گردند الا حاجی نور العین خواهر برادره قلی خاں در جانشین  
 حضرت سلطان اشرف جهانگیر اند که انتخاب نسب جعفری دارند بالا این مختصر  
 تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چه که حضرت کچو چیه موضع بتیورا سلسله است  
 و بیعت از انتخاب است خود را ندیدیت آنحضرت اندمده مقصود از اولاد حسین است  
 و انتخاب بذات خاص حضرت بودند مجرد متاثر نشدند پس بدانید اولاد سید حسین  
 قتال در مقام کچو چیه اولاد سید ابو سعید بوضع قتیو ضلع کیا است باید دانست  
 محمد دوم شاه درویش را چهار پسر و یک دختر بود بنی لاؤ و که از محمد دوم خود شش  
 منسوب شدند از آنجا پسران یک پسر محمد دوم سید سکندر مغضوب پدر که در جوار  
 پدر آسوده اند لاؤ و وی سید حامد غوث سید چام بوضع شیخو متصل نیچور  
 سکونت کرد از اختیاریه و محمد دوم شاه مبارک جد بزرگوار ذی اولاد و در  
 شیخو مشهور است سیدی محمد دوم شاه محمود که در پائین هزاره پنهان آسوده اند جانب  
 مغرب جنوب و لاؤ شان نیز یک نفری چاری محمد دوم شاه محمد پسر کلان  
 جانشین پدر که بعد مرقد الله ماجد پهلوی هزاره است جانب مشرق قلی

سید محمد بن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی  
 علیه السلام از اولاد حضرت خواجہ ابوبکر صفت چنانی در دیار فارس مستند الادب علی  
 خواجہ فرید الدین و حاجی غلام الدین و سید نجم الدین و عوشا و قدح حسین و مولانا  
 مشرب اند و از فرزندان خواجہ فرید الدین و سیر الدوله خواجہ وحید الدین  
 و خواجہ زین العابدین بودند

لمعه نسب نامه حضرت خواجہ محمد الخیر نقوی سلسله نقشبندیہ  
 خواجہ محمد الخیر نقوی ابن سلطان امیر محیی ابن امیر سلطان ابن سید کنایه الدین  
 ابن سید اسد اللہ ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید  
 مظفر ابن سید عبد اللہ ابن سید حسن ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید  
 اخوانی ابن سید موسی اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش  
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذریع ایشان نیز در بخارا است  
 لمعه ذکر نسب نامه سید مخدوم شاه درویش بیتیوی نقوی نسب مع  
 بیان ذریع ایشان که موجود اند مخدوم سید شاه درویش بیتیوی  
 ابن مخدوم سید شاه مبارک ابن مخدوم شاه ابوسعید ملقب کشته نواز ابن  
 مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمد ابن سید شاه صفی الدین  
 ابن سید اعجاز الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسی ابن سید  
 ابن سید محمد اعرج ابن سید احمد ابن سید موسی مرقع پوش حضرت امام محمد تقی

سید مبارک شرف سید برادر دومی سید محمد دوم شرف سیومی سید نثار شرف  
 دومی خواهر مولوی هما میرزا مولوی سید کاظم علی فسوب بود و ملا ولد شدند  
 اولاد سیومی سید اداو شرف عرفت چین میان دومی برادرشان سید  
 امانه شرف سیومی سید سلطان شرف چارمی سید معین شرف و اولاد غیر  
 چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اندامه دوم در فکر اولاد شیده محمود  
 سید مظفر احمدی بابن سید غلام حسن ابن شیدا و غلام حسین ابن سید پیرانشین  
 سید غمناک ابن سید دوست محمد ابن سید یاریز ابن سید کمال الدین ابن سید  
 شاه محمود ابن محمد و شاه درویش غنوی باید و نیست سید غلام حسین ابن سید  
 امیر الله و سید پسر کلانی سید شاه غلام حسن پسرانشین و پسر دختر بن فرزند کلانی  
 حکیم سید مظفر احمدی یک پسرانشین سید منظور احمدی ذی ولد دومی سید  
 احمدی شمس الدین و دو دختران یکی خواهر زاده خود سید محمد حسن کتخدا گردند  
 دختر دومی از سید حسن رضا ابن سید شمس الدین شادی شد ذی اولاد اند برادر سید  
 مظفر احمدی سید راحت حسین و ملا سید شاه عبد لکریم پتوری اولاد ایشان  
 چهار یکی سید حسن رضا نکند دومی سید رضا سیومی سید محمد رضا چارمی سید رضا  
 نوجوان برادر پسر ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان  
 مولوی سید نبی الدین حسن و پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث  
 شیدا و غلام حسین بر حرم دو فرزند ایشان سید امیر الدین سید نبی الدین ثانی

طبعه اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمّد بن سرمد مولوی حکیم سید نوآزش رسول  
 چهار برادر کلان ایشان ثانی سید وحید اشرف بیوی سید یادی اشرف  
 ایشان زاد و پدر دو دختر چارمی سید یاشم مغفور که دختر ایشان از بی بی عم غنیمت است  
 سیف از پسر سید وحید اشرف مذکور مولوی سید نوآزش رسول را از محل ایستاد یک دختر  
 ذی اذلال و از محل ثانی سته دختران این حضرات فرزند مولوی سید شاه  
 غلام رسول رحمه الله علیه که دو برادر چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد از این  
 خواهر نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید نادر علی  
 ذمی اولاد اند و دو دختران یکی از سید یادی اشرف که تخته ادوی سید نسیم الدین  
 ابن سید نظام الدین احمد که تخته اند چهره ذمی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن  
 سید شاه غلام محطی و برادرشان سید شاه غلام محطی ابنان شیشه غلام یک  
 سید شاه محطی و از دختران بودند فرزند دختران سید بجوری مغفور و سید شاه  
 غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول ابن هر دو پدر پسر را دیگر یک یک برادر  
 بودند اولادشان هستند الا نام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه  
 عبد الرسول ابن سید شاه محمد عاقل ابن سید شاه محمد معیال ابن سید شاه علی ابن  
 مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه محمد بن ابن مخدوم مبارک و از اولاد  
 سید معیال حکیم مظهر حسن جمعی و از اولاد سید حافظ سید خرم حسین ابن سید مکرّم  
 و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاد و سید غلام رسول



شیخه دو هم نسبت به تقی باب دوم و ذکر نسب و اولاد خواجہ قطب الدین  
 مودود چشتی واضح باد سید قطب الدین مودود چشتی این خواجہ ابو یوسف چشتی  
 مامر الدین که خلیفہ خال خود خواجہ ابو محمد چشتی بودند خواجہ ابو یوسف چشتی این  
 خواجہ سمان بن خواجہ سید ابراهیم بن سید حسین بن سید عبد الله بن سید  
 ابن حضرت امام علی نقی رضی اللہ عنہ مشہور حضرت خواجہ عبید اللہ چشتی این  
 خواجہ سید اسد اللہ چشتی از اولاد حضرت خواجہ مودود چشتی از مقام شریف  
 وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان سینه به بزرگوار ایشان  
 تبریز اہل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا مشغول یافتند بقریب  
 شصت و پنج روز پر گشت و خصل بہار آخر کار در انجا صوت اقامت بامر  
 و معتقد شدند آنجا را خانقاہ و مسجد کردند طیار فرامین بطور انیم حاصل کردند  
 وہ یازده چکوگ جهت اوقات صرف و از صادر چون نذر گذرانیدند سلامین  
 وقت تصویریدہ بہر کفایت اہل و عیال کردند قبول نسب نامہ ایشان  
 تا حضرت خواجہ مودود چشتی و ذکر ذریات سید عبد الله بن  
 سید اسد اللہ بن سید برہان الدین بن سید عبد الرحمن بن خواجہ محمد بن  
 ابن خواجہ محمد سمان ابن خواجہ منظور ابن خواجہ قطب الدین مودود چشتی  
 الحاصل فرزند خواجہ سید عبد الله بن سید اسد اللہ خواجہ قطب الدین بن  
 بودند ولد ایشان سید تاج الدین محمد ابن ایشان سیدہ عنایت اللہ

اکثر مشایخ خان ساکن موضع هتورا واسطه جانب جد مادری است که  
 نسبت به تقیم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام معصوم در میان  
 باید دانست بجز حضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر با اتفاق تعیین  
 از هر فرزندان و اولاد اندالوز باد لیسر کلان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام  
 امام زمانه ثانی حضرت حسین صغیر ثالث حضرت جعفر نسب نامہ اولاد  
 ایشان یافت نگاشت که از هر یک اولیا و نامدارانند شیخه اولی نسبت به تقیم  
 باب دوم در ذکر نسب نامہ حضرت سید جلال الدین حسین  
 مخدوم جانیان جهان گشت سیادت بخاری غسوان ایشان اند مخدوم  
 سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیری بخاری شیخ سوار ابن سید  
 جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشه ابن سید ابوالمؤید بخاری ابن سید محمد  
 جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید عبد الله ابن  
 سید احمد ابن سید علی صغیر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی  
 علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمد بخاری  
 در حضرت مخدوم باب الدین ذکر یا ملتانی قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ  
 بخاری اند فرزند ایشان مخدوم محمد الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح  
 رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ  
 بخاری بمقام او چه آسوده اند مخدوم جانیان در حاکم اند

زوجه سید شاه علی احمد ابن سید غلام محمد دوم ساکن رهومی که خدا شدند  
 چند دختران ایشان خلف ایشان سید شاه علیجان رحلت کردند و جوان  
 اعتقاب نامند الا سید شاه فتح علی راز شادی ثانی که از دختر سید فضل علی  
 ساکن محله باره و دی شد یک پسر یک دختر و دو داماد نام دختر بزرگ  
 لطیف النسا زوجه شاه علی بخش ابن شاه محمد و صل خود و سی از بطن این بزرگ  
 دو پسر یک دختر یک پسر طفل و دیگر نو جوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی  
 مراد ان النسا زوجه میر تقرب حسین ابن مولوی ابراهیم علی کابری را سه فرزند  
 دو طفل یکی نو جوان بشیر رحیم نام بی که خدائی فوت شدند عقاب نامند  
 و نام پسر شاه فتح علی شیاه خیر الدین حسین که بدیار مغرب بجاید روزگار عمر  
 بسر کردند نام اهری چید کرده کمال عزت و جاه در شهر مشهور است که دارند  
 کنه او لا نشد پسر دوم شاه محمد فصیح بودند شیاه محمد طبع ایشان را نیز و فرزند  
 رتبه بلند یکی سید ابراهیم حسین و پسر ایشان یکی سید محبت علی پسر شیاه محمد علی  
 و دومی سید امجد علی پسر سید عباس علی ابن هر دو داماد شاه فخر الدین حسین  
 لا ولد و چند از نیا عالم پسر دوم شیاه محمد طبع شیاه رحمان حسین با ایشان نیز  
 دو فرزند رتبه بلند یکی شیاه فخر الدین حسین و دومی شیاه طاعت حسین با ایشان  
 یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی رضا ابن شاه علی و شاه خدا  
 شدند آخر لا ولد فوت ازین عالم و شادی شیاه فخر الدین حسین از خواهر

انور بود که فخری ثانی سیده ناز الدین محمد داد لاد کثیر انداز هر یک ملاقات  
 است حاصل از آنکه الرشید سیده عنایت الله را خلفت سیده محمد فصیح  
 امیر ایشان یکی سید محمد و جلاله بود پس ایشان سید کریم الدین جد مادی  
 سید شاه مرد الفطام ابن سید امام علی ساکن نهبوی دومی سید رمضان علی  
 پسر ایشان میر بشارت علی یک سید محمدی ولد دوم سیده محمد فصیح سیده  
 غلام عبدالله و ملا ایشان شاه فتح علی عزت بهوری شادی اولی ایشان  
 بی بی میجر از خواهر سید شاه عسکری عزت لشکری بلخی گردید از طبق  
 این نزد یک پسر یک دختر شد ندام دختر بی بی و صحنه زوج میر احمد علی  
 نادر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرفا زوج سید حمایت حسین آنگوی  
 یک دختر ایشان که از خواهرزاده ایشان سید از بخش کتخدا شده ذی اولاد اند  
 پس سیده فخری شاه انور علی که از مسماة ذاکره بنت شاه محمد اصل فرزند  
 که عرشه امیر علی فردوسی بودند کتخدا شدند پس ایشان عابد حسین احمد پسر  
 دله حسین بطغولیت مرد اند از دختران ایشان یکی مسماة حیات بن وجه  
 میرضا علی ابن میر یوسف علی باری پسر ایشان سید فدا علی یک دختری  
 دارد باقی سه خواهر اند سید فدا علی و دختر اوسط مسماة عطیه فاطمه عرف  
 شش از وجه شاه امیر علی ابن شاکریم بخش خلسرین خاکسار است دختر ایشان  
 و یک پسر شاه وزیر علی یک پسر یک دختر موجود دیومی دختر مسماة براتن

بالقسم از آنجا که این خاکسار و نسب نامہ یافت منسوبیہ آنحضرت و آن نسب  
 است یکے از او یا کبار علی تبدیل آنرا منسوبید کی نسب نامہ حضرت خواجه محمد باقر  
 نقشبند دومی نسب نامہ سید شاہ هادی حسینی یا غلطی کاتبان باشد نسب حضرت  
 امام علی نقی علیه السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انچه نزد این فقیر حقیر بود  
 سو و دو تحریر نمود شجره اول در ذکر نسب نامہ حضرت خواجه محمد  
 بہار الدین نقشبند قدس سرہ خواجه محمد بن ابوالدین نقشبند ابن خواجه  
 محمد عبد اللہ بخاری ابن خواجه سید بلال المدین بخاری ابن سید ربان الدین  
 بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین لقب محبوب ابن سید اکبر  
 ابن سید عبد اللہ ابن سید فخر الدین ابن سید محمد دومی ابن سید حسین مقبول ابن  
 سید حسین محمد نقی ابن سید عبد اللہ ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت  
 امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ علیہ السلام باید دانست بنور ولاد حضرت خواجه  
 مد بخارا شریف اند و درین فلاح بزرگ تشریف آرد و بودند خواجه معین الدین  
 نام بود عرصہ چهل و پنج سال بود و بنقص عمر نرسیدند خود را از اولاد آنحضرت  
 میکردند بیان خواجه محمد میر عرف خواجه میر درد متصل ابن خواجه ناصر از اولاد اند  
 آنحضرت بلوی از کتاب رشتہات و شجرہ البقیع چنین دریافت شد کہ حضرت  
 خواجه راد و سپر چار و دختران شدند بالغ و نابالغ از خاتم رحمت ملک بقا بقند  
 جز ما خبر بوی خود که نام بود فاطمہ ثانی خستہ از خواجه علی شدند کہ لقب بودند

سید امام علی بن سید شرف علی ساکن بدین موضع رهبری شد و دو دختر و تسبیح  
 کیفیت دختران مذکور شد پس اوسط سید شاد است بین نوجوانان محمد و پسری نام  
 سید جماعت حسین دلاور شاه اسماعیلی بهر طرف راقم التحریر و دو دختر ایشان  
 هستند نام پسری سید احمد حسین سید فرحت حسین پسری کانی شاه فخر الدین حسین سید  
 الفت حسین که از دختر امون خود سید امام علی که خواستند نماز بطن آن عظیم  
 چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور را چند خواهر یکدیگر و خواهر و خواهر  
 و دومی دلاله شاه منگن پسر سیوی دریافت نشد الا چاروی زوجه سید محمد عام  
 که نواسه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند و انا پوری ازین بزرگان  
 واسطه قرابت و مصاهره بود کیفیت میدانست تبصیر محقر نموده بقیه اولاد  
 محل ثانی سید تاج الدین محمد که دعواییم اند کیفیت دریافت نشد  
 نسبت هشتم باب دوم در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه  
 بیان در سبک شان واضح باد در بیان فریقین مذکور اهل سنن  
 نیز اهل شیعه و الا دین امام الهام بحر حضرت امام محمد مدی علیه السلام  
 دیگر نسبت از علم اهل تشیع که آن امام زمانه صاحب الامر اند در غیبت اند بمقام  
 سرمن برای بوقت موعود ظهور خواهند نمود از ان خار و بیان اهل مذاهب  
 سنیان اینکه آن امام زنده ای بوجود آمدند مسلمانی محمد نوجوان رحلت نمودند  
 از میان ما آنچه در ظهور آیند این محمد مدی موعود اند این سید عبد الله و اعظم

بعد از ذکر اولاد سید سل الله گو سائین مبارکی سوره که فراتر واقع باره درمی  
 باید دانست حضرت سید فضل الله را در فرزند تربیت بندگی سید احمد مدعو عرف  
 سید شیری نگه از بهار پناشته ظاهر گشته سکونت کردند اختیار مقام کوثر اولاد  
 شان آنجا مستند دینی سید نصیر الدین محمود در قصبه بهار رونق بسجاد اول دادند  
 اولاد اند در آنجا منسوب به دو فریق سنی و امامیه اکثر اولاد خلف سید نصیر الدین  
 بودند سید محمود را در فرزند سید نصیر الدین از بهر اولاد شدند پس بهائیدار بطن  
 انجلی سید پیریک دختر بی بی مریم نام دختر بی بی مریم شیده اهل سید قادی  
 مبارک خلیفه و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی که سید نصیر الدین  
 که بودند بجای و نشین دینی سید الدین سیدی سید زین الدین پس بنامید اولاد  
 سید تقی الدین سجاد و نشین در مقام شیخیه تصحیح نسب دریافت نشد الا انیکه  
 میرزا فخر حسین پسر ایشان میل سید علی پسر ایشان میر سعادت علی توانه شیده  
 احمد علی بهاری و سید صفی الدین را در و پسر که سید کن الدین دومی سید  
 صابر علی سید کن الدین را نیز و دلپس که سید تاج الدین را در و دومی سید  
 منهاج الدین پسر ایشان سید برهان الدین خلف ایشان میر مهر علی و سه خواهر  
 ایشان اولاد یک ازین دختران سیده و محمد و محمد بخش ابن سید کریم بخش فرزند  
 و اولاد یک دختر میر فضل علی و نام شاه محمد و اهل خود و بی بداند میر فضل علی  
 ابن میر لکمل علی که از فرزند سید فضل الله بودند و سید صابر علی ابن سید کن الدین

از خواجہ عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد و غلام ثانی دو فرزند از ایشان  
 شدند یکی خواجہ حسن عطار ثانی خواجہ حسین عطار و از خواجہ حسن عطار خواجہ  
 یوسف عطار بودند از ان بعد معلوم نیست کیفیت التفریح شیخ دوم  
 در نسب ما سید شاه صادق حسینی رحمتہ اللہ علیہ  
 کہ مشرب طریقہ قادریہ باشند از فیض آثار ربیاد جنوب لقب گلشن آباد است سید شاه  
 محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید  
 محمد اجماع ابن سید اسد اللہ ابن سید علی راجہ ابن سید امین الدین مدنی  
 ابن سید محمد حسینی ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن  
 حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام و اصبح با دسماع است علم این بزرگ کیست و  
 شصت سال بود با شغال ملکہ میرزا ندان این بزرگ در قصبہ گلشن آباد عرفانک  
 اند کثیر الاخلاق این خاک سار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدنی است  
 معمورہ بمبئی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسب امر میگویم و مولوی  
 سید عبد الفتاح شرف علی ابن سید عبد اللہ کاهی ابن سید شمس الدین  
 ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید الفتاح عرف شید امام الدین ابن سید  
 سید اسد اللہ عرف سید شیر محمد قادری ابن شیدہ محمد صادق حسینی  
 سید شرف علی نیز متقیم شهر بمبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد هر امام بیان  
 شد از نیا در ذکر اولاد بزرگان بہلحات می نویسد



و یکی از آن سید موسی رضا قادی بود سید شاه غلام بهیکه پسر ایشان سید امین الدین  
 اند و واضح باد جناب سید شاه الطیب بودند برادر چهار نو سید برادر کلانی سید شاه  
 کمال و لایزال و اولاد برادر ثانی سید عبدالرزاق عرف شاه کهنوی و دومی سید  
 عبدالکریم پدر سید عبدالکلیل خاص شاه الطیب برادر پسر دو دختر یک کلانی سید شاه  
 عبدالرشید عرف شاه جمی اند و دختر عم خود و خود که داشتند مرد و دختر ایشان شدند  
 یکی از سید فضل حسین بن میر سید احمد بن نوابادی گفت داشتند که خواهر زاده نیز اند  
 دومی از سید محمود بن میر سکر حسین بن موضع کارا اولاد یکی نماد برادر دوم  
 سید شاه جمی سید امیر رشید عرف بودی بودند از محل ولی ایشان اولاد داشتند الا  
 محل ثانی و اولاد یکی خواهر سید فضل حسین مذکور الصدوق و خواهر ایشان هر یکی از اولاد  
 المعتمد و ذکر نسب و فریت مخدوم سید و علیم سفید باز این مخدوم شاه حمید الدین  
 واضح باد سید شاه رشید عرف شاه دوم بن امین سید الوحید عرف شاه ثانی بن  
 سید محمد عالم بن قطب سید عالم بن سید احمدی ابن سید الاحد بن سید محمود عالم  
 ابن سید عزیر الدین ابن سید حبیب الدین سید محمود فرید بن سید هاریم الدین ابن سید شاه  
 فیهیم الدین ابن سید اسماعیل بن سید محمد علی بن سید کریم الله عرف حاجی محمد حبیب که  
 ابن سید شاه علیم الدین ابن مخدوم شاه قیوم سفید باز نسب بالا و نسب نامہ حضرت  
 آدم صوفی جد مجد ایشان و نسب دوم تحریر بالمت حاجت نیست تحریر اکثر مشایخ  
 نسب دیگری از جانب مخدوم شاه علیم سفید باز نسبت الا اولاد آنحضرت حضرت

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الاولاد و دختران بودند بسید علی  
 از یکی دختر پسر شد سید محمد سلیم نام پسران سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بودند  
 کشتن پور بود و هر دو کج کام سکونت کردند و شیار و اولاد دختر ثانی محمد سلیم  
 سید صابر علی و سید محمد کمال بود و باش بقصبه باوه کردند و اختیار اولاد ایشان  
 و دختر و زبانی اولاد و دختران سید نفع الدین که پسران شدند چهار سید عاشق  
 درویش سید طالب علی سید موسی سید مطلب چارمی سید نفی سید محمد تقی اولاد ایشان  
 و در قصبه بار بعد ازین تصبیح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الا ملاقیان ابن کمال  
 بسیار یکی از عماد زمان سید امام الدین حسین سید ابراهیم سید غلام نجف و میر شاه علی  
 و میر فرزند علی و میر کریم شیر خوار امیر الاسیده داشت علی و سید سید و دختران  
 ذریعت اولاد سید فضل الدین و اولاد حضرت غوث ثقلین سید عبدالقادر جیلانی اند  
 معتمد و مذكور نسب نامه میر سید محمد قادری اجمیری تفصیل فریخت حضرت  
 ما بعد نشان باید دانست سید شاه عبدالرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه  
 اطمینان قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد علی قادری  
 ابن سید شاه عبدالرشید قادری ابن سید شاه ابوالمعالی قادری ابن سید شاه  
 عبدالرزاق قادری ابن سید شاه ابوالمظفر قادری ابن سید شاه حسین الدین  
 قادری ابن سید شاه محمد قادری اجمیری نسب بالا نشان نوشته شد حاجت تحریر  
 نیست چنانچه اولاد که از اولاد سید محمد عیسی ابن سید بن علی اجمیری اند

که قریب فائده مخدوم معروف است و در بلاد متفرق شدند و دیگر جاسکوت  
کردند و قیام او را در ایشان هم گشت و در آن دیار آنکه سکونت کردند اختیار اولادیکه فرستاده  
فیصلی و الدشاه علی احمدی و بی شیشه و سکوتی عرف شاه لشکری خال الاعظم شیشه  
نور علی حالدار آنجا انهم نامدار و از دریت بنیان غیر آباد است و آنجا سکونت مردم نامدار  
است الا یک فرزند حضرت مخدوم محمد گویا مخدوم شاه چندین موضع محمی الدین پور  
کردند و قامت اختیار دریت شان در آنجا بر تریب سامی بزرگوار ناما معلوم شد الا آن  
شاه و غلام شاه و ایشان پسر بی شیشه و احمد حسین که پسر شان شیشه و احمد حسین  
و بی شیشه احمد حسین بی شیشه و علی پسر ایشان پسر محمود اند و نه ثانی  
شیشه و غلام الاسلام که پسر اسطه نسب حضرت مخدوم احمد گویا پسر غلام شیشه  
ایشان شیشه و غلام احمد پسر ایشان کلانی پسر شاه توشه التوحید و دو دختر ایشان  
نیکو زوجه قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر  
معلوم نشد خلف ثانی شاه نعم الدین قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر  
ایشان دختر نسو باز شاه محمود و اعظم مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید و نام او  
عم کلانی و خود شاه توشه التوحید نه که اولاد یک پسر ایشان محسن التوحید و نام او  
مولوی محمد و اجد ابن قاضی طهارت التوحید و دو دختر قاضی احسن التوحید  
که خدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طهارت التوحید  
پسر سیومی شاه نعم الدین قاضی طهارت التوحید

شاه قوام بن بودند شادی ایشان از خواهر شاه نورالحق ابن شاه عبدالحق ولد  
 حضرت شاه مجیب قادری شد یک پسر ایشان شاه محمد شرف عرفت همچو بنیان که از  
 خواهر مولوی شاه عبدالحق گنجد داشتند سه پسر شدند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی  
 محمد رضی دومی مولوی محمد ابراهیم لاوله سیومی مولوی محمد جبار الله دواجده شاه و حیدر  
 و دختر شاه دومی من علی الرحمن سماء و صلیب از سید شاه اولیا علی عم المحترم  
 این خاکسار که خدا شد یک دختر ایشان که در شش سید عبدالحق خوشنویس گنجد داشتند  
 لاوله نواز نیال رفند بعد در بیان نسبت نسب بلخیان که از اولاد حضرت  
 مولانا مظفر بلخی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاه  
 شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاه مظفر بلخی ابن سید شاه شمس الدین را  
 فرزندار چند مخدوم سید شاه حسین بلخی مخاطب نوشه التوحید است فرزند  
 رتبه بلخی که از ان مخدوم شاه سلیمان که لاوله رفند از نیهان فرزند  
 دومی مخدوم سید شاه سیف الدین فرزند ان ایشان در موضع کبیری بازید  
 اند و نیز در انجا از اولادشان نامی منبرت گری شاه رستم علی بودند  
 سیومی فرزند که از سید بودند درجه بلند مخدوم شاه حسن بلخی که جانشین پیر عالی  
 شد فرزند ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگر دیار ابن  
 مخدوم شاه حسن بلخی سمنه رتوحید بودند فرزند ایشان چهار از هر یک شاخ  
 نمودار چنانچه فرزند نمودند جوار اما اجداد بسند نگین ده در انجا نماندند در محل بلخی

شاه ولایت علی بلخی نسب اندر فیض شاه ولایت علی بلخی چنانچه بر جای میسرند  
 جدا در ی خوراند شاه صاحب مروج ذکر نسب پشاه عسکری عرف شاه  
 لشکری ساکن محله بلخی از اجداد بزرگان خسرور به باید دانست سید  
 شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مدد علی ابن سید شاه  
 حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه محمد الدین عرف شاه بدین ابن سید  
 مسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد درویش  
 ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگرودی سید شاه حسن عسکری از دختر محمد علی ابن سید  
 دختر شاه محمد اشرف که خدا شد نداده لادیشان نشد لاده و خواهران ایشان بودند  
 یک سماء نصیر از وجه شاه درگاه الدار و بی سماء حبیبی از وجه شاه فتح علی مرحوم  
 از بطن ابن بلخی یک پسر یک دختر سماء و حبیبی از وجه میر محمد علی مادر میر عباس علی  
 و سماء شرف از وجه میر حمزه حسین نام پسر شاه نور علی از وجه سماء فاکره بنت  
 شاه محمد و اصل فرود سی شته دختر ایشان یکی از ان خوشدامن اینجا کنانند  
 مذکور الصدرا نه ساکنان محله بلخی بودند که مذکور ذکر نسب پشاه  
 ولی احمد بلخی یکی از ساکنان محله بلخی منجملات بهار سید شاه ولی احمد ابن سید  
 شاه فیض علی ابن سید محمد ظاهر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید  
 ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین  
 ابن مشید سلطان محمد درویش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگرودی و صبح باد

ایشان پادشاه محمد و اخطا بن سید شاه فیض الدین سل یکی دختر و چهار  
 پسر ایشان پسر کلائی مولوی محمد و اجد سید پسر ایشان چهار دختر و دو دختر یکی بعد  
 دیگری از مولوی محمد باقر ساکن پیر بیگم منسوبی اولاد انداختن دو یک دختر  
 زوجه سید ارشد ابن میر ناد همسین یکی زوجه سید محمد حسن التوحید مذکور  
 ذی ولد اند دختر قاضی طهات التوحید مرحوم زوجه قاضی تفضیل حسین بن محمد  
 سید اولاد علی و الله قاضی سید محمد رندا سید محمد کاظم پسر دینی قاضی طهات التوحید  
 مولوی حمید الدین عرف منگج ادا و شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد  
 پسر حاجی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد و اخطا حق و پسر سید شاه فیض الدین  
 سید طیب التوحید داماد سید فرزند علی ساکن گورگین سید پسر ایشان یکی سید  
 حبیب التوحید و یکی سید محمد التوحید پسر ایشان دو یک نعمت التوحید و یکی نعمت  
 و یک دختر ایشان زوجه سید محمد رندا زوجه زاده اینجا کسار و پسر هم از نام التوحید  
 هست نام پسران شاه محمد و اجد سید عبد الغنی سید شرف الدین و محمد غوث  
 و کر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد موری و اخراج باد  
 والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش ابن شاه میر علی  
 نواده سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد قاضی بلخی ابن شاه سید شاه عبد الطیف  
 بلخی ابن سید شاه دل بلخی ابن سید شاه درویش بلخی ابن سید شاه ابراهیم بلخی ابن سید  
 شاه سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد ننگ دریا و نیز جد موری خاص است

مجاهده بودند و سید شاه امام بخش بن شاه بنده علی ابن شیخ و حسب این  
 شیخ فصیح الدین از اولاد سپه چارم محمد و سید احمد لنگ دریا و سکونت ایشان نیز  
 بموضع بهار پوره متصل مزار فیض آثار حضرت محمد و سید و حسین نوشته است  
 قدس سره بلکه اکثر از پنجانی در اینجا است لمعه در بیان نسب حضرت  
 سید شاه محمد تقی رحمة الله علیه و ذکر ابا اجداد و اولادشان شیخ  
 غلام مظفر ابن سید شاه علیم الدین ابن سید شاه محمد تقی بنی ابن سید شاه غلام  
 ابن سید شاه برهان الدین ابن شیخ علیم الدین بزرگ ابن سید شاه نور محمد بنی  
 ابن شیخ دولت ابن سید شاه محمد فرید ابن سید شاه جید بنی ابن شیخ  
 محمد حافظ ابن حضرت محمد و سلطان ابراهیم ابن حضرت محمد و سید شاه  
 احمد لنگ دریا قدس سره و واضح باد حضرت شاه برهان الدین را و خلعت  
 بودند یکی سید شاه غلام مظفر و الدیاد حضرت شاه محمد تقی و سید شاه غلام مظفر  
 والد حاج سید شاه محمد و بخش ایشان یک پسر مولوی کفایت علی پسر سید  
 ابراهیم حسین و خاھر شاه محمد و بخش و وجه قاضی بهکیاری  
 کشمیری و دو پسر ایشان یک قاضی مظفر حسین فامان جناب حضرت  
 مولوی سید حسن رضا پسر قاضی مظفر حسین الدیاد که نام و یکی  
 قاضی ولایت حسین که شادی اولی از دختر شاه محمد و بخش کرد و از محل  
 یک پسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاه

سید فیض علی دوزدار بود و وی می شاه رحم علی عرف سید شاه درگاه از  
 محل ثانی پسر ایشان شاه تصویب علی و سید فیض علی را نیز و و پسر سید شاه  
 ولی احمد و وی سید شاه و می احمد و الله سید نور الحسن سید شاه ولی احمد و امام  
 شیخ محمد سید ابن شیخ محمد و اسعید و دوزدار طین این و وجه مساهه ر حیا و و پسر  
 و دوزدار پسر کلانی سید شاه علی احمد بنی و امام دین سید محمد خلیل خوشنویس  
 نو ابا وی زوجه شاه علی احمد مساهه و جها النساء چند دختران ایشان ثانی  
 ششید حسن احمد بنی از محل اولی ایشان و دوزدار که زوجه سید ه مبارک حسین  
 دومی زوجه سید محمد کاظم حسین که هر دو و امام دوزدار زاده ایشانند و از محل  
 ثانی یک دختر که از شاه صاحب بن نو سید شاه فرزند علی که خدا و و پسر و  
 یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین که خدا و دختر کلانی  
 مساهه ریاض النساء سید شاه ولی احمد زوجه جها بخت سید شاه و الله حسین  
 و الله جناب سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مساهه حیا النبی  
 زوجه عم المحترم این خانگسار یعنی سید شاه مراد علی و انا پوری و الله بامده برادر  
 عالیقدر حکیم سید محمد کاظم حسین این پدی او لاداند و کبریا بنی ان که نسبت  
 بهار محبت و نیست الادب قرابت و مصاهرت این فقیر اندر یک سید شاه جمال علی  
 اگر جز وی نسب ایشان نیز از فرزند محمود احمد لنگ دریا است پسر شاه صاحب  
 سید مظفر نام دارد و دوزداران ایشان یکی سید شاه بنی محبت علی بنی بسیار صاحب



پسران نورالدین پسر کلائی شاه سید شاه علیم الدین الماد بن اب حضرت  
 سید شاه غلام حسن قدس سره و وی سید شاه غلام شرف پسر شاه حبیب  
 سیدی امین الدین محمد و سال وفات یافت یک دختر سید شاه علیم الدین بن محمد  
 محمد جمیل که خدا شادان فرزند موجود است محمد رشید سید شاه غلام مظفر  
 چهار پسر نشد ترقی عمر باد و صلی در بیان اولاد حضرت سید شاه  
 حاجی حافظ ابوتراب ششدهی رحمت الله علیه باید نیست بدید  
 حضرت حافظ ابوتراب سید شاه ابو العلی ششدهی از سمت مغرب سیاست  
 کرده بجوار حضرت مجاهد رسیدند موضع کوفین که مقام هست آب جوارجا پسند  
 خاطر افتاد و مقیم گشته معادل و عیال فرزند ارجمند در آنجا تولد بشدند سید شاه  
 عبدالمسلّم شادی ایشان بمانند شرفا و موضع مودا گردید چندی مقیم در آنجا  
 ماندند هرگاه به تحصیل علوم اوقات پرداخته و به صلاحیت طبیعت ساخته بکوالی  
 رسیدند فرزند ایشان گردید سی سید شاه عبدالحکیم که خدای ایشان از خیر  
 حاجی شاه غلام محمد گردید و واضح باد این حاجی غلام محمد از اولاد یا با  
 فرید الدین شکر گنج بوده اند و به سفر دیار و امصار سید شاه ابو العلی بودند  
 طریق حقیقه و ششدهی رسیدند و ابو العلی قادری اقامت حاجی غلام محمد  
 بموضع دریا بود متصل ختمه که هنوز سکونت آنجا هست امجدی سید عبدالحکیم

محمد تقی زنده از انهم یک پسر سیدالدین غلام و دختر قاضی بیکاری از حکیم فیض علی  
 گفته اسکن محله طبرستان حکیم محمد امیر یک دختر زوجه سید ابوالحسن حسین ابن  
 مولوی کفایت علی پسر ذی اولاد داند و دختران شاه محمد دوم بخش سبکی مادر شاه  
 تاجل حسین ابن سید میان دویمی زوجه شاه احمد حسین علی ادر سید و اهر سیدین  
 سیدی زوجه قاضی ولایت حسین کور حال گیر در یافتند ذکر اولاد حضرت  
 شاه غلام مغر حضرت شاه محمد تقی خلف شاه غلام مغر چهار خواهران حضرت  
 شاه محمد تقی یک زوجه شاه غلام شهنشاد تقی مذکور الصدودیمی زوجه شاه  
 محمد بخش مذکور بالاسیدی مساه آمنه بی بی زوجه حضرت شاه غلام حسن  
 قدس سره خلف حضرت مولانا سید حسن بن حنا قدس سره چاه سبکی  
 حال معلوم نیست والده حضرت شاه محمد تقی خواهر مولانا سید حسن بن ابوالحسن  
 شاه عبد الله شادی مولی حضرت شاه محمد تقی از دختر خال خود سید شاه محمد  
 گوید اولاد نشد بعد و دوم شادی از دختر دوم شد یک فرزند به بلند مولانا محمد  
 که شادی ایشان از خواهر سید شاه جمال علی بنی پسر دختر شد که زوجه سید شاه  
 تاجل حسین نام پسرشان شاه محمد نصیر شاه اول و حسن شاه حسان فسر زنده  
 ایشانند نواسه حضرت سید میان و از شادی سیم حضرت شاه محمد تقی زوجه  
 چهارم دختر سید شد یکی دختر زوجه شاه محمد الحسن ابن سید شاه محمد و اعظم  
 دویمی زوجه قاضی ولایت حسین کشمیری سیم زوجه قاضی مولوی امیر الحسن

فرمود آن بزرگ عمامه بر سر داری و غرقه میگوئی هیچ ندارم در غلبه تشنگی عمامه  
از سر آور و در طلب آب و آن بزرگ کاسه آب از شگینه بر آورد و گفت کمال  
بصیرتی یک کاسه آب عمامه میدی سید پاک عمامه خود بر سر نهاده و گفتند در طلب  
نیست ما بر غازی یافت از اولاد امام سابقین حضرت زین العابدین ششم  
که بعد واقعه کربلا گاهی آب نخوردند بپا تشنه کامی غریبان و والد ماجد خود  
می آید قریب چهل سال بعد این واقعه بودند متاهل شدند گاهی آب نخوردند  
یوقت کمال تشنگی بدجوت شیر می نوشیدند سحان و عجب بزرگ حس کمال  
بودند چون مراجعت از سفر کردند در وطن بمقام کسی را یافتند چون بموضع  
دوریا پور رسیدند بعضی از قریبان یافتند از احوال و زوجه شاه مصطفی بودند  
موجوده دختر غسوب بیان کردند احوال هر چند تجردی غریب و متاهلی  
نایبند فید شدند مادر اقران صورت عقد نکاح شرعی واقع شد از سکونت  
موضع کوتن برخاسته خاطر شده و بنیویع و دریا پور حل اقامت انداختند  
بسبب بمانست بزرگان اجماع عمر شمس الکی از بطن آن عقیقه متولد شدند  
دو فرزند یکی سید شاه حمید الله دومی سید شاه فیض الله از هر یک اولاد  
شدند دومی علم و شایخ عظام سپهر شاه حمید الله سه پسر کفانی مولوی سید علی  
ثانی سید حمید علی سید شایه سید تخلص سلیم الکمال بودند اولاد از قنده از نیا علم  
چهل سال سید فیض الله را سید کی سیدی الله دومی سید حمید و اخلاط سیوس

فرزند حافظ البتراب شدند چون سایه الدین از سران آن درگذشت  
 سکونت آنجا ناگه افتاد اکثر آمد و رفت به ملاقات امون خود میوضع دریاچه بود که  
 بسبب آبسی نمود تا برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند هفتاد و نه و از مجرد  
 عمر ایشان بیست سال بود و رغبت ایشان شاه مصطفی خاں ایشان را یکده ختر تولد  
 شد نجیب الدین که حیل ملک بقاشدند بر و بر خود وصیت کردند که روزگار  
 روز ناسید البتراب در اینجا از سفر خواب پر سید این دختر را با و منسوب کردم و در دست  
 او خواهد داد و سید البتراب بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت  
 سفرشان بدینگونه در آن سفر در پل تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون  
 قریب فراع شدند بادشاه وقت خواست که بر سر ایشان دستا و فضیلت  
 به بندد و وجه کفایت مقرر سازد و به کس و در یکده شاهای بمانند بنویسد  
 خاطر یافتند از آنجا سفر کردند اختیار روانه شدند به سوی حجاز قریب بیست سال  
 در حرمین شریفین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و خند سال  
 حجازی و شادان حضرت سرور کائنات کردند و روزی از روز مادرشان  
 حرمین شریفین راه می پیوندن تنها جای تشنه کام شدند آب ناپید بود  
 مضطر شدند کمال حد و وقت بزرگی خضر وقت خندیدند کمال بزرگی از تشنه  
 پاکی چو بیا مشکیزد و بغل آب و جام در دست پرسیدند ای سید چه  
 میخوابی گفتند آب تشنه و من بهستم فرمودند چیزی بنده گفتند هیچ ندارم

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن ضیاء قدس سره و برادرشان سید شاه  
 حمید رسالتی باید دانست سید شاه حمید علی را یک پسر سید حسن خوشنویس  
 با کمال اولاد نشد و دو خواهر ایشان بحضرت شاه محمد تقی که خدا یک بعد دیگری  
 و خواهر بیستم که از سید شاه یار علی ابن سید شاه ضیاء الحق عرف رنجن چند  
 دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف حاجا که خدا شد ندیک از مولود  
 و احد الحق پدر مولوی عبدالحق دومی از محمد اکبر سیدی از پسر مولوی محمد  
 چاری مادر شاه فیاض نجفی زوجه میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پهلوانی و دختر  
 ایشان از سید علیم الدین خلف سید هدایت حسین و انا پوری که خدا شد رحیم الدین  
 نام پسر بیست و چند خواهران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن ضیاء  
 قدس سره و دو دختر یک زوجه حکیم بختی دومی زوجه قاضی مظفر حسین خلعت از  
 جناب حضرت سید شاه غلام حسن از خواهر حضرت شاه محمد تقی یعنی از بی بی  
 آیت الله که خدا شد از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر و دختر خسته اختر زوجه  
 سید شاه و علیم الدین یعنی ابن جناب شاه محمد تقی رحمة الله علیه که مذکور اولاد  
 محمد رشید الا خلف الرشید جناب حضرت سید شاه غلام حسن قدس سره سید  
 شاه محمد حسن عرف سید میان دوی مغروران بود و دریافت عری  
 و فارسی از خواهر مولوی کفایت حسین ابن شاه محمد و هم بخش که خدا شد ندیعنی  
 از مساقه بی بی سعیده ابا وجودیکه جناب اناج المحترم بودند هم الامم کمال است

سید قدرت الله اولاد پسر سیدی اولی الله میر فقیر الله بایشان سید پسر و و دختر کلانی  
 از میر علی بهجا و چهلوا دی که خدا فی بولد شدند ثانی زوجه و دم حضرت سید شاه  
 غلام حسن پسر دختر ایشان بهار که حسین پسر کلانی میر فقیر الله سید امیر الله که در  
 وانا پور از خواهر کلانی راقم التحریر کتبه است و دختر و سکه پسر و بود آمدند پسران و دختران  
 و فاعله یافتند و یک بطف الله او دخترین ذی اولاد اند و بالی بتصریح نگاشته خواهد شد  
 الا پسر ثانی میر فقیر الله سید محمد و ذریه اولاد الا پسر سیدی سید محمد عمیل زاد و دختر  
 و یک پسر یک دختر و سبانه سید فضل حسین نوایادی یک دختر است فاسی سید  
 محمد سمیل و شاه محمد و اعظم پسر دم شاه فقیر الله زاد و پسر و و دختر کلا سینه  
 مولوی سید صفه حسن نائب قاضی مشهور فطیم آباد و اصوات با کمال اند و دختر  
 حکیم پسرکن بی بی بصیرت نفسا خواهر زادی حضرت شاه غلام حسن که خدا شدند  
 اولاد نشد و ثانی سید نور الحسن بن امام حضرت شاه محمد علی ذی اولاد و و پسر  
 و سه دختر این دختر کلانی شاه محمد و اعظم از قاضی طهارت التوحید که خدا و ثانی  
 و لده قاضی مولوی امیر محمد و سید بهادر حسین سید محمد حسین ایشان لاولد یک  
 و دختر سید بهادر حسین کتبه از مولوی امین الله ابن مولوی امیر محمد بن که اولاد و ثانی  
 طهارت التوحید که کور باشد الا بهادر خود و ایشان سید طیب التوحید از دختر  
 میر فرزند علی ساکن گوگدین برگه پهلوانی که خدا شدند سینه فرزند ایشان سید  
 حبیب التوحید و سید قمر التوحید و سید نعم التوحید ذی اولاد اند ایشان

محمد بن سید شاه علیهم الدین سیدانیت حسین را از تربیت صحبت کامیاب  
 شده اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتاب شاه سید  
 متخلص سلیم دریافتند و نیز سلسله نسب بالا استماع از حضرت جد الامجد سید  
 شیشه غلام حسین قدس سره و نانا پوری و انجناب رازمولانا حسین بن علی تحقیق  
 شد از این صاحبان جرم صابرت اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت محمد  
 سید علی احمد صابر جامی یافت تحریر نمود و یکی از بزرگان  
 موضع بنیوانند واضح باد اگر چه مندر زند بودن حضرت مخدوم سید  
 صابر کیست چنانکه نسبت الازدختریه مرشد خال المحرم جانا حضرت بابا شیخ  
 فرید الدین گنج شکر است در کتاب کور چون یافت جای درین احوال نگاشته  
 اگر چه این بزرگوار خود را فریدی نامند الانسب آنحضرت است باید دانست  
 نام فرزند آنحضرت حضرت مخدوم شیشه شعیب الدین ولد ایشان مخدوم  
 سید شاه بدر الدین پسر ایشان سید شاه رکن الدین خلع ایشان حافظ  
 عبد الرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبد الکرم ولد ایشان  
 حافظ عبد الوهاب پسر ایشان حافظ سید الشکوره ولد ایشان حافظ عبد العظیم  
 پسر ایشان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل الدین  
 دو برادر یکی میرزا فضل الله و دیگری سید محمد باسط عرف میرزا فخر الدین پسر ایشان  
 که حافظ سید عبد الشکور و او پسر یکی سید عبد العظیم

ظاهر و باطن بود و حصول مقید مراقبه مشغول جفا کشی بود و بر خجابه اتم بیعت  
 یا ایشان باز خجابه و الله ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و محبت جفا بحضرت  
 خال الا عظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و بعد از او و بروی الله  
 خود کرد و منتقال بمرسی و نجبال و دوزخ و زند و یک و دختر یار کار خود گذشتند و دختر  
 شان زوجه شاه محمد نصیر ابن مولانا محمد بنیر فیض از مساعه زینب و دوزخ و ایشان  
 یکی شاه ولی حسین و دیگری سید حسان علی تزیید عمر کاند و خلعت کطلانی از انظار  
 سید شاه تاج محمد حسین ثانی سید امانت حسین که تحصیل علم ظاهر و باطن کرده  
 و چون رفتند بسوی ملک بقا که خدائی شیخه تاج محمد حسین اول از دوزخ شیخه  
 احمد حسین باز ثانی حامی شد از هر دو اولاد نه الا شادی ثالث از هر شیخه  
 محمد نصیر شکیکو شد سیدی و میان آنهم و زمان لغو نیست و حیل ملک بقا  
 شد بعد خلعت پدر بر گوار که انهم نوجوان کردند انتقال سجاده و سجاده علی  
 غلطان شد و غلبه نماید جز اولاد بنات و آیا برادران عزیزان بکوشند  
 رفتند و رفقا ولی از ما جدا شدند که و اصحاب سید شاه تاج محمد حسین با بیعت  
 از جدا جدا خود الا تربیت باطنی از خجابه حضرت میر محمد سید شاه  
 قمر الدین حسین قدس سره و چند سال صحبت با برکت جفا بحضرت شیخه  
 مبارک حسین رحمة الله علیه بوده مجاز اجازت و خلافت طریقه ابو العالی  
 شدند و نیز محمد برادران را تربیت باطنی از خجابه حضرت میر محمد سید شاه تاج



ماضع باد محمد دوم بد عالم را یک دختر لیلی ابدالی که از سید محمد بن سید ذی اولاد  
 و فرزند محمد دوم تیره بلند محمد دوم شاه سلطان بود و فرزند ایشان سید محمود  
 عرف سید جلگن نامیدی و در ایشان سید صاحب بیری اینده ترتیب کیفیت درین  
 ایشان دریافت شد و لا باسما شایخین ایچوار نسب تقریباً پنج نسل نامند که  
 بزرگ سید محمد عرف سومین از فرزندان آنجناب بوده اند و خواجه ایشان مسما  
 بی بی جلگن و در جناب شاه ترتیب ایچ و شاربیار ایچ و شاربیار ایچ بودند و شاه  
 محمد قیاض ساکن چسوه منعمات بعد از فرزند آن نامی آنجناب اند ایشان بعضی  
 فرزند آن محمد دوم بد عالم دریافت شد که این محمد دوم معروف محمد دوم شاه سلطان  
 یا تشیم لاد و تشیم لاد و برادران یاقی اولاد یکی با فرزند ی خود قرار داد  
 زیب سجاده کردند و فرار آنها واقع موضع شوه هست جدادی جناب شاه  
 امیر الدین فردوسی سجاده تشیم بودند و دختر و یک پسر شاه قیاض را داد  
 ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخپوری و دختر کلانی ایشان از شاه بهادر علی  
 ساکن شیخپور که خدا و ثانی از جناب حضرت شاه ولی الله فردوسی و الدیاجه  
 شاه امیر الدین سجاده تشیم شاه بهادر علی را و دختر کلانی از وجه شاه محمد علی  
 شیخپور شیخپوری برادر زاده شان فرزند از جناب ایشان چند که شاه عبد الله  
 امان شاه امیر الدین محمد و علی ثانی و دختر شاه بهادر علی از جناب شاه امیر الدین  
 که خدا و طبع ایچ و بی دو پسر که شاه امین الدین احمد و بی شاه محمد تقی

دویمی سید عبد الغنی پسر ایشان سید عبد العظیم ولدشان محمد تقیم پسر ایشان  
 است زمان ایشانرا سید پسر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیوم یادست  
 دو پسر سید حاتم زمان یکی میر طغیال علی پسر سید علی الغنی صاحب مان متوسط و خوا  
 ایشان زوجه مولوی سید نواز شریع و نیز خواهر سید حاتم زمان و والده اجدد  
 مولوی سید نواز شریع و نیز او میر طغیال علی محبوب زمان پدر محمد زمان اندوکر  
 اولاد سید عبد العظیم و پسر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین پسر ایشان  
 سید کفایت الله ولدشان سید عبد الرحیم پسرشان سید عبد الکریم پسر ایشان  
 سید عطا کریم و پسر سید امام الدین سید محمد عیوض من له مشایخ سید فضل الله  
 پسر ایشان سید فرخ حسین سید احمد حسین سید منیر حسین پسر ایشان  
 محمد حسین که از خواهر خواهر محمد حسن شسوب شدند اولاد سید احمد حسین را دو فرزند  
 سید محمد یحیی و دویمی سید عبد الرحمن عرف من بر دو اولاد الا سید فرخ حسین او  
 فرزند یکی شرف حسین عرف داروغه عالم علی الاولاد برادر ایشان سید اکبر حسن  
 با ایشان دو پسر و دو دختر کلانی سید احمد حسین و دو پسر ایشان یکی مفتقد  
 دویمی فضل حسین موجود ثانی سید غانت حسین والده سید اکبر حسین پسر  
 خواهر کلانی سید محمد ثانی زوجه شاه حسین علی والده مولوی عبد الغنی  
 و برادر ایشان محمد آقا داد اولاد که

ذکر در میت حضرت محمد و م سید بدر الدین بدر عالم

حضرت صدیق اکبر بی بی ام‌الکحیرت صفه بن عامر نواز دخت عم گنجد بودند  
و این ذکر در کتاب تذکره صدیقیه کرده است تسطیر فقط در اینجا مقصود بیان  
از ذریه آنحضرت است باید دانست آنحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه سید پدر دفتر  
بودند از پدر بزرگوار حضرت عاقله زوجه محبوبه حضرت سید المرسلین دثانی بی بی  
اسماء زوجه حضرت زبیر بن عوف بن ابی قلیله کنجد از فرزندان ایشان یکی عبد الله بن  
زبیر و دیگری عروه بن زبیر سیوطی عصبه ابن زبیر کنجد بی سکنیه دفتر خراب  
سید الشهدا امام حسن علیه السلام کنجد شده اند و کیفیت دفتر ثانی در ریافت نشا  
الا از فرزندان یکی حمده که در محل اول بودند و خود او ام‌الحیاتی ایشان بی بی اسماء  
مذکور و از لطف بی بی ام‌رومان حضرت فاطمه سیده و حضرت عبدالرحمن  
و از بی بی اسماء بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل بهر دو جاریست

قبل غازی و بعد غازی مشهور است نوشته می آید

و صل فصل اول در ذکر اجداد سیدنا عبد الرحمن بمسب غازی

خواهر بزرگوار بنیاد الدین سهروردی و شیخ عماد الدین و والد حضرت شیخ  
شهاب الدین سهروردی هر دو برادر اند و شیخ الشیوخ برادر زاد ایشان ضمیمه  
در ذکر نسب حضرت شیخ شهاب الدین بن شیخ عماد الدین بن شیخ نجم الدین  
ابن شیخ محمد الدین بن شیخ رفیع الدین بن شیخ صدر الدین بن شیخ محمد عتین  
ابن شیخ محمد بن ابی شیخ امین ابن شیخ علی الدین بن شیخ عبد الله بن شیخ

و سرخواهران ایشان یکی منسوب از شاه بنده علی ابن شاه حسین علی و دیگری زوجه  
 شاه عبدالعلی سیدزاده و شاه محمد بن میر شاه سید محمد علی بن محمد و سید ذی الدین  
 و یکی شاه محمود و فرزندان محمود پدر عالم بودند معروف خواجگان ایشان زوجه  
 میر محمد علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی پسرشان سید ارباب بن عرف بن محمد  
 موجود اند و دختر شاه محمود از شیخ اکبر علی ساکن بابلای کدخدای پسرشان شیخ  
 اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب ابن محمود فرزندی  
 خود میگردند بیان سلسله نسب در یافت نشد که می نگاشتند و نیز میباشند  
 و نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلع شرقی اکثر مردمان عالی قیام خود را  
 چون از ذکر انساب سیادات فراغت یافت فکر نسب اولاد و حضرات خلفاء  
 ثلاثه بنمایند تفصیل این بر فضل و غمیر تحریر نمود و بعد ذکر اولاد و قضا و نسب

**فصل اول در بیان نسب نامہ حضرت عتیق ابا بکر صدیق**  
**رضی اللہ تعالی عنہ و اولاد و برادر و وصل و دو صمیمہ با ۴**

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبد اللہ نام ابن حضرت عثمان ابوقحافه  
 کنیت شان ابن عامر ابن کعب بن سعد بن تمیم ابن مرثد و اولاد و نضر بن کنانیه  
 قریشی که از فرزندان حضرت اسمعیل بیج الله علیه السلام بودند و تفرقه  
 نسب از حضرت علی الله علیه السلام و آنحضرت از پشت پنجم است و والده ماجده

صیبر اول در ذکر نسب حضرت محمد حسام الدین جاییسی

قدس سره که اولاد آنحضرت اند

حضرت محمد حسام الدین جاییسی ابن شیخ امام الدین ولد شیخ قیام الدین ابن  
 شیخ عبد الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ  
 محمد زاده ابن شیخ محمد جاهد ابن شیخ طاهر الدین ابن شیخ عبد الله ابن شیخ صدر عالم  
 ابن شیخ دانیال ابن شیخ عبد الطیف ابن شیخ محمد جلال ابن شیخ احمد کمال  
 ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داود ابن شیخ مسعود ابن حضرت قاسم ابن  
 حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر بن الصدیق رضی الله عنه چون نسب نامہ بالا  
 تحریر شد از اینجا ذکر اولاد محمد حسام الدین مینویسد صاحبان موضوع جلال الدین  
 از اولاد حضرت محمد حسام الدین جاییسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام علی  
 ابن مولوی غلام نجف ابن شیخ محمد عارف الله و میر محمد کاظم و میر محمد شمس و میر محمد  
 کاظم ایشان میر فدا علی ابن شاه ولایت علی ابن شیخ عارف الله نسبت  
 سادات ایشان از جد اداری است شیخ محمد عارف الله ابن مولانا محمد جمال الله  
 ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبد الغنی ابن نواب اولیس خان خان خطابی ابن  
 قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاند ابن قاضی شیخ  
 چاند عرف قاضی چلده ابن شاه حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ  
 زکی الدین ابن محمد شاه حسام الدین جاییسی دو برادر بودند و یکی شیخ صدر الدین

عبد الجلیل ابن شیخ ابو بکر ثانی معروف شیخ عبد الفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن  
 شیخ محمد سلیم ابن شیخ محمد فرج ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسماعیل ابن شیخ  
 ابرہیم ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ محمد عتیق ابن حضرت عبداللہ بن ابن  
 حضرت صدیق اکبر ابن ابو حماد رضی اللہ عنہم واضح باد کسیک از ذریعہ  
 شیخ شیوخ باشند ابن نسب نامہ بر لو کافیست و دیگر ہر خود و صدیقی نامند  
 و بنو شیخ صدیقی و نسب ہستند لا شیخ صدیقی کہ بردست خلیفہ اول ایسان  
 آوردند از صدیق دل گزین است تحریر از خیرایان ابن حقیقہ فقیر انجمن نمود

تحریر کرد اند صدیقی ازین نسب جمل غازی اند

و فصل دوم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابابکر صدیق  
 بعد غازی رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ  
 از بطریق بی بی اسماء بنت عمیس گزیدند زود و آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم  
 الحاصل شادی محمد بن ابی بکر صدیق و در طبقہ انصار ابن کردید پس در میان  
 خیرین تابعین قاسم بن محمد از دختر عم سیدنا عبد الرحمن کہ خدا شدند  
 از بے اسماء از انید یک دختر عثمان و یک پسر دختر بی بی زود  
 والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبد اللہ و اسماعیل سر زندان  
 حضرت امام محمد باقر علیہ السلام سیادت باقری و جعفری نام پس  
 سیدنا عاصم اولاد ایشان شیوخ بعد غازی معروف اند کہ

ابن قاضی نادر علی ماحوری ساکن شهر گمان میر قاسم علی را سید پسرند  
 دختر پسر کلانی محمد حسن و بی محمد قمر الدین سیوی میر نجم الدین بره ناکه خداوند  
 جابجا و میر محمد قاسم را از عقد کلان ثانیه اولاد یک پسر است و باقی از اولاد  
 بزرگان بالا جایی تبه خواهد یافت بر شمای این کتاب خواند نگاشت شیخ  
 محمد جمیل بن شیخ رحمت الله بن شیخ هدایت الله نیز بیان نسب خویش بعد غاری میکند  
 فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامه حضرت عمر خطاب رضی عنه  
 و تحت این ذکر فرست بدو وصل و چند ضمیر یک حضرت بابا

فرید و بی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی الله

امیر المومنین حضرت عمر ابن خطاب بن نفیل بن عبد الغری بن ریاح ابن  
 عبد الله بن قوط بن صلح ابن عدی ابن کعب بن لوی بن غالب بن  
 انصرفت صلوات الله علیه و آله و سلم و از حضرت عمر تفریق از کعب است جد هشتم  
 انصرفت صلوات الله علیه و آله و سلم و جد نهم عثمان و د الله حضرت عمر ختمه بنت اشهم  
 ابن مغیره بن عبد الله بن عمر بن محمد دم بن قصی بن کلاب ابو جبل بن هشام  
 ابن مغیره برادر عمر و مادر عثمان بود از بنی اعمام ام المومنین خدیجه الکبری  
 بنت خویلد بن اسد ابن عبد الغری ابن قصی بن کلاب کسانیکه ابو جبل را  
 از عم انصرفت شمارند غلط است و انصاف با حضرت عمر اولاد کثیر از پسر

اولاد ایشان جان اند باید دانست قاضی محمد سعید عرف قاضی چاند برادران  
 چهار پوزند یکیشانی و بی قاضی بد جهان سیوی قاضی مبارک چارے  
 قاضی احمد ذیات ایشان نیز قاضی شمس الدین نیز ابن نواب علی خان  
 سر برادر یکیشانی و دومی شیخ حمید سیوی شیخ عبدالرسول و پسران شیخ  
 عبدالغنی نیز چهار شیخ عبدالرحیم و شیخ ابو القاسم و شیخ عبدالرسول ثانی و شیخ  
 عبدالغفور شیخ عبدالرحیم را نیز چهار فرزند یکی مولانا محمد جمال دومی شاه محمد عبدالعظیم  
 سیوی شاه عبدالجلیل چارم شیخ دایت الله از اجداد میر سلامت علی مولانا  
 محمد جمال الله را نیز چهار پسر شیخ محمد عارف الله و شیخ محمد فضل و شیخ ابراهیم  
 و شیخ مولانا و اعظم الله مولوی عارف الله برادر و پسر یک مولوی غلام نجف  
 پسر ایشان شیخ حسام حمید و شیخ مصباح حمید و شیخ ذوالفقار حمید و دو دختر  
 یکے جده مادریه شاه حسین علی و بی زوجه قاضی نادر علی ساکن شهر گیانی  
 پسر دومی مولوی عارف الله شیخ دایت علی پسر ایشان میر قدا علی چند خواهر  
 ایشان یکے از ان والده میر کرم حسین پسران میر قدا علی شیخ ششم از محل اولی  
 محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجه ثانیه زوجه شیخ مادی حسین بابا منش  
 رجب علی و محمد کاظم پسر برادر ذی اولاد اند و نیز شیخ مادی حسین نیز حسام  
 را یک فرزند میر محمد قاسم و خواهران یکی زوجه مولوی ابوالحسن بن مولوی  
 سعید و جده الله دومی زوجه قاضی امیر حمید و سیوی زوجه مولوی وزیر حمید



پنجم وی بودند واضح باد مخدوم حسام الدین ابن شیخ هشام الدین حرم  
 خواهر و ششمین ابن شاه جلال الدین ابن بزرگ نیز از خلفاء حضرت سلطان  
 الاولیا نظام الدین محبوب بجان مقدس سره بودند شیخ جلال الدین ابن شیخ  
 معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدیع الدین  
 سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکوه من سره اولاد حضرت حسام الدین  
 اندلس یار بر دیار لایبقت واسطه یامشت ایشان شاه کریم الدین بودند معروف  
 شاه کریم ابن بزرگ از مقام مانکیور درین دیار قصبه جیره معد اهل و عیال  
 داره شدند در اینجا کی ساخته بجله صاحب گنج معد اهل و عیال باز بسوی وطن مراجعت  
 کردند الا یک پسر خویش را سی شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده رقتند مزار  
 در وطن است شیخ کبیر الدین بدان سرزمین یک چک آباد کرده بنام والد ماجد  
 خود کریم چک ترمین نام معلوم نیست الا حضرت شاه عزت الله و حکیم  
 مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریقه چشتیه گذارنده مرید حضرت  
 شاه عصمت الله قادسی که مرید و خلیفه حضرت مولانا وارث رسول نما  
 بودند تربیت و خدانت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم و یک خواهر  
 ایشان در مقام کلبه از حکیم شیخ با سو که خد شدند و شیخ قاسم از دختر غم خود  
 شاه عزت الله که خدا شده اولاد یک شیخ عسکری و الله حکیم شاه محمد حسین  
 در پی شیخ غالب علی پدر شیخ محمد جعفر سیوی منشی هنایت حسین پدر شیخ

و شرف منیر و کبیر یعنی عبداللہ ابن عمر و خواہر اعیان الشیخان امام المؤمنین حفظہ  
 از یکہ بطریق مذکور بدین عمرانیہ بطریق شرف حضرت علی اولاد نمایند و عبد الرحمن اکبر و  
 عبید اللہ و عاصم بن عمر و عبد اللہ و سطر عبد اللہ صغیر و عبد الرحمن صغیر و عیاض  
 و ابو شحاز الطایف تخلص خواجہ حبیبہ بغدادی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن  
 شیخ ابوبکر ابن شیخ عبیدہ ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغیر ابن حضرت

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

و وصل اعل فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

ابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ غریب الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن الفرج شاہ  
 وانی کابل ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمد طلیل ابن شیخ عبد الجلیل ابن  
 شیخ عبد الجبار ابن شیخ عبد اللہ صحرای ابن شیخ عمر عطار ابن شیخ محمد ذریا  
 ابن شیخ ابی ایوب ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبد اللہ ابن حضرت عمر خطاب  
 رضی اللہ عنہ باید دانست حضرت ابا فرید را دوزخ و جہنمندان کثیر ہر یک  
 کامل فقیر الاولاد جاری مانند جہار یکے شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ  
 بدیع الدین سلمان سیوی شیخ کبیر الدین چاری شیخ یعقوب شیخ  
 بدیع الدین سلمان زبید و سجاده حضرت شہداء و ضمیمہ اول در  
 ذکر حسام الدین تاملکوی کہ مرید و خلیفہ حضرت نو قطب عالم

مولانا شیخ عبدالحق محدث دہلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فستح الدین  
 ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر محمد و شیخ حسام الدین ملکپوری  
 ابن شیخ حسام الدین خواجہ نعمت الدین شیخ جلال الدین ابن شیخ حسین الدین  
 ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بزرگوارین سلطان ابن حضرت  
 بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ ضمیمہ دوم فصل دوم جمل اول شیخ  
 نصیر الدین عرف شیخ پیاری و واضح باد شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ  
 فیض الدین شیخ امان الدین شیخ کبیر الدین ابن محمد و نصیر الدین غلام  
 کلانی حضرت مقبول ربانی بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ باد و است شیخ  
 امان الدین محدث علیہ السلام نصیر الدین از حضرت پاکشن شریف بطریق حسیا  
 در بخارا محاسب کم ولایت درین دیار بر منی جد بنده گوار شریف آورند در  
 دہلی چندی اقامت کرده آخر مقام کالیسی رسیدند و در آنجا از حضرت سید  
 جمال الدین ابن سید علی الدین که جلالی اینجا کسار بودند و طرفه حشمتی  
 بسبب ارتباط طاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خود استاد اقامت نمایند  
 در بخارا فرمودند و جواب حضرت شیخ امان الدین برادر دو قطب در کابل  
 فی التجدد آخر کار از آنجا محاصل و عیال بنواح حضرت بہار رسیدند و در آنجا جای  
 پسند ساخته بنار واد و خانقاہ نمودند و نزد و مستر شدند در آنجا چہ عبادت  
 نام آن محلہ حشمتیانہ شد مشہور از شرفا و انکافوت صورت مصاہرت تھا

احمد حسین و شیخ شرف الدین چاری شاه فضل علی پدر شیخ حبیب الدین پنجمی شاه  
 شجاع علی لاولد بیا شد حضرت شاه عزت الله راد و دختر و چار پسر یکی  
 تذکره العبدانی ناصر شیخ قطب الدین پدر شیخ قاسم علی و اما حضرت حکیم مظفر حسین  
 قدس سره خلف کلانی حضرت شاه حکیم فرحت الله قدس سره طویل الذکر تانے  
 شیخ امیر الله سیوی پدر شیخ محمد عوض جانب پدر شیخ ولی الله حضرت حکیم شاه  
 فرحت الله مخاطب بابا حسن و دست یکی از مریدان و خلیفه اجل  
 محمد و شاه حسن علی قدس سره فرمودی الا یوالی العالی چار فرزند حضرت ایشان  
 کلانی شیخ محمد الدین حسین و پدر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند مقبره  
 تانی مقبول ترائی حضرت حکیم شاه مظفر حسین با کمال خوش فصال قدس سره  
 چند دختران با حضرت کلانی از منشی قاسم علی که ضار و خلف ایشان حکیم محمد  
 و مقبول حسین دختر تانی از شیخ مظفر حسین برادر زاده انحضرت که خدا خلف ایشان  
 حکیم محمد نصیر الله از حکیم محمد مدی حسین که خدا شش فرزند ایشان و یک دختر باقی  
 در قرآن که خدا الا خلف الرشید انحضرت حکیم خورشید حسین مع فضل کمال پسر  
 ایشان شاه فرحت حسن و چند خواهر این ایشان و خلف سیومی انحضرت صاحب  
 شمس الدین لاولد چاری حکیم سعادت علی صاحب پسر ایشان شیخ مظفر حسین و شیخ  
 مرتضی حسین و شیخ اظهار حسن هر سه برادر بجمع صفت موصوفند بودند  
 ضرر و ذکر نسب لانا شیخ محمد حسن بلوی محدث که فرزند برادر اوست

ایشان هر یک از دختران حکم که خدا شد نذکلفانی پسر شیخ معز الدین ثانی ایشان را  
 نیز به پسر که شیخ معز الاسلام و وی شیخ رکن الاسلام سیدی شیخ فتح الاسلام پسر  
 شیخ معز الاسلام جد علی شاه اظهر حسین بن میر حسین بخش سادات نازید  
 ایشان میر حسین بخش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابوتراب ابن شیخ الاسلام  
 ابن شیخ عبد السلام ابن شیخ معز الاسلام ابن شیخ معز الدین ابن شیخ منیر علی  
 ابن شیخ نصیر الدین پیازی ابن شیخ فیض سعدانی نسب بالا ازین معلوم باد و باید  
 شنید پسر دوم شیخ معز الدین شیخ رکن الاسلام بودند جد علی مولوی پسر نریش  
 مرحوم که جدی ابن شاه قطب الدین عرف شاه بساوند ابن شیخ محمد مراد  
 ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحیی ابن شیخ رکن الاسلام  
 شیخ معز الدین مذکور و الصدرا صنف باد شیخ محمد مراد و پسر که مذکور بالا شاه  
 قطب الدین عرف شاه بساوند که یکی از مریدان و خلفای نادر حضرت  
 قطب العالم محمد دوم شاه محمد نعمت دین سره بودند ثانی پسر شیخ بکت حسین ابن  
 شیخ الفت حسین پسرشان شیخ عبد الحسین دین عالم لاولد قلندر و شادی حضرت  
 شاه قطب الدین بساوند از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی لعل  
 بنت بی بی غلور دختر میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر  
 صدر جهان و نسب نامہ میر سید علی ارشد بدینطور ابن میر سید عبد الشکور  
 ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور و صد

الحاصل بعد چندی شیخ فیض الله از اولاد ایشان خواسته نمازگشته معه اهل حرم  
 قریب و اناپور موضع سید پور و بیکه که مردیان ایشان در آنجا بودند اقامت  
 ساختند بکنه بهلوار سی خلع بپوشید و آنجا مردیان ایشان فرقه میداران آن  
 قوم خلجی منصب چو در بزی داشتند شرف خدمت بجای آوردند بعد مصای  
 چند سال در اولاد پیر اولاد صریح بصورت ظهوری ادبیان صورت ظاهر پیدا  
 بسبب عتدائی که پیشتر بنا نهادند تا که اوضاع پنج فرات گشت تصدیق جهت بسوی  
 بهرام افغان پیشین ساختند چون عزیمت انیطور شد پیدای مردیان شیوخ ساکن  
 کوزی این مضمون شد هویدا شیوخ آنجا حاضر شده با کمال در آنجا بودند ایشان  
 فرمودند از خزانة شیرازی چنین امور وقوع آید بر قدم پیران نهاده عرض  
 ساختند باده آنجا بطور عایا خواهم بماند حضور ملک مختار و من العبد دار  
 چون بطور غریب در آنجا بردند صورت قیام افتاد نام انوضع بنام سکه از قریب  
 خود شیخ عنایت الله حشمتی پور عنایت الله ساختند بر پشت سوار و اناپور  
 قریب یک و نیم کوه و فاصله دارد و باید دانست شیخ عنایت الله بن شیخ فیض الله  
 را علامه و دفتر یک پسر بود شیخ رحمة الله و دو دفتران شیخ عنایت الله  
 از پسران برادر ایشان شیخ نصیر الدین بیاری که خدا شد و دو نام پسران شیخ رحمة الله  
 شیخ اغر الدین و شیخ تاج الدین شیخ عزیز الدین و پسران شیخ نصیر الدین که از  
 خواهران شیخ رحمة الله که خدا شد و یکی از ان شیخ مناج الدین مصلح پیران

یک متقی پسر شد که در علم قاسمی بنی نظیر بودند از تلمیح ثانی یک پسر احمد ناد و یک دختر  
 محمود و سست موجود و پسر ثانی مولوی صاحب محمد و محمد مولوی محمد اکبر که در عربی و فقهی  
 داشتند همارت تمام که خدا از او دختر خالائی مسماة محمد و میباشند و دوسر ایشان  
 بوجود آمدند امید علی و نظیر حسین هر دو دلاور و پسر سوم شاه محمد حاضر شده  
 ایشان در مقام منیر گردید از دختر شاه لطف علی مرحوم یک پسر ایشان بوجود  
 اند محمد خلیل که فدائی ایشان از دختر مولوی شرف علی آبادی شد یک دختر  
 و یک پسر شد شاه آفتاب حمید طالع الله عمره و قدسه و دوسر جاری حضرت مولانا  
 شاه محمد خیرانی که از دیر بر سر حائلی از زبوسلیم ایشان اولاد اند و شادی مولوی  
 غزنی حضرت الله علیه از مسماة جمیع حضرت بی ناطقه زوجه شاه تاج الدین آبادی  
 شد و از عقد ثانیه دختر این پسران بوجود آمدند و از جوان فوت شدند و مانند موجود  
 املا حسین و مهدی حسین و یک خواهرشان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام  
 ابن شیخ مغیر الدین یکی شیخ وارث علی و دیگری شیخ فخر الاسلام میبوی شیخ بدر الاسلام  
 جاری شیخ الاسلام همگی واقع شتر خفی حضرت شاه محمودی لاریب ولی و شیخ  
 وقت بودند بارشاد و مرشد طریقه نقشبندیه شتند و کلو دار ایشان بجای تحریر  
 خوابم کرد و در اینجا ذکر پسر الله شیخ رحمة الله ابن شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله  
 میبایم بایند شیخ اعز الدین ابوالعین و دختر ایشان بودند از بنی اعلام که خدا شدند  
 و دوی شیخ غزنی الدین که ایشان شیخ ابوالفتح ایشان را چهار فرزند پسر به بلند

که خدای بزرگوار عبد الواحد از دختر خال خود قاضی علاء الدین ابن قاضی سید  
 عبد الفتاح عرف قاضی بیری گوید و شادی بپسر ایشان نیز از دختر عم گوید  
 و شادی بپسر سید عبد لشکر از دختر میر غیاث مشایخی پور شد الحصول حضرت  
 شاه قطب الدین بساوند بود و پسر یک دختر میر کلانی منته محمد غوث که از بی بی  
 قیس بنت بی بی واصل کرد و در شاه و جده اسلام بودند که خدا منته محمد غوث  
 عرف دهن را یک پسر و یک دختر مسماة منیرا عون سوین گذاشته امیر الله  
 پسر کلانی مولوی غفر الله این شاه قطب الدین که خدا شده لا ولد ماند لا  
 پسر منته محمد غوث مولوی فرحت علی گذاشت منتهی و علی از دختر شاه  
 ابراهیم حسین نو آبادی که خدا نام آن بی بی مسماة بیگم یک دختر ایشان را  
 مریم زوجه اولی سید شاه حسین علی ابن مولوی سیما شرف علی ابن حضرت  
 شاه بی بی علی از بطین بی بی و دلی پسر یک دختر و جده میر و جده حسین ابن میر  
 اسمعیل علی و نام پسر من سید شاه محمد قاسم که از دختر میر عبد المسیح نیا سید پسر  
 که خدا شده نزدیک پسر اسمعیل حسین پسر و بی شاه محمد و جده اند اینده حضرت  
 منته محمد غوث اند و پسر دوم شاه قطب الدین عرف شاه بساوند مولوی غفر الله  
 رحمة الله علیه که بعلم عربیت و فندسی و نجوم و هند و ذی فنون و ذی جمال سعیت  
 هر دو برادر از جانب والد و جده خود است الامولوی مستاجر اخیر تر بیت علم  
 باطن از برادر زاده خود حضرت شاه قمر الدین حسین یافته فرزند مولا باچرا



صیبنی اعلام و اقوالی که خدا شده و پدر و دم شیخ فخر الاسلام بودند شاه حمید الاسلام  
 دو دختر ایشان یکی از بنی اعلام که خدا و بی نروجه میر حسین بخش ازان بطین  
 یک دختر سماء بخشا النساء زوجة مولوی اشرف علی لودا پادوی مادر میر حسین علی  
 پسر نهم شیخ فتح الله شیخ الاسلام مکنونه بالا از دختر میر سید کن عالم داماد پور  
 که خدا شده از ایلین آن عقیق شیخ جو تراب پدر شیخ قلندر علی و بی دختر مسلم  
 از شیخ احمد شاه لپیشان محمد شاه دختر سیوی منسوب از پسر شاه محمد ولی از شیخ  
 کرم علی در اینجا ذکر فرزندین باشد تمام وصل دوم فصل اول در بیان  
 احوال نسب حضرت محمد و ثمس الدین حقانی ادهمی  
 و منبع یاد حضرت محمد و ثمس الدین حقانی کلاهی مراد مع بلور می علاقه  
 بهار و ریت ایشان اند بسیار اکثر معاصی اقبال بعضی اولاد ایشان نسب  
 ایشان سیادات شمرند بسبب ادبیت حضرت مولانا منظر قدس سره باید در  
 نسب ادبیت حضرت مولانا جواد ایشان است جانب اول بسبب جدی سیادت  
 هستند از اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام زین العابدین رضی الله عنه  
 و حضرت سلطان ابراهیم محمدی نسلفه و فی حارند و نواسند ابن و ملوک که

### نسب نامه حضرت محمد و ثمس الدین حقانی

مولانا محمد و ثمس الدین حقانی ابن شاه ابو محمد ابن شاه محمد عالم ابن محمد  
 شاه قاضی احمد ابن محمد و ثمس الدین ابن شاه عبید الله ابن شاه عبد الاحد ابن شاه

یک شیخ ابو الفیث و دومی شیخ ابوالفیث سیومی شیخ ابوالوئیس چاری شیخ محمود و شیخ  
 باید و نساخین هر برادران را بجز فرزندان دختر نبیره نامانند چنانچه از اولاد دختر  
 شاه محمود و شیخ محمود و جویوی عزیز الله شدند و از اولاد دختری تمام  
 ابوالوئیس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابوالفیث شیخ یارون ساکن  
 شیخ پوه کلان و کفایت زندان شیخ ابوالفیث دریافت نشد الا شیخ تلج الدین ابن  
 شیخ نصیر الدین او دهم شد یک شیخ مناج الدین و دومی شیخ سراج الدین پسر  
 شیخ مناج الدین شیخ رفیع الدین پسر شیخ سراج الدین شیخ محمدی پسر ایشان  
 شیخ فیروز جدا بجهت نامش کوز پشت زبان داشت که جوی از اینجا ذکر فرست  
 شیخ فتح الاسلام عزیز السید یکی از آن پنج برادر شیخ وارث علی با مدانات کتفا و در میان  
 یک شاه محمد ولی مذکور الصدوقه فرزندان ایشان پسر اول شیخ غلام علی لاولد  
 و دومی شیخ کرم علی از دشمنان اسلام شدند کتفا اتفاقا ایشان نامند سیو  
 شیخ نور علی که در دیاشند غرق رحمت از دو دخترشان اولاد ماند و یک پسر  
 شیخ فہیم الله لاولد نام دختران بی بی ناطقہ بی بی واحد مذکور به بالاسیو  
 شیخ فتح الاسلام پسر شیخ الاسلام الداجد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی  
 والد حمیرین بنشین پسر سیوم شیخ بدره اسلام شیخ عظمی الد پدر شیخ رفعت الله  
 پسر ایشان شیخ عزت الله پسر چاری شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام و پسر  
 ایشان شیخ حسن علی پدر شیخ هدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

خیمه دوم در ذکر پسر ثانی شیخ عبداللہ عرف میران فریاد ایشان بہت  
 پسر ثانی شاہ عبداللہ عرف میران قاضی عبداللہ فریاد ایشان قاضی محمود  
 فرزند ایشان از انجملہ کیفیت و پسر منوچہر یک قاضی شیخ بہایت اللہ پسر قاضی  
 محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ مسیح پسر پسر وی قاضی محمد ابن شیخ  
 لطیف اللہ ایشان تیر و پسر یک شیخ عاشق محی الدین انہ شیخ غلام محی الدین  
 پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پسر ثانی شیخ  
 لطیف اللہ شیخ غلام بدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر کہ فدائی ایشان  
 در اولاد حضرت خواجه زین الدین برادر خاجہ کمال الدین غلام خلیفہ و خواہر او  
 حضرت محمد و ناصر الدین چراغ دہلوی گردید کہ آنحضرت در نسب علوی بودند  
 شیخ غلام حیدر پسر یک دختر نام دختر بی بی حیاتن زوجہ مولوی بدیع الزما  
 دختر ثانی بی بی زوجہ میر عابد علی وانا پوری اصل پسر کلانی مولوی  
 غلام قادر نفسی یکے دختر ایشان از شیخ واسب حسین و اولاد حضرت خاجہ بزرگ  
 کہ خدا شدند پسر یکے مولوی منیر الدین احمد بفضل و کمال موصوف اردنیا  
 محصور یافتند و دومی مولوی امیر الدین احمد و ثالث ناصر الدین نوجوان نسبت  
 از نیالہ و پسر ثانی شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را و پسر دود و دختر یکے  
 زوجہ میر قادر علی والدہ ناصر الدین و دومی والدہ مولوی الی احمد و محمد حید  
 فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی حسین



فصل سیوم در بیان حالات نسب امیر المومنین عثمان غنی رضی الله عنه  
 بیک وصل و ضمیر یاید و است حضرت امیر المومنین عثمان غنی ابن عفان  
 ابن ابی عاص ابن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف تفرقه و نسب را حضرت  
 صلوات الله علیه و سلم و حضرت عثمان رضی الله عنه از چهار شیت نسب است  
 امین بنی امیه آنحضرت اند بنی هاشم و الله حضرت عثمان بن ابی اروی و بنی خضر  
 که بنی بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس کور الصد و مادر بنی بنی ابی  
 بیضا عم آنحضرت صلوات الله علیه و سلم واضح با و از و از حضرت عثمان  
 کثیر الادود و حضرت صفی الله علیه و سلم یک بعد دیگری زوجه بنی  
 شد ندیک بنی بنی رقیه و بنی بنی ام کلثوم از هر دو اولاد نشد عقاب نامند  
 جربیات حضرت بنی شترن و جد بودند از هر یک اولاد از نسل آنها معروف  
 پرنسب عثمانی نام فرزندان حضرت امیر عمر و عبد الله اکبر و عبد الله صغیر و ابان  
 و خالد و سعید و عقیقه و ولید و شیب و صغیر و عبد الملک یازده پسر نوشته اند و بنی  
 و شش دختر نسب از و زیات هر فرزندان یافت و نه از تنزیه سلسله نسب  
 ولی کاملین حضرت مخدوم جلال الدین کبیر ادلیا پانی بنی و از فرزندان آن  
 بزرگ در بنجا نیز رسیدند حضرت جلال الدین کبیر ادلیا ابن خوج  
 شاه محمود ابن خواجه شاه یعقوب ابن شاه خواجه علی ابن خواجه اسمعیل  
 ابن خواجه محمد ابن خواجه عبد الله معروف و بن خواجه ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

از خواهر قاضی محمد بخش که خدا یک فرزند محرابین و پسر بیستم شیخ علام حسیدر  
 شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح باد سیکه  
 از روسا اینجور شیخ نوازش حسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزند  
 محمدهم حقانی معروفند شادی اول شیخ نوازش حسین از خواهر مولوی  
 و اعظم الحق شده بودند این یک نفر بیست و سه فرزند از شیخ محمد حیات  
 لادلد و پسر شیخ ولایت حسین و اماد شاه شرافت علی فردوسی از محل اول یک  
 پسر محمد حسن لادلد رفت از بیالم و از شادی ثانی شیخ عبدالصمد که موجودند  
 و شادی ثانی شیخ نوازش حسین از صبیبه کلانی شاه و امجد علی فردوسی ساکن  
 موضع سابعه برادر کلانی شاه شرافت علی فردوسی بودند گردید از بطن آن  
 زوج دو فرزند یک دختر و دو شاه فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین  
 و پسر کلانی شیخ محمد حسین ذی ولدند ثانی مولوی محمد احمیل مرحوم که از دختر  
 عم خود شدند که خدا بیعت از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند متبر بلند کلانی  
 مولوی احمد حسین ثانی شاه طاهر حسین ثالث شیخ نور الحسن تذوی اولاد  
 و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین و اماد قاضی احمد علی  
 لادلد و از شادی ثانی که بیست و سه فرزند از صبیبه شاه تمسک الدین یک دختر  
 و دو پسر محمد احمیل مذکور و بیست و سه فرزند از صبیبه شاه تمسک الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

تمسک الدین حقانی در جوار بهار هستند

از جمال ایشان صورت بجا است یا نقشند دختر خود نیز و حیث ایشان دادند آخر بقا  
 و یور و یکم ساخته بقیه شدند بعد مضای چند از انجا شاه ماهر و بطور سیاحت  
 و زیور و آهنگ را بجا نیا معتقد شده از زمین چاکن قریب مذیکه معالی نذر اندو  
 حالا آن علاقه موضع چاکن مشهور سپهر یکم است و عزار شاه ماهر و بوضع  
 سعدی پور است حالا تفصیل کیفیت ذریع نیست بجز شاه ماهر و  
 و دخترند بودند که با نام شاه رحمة الله و بی شاه عزیز الله ایشان را  
 و و پسرند نام پسر شاه رحمة الله شاه طایب الله بخشید و تعالی ایشان را  
 پسر چهار هر یک عالی تبار که شاه حبیب الله و بی شاه محب الله سیوی  
 شاه اهل طه جاری شاه کریم الله بفضل هر یک ذی اولاد بدانید شاه  
 حبیب الله ماسد پسر که شاه کمال الحق و و پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر  
 ایشان محمد شرف و بی شاه نور علی ذی ولد اند سیوی شاه مقبول علی  
 انیم ذی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رماند و دختر شاه  
 کریم الله که خدا یک پسر و یک دختر و اولاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه موسی پسر  
 مرحوم لا اولد فرستند و شاه اهل الله را دو دختر که از پسران شاه بنده علی  
 کتخاد و بی جای دیگر در افسان و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمد بن  
 لا اولد فرستند از نیا عالم دختر و بی مولوی علی رضا شاه محب را چند  
 دختران و و پسر که شاه بنده علی ایشان را دو پسر و دو دختر نام پسر

ابن خواجه عبد الغزالی بن خواجه عبد الرحمن ابن خواجه دربار الحق ابن خواجه  
عبد الغزالی بن خواجه خالد ابن خواجه عبد الغزالی بن حضرت عبد الرحمن  
ابن حضرت امیر عمر ابن امیر المومنین حضرت عثمان کنون ذکر نسب تحت امیر

### نسب نامه شاه حسین علی مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و تفصیلا است مولوی عبد الغنی ابن شاه حسین علی ابن محمد  
دارش علی ابن شاه محب الله ابن شاه دایت الله ابن شاه رحمة الله ابن شاه  
ماهر و ابن شاه محمد ابن شاه معروف ابن شاه منصور ابن مخدوم شاه  
برهان الدین عوف بندگی شاه خوند میان دیوروی ابن شاه برزخورد  
ابن شاه محمد اسحاق ابن شاه سلیمان ابن شاه داود ابن شاه عبد القدوس  
ابن شاه شمس الدین ابن مخدوم شاه جلال الدین کبیر الاولیا با حشمت الصابری  
یعنی خلیفه بودند حضرت خواجه حسن الدین ترک یابی نبی که مرید خلیفه حضرت مخدوم  
سید علی احمد صابری بودند نسب نامه بالا تهریز شد مابقی حاجت تحریر  
نکر نیست باید دانست جد البدر شاه ماهر و شاه سلیمان از پانی پت داود ایندله  
گشتند مجرد و از بطور سیاحت تا در حضرت بهار رسیدن بیعت حصول  
طریق فرود رسید نمود حصول و متاهل شدند از فرزندان ایشان بندگی  
شاه خوند میان از انجا بر خاسته فاطم گشته قصد سفر و یار مغرب کردند  
چون بمقام بهار رسیدند چندی میقم شدند چون مخدوم شاه و شورش



ابو الحسن پیر محمد سیوم بعد وصل در فکر اولاد حضرت عثمان جایجا نیست اند  
 باید دانست مولوی غلام نام متخلص شپید نستانه خود عثمانیه میکردند بسیار  
 ونیز در قفقوز سکر شیوخ عثمانی اند و در یار عرب بسیار تبرکستان در خجوا  
 بمقام سمسر ام کی از فرزندان شاه محمد کبیر الدین بودند شاه قیام الدین  
 شاه شمس الدین پسر خود الاولاد دختر کی از برادرزادگان خود داشت  
 شاه کبیر الدین منبئی کرده جانشین و برادر خود بودند چند شادی ایشان شده  
 از کسی اولاد نشد اولاد و برادر ایشان برادر متوسط شاه فخر الدین از  
 خواهرزادی شاه ترازب احتی که خدا و پسر ایشان کی شاه محی الدین عرف  
 لالامیان که حال اجمار نشین اند و دیگر شاه غریب الدین و یک خواهر ایشان از شاه  
 فرید الدین که خدای اولاد و برادر خود شاه نجم الدین را و پسر یک شاه فرید الدین  
 و وی شاه حمید الدین باقی اقارب ایشان در موضع رحبت برگشته بخجوا گهی اند  
 باید دانست هرگاه ذکر نسب حضرت خواجه ابو بکر شریف قدس سره گردید  
 عثمانیه لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواجه ابوالقاسم جنید بغدادی  
 که نسب فاروقی دارند برین خط حضرت خواجه جنید بغدادی ابن خواجه زید  
 ابن شیخ عمر ابن شیخ ابو بکر ابن خواجه عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن  
 امیر المؤمنین حضرت عمر خطاب رضی الله عنه اکثر مشایخین خود را خواست  
 نسب جنیدیه میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سید

شاه و برکت حسین شاه امیرالدین حسین پسر الشیخان مولوی عسکری پسر شاه  
 برکت حسین شاه ظهور پسر ابن کیسه و یک دختر شاه بنده علی زوجه شاه داود علی  
 پدر شاه تراب علی ساکن میر سیکه تکیه و دختر ثانی زوجه قاضی قاسم علی ساکن  
 پالی پسر شدند قاضی تبهو لاولد رفتند از بیغالم و خلعت دوم شاه محب الله  
 مولوی وارث علی دول پسر الشیخان و دو دختر یک منسوب شاه منور علی ابن شاه  
 فضل کریم پسر الشیخان شاه اکرم علی دیگری که خدا از شاه رمضان علی  
 ذی اولاد اند و پسر کلانی مولوی وارث علی شاه حسین علی بیچ پسر الشیخان  
 و یک دختر زوجه شاه شجاعت حسین ابن شاه امجد حسین ابن شاه امام علی  
 انصاری که خدا یک دختر و پسر دارند و از پسران کلانی مولوی عبده بن  
 یک پسر الشیخان مولوی عبده رشید و مادر و غم قد حسین ساکن شاه پو بیگم  
 چارمی نیز مولوی محمد دانا و الشیخان ذی ولد اند و مولوی محمد تقی پسر سیدم  
 دانا و میر علی حسن ساکن میران بیگم ذی ولد اند و پسر غم مولوی محمد ذکی  
 دانا و غم خورد اند باید و نیست مولوی باقر علی برادر خورد شاه حسین علی  
 از دختر مولوی محمد زاهد علی کتخه از بطن ابن زوجه یک دختر و مولوی  
 عزیز الدین شاه ماهر و را و پسر یک شاه محمد و اعظم پسر الشیخان شاه  
 مبارک علی پسر الشیخان شاه فضل کریم که از دختر شاه محب الله که خدا بیخ  
 پسر ابن شاه منور علی و شاه امیر علی و شاه عباس علی و یک حاجی اند و والد

بود و بعضی از خوانرم میگویند چون مولانا ابوبکر ابن مولانا محمد اسماعیل  
 از قیفال وارد شهر بغداد شدند که علمای ربانی بودند و حاجه محمد نامی  
 در خدمت آنحضرت حاضر شده و صحبت تربیت یافته مسترشد نعمت شدند چون  
 مولانا جانب شش آمده اقامت پذیر شد و چند سال ایشان خبریت  
 و رک محبت و مقام شاش رسید و میباشند و در کتاب تحفه الابرار که  
 تصنیف علی از یاران آنحضرت است دیدیم که حضرت خواجه محمد نامی  
 بچند واسطه اولاد حضرت خواجه عبداللہ انصاری اند و آنحضرت خواجه از اولاد  
 سعد بن معاذ انصاری اند که از اجل بهاب در انصار حضرت سعد سید ابرار  
 بوده اند و عالم و سمیت نسب فاروقی از جانب جد مادری است  
 که خواجه داود و جدادری حضرت خواجه احرار فاروقی نسب دارند و خال ایشان  
 خواجه ابراهیم ابن خواجه داود ابن خواجه خاوند ظوران شیخ عمر  
 باستانی که هفتده یا شانزده واسطه در نسبت نسب آنحضرت فاروقی  
 اعظم دارند و شیخ عمر قدس سره از اولیاء کاملین بوده اند از اولاد حضرت  
 عبد اللہ ابن عمر رضی اللہ عنہ این ذکر در شجرات نیز هست و والد  
 خواجه داود و جد آنحضرت خواجه احرار نسب یادت دارند و هم ذکر در کتاب  
 رشتات است که میفرمودند آنحضرت جای که سیادت علوی میباشند  
 اقامت فقیر بس شوارخیال آداب ضمیمه شجره و اخراج و فرزند تربیت

اولاد علی جوینوری متخلص کاهن نسب خود مشوب بحضرت چند میکندند  
حضرت خواجه چند را سید میگفتند این غلط فاهی شان هست که میگفتند نسب  
حضرت چند همین است و مولوی عید اللطیف که منصب حکومت در کلات  
اند و پوتی مجتهد هر چند از او شان ملاقات نداریم الا بعد الد و از خواهر زاده  
شان یکی از مردمان است اینجا کسار لویان نمود که از جانب ماوری نسب  
چند میرستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه چند اکثر نسب میدیدیم

بدار شرفی هستند و الله اعلم

شجره نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار  
بذکر فاروقی و انصاری

باید دانست که از صاحبان مصنف کتاب شجره طبعه که از فرزندان حضرت  
خواجه نسبت دارند خود را احارمی به نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر  
بمنصب تصابوده اند ذکر نسب بالاب نسبت سیادت و به نسب فاروقی کردارند  
فقط نسبت خود به نسب نجاب و ذکر اولاد و دیگر یک طبقه اولاد انجباب است  
و عظیم باد بلکه معروف اند بخواجه زاده بعضی از آنها نسب سیادت مینمایند  
غرض تحقیق حقیر از محبت و بحث هست آنچه که معلوم است بیان مینماید و دلیل  
از کتاب رشحات و تحفه الابرار و نیز بیع نیر گوار از کتاب رشحات  
بیان مینمایم جد علی حضرت خواجه احرار خواجه محمد نامی را وطن قدیم و غنی

گردید و از آنجا از عرصه اقامت حضرت عمده سالکین سید السیادت  
 امیر تقی الدین کرانی بود با خود اذیت و محبت و بجا است ربطاً و نمود بلکه  
 نوبت مصاحبت رسید یعنی سه دختر این حضرت خواجه عسید الشیخ  
 بفرزند امیر تقی الدین کرانی کنه شده و فرزند حضرت خواجه خواجگاه داد  
 حضرت تقی الدین بود و از ابطین آن عقیقه سه فرزند ایشان کلانی خواجه  
 نظام الدین بادی دوی خواجه خاوند محمود سیو خواجه عبدالحق اشتر  
 محی الدین اینحضرت جانشین جد بزرگوار شده فیض بخشی خلق الله مشهور بودند که  
 سلسله نسب صوری و صوفی از ایشان جاریست و شادی ثانی حضرت  
 خواجگاه از دختر خواجه نظام الدین اولاد متولد بدایه گردید سه پسر ازین زوج  
 نیز شدند خواجه عبد العیلم خواجه عبد الشمید خواجه ابو الفیض پدر  
 بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که در مادی جناب حضرت سید  
 ابو العلاء قدس سره بودند نسب نامہ حضرت محبوب جل علاه ذکر اولاد نام  
 عبد الله یا سابق تحسیر شد منقول است چون انتقال حضرت امیر تقی الدین  
 کرانی در سر آمد شد حضرت خواجه عسید الشیخ احوالش امیر تادم فرمود و خوش  
 بودند و نماز جنازه ادا کردند باقی ذکر کنندگان حضرت خواجه محمد محیی  
 خلف ثانی حضرت خواجه سه فرزند ایشان خواجه محمد زکریا خواجه عبد الباقی  
 خواجه محمد الحین دو فرزند حضرت خواجه محمد محیی شمسید که همراه بودند خواجه محمد

خواجه محمد نامی خواجه شهاب الدین شاشی بخواجه شهاب الدین شاشی  
 دو فرزند کلانی خواجه محمد شاشی ثانی خواجه محمد شاشی و الدیاجه حضرت  
 خواجه عبید الله احرار قدس سره و سکونت جده مادری ایشان شیخ داود  
 در تاشکند علاقه دیهم با غستانی حضرت خواجه احرار نشو و نما ظاهر است و  
 تربیت از جده مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم هر بنده و معیت  
 از حضرت مولانا یعقوب چرخ کی که یکی از اهل طلقا حضرت خواجه نقشبند بهاء الدین  
 قدس سره بودند الحاصل بعد حصول فیضانی دیدار جاب با ظاهر باطن آنحضرت  
 را شغل کشمکاری بود حصول معاش از زراعت بودند تجارت در حساب  
 ظاهری از مال و اموال عزت و جاه و اهل دنیا تو نگریتمول میگردند حال آنکه  
 منقول حضرت خواجه احرار است این میخ زرد گل است نکر در دل  
 چو نقره در تیسائی شاسته آمد که بتدبیر عبید الله سپه آمد که  
 منقول حضرت مولانا جامی رحمه الله است منقول است در اقامت مومنین  
 تاشکند آنحضرت متا بل شدند فرزندان بوجود آمدند و واپس چندی  
 دختر و پنج پاد از بطن زوجه اولی خواجه عبید الله عرفت خو چکار رحمة علیه  
 عالم و فاضل حضرت خواجه رحمة الله علیه تربیت تعلیم به نسبت بطون اند  
 والدیاجه خود بیست و هجده صوفی و معنوی و همه خواهران ایشان هرگاه  
 هرگاه اقامت حضرت احرار مجوزی سلاطین وقت تیموریه بمقام سحر قدس

احمد حسین حافظ چهارم خواجه علی حسین دختر کرد دختر رطلت کرد که از سید حسن  
 منسوب شد پنجم نور سال کرد انتقال باقی دختران گلانی از میر عایت حسین  
 رئیس شهر که خدا شدند چند دختران ایشان الایک پسر میر احمد حسین ثانی  
 کنعان شیخ بشارت حسین رئیس شهر یک دختر و یک پسر ایشان پیاری حیات  
 که از دختر خاله گلانی کنعان ازی ولد فست سیوی از حکیم خواجه محمد حسین عرف  
 خواجه امان ابن خواجه میر بخان نواسه حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند  
 گذشتند و وجه شان رحیل ملک بفا شدند تا مالد حکیم خواجه عبد السلام که  
 موجود اند و دختر عادی زوجه اخای ام حضرت سید شاه مبارک خنجر نوبلی و علی  
 شش پسر شد از آنجمله موجود شاه عزیز الله بن حسین سید شرف الدین حسین  
 و سید رضی الله بن حسین و دختر پنجم خواجه ذاکر مرحوم زوجه خواجه علی مرزا  
 ابن خواجه شرف علی ذی ولد اند و فرزند سیوی خواجه علی دوست  
 خواجه عبد الله فرزند ایشان حکیم خواجه عبد الله پسر ایشان ترک تراشید  
 از نیا ذکر نسب ذریات خواجه محمدی خان میگویم که

و اخراج باد خواجه محمدی خان از بطن بی بی برتانی بیگم چهار پسر و دو دختر  
 از آنجمله زوج یک دختر میرزا بخش که پسر شان میر الهی بخش نواسه خواجه  
 محمدی خان نیز زوجه ایشان حال اولاد دریافت نشد و دختر گلانی از  
 خواجه محمد و جبه الله خان که خدا بیخدا شدند اولاد کثیر یعنی سه پسر

و خواجه عبدالباقی هر دو ولایت پذیرد گوار شدند شهید رسیدند بدینجا  
 حمید الاخوان محمد بن که محض طفل بود از مملکت جانبردند تربیت و تعلیم ظاهر  
 و باطن از برادر عمراد خواجه عبدالحق یافتند اولاد ایشان کثیر است سبحان الله  
 این واقعه مثل کر بلا و باقی یک فرزند مثل حضرت امام زین العابدین علیه السلام  
 پدر جملة ائمه اهل اصناف فرزند خواجه محمد بن خواجه نور العبدین پسر ایشان  
 خواجه انور و ایشان خواجه محمد بن ایشان خواجه محمد پسر ایشان خواجه  
 عبد الصلح ابنه خواجه علی دوست رحم الله علیه پسر ایشان یکی  
 خواجه محمدی خان که در ساه برغانی بیگم دختر پسران الدین نظام الملک  
 صورت ملک و کس بودند که خدا شدند بدین نسبت بمراتب عز و جاه رسیده آخر  
 اولاد گذشت بمکه نصرانی و سلطانی شهید شدند ذریات ایشان کثیر مثل  
 شریعت النعم و فرزند دوم خواجه علی دوست خواجه رحمة الله و له ایشان  
 خواجه نصرت الله ابن خواجه امین الله و له خواجه محمد امین عرت خواجه فکر  
 اولاد شد کثیر و یکی آمدند تفتیب میرا از دختر خجسته اختر میرمون رئیس شهر  
 که بهر لغت شاه خیر الدین زبده الشایخین بودند که خدا شدند حسب  
 تقانیت و تربیت بر کل ملک شاه صاحب موصوف اولاد ایشانند خواجه که  
 صاحب بلخ پسر پنج دختر خواجه ابو الحسن پسر کلانی وی ولد شده اولاد  
 شد پسر ثانی خواجه محمد بن او و له پسر ایشان سید حسن اند سلیم خواجه



لاولد خواجه علی اعظم خان یک دختر زوجه میر غلام نجف ساکن باره در سی پیشین  
 میر نجف حسین و میر کاتب حسین نام امی پسر خواجه مدوح خواجه کاظم خان  
 دود دختر ایشان یکی والدۀ خواجه علی رضا مذکور بالا و دوم والدۀ خواجه  
 امام الدین عرف میر مرزا ابن مرزا علی محمد خان ابن مرزا بهادر بیگ خان  
 و دوبرشدند ایشان یکی خواجه بلال الدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان  
 عرف محمد نواب هر دو لاولد و برادر خورده خواجه میر مرزا خواجه امیر جان انصاری  
 شدند و سه فرزند بخواجه کاظم خان کلانی خواجه قمر زنده علی خان و دوبر  
 ایشان یکی خواجه نور جان عرف خواجه خوجم دومی خواجه محمد نیکان ثانی پیشین  
 خواجه شرف علی و سومی خواجه نجف علی خان لاولد ثانی خواجه  
 حسین علی خان که از دختر میر باقر علی مدوح کتخدا شدند پنج فرزند و یک  
 دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان و دوبر که محمد جان  
 فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان که از دختر  
 عمر و دکه خدا شدند لاولد فقید ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان  
 عرف خواجه سلطان جان و لاولد خواجه خان بهادر خان سه پسر شدند زنده نه شدند  
 الاول دختران چهارم یکی زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه  
 ابوالحسن ابن حضرت سید شاه ابوالبرکات الغفرن از بطن آن زوجه  
 یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجه نواب وزیر علی خان لاولد و دختر

از آنجمله یکی خواجه محمد شاه والد خواجه محمود شاه کاز و دختر میر باقر علی گنجا شدند  
 خلف ایشان خواجه عزیز خان بودند که از دختر خواجه فتح الله خان خواجه  
 بابتاب که خدا بودند و ویی خواجه آفتاب از محل اولی و دلیس یکی خواجه  
 محمد یوسف که شادی قبل ایشان از خواهر خواجه حسین علی خان شده بودند  
 و دختر یک پسر خواجه علی صبا ایشان منسوب از دختر خواجه حسین علی خان  
 دلیس و دختر شدند اولاد یک پسر و یک دختر باقی دومی خواجه محمد حسن  
 کاز صید جناب حضرت شاه کن الدین عشق قدس سره که خدا شدند یک  
 و دختر که اولاد و فرزندان رتبه بلند جناب خواجه لطیف علی رحمة الله علیه شادی  
 ایشان از دختر خاله خود شده بود یک پسر شده و دوازده ساله عمر وصلت کردند  
 و از طین ثانیه و فرزندی که خواجه علی بنز اولاد کلائی خواجه لطیف علی  
 عوف شاه میا بخان که از دختر شاه اقبال حسین گنجا شده و سه پسر ایشان  
 و یک دختر و دلیس خواجه آفتاب از محل ثانیه بودند خواجه محمد امین و دو پسر  
 و پسر سیم خواجه محمد و چه خواجه بابتاب بودند و ایشان خواجه فتح الله چرن  
 از ذکر اولاد و دختری خواجه محمدی خان فراغت یافت از نیا ذکر اولاد و پسر  
 میانیم عشره در ذکر پسران خواجه محمدی خان مرحوم انصحاب  
 خواجه محمدی خان را چهار پسر کلائی خواجه علی اعظم خان ثانی خواجه  
 عاصم خان سیم خواجه محترم خان چهارم خواجه مکرّم خان سیم چهارم

## ذکر اولاد خواجه علی اعظم خان

باید دانست خواجه علی اعظم خان فرزند کلانی خواجه محمدی خان و ثانی  
 خواجه محمد عاصم خان سیوی خواجه محترم خان پاری خواجه مکرّم خان  
 این هر دو برادر سیوی و پاری لاولد از نسب زن ان خواجه محمدی خان  
 الا ماند اولاد کلانی و ثانی خواجه علی اعظم خان یک دختر و وجه سید  
 غلام نجف که از زیات حضرت سید فضل الله قدس سره اسپرید  
 غلام نجف دو شدند یکی سید نجف حسین دومی سید کلب حسین خلفه  
 خواجه علی اعظم خان خواجه محمد کاظم خان بایشان دو دختر و سید  
 خواجه فرزند علی خان کلانی و خواجه حسین علی خان ثانی  
 سیدم خواجه نجف علی خان که لاولد ماند خواجه فرزند علی خان را دومی  
 سیکه خواجه نور جان عرف خواجه نجوم دومی خواجه محمدی ثانی و دلایشان  
 خواجه شرف علی زیاده کیفیت معلوم نشد خواجه حسین علی خان  
 که خدا شد از دختر میر باقر علی که از روستا و شهر پنج پسر و یک دختر داشت  
 که خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان از دختر عمر خود که خدا شد  
 بی اولاد رفت از پنهان ثانی پسر خواجه طالب علی خان عرف خواجه  
 سلطان جان که از دختر راجه خان بهادر خان که خدا شدند چهار دختر  
 ایشان یکی نروجه جناب خواجه علی حسین عرف میر نواب یک دختر یک پسر

سیوم لاولدت از نیالیم و دختر چارم و زوج خواجه محمود جان ابن خواجه عظیم  
 و فرزند سیوم خواجه ابو الحسن خان عرف خواجه حسن جان که شادی  
 ایشان از دختر خواجه محمود شاه شده بود و اولاد نشد و پس چارم خواجه  
 محمد حسن خان عرف خواجه میرخان ایشان که خدا از دختر خواجه حسین  
 ابن شاه ناصر الدین خلعت حضرت مولانا برهان الدین قدس سره یک پسر  
 ایشان خواجه وحید جان و دو از محل ثانیه محمد جان و قدرت جان چون خلعت  
 کردند خواجه محسن علی لطف نمود خاندان ایشان شد خیم گواختم خواجه  
 و برادر خور و ایشان خواجه وزیر جان بودند و اولاد و از عقد ثانیه خواجه  
 حسین علی خان چارم خواجه علی حسین اندر شوه و کرا و اولاد خواجه  
 عاصم خان مرحوم سلسله ایشان و یک دختر و زوج ثانی خواجه محمد یونس  
 که یک دختر از ایشان سماء بادشاه بیگم زوجه ثانیه حضرت سید شاه  
 قمر الدین حسین باقری نسب قدس سره فرزند یونس و آمدند سید  
 سلامت حسین نام لطیفیت رعلت نمودند و نیز خواجه محمد آفتاب  
 را از محل دوم دو دختر و دو پسر که خواجه محمد بن علی خواجه خسرو لاولد فرستند  
 از نیالیم علی بن کفایت دختران نیز همین و خواجه محمد آفتاب با یک پسر  
 فخر الشدیک دختر ایشان زوج خواجه غریز جان ابن خواجه محمود شاه  
 ابن خواجه محمود شاه ابن خواجه محمد وجه مورت اعلى هر سه برادر یک

فرزند ثانی خواجه محمدی خان خواجه عاصم خان سه پسر ایشان و یک دختر  
 خلف اولین خواجه جعفر و دومی خواجه اکبر سیدی خواجه اصغر دختران  
 بودند هر دو برادران الا پسر خواجه اکبر خواجه امیر علی عرفان خواجه کمال  
 و دومی خواجه وزیر بود جوان رحلت کردند اعقاب منتهی الا اولاد خواجه  
 امیر علی صاحب شد ماتی مانند و خواهر ایشان از جناب حضرت خواجه ابو الخیر  
 رحمته علیه بنسب شدند و فرزند ایشان خواجه ابو محمد و خواجه ابو احمد و یکی  
 از آن هر دو برادر خواجه جعفر بود خواجه اصغر و وجه عالی جناب حضرت خواجه  
 ابو الحسین قدس سره الله فرزند و یک دختر بود و آید که کیفیت تبصری که  
 در ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سره شد نوشته نیست احتیاج  
 تسوید نگریه حاصل بعد از طبع محقق خواجه محمد حسن خان حوت خواهر  
 میرخان او غل فی وضعه انجمنان گو باشد تمام و ختم خواجگان اخلاق  
 که داشتند بنده و این فقیر حقیر نگذرد بیان و نه بچند تحریر و مرعوم معقول  
 کیفیت احرار باین بزرگان قصبه شهر که بانی سکونت که اکثر  
 داشتند منصب قضا که کتاب شجره طیبه تبصری که احتیاج مکرر شد  
 بسیار عاید بزرگان بوده اند شجره اصل بصل بلکه وصل  
 در ذکر جناب حضرت شاه فرما و قدس سره و  
 حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره

ایشان دومی توب وزیر علی خان که تمام اولاد نیست سیوی لا ولد رفتند از ایشان  
 چاری زوجه خواهر محمود خان این خواجه صلی رضا دو پسر ایشان  
 پسر سیوی خواجه ابی حسن عرف خواجه حسن جان که ز دخست خواجه  
 محمود شاه که خدا شدند و ولد ماند چارمی خواجه محمد حسن خان  
 عرف خواجه میرخان که از دختر خواجه حسین الدین ابن شاه ناصر الدین  
 که خدا شدند یک پسر از انجمن باقیست مسی خواجه وحید خان  
 دو پسر از محل ثانی خواجه محمد خان و قدرت خان موجود اند و بعد چاری  
 پسر همی خواجه صلی حسین عرف خواجه وزیر خان لا ولد رفتند و حسین  
 جوانی از محل دیگر خواجه حسین علی خان یک پسر خواجه مسی  
 موجودی اولاد اند اما از یک خواهر خواجه صاحب زوجه خواجه  
 محمد یوسف پسر ایشان خواجه صلی رضا که ز دخست خواجه صاحب که خدا  
 شدند دو پسر و دو دختر شدند ذکر اولاد و دختر چه نویسم پسر خواجه  
 محمود خان هم دومی خواهر خواجه صاحب زوجه مرزا علی محمد خان  
 ابن مرزا باادر یک نماند و دخترند ایشان شدند یکی خواجه الم الدین خان  
 عرف میر مرزا دومی مرزا امیر خان لا ولد از نیاں بی بیان رفتند کلانی را  
 که که خدائی از دختر عمو شده بود و پسر شدند بدر الدین خان و دومی  
 شمس الدین خان هر یک نوجوان از نیاں رفتند اعقاب یک نمائند

نوشته نمودند و از آن جای اقامت ولایت شد بخویش شهر دلی  
 درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دلی بجای سکونت پدری  
 بجله منطبقه که در آن زمان بسیار با اقامت پدر شدند جناب حضرت  
 شاه محمد فرزند مشغول شدند بر شد و رشاد خلایق به تعلیم اسرار و قایلین  
 از آن از دیگر شدند فائز آخر قبول کردند مطلقای هر چهار کی شاه سیال الله  
 دومی شاه محمد و گاهی این هر دو وزیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دلی  
 کردند آتیه بسیار سیدی حضرت میر سید اسماعیل خلفار مالی آخر شدند و آتش  
 چاری از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی  
 تیر گردید و زوجه امرا و ادا کین تیمور بیاز دختر خجسته اختر مرزا سعد الله  
 نجیب الله و له مخاطب نام آن بی بی بوده مسماه فرحانه بیگم جناب حضرت  
 قطب الارشاد شاه محمد فرزند از بطین آن عقیقه پیدا شدند یک  
 دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النساء بیگم عرفت بود و صاحب  
 بنگام سن بلوغیت دادند باز دواج از شیخ محمد کریم این شیخ طفیل علی  
 که نسب نسبت استند فاروقی اندا و لاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله  
 چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب سلسل نیافت آنچگونه نیست تحریر بود  
 الحاصل از بطین نزلان عقیقه پیدا شدند کمال شهنشاه رتبه بلند زبیه  
 فیضان حضرت خواجہ نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین متخلص به عشق بود

چون که صاحب ایشان نواب امین الدوله بسوی برتانپور حجت بپند و بستگی  
و مالی میرفتن تعلل گزیده همراه برقتند و درین شهر ماندند و رغبت پدر بزرگوار  
بجست چند نوبت لغت بلند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق  
شد و انگیر کمال از کار و نیادی باز ماند بسبب انحلال و از او ستاد نیر  
بدین مدرس رسید احوال ناخاکه حضرت باری را بوده اخضال و درین  
شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمود  
از قصه برتانپور کیفیت ماحظه ده دیده حیرت شد پد او از استادشان  
چهار حالات غیبت شد هر یک در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا  
را بد نیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند هر ملازمست  
بعد جلسہ چند طلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت نم سکے از مجرائے دربار  
بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد صحبت بابر کست گویا کشتی رسید  
در تباہی لایق خدمات سلطنت دربار شاهی نماند آنحضرت فرمودند در  
جواب ای شیخ صاحب منجاری که این طفل باشد یکی از مجرای شاهی در دست  
سجونی آگاهای که امر و سلاطین را نه پیش این درویش سیرت در آید بجزای  
ای صاحب این واقع که بسا ندرست جای ملل بلکه صورت است دولت  
برای پناه بجزر منا و تسلیم هیچ نماند چاره شکریه بجا آوردند تسلیم میکردند  
بعد چندی در صحبت چنان شدی فیضیاب و کامیاب مثال خلافت



بیلوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را ترو نسبت شد  
 تلاش مصاهرت بشرفا را اینجا را آخر تقریب نسبت صاحبزادی خرد از شاه  
 قتل احمد این جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که از خلفا حضرت  
 عشق قدس سره بودند یافت باصره ایمان و معتقدین صلاح این امر شود  
 از جناب مولوی سید حسن ضامن سره نمودند آخر باصره تمام که خدا  
 صاحبزاده کلانی از آن حضرت شد انجام اما حاصل از بطن زوجه حضرت یک دختر  
 شدند و در این انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر  
 و یک پسر درآمدند بوجد دختر از میر حیدر علی غسوب شد از چهارم پسر  
 رفتند و نامهای پسر علیقدر خواجه لطف علی لقب خواجه مرزا و مادر  
 ثانی که از شاه قتل احمد صاحب که خدا شد پیا شد یک دختر غسوب شدند  
 از میر قلام رسول با ایشان نیز شد یک دختر مساه حسین بیگم از جناب  
 خواجه لطف علی صاحب شدند که او یک پسر درآمد بوجد مسه خواجه  
 الثقات علی مدعونه خان بخیر زانه بیلوغیت رحیل ملک بقا شدند و الا  
 فرزند رتبه بلند محل شدند که خطای نامهای خواجه لطیف علی  
 عرف شاه میانجام ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا  
 شادی هر دو برادر یکجا شدند و دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن  
 محمد دوم شاه پدر الدین مرزا شاه بانه پوراند ثانی از سیالام لاد رفتند

شایده در همین طفولیت از پیاده محبت و لایقندایه گفته باشد مرزا گمشتا مسعود  
 شده اند انقدر انحضرت را ترسیت باطنی و حصول سمیت بطریق عالییه نقشبندی  
 از حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست که از خلفا و جلیل جباروری  
 ایشان بودند و نیز در همین اقامت یک شش و شش عظیم آباد تا دوازده  
 سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم  
 جناب حضرت شاه محمد معتمد قدس سره که این حضرت نیز از بابان جباروری  
 انحضرت بوده اند اما اصل جناب حضرت عشق قدس سره و کمال تنگ و مومنان  
 باین دو جا بهت و یافت گذرانیدند در ویلایه مقدیه بود و صرف خانقاه در  
 خود مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره  
 خطاب آتای و لپه مردم ای عشق که مبارک بود به تجسس که میرزائی که  
 در شش عظیم آباد در ویلایه را بکرو فرار رسد و از مشایخین بخوار بخش اطوار  
 سلسله پیوستند هرگاه رسید خبر که مولانا برهان الدین کردند رحلت پیوستند  
 بخوار رحمت در علاقه لکنو بمقام اقامت داشتند بمحور استماع این تجسس  
 چند مرتبه آن معتمد را فرستاد و بر آوردن اهل عیال بسوی لکنو خالص  
 یا لآخر میدان عالی مقام معه ظلم آوردند بسواری رتبه و پاکلی با عزا زد  
 اگر ام و اضحی با حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست بودند و  
 دختران نوجوان و صاحبزاده کسیه پشاه تا عصر الدین دوازده سال بود

واضح باد یکی از شایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد انجوا شدند  
 و در بلاد عیانی شاه اسماعیل الدین معرفت شاه بمن محمد دوم نام دیگر را در علوم  
 نشد در حضرت بهار رسیده بیعت بطریق چشتیه نصیری حصول از  
 خلفاء محمد دوم شاه تمیم الله سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند فیضان کمال  
 در مقام اول تکریم ساختن و اقامت پذیر شد بر اولاد ایشان بابر و ایشان  
 شد جاری بچند واسطه شاه امام علی عرف شاه بدو صاحب سجاده پنج  
 پسر ایشان شدند و یک دختر مسماة قدرا شادی از میرجان علی شد از محل  
 اولی برادر میر سلامت علی ساکن جوین پور پگز اول از ان دختر شد و نام پسر  
 کلانی شاه احمد حسین بعد پدید خورد ب سجاد و بودند شادی ایشان  
 در بار اول شد یکی از دختران عمرزاد شاه حسین علی ابن مولوی فارث علی  
 پسر شاه احمد حسین شاه شجاعت حسین و نام مولوی شاه حسین علی  
 مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاه احمد حسین بودند شاه  
 احمد حسین یک دختر و یک پسر ایشان شاه شجاعت حسین دختر و وجه  
 اولی شاه شجاعت بن میره میر محمد علی مرحوم شاه احمد حسین پسر ثالث  
 شادی ایشان در موضع قاضی یک پگز مسووه ضلع قندهار کفویت  
 مولوی غلام قادر مرحوم مفتی یک پسر و یک دختر ایشان چهارم پسر شاه امام علی  
 اند شاه نیر حسین یک دختر و دو پسر ایشان پستند پنجم پسر شاه امام علی

الله پسر و یک دختر اند بصاحب کلانے خدا یا کسی آباد باشد مشرق و در ذکر  
 نسب انصار که آمدند در اینجا معروف بشیخ انصاری خضو  
 در بهار ایدناست بندگی مخدوم و ششمند که اقامت خود ساختند  
 بموضع منوره و علاقه بهار میگویند جریب خود در اینجا نصب کردند و گفتند این  
 مورچه چنانچه بدان نام معروف شد فخر انجناب در نسب انصاری شیخ  
 اندلا اولاد حضرت ابو دروا انصاری که صاحب کبار حضرت علی السدی و سلم  
 بودند مسند زما چندان بزرگ بندگی شاه عبد اللطیف از دختر  
 مخدوم شاه دوست منبری که خدا شدند ذی اولاد شدند نام پسر بندگی  
 شاه عبد اللطیف شیخ عبد الوهاب ابنه شیخ صدر الدین ابنه شیخ برطس  
 طیس ابنه شیخ عبد الفتنه ابنه شیخ عبد احمد ابنه شیخ عبد الجلیل ابنه شیخ  
 محمد خلیل ابنه شاه غلام محمد و الله شاه سیف الله پور ذی نواسه  
 ایشان شاه الطیب الله ابن مولوی شاه امین الله شاه طیب الله داد و پسر  
 چهار دختر همه واقران که خدا ذی اولاد اولاد کردند کلا فی شاه محمد بهاء الحق  
 معدن جود و سخا شدند که خدا اولاد و شد پسر در ثانی شاه  
 ترازب الحق که زوج عمادین خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر  
 فرزند ان حضرت جد ماجد خود خلاص نمودی

ضمیمه در نسب انصاری صاحبان اول

رد و ثمره ثمره اول ذکر اولاد محمد و شاه جلال منیر سی والد محمد و شاه  
 شعیب رحمة الله علیه ثمره دوم ذکر اولاد محمد و شاه سلیمان الغفرین  
 قدس سره و باید دانست حضرت امام محمد باقر فقیر که ذکر نسب نامہ ایشان بالا تحریر شد  
 قریشی ناشی مطلب انداز اولاد علم حضرت علی الله علیه و آله و سلم سبب ورود  
 ایند یار حسن است در تقصیر منیر مستان کفایت بود و در آن شد مدخل طراز مجید  
 نام داشت در حق مسلمان از عالم عیب با حکم حضرت بنیادین پناه معالی  
 و دو لپه خود وارد شدند بدین و یار راجه مینا چون در جنگ شکست یافت  
 فتح اهل اسلام نصیب حضرت امام باقر فقیر را موصوع طرح اقامت انداختند  
 هرگاه از وجه شان کردند انتقال پیدا شد خزان و ملل ولایت این یار  
 بهر دو فرزند آن تفویض نموده و از سوی که معظمت گشتند فرزند کلان  
 محمد و شاه اسرائیل ثانی محمد و شاه اسمعیل بهر دو برادر با خود  
 بموافقت ولایت بقیع شدند و حضرت امام محمد باقر فقیر در که معظمت رفت  
 از خواهر زوجه عقد نکاح پرور شدند یک لپه شدند محمد و شاه عبد الغفرین  
 نام حسب صیت پدر بعد انتقال شان بهر ملاقات برادران رسیدند بعد  
 او را که معرفت و نشان خاندان بمراجعت پرور شدند چنانچه محمد و شاه عبد الغفرین  
 همراه برادر نامند و محمد و شاه اسمعیل حسب ولایت عبور گنگ در ضلع  
 شریعت اقامت پرور شدند و اولاد از هر یکی برادران جاری شد حال حاضر بنامید

شاه رحمت علی ذی اولاد پرستند رانی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد  
از آنجا که بزرگمان نامی بودند اینچنانکه آنچه که دانستند تحریر نمود بانی مد حضرت  
بهار شهر سور محل نصاری است شیوخ نصاری بوده اباد از آنجا که بزرگ  
بودن شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد شیر زوج خواهرنشی سید محمد خلیل خوشنویس دیگر  
بزرگ از بویا که با متصل جهان آباد اندا بل فرار اولاد ایشان ذی اقتدار  
یک از شیخ محمد القادر وکیل داز نواسگان مولوی عبدالقادر ابن حکیم  
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دازند عم ایشان  
کلانی مولوی محمد اسماعیل ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی محمد حسین الایک  
برادر مولوی عبدالقادر صاحب قطب ابو احمد هر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی  
افضل علی حکیم بکسل و دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواهر حضرت شاه  
غلام حسن ابن جانا حضرت مولانا سید حسن رضا یکده خورشید ایشان را نام ای  
مساه بصیر از دهم مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقاً اصل نسل مبنی بر سلسله فرعی در ذکر فرزندان  
حضرت امام محمد تاج فقیه

فرع اول مذکوریت محمد دوم شاه اسماعیل دهم سوره  
فرع دوم مذکور اولاد محمد دوم شاه اسرائیل دهم سوره  
فرع سیوم در ذکر اولاد محمد دوم شاه عبدالغفر دهم سوره

خلعت ایشان بودند شاه بنده علی داد کلائی جناب شاهامیرالدین  
ممدوح انقدر دانست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریه مخدوم شاه  
اسرائیل بن امام محمد تاج فقیه قدس سره

و واضح باد حضرت مخدوم شاه اسرائیل را دو فرزند رتبه بلند کلائی بودند مخدوم  
یحیی میری ثانی مخدوم شاه منظر که در جوانی رحلت کردند اولاد منظر  
حضرت مخدوم یحیی را کتختانی انبلی بی رضیه نبست مخدوم شاه جناب الدین  
پیر جگوت گردند از طبق آن مخدوم چهار فرزند مراتب بلند شدند نماز همه  
برادران خورده مخدوم شاه حبیب الدین که چهار برادر زاده خود مخدوم شاه  
ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکر و رحلت کردند اولاد بودند  
کلائی مخدوم شاه غلیل الدین که مرید و خلیفه دلا با جد خود بودند سکونت در  
مقام میر ششند نیز در انجام موجود و دو فرزند ایشان یکی مخدوم شاه شرف  
خلعت کلائی حضرت مخدوم یحیی میری قدس سره مخدوم شاه غلیل الدین  
پسر ایشان مخدوم شرف الدین و مخدوم منوالدین هر دو برادر مرید فیضانیه  
عم المحترم حضرت مخدوم شاه شرف الدین بهاری بودند اولاد مخدوم شاه  
شرف الدین جاری شد بدجبهه فخر انجناب در نسب حضرت مخدوم شاه  
دولت میری عالی تبار فیض آثار شده اند عقاب نام برادرشان شاه

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسماعیل بن حضرت امام  
 محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسماعیل پادشاه فرزندان  
 چهارم هر یک صاحب مقام عالی قناری کی از آن جمله کلان مخدوم شاه ابراهیم  
 ثانی مخدوم شاه مناج الدین سیوی مخدوم شاه صلاح الدین چک  
 مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه مناج الدین  
 و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد و نشد الا هر دو برادر ذی اولاد شدند پسر  
 مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه علیسا اولاد ایشان بد مقام کجانه موجود است  
 الا لازم آنها خیر نیست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه  
 جلال میری این مخدوم شاه عبد العزیز که خلافت شد و در الرشید نشان  
 مخدوم شاه شعیب قدس سره شیعوی صاحب ولایت الا مخدوم شاه  
 صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علاء عرف شاه قاض بودند و  
 پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله مرست اولاد ایشان  
 مشایخین موضع سهوره هستند پیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی  
 مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه  
 علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع خنده از اولاد این  
 بزرگ هستند یکی از آن مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا  
 پیر خاب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند



یک دختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین  
چهل و شش که خدا شدند و دختر شدند بایشان بی بی ماه خاتون دو  
بی جمال هر دو از برادران عمرزاد که خدا شدند از سید سکندر و سید کبر و لا  
سید سکندر جای شد بموضع او ترالاری موجود اند و نیز در موضع گراش  
سید بشارت علی و غیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند  
متوسط حضرت محیی الدین سیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد  
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار با حضرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه  
قوی الدین بجات مستی در عقیق پدر بزرگوار جان سخن نمودند تسلیم بمقام شکوه  
لنعمه انخانه سیادت شده بودند که دختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین  
چهل و شش این مولایا سید علای الدین که خدا شدند نسب نامہ ایشان  
در سیادت تحریر شده است انحصار سید وحید الدین را یک پسر و یک دختر  
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوهر  
که خدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریعت فرزندان برادر و خواهر  
و ذیل گفت مخدوم الملک داروت چرا که ذکر طویل است از اولاد مخدوم الملک  
از در باب ایشان مراد است

فرع سوم اصل اول وریان اولاد مخدوم شاه عبدالعزیز محیی الدین  
شمار اول در ذکر اولاد مخدوم شاه بیلال سیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

جلال الدین را فرزند شدند نسب بعد نسب علی الترتیب بمجاوه نشین  
 قائم است چنانچه بزرگان این فقیر شاه قطب الدین احمد ابن شاه مبارک حسین  
 عرف شاه دهم بودند حال او مادر شاه قطب الدین بعد شاه احمد حسین  
 ابن حضرت شاه محمد سلطان بهاری محل چاند پوره جانشین فی اولاد اند  
 برادر شاه مبارک حسین شاه لطف علی را دلیپ شاه منور شاه بسکین و دو  
 خواهر ایشان یکی زوجه شاه محمد صغیر کورجی سپهشاهان محمد خلیل سپهشاهان  
 احتشام حیدر و تیریک و خرد و فرزند دختر تانی شاه لطف علی شاه بولاد علی  
 و شاه فرزند علی و دیگری نسب بالا حضرت شاه مبارک حسین منوید و فرزند  
 شاه مبارک حسین عرف شاه دهم و منی شاه لطف علی ابنا شاه محمد محمود  
 ابن شاه محمد کل ابن شاه عنایت الله ابن شاه اشرف منیری ابن شاه  
 محمود قطاب ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین که برادر اعیانی محمد و شاه  
 دولت منیری بوده اند ابن شاه عبد الملک ابن شاه محمد اشرف منیری ابن  
 شاه محمود ابن شاه سلطان ابن محمد و شاه حسام الدین عرف شاه  
 جهان ابن شاه اشرف الدین ابن محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و  
 شاه یحیی منیری ابن محمد و شاه اسماعیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره  
 فرزند دوم محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و شاه یحیی منیری و فرزند  
 برادر خود محمد و شاه الملک شاه اشرف الدین احمد چنانچه در باب العین مزار برادر آسوده اند

و سلسله اشک جاری میخوام عزت اختیار کنم گوشه شوم متواری در آن روز  
 جداوری ایشان بظلمان مانع شدند نصیب ما همراه گیورستان نبر و گفتند  
 در وقت این محفل را کیفیت کشتن القبور پیدا شده تا کید بر معلم ایشان نیز  
 گفتند مبر و تو بیا هرگز باین عزیز رواندارید این علی است یکم از اصلاط  
 گرچه بمرغور است حکایت است روزی همراه او شتا و خود بهر کاری  
 میرفتند در آن راه و دیدند کشته دیوار هست کرده بود و او را شدند سوار چون  
 معلم از پس ایشان و دان بجکم ایشان دیوار شدند و آن نقل میکنند هنوز  
 موضع کجای توان آن دیوار همچنان سوخته دست مردمان زیارت او میکنند  
 بر خاص و عام میشود فاتر المرام هرگاه جداوری ایشان یافتند وفات  
 میراث نژاد ساله در الوقت بود از جازات ما و خود روانه بسوی منیر شدند چنانکه  
 در اینجا قیام کرده از زیارات مزار پدر و جد بزرگوار فریخت یافته از اینجا حرکت  
 کرده در قصبه دانا پور جاسه عافیت یافته گوشه نشین ماندند و ربای الهی  
 مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از اینجا روانه شدند بمبوسه  
 را حاکم خیر برادر مظلم خود شنیده بودند که در اینجا خدمت الملک گوشه نشین اند  
 چون آمد چله حضرت مخدوم را آمدن ایشان منکشف گشت بیرون آمده  
 ملاقات کردند و گفتند ای نامها درین بگل ریابان میانم و تو فوجان هستی  
 بجای خطاست از حیر و اشرار و اینها را اینجا میباش ناما دان رود از سر باطن

شمره دوم فسخ سوم در ذکر اولاد محمد دوم شاه سلیمان لنگر مین  
بیان شمره اول و حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه  
عبد العزیز و الطبع باو که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیحه مخدوم  
ابو بکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه  
اسمعیل کرده نام آن بی بی سعیده از طین رین بی بی یکفر زنده ترسیدند  
مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد حاصل مخدوم شاه شعیب  
قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه باکی  
جبرادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا فوآن رحلت پدر شد بمقام

### قصیده منیری

بیان حالات شیخ السکین حضرت مخدوم شاه شعیب سال لد سره مخدوم  
واضع باو وقت رحلت پدر بزرگوار بمهر هفت ساله بودند هرگاه بمس شعر رسیدند  
روز بروز در حیم لاغری عیان شد از والد ایشان کیفیت خودش و نوش  
پرسیدند جواب گفتند در طعام خود نوش نوشیم و بیغ نیست الا انما افان لا نعیم  
شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری بمس و انقضا نمودن و خود را شکر  
عوض ساخت هرگز مرا غم تنیمی میت و نه شکایت زرق میکنم الا ما جرای میکنم  
چنین است سوی گوشتان رفته دوم دیدم چندم دکان قبر بتلا بختا بخت  
در حق ایشان و عار مغفرت نمودم از آن روز مر میت خدا تعالی طارست

بی آب و دانه پخت چهل سال بیرون شهر جدا جدا رود و غارت نشین شدند  
 بی آب و دانه و هر دو جای را از سبزه چاه طوت و میوه که در راه آمد و رشت کردند  
 مسدود و قفل میباید این ماجرا را با بالاستد از چهل سال را از کین در آنوقت نیز  
 راجه ببرد و آذران زمان خبره راجه مذکور حکومت را بگلی بود و بعضی کسان  
 ویرانه آنوقت را کیفیت شنیده این شرط چله راجه اگر در خطبه وار راجه در آنوقت  
 این کیفیت شنیده معماران را حکم مای هر دو چله را کردن دادند چون با  
 جگرگی کشاد و خبر استخوان بر سید و چیزی نیافتند آچارن جایی از تختانه انحضرت  
 و اگر در تمار حیات یافتند ذکر انگاس بود و جایی نمودار راجه با احتیاط تمام انحضرت  
 را جایی محفوظ و آکرده داشت و از بایل و وطن و قندای حلیت مستمر خدمت  
 شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده و خوشنود و ماکرده در حق  
 شان از اینجا مراجعت سوی موضع فخر پوره نمودند و در خیال انتقال بمکه  
 قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مطلق است از دنیا نه منقول است که حضرت  
 مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا منظر بلخی قدس سره چنین فرمودند  
 که روزی از روزنا برادر من شاه شعیب درین نواح خواهد رسید خبر بیت چند  
 قیمت بیعت نرسیده است این تبرکات و عرقه فقیر با و رسانی و هر که گوید و بیخی  
 بدانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تقویض به مخدوم شاه  
 کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شیخ پور

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودندی آرد از آنجا جانب دیار شرقی عازم  
 سفر شدند در آنجا راه به مقام شیخ پوره در دامن بیابان بیرون آبادی  
 جایی عزلت نشین گردیدند چون ساکنان آنها ملک زادگان را خبر شدند  
 بهر استقامت آبادی و مقتدا از کرامات شدند فرمودند شایسته وین بیابان  
 اگر چه از صحت میخواستند چون این کیفیت بود والد ماجده ایشان رسید از  
 مفارقت شده بود بهر دیدار نورالابصار تشریف آوردند ایشان را انگشت  
 این امر دست داد بهر ملازمت والد ماجده بطور استقبال رخصت به مقام  
 تور پور گنجی پور ملازمت شد حصول عرض کردند جایگی با ششم پسر  
 از فرزندان تشریف ببری آنحضرت و در آنجا مناسبت در آنجا تشریف  
 دادند و روزی خنبه در آنجا به زیارت خواهم رسید میگویند تا میات و  
 ماجده همین معمول داشتند به زیارت میرفتند هر چند وفات والد آنجا  
 در آن موضع است زیارت عام و خاص آنقصه چون ازین تعلق طایفه است  
 غالب شد از شیخ پوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند به مقام  
 که کوچ بهار زمانه والی آنجا را جدیو از قوم هندو او معتقد جوگی سید  
 بود جاسی چله نامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله یکیش یا چلی گفت  
 چله سیدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند  
 و چله چل سال باشد آخر تقابل را جد آنجا رود آن او هر دو قصد چله کردند

و اما میرزا ب سبب سکونت ایشان در بفرار و سکونت این سنن بیرون آید  
 تحصیل جانب مغرب معروف است بیگانه شیخپوره در نجاشا بخان میاستد باید  
 دانست لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شاهما را الدین  
 ثانی شاه محمد منصور موسی شاه مظفر این هر سه از یک مادر اند و اولاد سحر  
 ذوی ولاد بالا جانشینی ترتیباً و از تربیت در برادران یک بعد دیگری باند چارمی  
 شاه حیدر و عرف شاه خدا بخش اسماصل شاه مظفر پسر شاه نظام الدین  
 که از دختر سحر و شاه خدا بخش شد و که خدا و بعدشان زرب سجاده گشتند و  
 پسر شاه خدا بخش شاه غلام حیدر هر دو ذوی اولاد و الا طبقه اهل تسنن از اولاد  
 شاه نظام الدین اند و طبقه اهل تشیع از اولاد شاه غلام حیدر و اولاد ایشان  
 امرای ذوی جاه و صاحب منصب اند از امیر حسین خان و محمد حسن خان و محمد کجی  
 خان خلعت نواب ابوالقاسم خان و غیره چنانچه از امیر حسین خان و محمد کجی خان  
 و یکی از نواده محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان و برادر علی قاسم خان و  
 ابراهیم خان خلعت ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان  
 نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و ذرت علی خان  
 و علی بخش خان و نیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند و اولاد  
 در اطراف موضع تیلاده شاه احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اندر بدین سبب  
 و آنکه در مذبح سبب اند سکونت پذیر بیگانه اند شاه تراب علی سجاده و اولاد

در یافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده بهر زیارت مزار در آنوقت بمقدم  
 شاه حسین نیز منکشف بودند این حال دریافته فرزند خود محمد دوم شاه حسن را  
 مع خرقه و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می کردند در اثنا  
 راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیر درختی معانقه و مصافقه با خود باگشت  
 بعد ساخته تبرکات آورده خویش مع خرقه پیش کردند چنانچه با وضو شده آن  
 خرقه را پاره شدند و سر عجیب در مراقبه شدند گفتند البتة ازین خرقه فیض کمال  
 شد حصول آلاء هنوز امر وصیت بجا نماند و روزه ام بدستور معمول دست خود بسیار  
 بیعت نمایم محمد دوم شاه حسن کمال عجز و اعتدال شامل شدند فرمودند آنچه که  
 والد بزرگوار گفته بودند از آن دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین  
 قدس سره است اسماصل بعد حصول امر وصیت هر دو بزرگوار از یکدیگر جدا  
 شدند محمد دوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و محمد دوم شاه حسن بسوی  
 بهار آمدند و با جمعی از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت  
 محمد دوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حال که جای مراد است مشهور که آن  
 واقع باد حضرت محمد دوم یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از طین آن رجوع  
 سه پسر از طین دختر سلطان یک پسر از هر دو زوج و اولاد شد جاری حرکات  
 کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتاب تصنیف یکی از خلفا نشان  
 انتخاب کرده نوشته بطور اختصار از اولاد آن محمد دوم و فریق اند سیه مذکور



شاه حسن علی ابن شاه محمد امام ابن شاه اکرام ابن شاه ابرار الشرح  
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه محمد جلال ابن شاه محمد فیروز ابن شاه  
 نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره  
 ابن مخدوم شاه جلال نسیری و شاه عالم علی علیه الرحمته را یکدیگر ختر و یک پسر  
 شاه جلال الدین لا ولد الا اولاد و ختر سه پسر یک شاه همدی علی  
 که بعد الحال خود شاه جلال الدین علیه الرحمته سجاد و نشین شدند چون پسر  
 شد اشتند بعد ایشان برادر پدر ایشان شاه واعظ علی صاحب  
 سجاد و نشین کردند حالا سو محمد دومی اولاد دادند و برادر متوسط ایشان را  
 نام نهادند است الا بار ملاقات کرده است از آنجا که پسران طریقت بودند  
 و تحریر کیفیت نسب بر خود واجب دانست نوشت و شاه و خط علی صاحب  
 جاری نسب از حضرت شمس الدین حنفی دارند

شماره دوم فرج سوم صل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت  
 مخدوم شاه سلیمان لشکر زمین که سکونت در موضع نوا باد  
 خورو و عظیم آباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاه سلیمان لشکر زمین ابن مخدوم شاه عبدالعزیز  
 ابن حضرت امام محمد تاج فقیه فرزند کلائی ثانیان حضرت مخدوم شاه عبدالعزیز  
 اندشای ایشان از ختر مخدوم شاه شهاب الدین عربند میر مجتوب

و خواهرزاده ایشان شاه جمال علی پسر ایشان شاه مظفر و یکی از فرزندان  
 مخدوم مظفر حسین جان و میر امید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان  
 بحضرت سید شاه فضل السعد عرف سید گوسائین و میر شاه محمد علی صاحب  
 و شاه طاعت علی صاحب و میر عبدالحسین و اخوان نیز ایشان آنکه که نام هر یک  
 با ذیست الا ترتیباً و اسطه نسب در بزرگ که یکی نسبت قرابت و دیگری سلسله  
 بیعت است می نویسد آنچه که یافت و ریاست یا بدو است یعنی از فرزندان  
 حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب  
 قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوابادی که در قریبت برادر جدا جدا  
 این خیر خیر انداول کیفیت نسب شان تحریر می سازد یعنی شاه ابراهیم حسین  
 ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد طبع ابن شاه عبدالغفر  
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین  
 ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم  
 شاه جلال شیرازی ابن مخدوم شاه عبدالغفر ابن مخدوم شاه  
 امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرت  
 نوابادی خواهند نوشت و اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی  
 قدس سره می نویسد و وضع باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی  
 هر دو برادر از فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

الاولاد محبوب الهی نظام الدین لدلیا بودند بطریق چشتیه نظامیه  
 سراجیه بودند اقتدای حسب نفوذ و ولایت از امر بر خود سکونت در خواب و نمودند  
 قریب بموقع بیکشنبه پور سه فرزند حضرت مخدوم شاه احمد چشتی بودند یکی مخدوم  
 شاه حسن و حق مخدوم شاه بڑی و دو دختر بن داییشان بودند هر یک  
 از برادرزادگان کتختاد و می مخدوم شاه حسین متوسط برادر فرزند ایشان  
 مخدوم شاه عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاه عبدالحمید ولد ایشان مخدوم  
 شاه محمد الهی یک دختر ایشان بی بی تاجا روجه میر سید محمود ابن میر سید محمد  
 ابن میر سید محمد جان باقی نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاه  
 عبدالحمید ابن مخدوم شاه عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفه و  
 میر سید محمد کبر ابن قاضی سید حماد الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح و  
 قاضی بڑی رضوی نسب دانا پوری سه فرزند حضرت میر سید اکبر کور  
 میر سید جهانگیر که بیت و تربیت ایشان را از جد مادری مخدوم شاه عبدالحمید  
 بود دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی  
 سید رکن عالم حالا اولاد و دختر بی این بر سه برادران از انجمن امین خاکسار  
 و برادران هم زاد را نواسگی میر سید حماد ابن میر سید جهانگیر قدس سره و  
 از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم حسین بخش  
 کوچوی والد ماجد شاه انظر حسین و دومی شیخ محمد یار جد شاه داود و حماد

گردیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه محمد و محمد  
 فردوسی بی بی پدید و از میان صاحبان نواباده که اولاد اند بی بی کمال  
 احوال از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شد نام دختر بی بی  
 کمال روبر محمد و شاه حسام الدین والد محمد و شاه حسین غریب  
 دهم گزینش که در پورینه قرار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسما  
 بی بی دولت احوال و از همه محمد و شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر  
 دختر ایشان در موضع کاکو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد  
 پسرین اولاد بی بی کمال اند

شماره سوم فرج سوم اصل اول در ذکر اولاد محمد و شاه عطا الدین  
 قدس سره واضح باد محمد و شاه عطا را بعد از محمد و شاه سلیمان  
 لشکر زمین که نما سوخت پرچم گزینش اندیک محله از شیدایشان محمد و شاه  
 تاج الدین انبه محمد و شاه عبدالملک انبه شاه عبدالغنی انبه شاه عبدالوهاب  
 انبه محمد و شاه احمد شتی قدس سره و از این همه بزرگوار در جوار جد و پدر  
 بزرگوار است باطراف موضع کاکو اولاد محمد و شاه احمد شتی را بیت و بیت  
 از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاند پوری محله نملات حضرت بهار  
 کبیره این محمد و دیوان شاه فرید طویل بخش این دیوان سید شاه بزرگم  
 ابن سید شاه جمال ادویا ابن سید محمد بداولی که برادر محمد و حضرت سلطان

شوق بی بی بلال قن لاد ولد دومی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو  
 لاد و یک پسر شاه محی الحق عرف بلو کسی پسر و دختر ایشان نیست  
 الا پسر کلان شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از سماء بحین دختر  
 سیر سید حامد محمود ابن میر سید محمد که خدا سید قن از بطن این بی بی سیکه سماء  
 مخدومه زوج بناب حضرت سید شاه یحیی علی ذی اولاد دومی سماء سید محمد  
 لاد دومی سماء سکینه زوج شاه معین الحق عرف شاه محمد یعقوب  
 ابن مولوی شاه پدر الحق ابن مولوی شاه امین الله و کوا الصدرا بطن  
 این بی بی یک دختر دوسه پسر شدند بجز دختر همه ذی ولد انعام دختر سماء  
 حسینا زوج اولی میر سید بایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین  
 لاد دارین جهان و کلات یافتند پسر کلانی شاه ظهیر الحق از دوسه  
 میر سید حامد حسین شادی کرد یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه  
 فرید الحق از دختر خال کلان خود که خدا یعنی از دختر سید محمد حسین  
 هنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید حامد حسین ابن  
 سید شاه غلام حسین قلموی بلا شادی دوم ست سید الفت حسین پسر ثانی  
 شاه منظر الحق از دختر خالاسی خود منسوب شدند نام زوج شان سماء  
 فضیلت النساء و خود از بطن این بی بی چهار پسر و سه دختر و پسر  
 در ایام صغری رعت یافتند لاد و پسر ذی ولد اند کلان شاه نصیر الحق

گفت این بزرگوار شجره در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد پسری قحط  
 مخدوم شاه خوند شیخ بنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ  
 از اینجا راسته قریب یک کرم موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف لوا آباد  
 خور و دان معروف نوا داده کلان است فخر شمره سوم خلف از شید مخدوم  
 خوند شیخ دیوان شاه تیم السانیه شاه طبع الدین محمد انبه شاه عنایت السانیه  
 که از نام ایشان چک آباد است و در زیر ما ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه  
 طیفور السانیه و از ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یک بنی بی  
 ترتیب از وجه شاه بدین دومی ترکیب از وجه میر سید عابد محمود ابن میر  
 سید محمد ثانی نوا داده کلاسه اولاد دختر سانی ایشان شده مولوی شاه طیفور السانیه  
 لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منصور السانیه ابن شاه عنایت السانیه  
 اولاد شده حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منصور السانیه و وجه ایشان  
 همه میر سید وجه الدین عرب سید لعل بود و در سه پسر مولوی شاه منصور السانیه و خلیفه  
 یک شاه خلیل السانیه و اولاد ایشان شده دومی شاه ساج السانیه و دختر ایشان  
 سماء جمیل و وجه شاه نورالحق پسر کلاسه مولوی شاه امین السانیه و پسر  
 شدند بشاه ساج السانیه که شاه مطیع السانیه دومی شاه ثناء السانیه و اولاد  
 الا پسر کلاسه شاه نور السانیه مولوی شاه امین السانیه و در اولاد کلاسه  
 پسر شاه امین السانیه و نورالحق بود و در سه پسر ایشان یکی شاه محمد فیض الحق

آنحضرت بقربت علم العظم بین خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظهر الحق  
 و شاه غفور الحق میر به نظر توفیق عالیستقیم نظامیه از پدر بزرگوار خود اندام  
 الاتریت یافته باطنه و کفایت نعمت بسلسله ابوالعلائیة الزیناب حضرت سید  
 شاه یحیی علی قدس سره اندامه تعالی مع ذرات ایشان از انوار علم دارند  
 شمره خج دوم اصل اولی بقیه ذریت حضرت امام تاج فقه پسر سوم  
 مولوی شاه ابن الله از شاه طیب السند نواسه حضرت شاه سیف السند

### موردی شجرات بهار

واضع ابد حضرت شاه طیب السند پسر ثالث مولوی شاه امین السند در موضع  
 موثره در کنار تربیت عبادی خود شاه سیف السند عتقه السند علیه نامه  
 مقتدائی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم ناپدی گردید از  
 سماء تجلن دو برادر ایشان یک میر سیف الدین عوف میر سبوح نام  
 دیگری یازدست اصحاب جناب طیب السند از بطن امین بی بی چهار دختر  
 و دو پسر یک شش تنه اندک ذات شاه بهمار الحق که صاحب جود و سخا و امان  
 تحلف به لباس داشتند و نه در خورش نوش مجرد اندام پذیرا کردند تعلق  
 اهل و عیال اولاد برادرشان اولاد و بیان هستند برادر ایشان شاه  
 تراب الحق روح عمده بین خاکسار ذکر اولاد ایشان و فیمن اولاد و هدای  
 خود خواهند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی و ولد شدند

شادی اولی از دقت غم خور و خود کرده اند اولاد است یک پسر محمد کبیر و دختر  
 نیز از بعد حالت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصه بنیر از دختر شاه  
 اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه ضعیف الحق  
 از دقت رسید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی که خدا شد  
 بفضل دی اولاد اند و خواهران ایشان یک زوجه اولی سید الفت حسین  
 که که خدا الان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه  
 غفور الحق که خدا پسر و دختران سوره یک زوجه شاه محمد واجد ابن  
 شاه حسین علی و دی هنوز تا که خدا پسر حافظ حسام الدین طال سید  
 و علمه همه و جوه و شوق است پسر سوم شاه غفور الحق که خدای ایشان نیز  
 از دقت خور و خالا ایشان گردید سماء بصیر النساء حضرت بسو و تر خباب حضرت  
 سید شاه محمد علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین که کور بالا از دختر  
 عم او سکه خدا مذکور پسر و دختر ایشان ما قبل کرده اولاد و خواهران ایشان  
 یک زوجه اولی شاه نصیر الحق مذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولانا بخش  
 نام در بوقت یادمان بفضل دی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه  
 سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن  
 جناب حضرت سید شاه محمد علی و پسر و برادر شاه نصیر الحق و شاه ضعیف الحق  
 و شاه محمد نظام الدین تو اسه جناب حضرت شاه محمد علی قدس سره اند و



شاه ذکی الدین مسبب درایت بقام شکر و سیه اقامت بود و در خانه شرفا  
 از سیادت و عقد کلک نمودند یک دختر خجسته دختر متولد شدند بی بی بار که نام  
 بود چون از غضب و جلال و الدخدر حلت بدان مقام کردند چند کسان از ابناء  
 آن بی بی سوهو قدر آوردند ایام رضاعت نیز نعم نشده بود و عرض کردند  
 آنما که یا محمد دم این دختر پسر حضرت است فرمودند اگر چنینی است خود بخود  
 نزد من آید بی آنندان حنفیه تر از من را نکرده و برانوسه مبارک حضرت محمد دم  
 الملک آمد نشیند محمد دم بر حال قبی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر  
 پشت مبارک حضرت محمد دم الملک یک سینه رنگ بود آنرا آن تقوا همین  
 از لب خودی میکشد شیری برآمد اگر امانت اولیا محجب نیست اصحاب این  
 تاز پرورش یافتند چو بالغ شدند از سید و حید الدین طاکش این سید  
 عللار الدین گفتند کردند و سید و حید الدین خواهر او نیز مرشد حضرت  
 محمد دم بودند یعنی همیشه زاده خواهر نجیب الدین فردوسی قدس سره بقوت  
 از بطن بی بی بار که سید و حید الدین را دو فرزند شدند یک پسر یک  
 دختر اسم مبارک پسر سید عبد الله و عسجد اکبر شادی ایشان در گفتند  
 جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد و سید پیار سه و نام دختر سید  
 و حید الدین بی بی ترهره بود از سید شهاب الدین جوهری علوی نسب  
 که غذا شدند یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

و خواهر ایشان یکی والده میر محمد عاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاه  
محمد سیاد این جناب شاه تراب الحق مذکور و اولاد دخترانی بودند و دختر  
بی بی مبارک زید شاه فخر الدین برادر و وسط شاه کبیر الدین بجایه بین  
مقام سهرام والده شاه محی الدین عرف لالا میان ذی اولاد و  
و دخترانی بی بی سلامت بموضع رحبت و اقوان که خدا آنهم ذی اولاد  
اند باقی حال که دختران بخوبی معلوم نیست شاید که از میر عنایت علی که خدا  
بود دخترانی اولاد شاه طیب السمر حرم از محل ثانیه یک دختر و سه پسر که  
شیخ صادق علی والده ناطر و لا علی و دیگری شیخ خورشید علی والده شیخ قرائتی  
سوی دارند و ولایت علی بود

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه  
شیرالدین فردوسی بر چند شمر و یک شجره که طویل الذکر است  
بصورتی بیان میکند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک در کتاب مولود شرفی  
بخوبی بیان کرده است این فقیر طبع چونکه این کتاب نسب نامہ بود و در  
حاجت تحریر نمود نسب نامہ بالا حضرت امام محمد تاج فقیر با قبل تحریر شد  
اعتیاج مکرر تحریر نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک در مقام سنار  
گانون متماثل شدن از بطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شده اند

شدند و شاه عجب الحکی را یک پسر شدیحکی نام اولاد تمام و میر میر عبد قاقا  
 را اولاد نشد آلا و برادرش نذری اولاد سید عبد السلام و سید شاه مصطفی  
 اندا براسه مرهم مصلحا نوشته می آید بایر شید فرزند شاه مصطفی شاه  
 قطب علی و پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین و دیگری شاه  
 حسام الدین و ذکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلانته خواهد نمود و حال  
 ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی چنانیم که بیان طویل است  
 ثمره و بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی  
 باید دانست شاه نظام الدین را شد و پسر از آنجایی که شاه علی بخش  
 و دیی شاه مصطفی ثانی سوی شاه فیض علی پاری شاه عبد الغفر  
 که اولاد رفتند از خالم از فرزندان شاه علی بخش یک قطب علی ثانی  
 و دیی شاه اسد علی لا اولاد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لا اولاد  
 و دیی شاه رحمت الدین شاه و مورن ایشان را یک دختر  
 روجه نشی کریم بخش و سه پسر که شاه نور الدین احمد و عو شاهی با او  
 که خدائی ایشان از دختر خود دهری حبیب الدین گردید یک پسر و یک دختر  
 ایشان دختر روجه شاه اسیر علی ابن نشی سید کریم بخش پسر ایشان شاه  
 محبوب حسین و پسر شاه مسا و ن شاه غور شید حسین که از دختر عم او وسط  
 کنه شدند و دیی شاه کریم الدین و دختر ایشان یک روجه شاه عو شید

و قمری بی خطه از سید ابو محمد یاری گفتند شد نماز طین این بی بی چهار سپهر  
 متولد شدند یکی شاه مسیح الدین و دیگری شاه نصیح الدین هر دو اولاد سومی شاه  
 امام الدین و اولاد ایشان گفتند بسیار در اول و طایفه بسیار بود و نامد و نیزه  
 این بزرگوار در چهار در مقام بدر با و قریب ار دل مزار سید و حید الدین  
 چاکش است و بمقام سینه از قریب پلاسی مرقد این بزرگوار است الا  
 فرزند جاری سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که محذور الزام بود  
 خدمت درگاه مخدوم الملک در اینجا رفته در حضرت بهار آورده مسند نشین بجا  
 تبر که نمودند و درات درگاه غیره مشکیش آنحضرت و اولاد ایشان بعد  
 حصه و هم یا جام حصه خود ماکرند و خدمات بطور خاصیت بجا آورند چون  
 سلسله اقامت شد اولاد این بزرگوار مخدوم زاده معرفت شدند و در جهات  
 خلافت در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین  
 و فرزند یک شاه لعل و دیگری شاه جلال کلائی را اولاد و نفع آلا  
 فرزند شد بشاه جلال سی شاه خوند پس ایشان شاه محمد پس ایشان سی  
 شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسرینی  
 بشمر چند از آن جمله یک شاه محمد و یکی شاه مصطفی سومی شاه بیاد علی  
 یاری شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحمی  
 هفتم شاه محمد و یک پسر شاه عبد المکرم و یکی شاه عبد الحلیم برادر اولاد

مصدق علی ابن شاه نظام الدین مذکورہ بالا ذی اولاد شدہ یکے شاه  
مر قضا بنیش دو بی شاه جلال الدین سومی شاه یحییٰ علی پسر  
شاه مر قضا بنیش رانیز سومی پسر یکے شاه عیث علی دو بی شاه قاضی سومی شاه  
لیض علی کیفیت ذی ولدی شاه عیث علی در بابت نشد اولاد برده ہر ارشاد  
فتح علی و شاه فیض علی اولاد شدند

### شمارہ سوم

پسر شاه فتح علی یکے شاه حمید الدین دو بی شاه فرحت علی سومی شاه امان  
فرحت منو پسر شاه حمید الدین شاه بنیش علی دو بی شاه قاسم علی  
و شاه محمد سعید محمد ذی اولاد شدہ ازین ظلم علی اولاد شدند

### شمارہ چہام در ذکر اولاد شاہ فقیر علی

شاه فقیر علی را دو پسر کی شاه طاعت علی اولاد ایشان نشد دو بی شاه  
افضل علی چارہ پسر ایشان بر یکے عالی تہار ذی اقتدار یکجا از نسل  
شاه واجد علی متوطن موضع سانید تمام دختر سرورہ کردہ چند دختر از  
دو و پسر یکے دختر و پنج شیخ خاؤن حسین کہ پسر و یک دختر از ملین این بل  
شیخ محمد اہل و تحمل حسین کینیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است در فصل دوم  
در ذکر شیخ فاروقی السبک و دختر ثانی زوجہ صاحبہ علی طان و دختر ثالث  
زوجہ میرزا علی سلکن پور نہ پرگنہ ارول مان و اولاد حسین ذی ولدانہ

مذکور بالا دومی روجه شاه فرزند علی پسر خود نشی کریم بخش مذکور الصدا  
سومی شاه منیرالدین احمد عرف شاه محمدی در مقام راجگیر دارا  
شاه خاوی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یک روجه میان جان علی بن  
نشی رمضان علی دومی روجه شاه وحیدالدین ابن میر قاسم علی ساکن  
سوه و هفت کلانی شاه منیرالدین احمد عرف شاه محمدی شاه قمرالدین  
دو شادی ایشان از دختر سیرامانت علی مرحوم گردید یک بعد دیگر  
و هفت سالی شاه صاحب مدوح مولوی وحیدالدین شادی ایشان  
نیز یک بعد دیگر از حبیب میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی و لدی هر  
دو صاحب معلوم نیست

شماره دوم در ذکر فرزندان شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین

باید شنید فرزندان شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین چهار بودند از آنکه یکی  
شاه حسین علی دومی شاه غلام شرف الدین سومی شاه کریم الدین  
و نفرین این چهار برادران لا ولد رفتند ازین عالم الا ذی ولد فرزند چهارم  
شاه عظیم الدین دو پسر ایشان یک مظفر علی دومی شاه کریم الدین  
ثانی ایشان نیز دو پسر یک شاه احمد علی دومی بدو عرف شاه  
بدو و حد الصین لا ولد پسر شاه مظفر علی شاه علی بخش بودند پسر ایشان  
شاه تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرف دثری مفتوح و اخیر الا شاه

یک دختر ایشان زوجه امیر علی خان ابن همت علی خان سپهسالار و یک دختر  
 او به چوهری ظهور الحق امین چوهری و احمد علی دودختر و یک پسر ایشان  
 محمد واعظ الدین نام مادر ایشان سماءه قدیرا انسا بیت سماءه حسینا نام  
 پسران وزیر علی خان اردو دختران خود شاه لطیف احمد ابن شاه  
 شرافت علی که خدا شده پسر ایشان و اما چوهری ظهور الحق دودختر خان  
 یوزیر علی خان منسوب یکی بعد گیره پسر سوم خدا علی خان و اما دوشاه  
 بنده علی و اما دکلانی جناب حضرت شاه امیر الدین رحمة الله علیه پسر سوم  
 اقبال علیخان و اما دوشاه لطیف احمد خان خود یک دختر و چوهری  
 واعظ الدین مذکور و پسر محمد سنی هر یکی دوی داند پسر شاه شرافت علی علیه الرحمة  
 شاه لطیف احمد و اما دراجه اسد الدیک پسر ایشان برده خلیل بهر  
 چهار سالگی رحلت نمود و الانخ دختران ایشان مذکور سه دختر و دوازده تن و دختر  
 زوجه شاه محمد تقی ابن شاه امیر الدین رحمة الله علیه دمی ولد و یک دختر  
 در انجوار که خدا شد و اقران ان حور

شمره پنجم در ذکر اولاد شاه عیث علی ابن شاه مرتضی انجمن ابن  
 شاه مصطفی

مذکور بالا باید دانست بشاه عیث علی چند دختران آلا یک پسر شاه احمد علی  
 باب ایشان یک دختر و یک پسر شاه و احمد علی خواهر ایشان زوجه شاه

پسر کانی شاه امیر علی داماد شاه علی انجمن پوری نوری ولد شد و پسر  
 کانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی هم خود نوری ولد شد و پسر دومی شاه  
 فضل علی شاه و اگر علی داماد قتل خود شاه عاشوری یک پسر  
 جهان شاه ابوتاب داماد هم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه و حیدر الدین  
 امیر علی موسی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر  
 پنج دختران ایشان یک دختر و ده شاه فرزند علی ابن شاه و احمد علی و دو دختر  
 و ده شاه ابوتاب یکی بعد دیگری یک دختر و ده شاه براتی و یک دختر و ده  
 علی محمد حسین از فرزند کانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان  
 شاه و ده پسر داماد و غور و جناب حضرت شاه امیر الدین سجاد نشین و ده  
 و یک دختر ایشان از واسطه ایشان فاده اجداد و ده و ده پسر شاه  
 داماد حسین داماد شاه خان علی شیخ پوری یک دختر ایشان ده پسر  
 پسر علی خان نواده نواب محمد حسین خان مرحوم نوری ولد پسر سیدی شاه  
 امیر علی و ده شاه غلام حسین شملوی و ده پسر ایشان یکی شاه وزیر جا  
 و ده شاه بوجان هر دو نوری اولاد از موسی پسر چارمی شاه فضل علی  
 شاه شرافت علی شادی اول در تقصیه سلطان از دختر اجداد علی از ان ابو  
 یک دختر و ده شیخ ولایت حسین یک پسرشان محمد حسن لا ولد شادی ثانی  
 و ده دختر شاه و ده سجاد نشین گردید از ده مرادون یک پسر و



# این قطب علی ابن شاه مصطفی دلی

ابن شاه علی ابن شاه و همام ابن شاه محراب ابن شاه غوث ابن شاه جلال الدین  
 ابن شاه علیم الدین بزرگ عروت شاه بیکه واضح باد شاه حسام الدین  
 دو فرزند نام یکی شاه بدیل و نام دومی شاه بولا یک پسر ایشان شاهر  
 وحید الدین و سه خواهر ایشان حاجا بنسوب و شاه بدل را چند دختران  
 از آنجا یک دختر زوجه بود از شاه و حید الدین ایشان را یک پسر  
 بنام شاه مهر علی و چند دختر یکی از آن زوجه شاه علی بخش بود بنام  
 پدر شاه تراب علی و پسر شاه اسیر علی شاه و حید الدین عروت شاه و حاجا  
 شادی ایشان در شینپوره شد از خواهر شاه علی احمد شمس شاه و حید الدین را  
 نیز یک پسر شاه فرزند علی عروت شاه فیضاً و چند خواهر آن ایشان که  
 زوجه شاه تراب علی مذکور بود محمد یعقوب یکی زوجه شاه جانعلی پدر محمدی  
 سومی زوجه قاضی مبارک علی بدیع قاضی سلامت علی وزیر شاه فرزند علی را  
 یک پسر شاه الطاف حسین با ایشان نیز یک پسر و چند دختر و شاه فرزند علی  
 صاحب نیز دختران یکی زوجه شاه احمد حسین چند پسر آن ایشان و دومی زوجه  
 قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی  
 زوجه میر ابن حسین چارمی بنسوب بود از پسر شیخ زیدار علی ملا ولد شد از آنجا  
 اولاد بود شاه بدل و شاه بولا است

محمّد و هم پیش طلّح و افی یک و قزویشان زوجه عثایت حسین خان  
 یک پسر ایشان میرشان حسین خان آلا شاه واحد علی بسبب رقابت  
 صاحبان شیخپوره و حسین آباد تبدیل غصب کرده بود و تا آخر عمر در غنیمت اند  
 فرست نمود و صاحب زادای نج و زیارت دین طایفه و حالت طالت از غصب  
 شیعه بردست این خاک را توبه نمود و در آنجا تفریق شد و در دست اعلی  
 بهار سینه ناصر الحسن ابن حضرت صدیقی اکبر رضی الله عنه القصد کیست ایشان  
 شاه و علی ارشد که از نجراهر شاه جمال علی بلخی که خدا یک پسر ایشان شاه  
 علی نظر و شیخپوره سکونت دارند و می اولاد هستند

شماره ششم در بیان اولاد شاه سی علی ابن شاه مصطفی از نام  
 ایشان محله مشهور مصطفی

بایستینید پسر شاه سی علی ابن شاه مصطفی مذکور یکی شاه رکن الدین لا ولد  
 و دیگری شاه نور الدین موسی شاه تاج الدین الا اولاد و مترس شاه رکن الدین  
 اند سکونت در جاز هست و پسر شاه نور الدین شاه رنجش بودند اولاد و متر  
 ایشان نیز اند لا شاه تاج الدین را بودند پسر چهار یکی شاه صادق علی و یکی  
 شاه غیر الدین موسی شاه علی محمد چارسی شاه بخش الدین کیفیت اولادشان  
 بعدین دریافت نشد که میزشت اند و یکی از کتاب تصنیف شاه محمد غم ششم  
 شماره هفتم در بیان اولاد شاه مسام الدین برادر شاه نظام الدین

واضح باد شاه وجه الدین کثیر الاولاد و شد مدت سجادگی ایشان رونق بسیار  
 شد از جانب باد شاه مهر عاش شد حاصل اینها و الترفه و نیاز و نگاه محمد  
 گویا شکفت تمام امارت میکردند انصاف شاه وجه الدین را و زوجه  
 بودند و کفایت از هر دو چهارپایه شدند و علاوه اینا چند زوجه بودند از بطن هر  
 زوجه و دوسه شدند که از دوسه پسر گویا به محبوب ثانی شدند و نگار و تفصیل دارد  
 باید شنید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطن بودند و شاه  
 علاء الدین نقدا لقب و شاه بدیع الدین ابن برادر و از یک  
 بطن بودند و حاصل چهار برادر و حقیق المخرج شده سجادگی برادر کافانی شاه  
 محمد بزرگ و داد داشتند و تقسیم مروت عاش معروف چهار سرکار بخشم و دهم  
 و ثبات داشتند و شاه علاء الدین نقدا برین وجه مشهور شدند و خوا  
 ماهواری نمی دادند و میوه جد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاد نشین  
 شدند و گوید دوسه شاه محمد بزرگ بودند یکی زانامه شهنشاه دیگری را شاه  
 رستم نام بود از برادر و برادر و داد و ثبات شاه علی بزرگ را نیز اولاد شد بعد  
 ایشان سجاد نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد شد  
 بعد اقبال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شد و شهاب نشین  
 خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد از خود گشتند سجاد نشین کیفیت  
 بعد ازین خواهد نوشت

شجره در بیان اولاد شاه عبدالسلام ابن شاه علی ابن شاه  
احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن  
شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اندک محله شاه علی معز ابن بزرگ است  
الغرض شاه عبدالسلام مادر فرزند تبه بلند یکی فکی الدین دویسی مشاه  
دویسی الدین چهار پسر ایشان یکی شاه احمد بخش و دویسی شاه ادب بخش و دویسی شاه کام بخش  
چهارم شاه غلام فردوس اینده در ریانت نشد کیفیت اولاد ایشان آلا  
شاه محمد دل پسر شاه غلام فردوس بودند

### شماره اول شجره اولی

شاه فکی الدین را یک فرزند تبه بلند شاه و همه الدین که بعد بزرگوار  
سجاد نخستین شد نماز محل اولی بودند که بعد بلند است بعد بیان دیگر پسران  
تخریر خوانند و آلا از محل ثانیه و دیگر یکی شاه غیاث علی دویسی شاه  
فیض علی الغرض شاه حبیب الله لقب محمد دوم ثانی خلف شاه غیاث  
بودند پسر ایشان ششم همان بودند پسر ایشان شاه احمد علی بنین بعد حکومت  
آلا پسر شاه فیض علی شاه قبالض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی  
و دیگر پسر ایشان دویسی شاه غیاث علی تخریر ایشان

شماره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه و همه الدین

## شماره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را در وجه بود در اقلون کفویت  
 یکی بی بختن که از بطن ایشان اولاد نشد و بی والدی بی میرانش  
 که از شاه احمد علی خواهرزاده شاه مظفر حسین که خدا شد یک پسر  
 ایشان شاه محمد حسین که از سماء و حیدر النساء دختر لای شاه ولی الله  
 که خدا شدند اولاد نشد الا سر دختران شاه احمد علی مرحوم که سماء خیاث  
 عزت محسن زوجه میر حسین بخش کورجی و دختر ایشان شد که زوجه میرزا علی  
 دوی زوجه میر شاه علی پسر و دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه  
 اطر حسین که زب سجاده جداوری شدند که خدای ایشان از دست  
 میر اسمعیل علی ساکن مملکت گیلان گردید اولاد نشد و دختر دوی شاه  
 احمد علی زوجه میر اسید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی  
 میر سعاد علی از خواهر خالاتی منسوب امینی از دختر میر حسین بخش مرحوم  
 دختر سوزی شاه احمد علی از میر کریمت حسین ابن میر سید حاجت حسین  
 نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یکی  
 زوجه سید مهدی حسن ذوی اولاد اند و بی زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید  
 لطافت علی شیخپوروی و دختران یک پسر سید حسین افضل بهبه ذوی اولاد  
 هستند منسوب بابجا

شمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجه الدین مع ذکر اولاد ثان  
 اولیک بطین که نام بود علی بن غلام بدو پسر شاه غلام بدو شاه غلام  
 شاه غلام بدو پسر اولاد شدند کینیت اولاد و شان بعد ازین بدو  
 چونکه ذکر طولی است و از محل چهارم شاه وجه الدین دو پسر یک شاه  
 دومی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یک شاه سرور دومی شاه  
 از زویششم نیز دو پسر شدند یک شاه غلام رسول دومی شاه محمد ششم  
 ازینجا دو دوبرادر اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد پانچم اولاد شاه  
 شد و شاه محمود اولاد شمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی  
 سه دختران یک والد شاه سخاوت حسین دومی روحا بیرونی  
 غلام و غلام حسن شاه سخاوت حسین دومی رانیز یک دختر دومی  
 فرزند شاه مادر شاه محمد و هم بخش تخلص وافی ذکر ایشان را  
 شمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه هاشم لا ولد ذکر شد  
 این شاه و احمد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه  
 وجه الدین مذکور احمد شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه  
 عباس علی حرف شاه جمین دومی شاه احمد علی سومی رانام بدو  
 پسر شاه اسید علی اندو شاه سرور شاه مصطفی بدو برادر اولاد شدند  
 که بیان کنم

الا ذکر اولاد پیری حضرت مخدوم بابر است خلف الرسید و بجاده شریف محمد  
 بابر عالم قدس سر و حضرت سید شاه سلطان بود و نادر اولاد مخدوم سید  
 سلطان نشد الا یکی از فرزندان برادر ابفرزند می گزیده که درند جان شیرین معروف  
 بمخدوم احمد بیری سید احمد بیری بکن معروف پسر ایشان شاه محمد عرب بکن  
 بعد این بزرگوار بیت این سلسله زاید در خلفا ماند الا بیت و خاندان  
 فرزندان مانند کلی نادر اولاد ایشان حضرت شاه محمد پسر شاه عبدالعزیز شاه محمد عوض  
 یونذیر ایشان شاه محمد فیاض زایدی نسب و سلسله ساکن مله سواد  
 مشملات بهار یک پسر ایشان دود و دختر نام پسر از ذمیت الادماد ایشان  
 حاجی نصیر الدین شیخ پوری شمس نسب اعمالا و دختر کلائے حضرت شاه محمد  
 زوجه حضرت شاه ولی السعد پسر بزرگوار حضرت شاه امیر الدین فردوسی دختران  
 شاه بهادر علی شمس شیخ پوری دود دختر ایشان یکی زوجه شاه محمد علی  
 که برادر زاده نیز خسر خود اند شاه محمد علی مرحوم چند دختران دود و پسری  
 شاه بهجو که رباط محبت پیدا شدند ازین خاکسار بسیار زیاده و چند بکلائے  
 ثانی شاه عبدالعلی و اعماد وسط جناب شاه امیر الدین فردوسی بجاده  
 و یک دختر شاه صاحب مرحوم زوجه حکیم و دختر علی که خواهر زاده نیز اند که  
 و دومی زوجه مولوی تصدق حسین ساکن گزنه سواد و فرزندان ایشان  
 شاه و عطا الدین و دومی مولوی علیم الدین باکی کیفیت دریافت نیست ثانی

## شمره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی الله سجاده نشین حضرت مخدوم الملک

احمد شمره حضرت سید شاه ولی الله مقبول با نگاه که بنظر هر کس می نمودند  
ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بود زمانه  
چهارم کثرت فقر شاه ولی الله نایش بود بتجلفات کرد و فرموده شد  
کلاه و لباس شاهانه خرقه رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیعت ایشان  
از یک اراکام خود شاه رحمته الله فرمود بیعت ایشان از حضرت  
شاه حبیب الله نادری پهلوار دی و کس باطن و تربیت از حضرت  
مولوی سید حسن رضا سمی را سپردی الحاصل که خدا ائی حضرت  
شاه ولی الله از دفتر شاه محمد فیاض شد که اولاد حضرت مخدوم الدین  
بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند منجملات حضرت بهار دیگر اقران  
و اخوان نیز آنجا سکونت دارند \*

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم هزار دربار است  
واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک خست  
بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر  
میر سید احمد که نزارشان بموضع ندره مشهور و فرار سید محمد قدس سره بموضع  
معا فاکت اولاد سید محمد ولی بی ابدال زمین بیشتر زخته شد حاجت که در حضرت



نوجوان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

شجره نسب شاه غلام بدر ابن شاه و جلال الدین ابن شاه ذکی الدین  
 و افصح بادشاه غلام بدر الدین و غلام حیدر و برابر بودند این شاه و جلال الدین  
 گفتند هر دو برادر یکجا گردیدند از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد  
 سهروردی زیدی نسب بودند زوجه شاه غلام حیدر را نام سماء را جو  
 و زوجه شاه غلام بدر را نام سماء بنحیبیا عرف تا جو القصد شاه غلام حیدر  
 اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند نیز زوجه شاه غلام بدر یک پسر و یک  
 دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند تا آنکه پسر و دختر ماه اجور پور شرس  
 نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد و اصل بودند و نام دختر  
 بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره دری اولاد سید افضل  
 بودند که خدا شد ندیک دختر سبلی دهومن زوجه شافق علی عرف  
 شاه بهروز سیک دختر ایشان سماء لطیفه زوجه شاه علی بخش ابن شاه  
 محمد و اصل زدی اولاد شده به اولاد شده بیکه مغفل رحلت کردند و نام پسر  
 سید خیر الدین حسین که در مقام شهر ابعزو ماه نام پیدا کرده در انجا رحلت  
 کردند اولاد نماند الا که خدائی شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر از بنت  
 البشت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاند پوری گردید  
 از سماء مسیحا و دختر بی بی صبیحه شاه محمد و اصل را از لطین ابن زوجه شمش

و دختر شاه بهادر علی جلایار متروجه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره  
 که از دختر خاله که خدا شد بد جناب شاه امیرالدین فرودسی را و دختر  
 رتبه بلند و سده دختر از جمله یکی زوجه شاه بنده علی عرف شاه بدلا پسر  
 شاه حسین علی کبک دختر ایشان زوجه خدا علی خان و دختر ثانی رودجه  
 شاه عبدالعلی که دختر ایشان زوجه سید عبداللطیف طلع موی کبیر الدین  
 آینده معلوم نیست آلا دختر ثالث از شاه محمد جعفر بن شاه ولایت علی کتول  
 هستند و دویس و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلان جناب حضرت  
 شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند و دویس چهار اند هر یک ذی ولد و  
 پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد بن شاه شرافت علی کتول  
 شد ذی ولد اند و دویس جناب شاه امیرالدین فرودسی یکی سماه و حیدر  
 رودجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النساء زوجه  
 شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت  
 شاه امیرالدین اودو پسر از محل دیگر اند که رحلت نمود محمد اسمعیل ثامن ثانی  
 محمد ولی است و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر سی  
 شاه بنده علی و دویس خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال  
 دیگر در ریقت نشد الا شادی شاه بنده علی بوضع بیژاری از خواهر شیخ  
 فضل حسین دویس ایشان شدند که شاه عبدالعلی و دوی اولاد علی

و دو پسر شیخ محمد علی ابن شیخ مظفر علی ذی اولاد اند و نام پسر شاه طغی علی  
 مرحوم شاه محمد تقی ذی اولاد است بمسماة ذکر کرده دختر شاه محمد و اول  
 ابن شاه غلام بدر پسر شد ندیکه سید عابد حسین چارده ساله بود  
 و دیگر واحد حسین و سیوم برادر کنام یا ونیست بعالم طفولیت ولت  
 کردند الا دختر گلان که مسماة جهات النساء زوج سید رضا علی ابن  
 میر دوست علی یک پسر ایشان سید فدا علی که از دختر عم خود و خود کنده  
 یک دختر گذاشته رحلت کردند و در غروب است از ذواب فقیر علی  
 و یک خواهر سید فدا علی زوج سید امید علی یعنی مسماة سکینه و دو دختر  
 گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی زوج شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی  
 و خواهر سوم زوج سید وحید الدین ذی اولاد اند چارمی بهمن فرسن  
 نمود و قضا و دختر ثانی مسماة فاطمه بخش معون بخشا زوج شاه امیر  
 یک پسر و سه دختر ایشان دختر سوم مسماة براتن النساء زوج شاه علی  
 ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و یک پسر ایشان سید بشیر  
 علیجان رحلت کردند و نوجوان و دو خواهر ایشان نیز بودند با هم  
 پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کلسوم خواهر غلام  
 شدند مسوب چند اولاد شد الا یک پسر شعل حسین نام موجود  
 و یک دختر شیر فاطمه زوج سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر و یک دختر از همه برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خود و سماء  
 ذاکره روجه شاه انور علی ابن شاه قلی علی و سه پسر و سه دختر ایشان  
 پسر کلانی حضرت شاه محمد و اصل شاه کریم بخش عرت چوپا که خدا  
 ایشان از دختر شاه غلام مخدوم که یکی از فرزندان حضرت سید محمد  
 سرور دی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه  
 غلام مخدوم بود بی بی اطمین عرت بی بی اتوار و یک پسر ایشان شاه  
 امیر علی که از دختر عمه خود سماء ذاکره دختر شاه محمد و اصل روجه  
 شاه انور علی که خدا شد مذی اولاد شدند و پسر دوم شاه محمد و اصل  
 شاه علی بخش زوج سماء لطیف یک دختر و یک پسر شد نام پسر حسین  
 فوجان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النساء و چهارمین  
 ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بچه اولاد بمردند و پسر  
 سوم شاه اشرف علی که خدا فی ایشان بموضع مدح پور شد از سماء  
 بی بی مریم اولاد شد و چارمین پسر شاه قادر بخش شادی ایشان یکیم  
 خور و نملات بهار شد از سماء عجب اولاد و ولادت کرد و پنجمین شاه ترا علی  
 ذی اولاد شده و اولاد رفتند ششمین پسر شاه محمد و اصل شاه لطف علی  
 که در ایام جوانی عده هجده سالگی رسید حاصل کرد خدا شد بموضع بار  
 از دختر میر سید محمد از سماء کبیر النساء یک دختر سماء مقیم النساء

داود شاه بادشاه تخت نشین حاجی پوزیر سید قاب مقابله نیارود  
 فرار وزیر بسوسه جنگاله حمله کرده سلطنت حسین شاه بادشاه گرفت  
 حسین شاه بادشاه جنگاله با خود با تا پسند ویده صورت جنگ جلال  
 و بندگان خدا را قتال قصد ترک سلطنت کرده قصد سیاحت نمود  
 و سلطان اکبر بادشاه بر سپرداود شاه رحم آورد و ظلم بر عفو جزا نم کشیده  
 تاج بخشی نمود و مینه خراج که سابق نبود مسعود شاه ابن داود شاه  
 بجای پوزیر تخت نشین ماند و حسین شاه سیاحت کرده در صحرا  
 ضلع تربت جاس غارت نشین شد و مشغول بعبادت الهی مدتی  
 برین سپری شد آن صحرا نیست علاقه منظر نور نام است عالما شتر  
 ره بود و رگانه آخر هجوم حلائق پیدا شد و کیفیت و کرامات ارشاه  
 حسین بادشاه هویدا شد خلق الله متعقد شدند و نوشتند و موزین گردیدگی  
 خلق چون تا پسند افتاد پسر خود سید علی ابدال را راجا نشین سجاد خرد  
 کرده از ششم حلائق نمایان شدند حاصل سید علی ابدال در اینجا بعد از  
 و ریاضت بطریق اسلاف پیدا کرد و مکسب و کمال تا مدت پهل سال  
 بعد متاهل شدند و گفتند ای فرزندان محمد و شاه و امثال که یکبار از اولاد  
 حضرت محمد و محمد تاج فقیر اند گردید یعنی در اولاد محمد و شاه حسین  
 و هو کز پوشش که واقع فرار این بر رک است در پوزیر این زلی بے

پسر سرت عطا نظام الدین باقی شد خواهر آن شاه وزیر علی مرعوم  
 از آنجمله کلائی روجه اولی میر سید حسین و اما پوری برادر عمزداد  
 خالاقی ابن خاکسار نام بود بی بی محمد و مه بعد شادی چند سال  
 حیات ماندند آخر لا ولد از نجبان رفتند و دختر ثانی شاه اسماعیلی  
 مرحوم زوجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثانی  
 جناب شاه صاحب مدوح سماء و افن زوجه سید شیعیان حسین  
 ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمة با ایشان دو دختر که هنوز ناکته ازدادند  
 پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

فری ولد بانند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین  
 ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامه تا بالا  
 معلوم نشد از تحریر مقرر ماند چونکه مصابرت از خاندان این فقیر واضح  
 کیفیت کلیه مینویسدی آرند و در تحریر که چون نصیب شاه بادشاه بنگاله  
 وفات یافت پسر ضعیفی نداشت امرایان و ندایان حسب وصیت  
 بادشاه نواسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را  
 تخت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هرگاه جلایل الدین اکبر  
 بادشاه از تخت گاه دہلی مرفت نمود و بمبوی دیار شرقی هر حکمرانی

نام بود بی بی کریمه اولاد خانم سرگاد بی بی طیفه بی اولاد ازین جهان  
 بی بی قطیفه عرت بی بی کھانسی داماد خود سید و جبه الدین عرت بولن را  
 شل پس خود دانستند برآبادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی ایمن  
 دختر سید محمد ولی ابن سید جیباگیر و نا پوری بودند از بطین این نزد  
 میر سید محمد حسن متولد شدند و اسم سید محمد ولی چون بجز سید محمد حسن  
 بی بی قطیفه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالکات قابض برتر که خود و نیز در  
 ایمر واپلاور مضه خود نمودن چنانچه اولاد میر سید محمد حسن بران قابض  
 و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در بره درگاه است  
 و مزار سید احمد ابدال در شهر نیمه مجله مغلیه در بنگل است با حیره بود  
 حالا مفتوح نشان هم شد کثرت بران آباد شد بطین اولاد نامراد و اضع باد  
 دختر سید احمد ابدال بود بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکی از اولاد  
 محذوم شاه صفی که خدا شد مد از بطین این بی بی یک پس متولد شد سید هدایت  
 شادی ایشان از دختر سید قطب از بی بی جمال شد از بطین ایشان فرقی  
 رتبه بلند سید احمد کیر شدند ایشان بر طیره اسلاف تجردی کرده اقتدار  
 در عبادت پروردگار مشغول شدند الا خواهر سید هدایت الدین سید مسعود  
 بی بی عابدیه از میر سید حسن زیدی منسوب شد یعنی بی بی عابدیه  
 و والد میر سید و جبه الدین عرت سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

کمال کا گوی و مزار خندم شاہ و انیال است در موضع تاجیور بزرگ  
 حال آنجا سے ہم زیارت گاہ است بمائندلی محض و بدنام و دختر خندم  
 شاہ و انیال از بطن آن بی بی نوزدے بوجہ آمدندی جاہ و بی بی  
 سیدی خندوم سید احمد ابدال با کمال از شاہیر شایخین صاحب کرامت  
 و حال کنڈلی ایشان از سماء مریم دختر سیر و خندوم محمد صغیر صغیر  
 کہ خندوم شاہ مصطفیٰ عم آن بی بی بودند و حصول از بطن شریفہ این بی بی  
 سید نوزد تہہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سیدی بی نام سوم  
 سید قلب کیفیت ذریت دوہزار و ان در یافت نشد الا کیفیت سومی کہ در  
 صحابہرت وقع شہزادایان مزار فایض الانوار آن ہر وقع است بہر وہ در گاہ  
 کہ بر کیفیت است الا میر سید قطب کہ شادی ایشان دو بار از دو دختر  
 میر سید عبدالرسل قادری و نا پوری کہ امام میر سید قاضی عہد الدین  
 ابن میر سید عبدالفتاح عرف قاضی میر سید ثری کہ خدا شدند نام آن  
 ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسہ بی بی ابدال قصہ  
 از ہر دو دختران میر سید عبدالرسل میر سید قطب را دو دختر نام یکے  
 بی بی طلیحہ عرف بی بی گھانسی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید  
 جلال الدین ابن میر سید قاضی عہد الدین بودند یک دختر شد از ان نام  
 بی بی لطیفہ از سید وجہ الدین عرف سید بولن کہ خدا شدند دختر ثانی



ابن شاه احسان الله مروج کد خدا شلند از بطن ابن بی بی دو پسر یکی  
 سید شاه محمد باقر شاه اول از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شذران  
 بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین نوادگی  
 گردید چهار پسر یکی سید شاه محمود که لوحان رفتند از نهبان دوسه  
 سید محمد سید موسی سید مقصود چاری سید سود و دوح اهل و عیال بی بی  
 اندو بود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شاهی بشا  
 از خواهر دیوان ملا بخش رئیس شهر کرند یک پسر ایشان سید علی حسن نام  
 از دختر مولوی سید شرف علی شد که خدا یک پسر که است سید حسن از پسر  
 پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه  
 تیمم الله کا کوی شد الا غلغله از شید سید شرف علی سید شاه یحیی علی که از دختر  
 شاه خسار الحق نوادگی منسوب شد تمام ابن بی بی مخدومه بود و آنحضرت را  
 رد پسر دوسه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد که از شیخ شاه حسین شد که در  
 لا ولد رفت دومی از شاه منظور الحق موسی از شاه منظور الحق منسوب شد و  
 ذی اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی که مذکور شد برودند اولادیت  
 الا پسر کلان موسی سید شاه اشرف علی کاشف روز غمی و بی بی  
 کد خدا شدند از دختر حسین بخش که در حیوی اولاد شد دختران و پسران پسر  
 کلان سید شاه حسین علی که از دختر مولوی ذریعت علی کد خدا شد مذکور شد

ملک و قابض بر کل مملکت و حاکم و گاه و غیره شد این میر سید و جلالت  
 عرف سید بولن میر محمد حسن بودند شادی میر سید محمد حسن از بی بی اقیان  
 عرف بی بی بیگلر دختر شریفه از حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره و انچه  
 شد که جدا شد این خاکسار را تم التقریر بودند چهار پسر میر سید محمد حسن شدند  
 یکی میر مظفر علی دومی میر غفر علی که امام حضرت سید شاه ولی الله ابن  
 سید شاه محمد حسین بودند نام آن بی بی پشیده بود و در محراب و من لا ولد  
 رفتند از عالم هر دوی حسین علی نوجوان رفتند از جهان چاهی میر  
 قطب علی که از دختر میر سید مگو که خدا شد یک دختر شد موسوم بی بی  
 و احسن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان که خدا شد محمد حسن خان  
 نواسه میر حسین صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر شاه علی خان  
 الا شادی اولی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت  
 آن بزرگ بجلد چاند پور و یکی از منتهات حضرت بهار که از فرزندان حضرت  
 سید فرید و دیگرش بودند از بطن این بی بی صفه و در دختر و یک پسر که دختر  
 نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی که خدا شد کسی که  
 از اولاد حضرت مخدوم شاه بیدی بودند ساکن چک رگه ضلع ترس بودند  
 نام فرزند ایشان شاه امام علی بودند آینه کیفیت ذریه ایشان دریافت  
 الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد

غازی شد آخر به کید کفار شدند شهید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان  
 سید زین العابدین از نجابر خاسته ظاهر گشته جانب شمال رفتند که در غارت  
 جان پند کرده بودند بموضع پهلوانی گشته یکسری ضلع تربیت مشغول به کشت  
 و شغل کشاکشی فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بود و بدین خلف ایشان  
 میر سید اموات فتح پسر ایشان میر سید عالم ابنه قاضی میر عبد الفتاح  
 از دربار شاهی منصب قضا بر گشته پهلوانی کرده حصول مع اهل و عیال  
 از مقام آمده بموضع وانا پور بر گشته پهلوانی ضلع پهنه اقامت نمودند  
 شادی قاضی بزرگ در وطن خود در اقران شده بود و نیز شادی پسر ایشان  
 میر سید عماد الدین در آنجا شده بود که بعد از آن صاحب تضا و انا  
 وانا پور بحال ماندند الا یک دختر بود قاضی سید بزرگ مسما جمید النساء که  
 شان منظور بود و در شرفارینچو از آخر از میر سید جهان ابن میر سید قطب  
 باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جهان ممدوح مع کبیت اولاد و آخر  
 بتصریح خواهر کاشت درین اوراق ذکر فرزندان پسر قاضی عبد الفتاح

عرف قاضی بزرگ است

شجره اولاد رضویان ساکن دانا پور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بزرگ بعد از انتقال والد  
 امجد خود سر رشته قضا بست سال ماند و بعد از آن باد شاه نور الدین جهانگیر و انا

و دو پسران بی بی مریم گذاشته وفات یافتند دختر از میر و اجد حسین ابن  
 میر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلان شاه محمد قاسم از دختر شاه عبدالحمید که خط  
 او پسر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاه محمد و اجد و شادی ایشان  
 یک از دختر شاه امیرالدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین  
 ابن شاه غفور الحق گردید الله تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کرد  
 میر مظفر علی دو پسر و یک دختر بود اما در همه که غرض خدا و نام نام  
 پسر کلان شاه هدایت حسین مدعو خیراتی و شادی کردند اولاد نشد  
 ثانی سید عالم علی عربن براتی از دختر شاه سلامت علی و دومی شادی کرد و قبل  
 ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد اما حاصل فایض و تصرف بر کل ملک  
 سید مظفر علی و غیره اولاد و سید شاه یحیی علی قدس سره اندیشی شاه  
 محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قریب

بزرگراه رهبر و دارند ان درگاه ربارت گاه است

شجره نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبدالفتاح عرفه قاضی شش

و اما پوری بیان بر چند

باید دانست که میر سید علی شیر جانی میری ابن میر سید علی کبر حاجیر بی بیاد  
 رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سیادات رضوی از قضا  
 حاجیر به حضرت مبارز آمده در محله مکره اقامت نمودند وقت غزای بکار

عماد الدین بود و کثیف و فرزندان ایشان طویل ست آئینه تحریر بخشد  
 الا چهار پسر بود و سید قاضی عماد الدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر  
 اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل ست الا پسر ثانی قاضی  
 سید ابو الفتح که بعد والد ماجد منصب قضا نامد چند سال شادی ایشان  
 از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردید و بخت میر سید  
 اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد و رحلت منفصلا  
 و ترک ائمه خود یکیک از برادرزاده میر سید عبد القدر دادند هنوز آن ترک  
 و فرزندان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر  
 سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از سماء  
 فاضله و قمر شاه عبد السلام در اول حضرت مخدوم الملک قدس سره  
 آن بی بی عمه شاه و جبه الدین ابن شاه فکی الدین سجاده نشین بودند  
 یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدیع الدین  
 که خدای ایشان از سماء لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شد یعنی از دختر  
 عم خود چونکه بیات و جاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را رسوئیت  
 تمام در بار سلطنت و بی از امر او آراگین بود صاحب خوش تحریر خوش  
 تقریر بودند و علوم و محبت بودند سدا قفا در بار شاهی کردند حصول بهشت  
 و نیز و طایفه بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند شغوف اگر سلسله فقر

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی ایمینه  
 چهار پسر ایشان دو دختران چنانچه یکده نفر منسوب شد از خواهر زاده  
 ایشان یعنی از میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور که  
 ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد و بمن ذکر فرزندان میر صدر جهان  
 علیه الرحمة دومی دختر منسوب شد از میر عبد الرسول قادیانی نسب  
 که از بغداد شریف بطریق سیاحت آمده بود و در آنجا پور بعد از قاست  
 ایشان در محبت حد صورت غایت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب  
 به حضرت حوث الثقلین دختر ابی حیت ایشان داد و میر سید عبد الرسول  
 یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه دختر قاضی سید عماد الدین الی  
 سید اسحاق در عالم جوانی ناکند از حلت کردند باقی چهار خواهر ایشان  
 و دختران سید عبد الرسول از آنجمله دو دختران یکجمله دیگر بر زمینیت  
 میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن ج حسین شاه  
 بنگالی بادشاه دیر بنگاله نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود و ذکر دیرت  
 هر دو در ذریع میر سید قطب تا قبل نکاسته شد در کیفیت سید جلال الدین  
 عونت سید مولن باقی دو دختر که خدا در کفویت شد بعد بی بی معینه زوجه  
 میر سید جهانگیر ابن میر سید کبیر پسر کلانی قاضی عماد الدین دومی بی بی  
 مبینة زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهر زاده خانقا

بودند گردید از طبق این بی بی یک دختر شامه رقیه عت بی بی چشیا والد  
 حضرت شاه مجلیسین این میر سید محمد باکو جدا جدا این قهر بودند اولاد  
 و اسباط اند الا شادی ثانی حضرت میر سید محمد ادبی بی فاطمه عت جهادین  
 خواهر میر سید شاه اعظم نوآبادی این میر سید محمد گردید از آن بی بی اولاد  
 اولاد دختر و پسر دو میر سید جهانگیر میر سید حامد بودند بی بی  
 قیمه دختر شاه ذکر افریدی نسب کورجی گردید یک دختر از آن بی بی  
 شد سماء نصیر از وجه میر سید مظفر این میر سید محمود این میر سید محمد این  
 میر سید صدر جهان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر  
 میر سید ولی بودند شادی ایشان از سماء آمنه دختر عم خود میر سید  
 عبدالمقتدر شد یک دختر ایشان سماء آمنه زوجه میر سید وجه الدین  
 عت سید بولن زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت دریت  
 ایشان تا قبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان  
 در موضع بی بی پور شد از سماء ضحیه عت رجو دختر شاه محمد یوش یک دختر  
 و یک پسر شد نام دختر بی بی مکارم وجه میر سید شاه اعظم عت سید سبازنگا  
 والد حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم که خدا بی ایشان  
 از بی بی رشید او دختر میر سید جهانگیر گردید از این بی بی دو پسر و یک دختر سماء  
 بنی زوجه میر سید شاکر این میر سید مظفر نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عت

خانمانی نرود یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید علی الدین  
 عرف سید فضل بود و دختر میر سید محمد باصر ابن محمد میر سید حسین که خدا شاد  
 نام زوج بود و سماء سید ایک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمدی  
 سید صغیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعقاب نماند  
 پسر جاری قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان  
 در قصبه منیر در اولاد حضرت محمد دم که دولت منیری شد از سماء سکینه  
 بود از بطن آن بی بی یک پسر شد سیدی میر سید نجم الدین شادی ایشان  
 در بی اعمام یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از سماء خضیه یک پسر ایشان  
 سید عبد الدین ناکه خراطت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید  
 جلال از بی بی قطیعه عرف گماسی سده بنت میر سید قطب ابن سید اسماعیل  
 بی بی یک دختر شد نام بی بی طیفه زوج میر سید وجه الدین عرف سید بولاج  
 نماند پسر و دختر سیدی میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین  
 میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از سماء بر سیمه و دختر محمد شاد  
 حمدا حمید تو بادی گردید از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر شد پسر  
 کلانی میر سید جلال شادی ایشان از بی بی مدینه و دختر میر سید عبد الرسول  
 بایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید محمد که شادی اولی ایشان  
 از بی بی رمضان دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد محمد دوم شاه صفی



اولاد ایشان نیز شاند و نام پسر کلانشه شاه محمد یار شاه مراد علی که از دختر شاه  
عاشوری انصاری که خدا شدند و و پسر ایشان شاه مراد علی که شادی  
ایشان نیز در مبارکه انصاری شد و پسر ایشان شاه ممتاز حسین که  
الا پسر دوم شاه مراد علی شاه محمد اکبر یک دختر ایشان زوجه شاه علی  
ابن مولوی ظهور الحق الاول دختر دوم میر سید عالم بی بی و سلیمه شادی ایشان  
در موضع بی بی پر گردید از میر سید محمد علی که پسر خواهر میر سید تقی که عالم  
بود یک دختر این بی بی مسماة کلیمه عرف بی بی گویند زوجه قلندر علی بن  
شیخ ابوتراب فریدی که زوجه یک دختر و پسر با هم طفل و فاطمه یا خند لایک  
پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادت باقری یک دختر ایشان  
از محل املی زوجه مولوی سید شرف علی نوابی ابن سید شاه سخی علی و از  
زوجه ثانی دختر شاه احمد علی و اما و شاه علیم الدین سجاده نشین دو دختر و یک پسر

### شاه اظهر حسین

خاتمه کتاب انساب و بیان اجداد این خاکسار معروف سیادت  
باقری در ذکر اولاد میر سید صمد جهان ابن میر سید قطب الدین  
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بو ذهی کاپوی بیان بریک

### اصل و سه فرع و چند نمره شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بو ذهی از وطن بنام

که از بی بی بی خواهر حضرت شاه محمد مبارک که خدا شده چونکه آن بی بی بی  
 کالمه بودند و از والی مانده اولاد نشد و پسر ثانی میر سید عیاش الدین شادی  
 ایشان نیز در بنی امام شد اولاد نشد اولاد دختر مانده میر سید سکارم  
 پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبدالقادر شادی ایشان در بهار  
 در لرزدان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان  
 نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از سماء حقور اگر دید دختر مولی  
 محمد کالم قاضی پوری که فرزند شاه اسمعیل برادر محمد دوم شاه عبدالعزیز بود  
 یک پسر و یک دختر ایشان سماء و محمد و وجه شاه بدرالاسلام برادر شاه  
 محمد علی که رجوی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عهد ایشان عهد رضا  
 آمد قضا ازین خاندان شد عبد که خدای ایشان شد از حضرت بهار بجله  
 مفتیان از سماء سکینه دختر میر سید محبوب عالم الموصول و دو دختر ایشان  
 شد عسماه اقلیمه و سماء و سلیمه سماء اقلیمه زوجه شیخ الدیار مادر شیخ محمد  
 و پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان در زیر علی ساکن  
 هر گایان و دختر شاه محمد یار زوجه شاه و خداوند چلواری نواسه حضرت  
 شاه حبیب الدیک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابوتراب ابن حضرت  
 نعمت الدیک پسر شد شاه عبدالکریم اولاد تا عهد و نام پسر شاه و خداوند شاه  
 محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمت الله

تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند نداشتند فرزندان برادر را گفتند  
 فرزندان نیاز تو شده بهود و اما دمی خورد حتی که نواسه نیز کن دختر دختر  
 می بزنایند با حقیا عا تمام از وجه فرزند می بزنایند سبب و دان نمی بینند خدا دان  
 چه اسرار است بین گفتار مزار هر دو برادر و خواهر واقع هست در مسجد  
 کجور کثرو کجوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین  
 مراد حاجی پور پائین مزار پدر بزرگوار دفن نمایند مطابق کلام حدیث  
 ابعثت تحت الاقدام اما کرم چنانچه وصیت فرزند آن تمیل نمودند چنانچه  
 مزار حضرت میر سید تقی الدین سید بودی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است  
 و با این مرقد میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بگ نیز زیارت  
 کرده ام جاس بر فرامی هست اهل حاجت را میشود حاجت برآرد حاصل  
 چندست سکونت و عظیم آباد ماند حال دانا پور که یک کیفیت سکونت گاه است  
 شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

بر فرع کیفیت هر یک میسر

واضح از میر سید صدر جهان از نطنز بی بی محیه زوجه ایشان سه پسر شدند  
 کلان میر سید محمد سبب شادی اولادشان متقیم در نو آباده کلان پسر  
 ثانی میر سید اوکیا فرزندان این بزرگ نسب مصاهرت متقیم دانا پور  
 پسر سوم میر سید عبدالواحد ذریعت ایشان سیاه قدیم آبادی شهر قنده

رفتم به ملاقات او پدر او میرزا محمد و حسین بهمن گفتند برادر چقدر تو بهستم از بی  
 احسانم این گفت آمد به حضرت والد اجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد  
 سید عالم هستند چرا که دنیا پوری اند در موقع دنیا پوری و جبر و ران میر سید عالم  
 هستند بدینو بنسب برادری کرد و در بیان و نیز از میرزا محمد علی ساکن حرویه  
 ملاقات فرمود بنسب تشیع داشتند خود را از اولاد میر سید بود می میگفتند از فرزندان  
 میر قائم و میر دایم القصه چون جناب حضرت میر سید قطب الدین و شاهره  
 شدند مقیم شغل بود شیهه پیری و مریدی طور خاندان قدیم جستجو بست میر سید  
 صدر جهان در خاندان شرفا جا بجا کرد و اتفاق وقت قاضی سید عبد الفتاح  
 صورت قاضی بدی در دانا بود بنسب قضا پرگنه پهلوانی بود و ندا قاضی  
 انسیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند حلال دادند  
 از جانبین شد قبول کتبی میر سید صدر جهان از بی بی محبه دختر قاضی  
 سید پری شد الا اقامت میر سید صدر جهان در خانه آبائی مانده در دانا  
 شاهی دلی حده جلیل کردند حصول سبطا به امیر الامرا سیه پشرفانی میر  
 سید قطب الدین بود حضرت شاکه پهلوان برگزیده خدا و رسول مقبول  
 اهل کمال حصول یافتند و نیز خواهرشان ولیه کمال بی انور مدعوی بی  
 چلدهی انهم شادی نکردند قبول فاتحه هر دو برادر خواهر در خاندان  
 در شب برات بطور قرشی می شود مانده و شکر در سخن صلوات بفرستد بسیار

مع اهل و عیال غم شهر پنهان عظیم آباد نمودند و برادر متوسط خود را مجبور شدند  
 همراه آوردند و میر سید حامد در آمدن بحیثیت هیله حواله کردند و نمائندگان شد با جناب  
 تو بطمع وزارت از و میخواهی مصاهرت خوب نیست من قطع نموده مصاهرت  
 تو را فسخ گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی نیز خداوند که تو ننگ خاندان  
 شدی القصه را انجا مع اهل و عیال مجبور گنگ شدند جاسه مجبور کرده  
 بیرون شهر ترکیب مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت  
 جد الامجد انجا سه آباد و دو قریب مگر غیر بیان حال اندر شهر داخل است  
 قوی کجوری کلی محکوم کرده و حال اولاد میر سید حامد بسبب دعا به برادر  
 همان شد که از دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد  
 آن منصب دخترش نیز میر و اولاد آن بزرگ منصب را فسخ دارند و  
 مصاهرت در میان افغان و غول جاریست با ستاع آمده بعد چند تن  
 بین اولاد میر و برادر مصاهرت گردید نوشته و عروس وقت مراجهت  
 یارات و در و یا شدند غرق بده متنع مصاهرت شد با بین هر دو فریق تنی  
 شادی نسبنا سازد و میر بجور گنگ نیز نمی سود این میر نیز نیست بفرمان  
 روزی عند الملاقات میرا برادرم علی مبهری شیعه مذہب گفتند که من از اولاد  
 سید حامد این سید بودم و هستم و هنگام قیام در قصبه چیره جنا حضرت  
 والد ماجد از شخص نرین حقیر را ملاقات شد پیدا داد و سین بود نام و

انتقال در آنجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالعزیز کرمانی انصاری که  
 هنوز در آنجا مزار خالص الاوار است بمقام خشک بکمره شادی محمود و اولاد  
 شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جدا مجد در ایام سیاحت  
 از اولاد و شان نمودند ملاقات و کردند و در آنک کفویت نسبی بیان کردند  
 با هم سید باقری از فرزندان سید بوذهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین  
 بوذهی واضح بود سید قطب الدین را و و پسر و یک دختر و نیز برادر و خواهر  
 مانند جبراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدای بخانه بشر فار  
 ایجو ایبر سید صدر جهان پسر کلانی مغفور و کردید مسعود این خبر شنید  
 نزد آنجناب فرستاد پیام بر مصاهرت از دختر خود که بود جمیل و عقیده نجیب  
 اعلی نمودند و جواب بیخ فقر بودند بار دوم بذریع نامه شد و خاکسار جدا  
 نوشته فرستاد و بدو کلمه بالا قصه را می باد شاه دین پناه تو باد شاهی منش  
 سلاطین از اولاد و اخا شته و دخول و این فقر حقیر خلاصه ذریت از  
 سیارات است و نیز فقر شهادت پیر مریدان چطور باشد قبول الحاصل مصاهرت  
 تو بنی زید مسعود شاه مضمون نامه دیده چمن چمن کسید و گردید اول  
 جواب نوشت مختصر از بیس طویل اگر از من مصاهرت نمی زید بر آنجناب  
 میوه وزارت نیز نمی زید خط دیده رک با تمی خوش کرد و فوراً ترک وزارت  
 کردند و عطیه او که بود و موجه معاش برورد کردند و آنجا برجا خاطر گشته

بهر کفایت بهر معافی می نگارند چون تشریف <sup>آوردند</sup> آه آنحضرت زوجه بودند و سید پسر  
 یکم میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دفتر علم بی التفت  
 و دفتر پسر سید علی این میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت  
 سید تقی الدین سید بودی بی بی خدیجه بود و در بی بی پهلوان چنانچه پیش  
 پهلوان پهلوان زنده بهر معافی بی بی صاحب نموده بود و دوی پسر پسر سید علی نو جوان  
 انصاف بهر چندی داد و شاه ییاقه هر هر و معافی دیده منصب وزارت بهر  
 میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بهر صرف انجمن نزد  
 از حال موضع پسر سوم شد بنام قطب پور پسر پسر گاه جلال الدین اکبر شاه  
 نهضت از دلی نمود بهر ملک گیری و بار شرفی داد و شاه صبر آمدن بادشاه  
 اکبر شنیده در خود تاب مقابله ندیده سوسه و بار شرفی کرد و فرار در آنجا رفته بر سلطنت  
 حسین شاه بادشاه بنگاله سلطنت آن تاب مقابله نیامده مال پسران  
 جان در شیرازی شود بهر باد خون ناحق بر سر من افتد با فساد ترک سلطنت کرد  
 صحرانشین شد و عزت چون بمقام حاجی جلال الدین اکبر شاه رسید داد و شاه  
 را ندیده گفت فراز شنید پسر داد و شاه بهر باد شاه دست بسته بهر خواهی رسید  
 بادشاه قلم حضور برانم کشید خراج بر دفتر خود تاج بخشی کرده روانه سوی دلی شد  
 مسعود شاه بفرار بال سلطنت نمود و متغول است همراه لشکر داد و شاه میر سید  
 پسر سوم میر سید بودی نیز و انصاف روانه شد و چهره که الدار جد کرده بودند

استماع است از حضرت جلال‌المجد بدین طور که مستمع شدند از بابا اچرا خود هرگاه  
 و او و شاه با و شاه ابن محمود شاه با و شاه کاپلی که از مریدان اینخاندان بود  
 از وطن خود آمد سلطنت و یار شرفی گرفت و مقام جامی پور جوهر گنگ شیشه  
 تحت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کاپلی حریفه به پسر زاکان  
 نوشت بدین معنوی که از حاضری خود و معذرت دست بست سلطنت این پور را خواهد  
 اگر از شما کسی صاحبزادگان تشریف آرند بدین پور بر دستان عالی تبار بیت  
 تسلیم و اگر هیچ اهل تشریف آرند نزد مایم بد معافی و بیات هر از اجازات و خیر  
 متقول است هرگاه بدین طور نامه شاهی شهر کاپلی بجهل محمود و نوره رسید  
 با خود و مادر و خان اولاد میر سید محمد کاپلی و میر سید احمد کاپلی و میر سید ایش  
 کاپلی شور و گردید یعنی که در پناه جزیره سیری مریدی سلسله آبی جاریست  
 و ایام دلدرد و گاه بهر و دشاش از عطیه سلطانی موجود است بهر کفایت حاجت  
 رفتن بدین قصد به شما گشت که برویم و این را ترک نمایم اگر چنین است دعا است  
 و او و شاه با و شاه از برادران میر سید تقی الدین سید بودی در اینجا بود  
 چرا که هم از بای اندر معذرت بسیار عیال و از رفتن ایشان پر ضرر و تشو کلاه  
 اوقات پاست شکسته بشن چون صلاح اخوان چنین شد که حصول جناب حضرت  
 میر سید تقی الدین رح اهل و عیال از کاپلی روانه شدند بدین دیار و رسیدند  
 بمقام حاجی پور و از شاهان گوییم نمود و بیعت کرد و حصول و معین نمود و بیات



شده نذاول کیفیت دختران بعد از وکران که طویل است یک دختر نام بود  
 بی بی فاطمه عرف بی بی جهان نون زوجه میر سید محمد ابن میر سید جهانگیر  
 و انابوری از بطن این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوهر و نوباد و شد  
 مقیم دوی بی بی کریمه از شیخ امان الله که خدا شدند سه پسر ایشان یکی  
 شیخ عظمت الله دوی شیخ احمد الله دوی شیخ عزت الله از جمله شیخ احمد الله  
 لا ولد پسر شیخ عظمت الله شیخ شریعت الله اینها از فرزندان محمد دوم شاه صفی  
 صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم  
 بوده است یک دختر میر شیخ امان الله بودند سماء حیاتن در قران کفر  
 شدند و احوال شادی شیخ عظمت الله و شیخ شریعت الله دریافت نشد الا  
 شادی اول شیخ عزت الله پسر سوم شیخ امان الله از دختر شیخ ۱۶ پسر ولد  
 سولوی محمد قانع قائم پوری شده بود که از یک بندگان محمد دوم شاه غلبه  
 نوبادی بود و از بطن این زوجه یک پسر سیدی شیخ الله یار که از دختر  
 میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی و انابوری شد شادی  
 از بطن آن بی بی سماء اقلینا شیخ محمد یار پسر شد عند الله شاه مراد علی و  
 شمس الحق کیفیت تصریح بالا است این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت الله  
 از بی بی ابدالی دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سر و گردید از بطن  
 آن بی بی یک دختر بی بی طیمه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد و انابوری

ماخذ اولاد ایشان حالا در کورجی اند

فرع اول شجرہ اصل

و این فتح کرد که خدائی میر سید محمد پسر کلانی در نواد خود گردید و اولاد  
 حضرت خوند شیخ گردید و ربی امام حضرت محمد دوم شاه عبد المجید  
 نو آبادی ساکن نواده کلان از بی بی هدیه از بطین این بی بی پنج پسر شد  
 یکی میر سید محمود دومی میر سید عبد الزاق سومی میر سید عبد الوهاب  
 چارمی میر سید تاج الدین پنجمی میر سید نظام الدین شادی این پنج پسر  
 هر چهار گردید و در اطراف جوار بکفویت شرقاً و غرباً از کیفیت ذریت ایشان  
 هر یک دریافت نشد که درین اوراق تحریری محمود الاسماع هست از بزرگان  
 ذریت میر سید نظام الدین در موقع رسوخ بود و اولاد بعضی در نظام  
 و اولاد بعضی برادر و برادر پسر و پسر و پسر و پسر و پسر و پسر و پسر و پسر  
 تنه از اولاد بنیستگان میر سید عبد الزاق یا میر سید نظام اند سیگفتند  
 نسب مصاهرت دیار دیار بعد پیدا شد الا کتبی می میر سید محمود و نو آباد  
 کلان شد از بی بی تا جانیت محمد دوم شاه عبد پنجمی این حضرت محمد دوم شاه  
 عبد المجید کلان بی بی تا رفه صاحب کمالات و کرامات بودند و در خانده انهم  
 مشهور از اوقات اقامت اولاد میر سید محمود و نو آباد شد چرا که دیگر اولاد  
 پسری نماند باید دانست میر سید محمود از بطین این بی بی دو دختر و پسر

شدند و وجه شاه قمرالدین احمد بن شاه نصیرالدین احمد عزت محمدی چون آن  
فوت شد هرگاه شادی ثانی میر محمد از دختر مولوی نصیر الحق نمودند یک پسر  
و دو دختر شدند به عالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور  
دیک دختر و دو پسر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر را نام علی الحق  
میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود و در سید اختر حسین و جده سید الفت حسین  
مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاه ادیب است

مذکور الصدر در نهایتی تمام شد

شماره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی سماء بی بی

عابده زوجه شاه فتح علی شعی

راضی بادی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه علی  
شعی نسب پیروی که خدا شد از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر  
یکی بی بی حبیب که از شاه عنایت حسین پیروی خواهر زاده شاه  
فتح علی مرحوم که خدا شدند و دو دختر شدند یکی زوجه منشی سید محمد خلیل  
که اولاد ندارند کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان  
رحیل ملک بقا شدند و می شاه امجد حسین دعوی پیر جمی که در سید  
نواب احمد علی خان ذوی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود  
میر سید نورالدین احمد شد از سماء هر اولاد النساء چون از آن بی بی

عابده زوجه شاه فتح علی شعی

قدس سره و نیز تربیت منوی عمر شریف تمام کمال عزت و جاه و جلال شاهی  
 اول ایشان گردید از دختر بی بی حبیبیه راجه شاه عنایت حسین که داماد  
 و خواهرزاده شافق علی شمس بود و ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی  
 اولاد نشد از آن بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی محمد حسین  
 خواهر سید حاج حسین گردید و نام فوت شدند اولاد نشد از عقد ثالث که نام  
 بی بی گلاب بود یک صبیبه متولد شد بمسماة و حبیبیه النساء از سید شاه علی محمد  
 ابن سید شاه ولی احمد یعنی که خدا شدند چند دختران از مطین ابن عقیقه شدند  
 هر یک بجای در شرفان مشایخ متفرزان و دختری اندک که پسر نیز تولد شدند  
 در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین و ویرادر و چهار خواهر  
 بودند اولاد یک خواهر بی بی که شوهر شاه نور الدین احمد و عرف شاه بساکن  
 و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد و عرف شاه محمدی اند کیفیت اولاد  
 ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهران  
 هر سه در یافت نشد الا برادر ایشان میرزین الدین یا حسین الدین  
 میر حسین بودند و حضرت میر برکت علی فرید پوری یک دختر ایشان بر  
 برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان صدی علی خان پسر  
 بادی علی خان موجود اند و و پسر کی میرامانت علی اول شادی ایشان  
 میر برکت علی فرید پوری یعنی از خواهر منوی سیدان علی شده بود که دختر

ایشان را در تربیت بطریق عالیّه تأویذ از حضرت شاه نعمت الله قادری  
 مجیبی دارش سجاده نشین بجلواری و شادی ایشان نیز در نصب بجلواری  
 گردید از خواهر شاه محمد اشرف عرفت اچومیان ابن سید شاه احمد الله  
 عرفت هردومین ابن شاه بزرگ عالم ابن سید شاه احمد ابن سید شاه محبوب عالم  
 ابن سید شاه غزنی الدار ابن سید شاه حبیب الدار ابن حضرت مخدوم شاه  
 خدیجه ابن مخدوم شاه اسمعیل ابن مخدوم شاه محمد جمال ابن سید شاه انور  
 عرفت شاه یکم ابن مخدوم شاه حاجی ابن سید فضل الدار ابن حضرت  
 شاه هم الدار از تنیسم افتد گرد که در اولاد حضرت مخدوم سادهم الله  
 بودند نواسه حضرت مخدوم شهاب الدین پیرچکوت نام زوجه بود بی بی و  
 که عمه بوی محمد جبه بودی محمد یعقوب پدر بوی رضی الدین مولوی محمد بایم  
 صدر اعلی بودند ایشان شاه محمد اشرف الغرض از طبق ابن بی بی یکم پسر شده  
 نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر سماء مدینه عرفت مدینه  
 زوجه نشی سید عبد العلی ابن سیرزین الدین عرفت جتین برادر میر سید احسان  
 مذکور الصد الا با بن بی بی اولاد نشد و پسرانی سید احسان الدین تربط علی  
 منشی جمیل خوشنویس منشی سید محمد خلیل تربیت ملا برزغال شد سید شاه  
 شمس الدین حسین و دختر تنویری تلمیذ فراب احمد علیخان بیعت ایشان را  
 بطریق عالیّه ابو العسلایه نقشبندی از جناب حضرت سید شاه طوایف ابو البرکات

سید اکبر و پسر دو دختر وجود آمد یک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک  
سماته مدینه ثانی سماته زاکیه زوج شیخ قتیق الدرع شیع کشمائی ابن  
شیخ ولی الدرع سماته و موسی گردینام پسران انتخاب بود سید شاکر و بی  
نام سید رؤف کشمائی هر دو برادر در دانا پور از دختران اصحاب شد

اولاد ثانی جز اولاد دختر

شمره سوم در ذکر سید محمد مظفر فرزند سوم سید محمد بن سید محمد  
بداند سید محمد مظفر با محبت و تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شادی ایشان  
از بی بی رحمة دختر سید عابد ابن سید جبالگیر گردید یک پسر شد از آن  
بی بی سسی سید حیدر زوجان بزرگ و احقاب ثانی ذکر فرزند آن سید سید محمد ثانی  
باز عاوه مدینه نام تبریک نام پسران سید عابد محمود و سید نور الدین  
و نام دختران سماته باهره و زج اولی حضرت سید شاه ولی السلا بن حضرت  
شاه محمد حسین دانا پوری از بطن این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر  
غلام نبی پسر دو ساله بزرگ والا دختران دختر کلانی سماته باهره بی بی مجید  
از سید عابد حسن الدین رندی نسب ساکن بانسی گیمه که خدا شاد از بطن  
این بی بی یک دختر شد و دو پسر نام دختر بی بی مجید که خدا از شیخ  
محمد شیر انصاری بخدای که پسر روح عثمان بی بی بودند در صغری بی بی  
شده و اولاد نشد پسر کلانی سید سلطان الدین سید شاه لدولیا علی بیت

حاضری صحبت و محافق باطنه انکشاف شد چنانچه والد ماجد نیز از طرف محمد  
بسلامت خانزانی مجاز کرده رو بر روی خود سجاد نشین خود نمودند چنانکه  
استعداد وافر داشتند لطیف فیض باطنه بعد انتقال والد ماجد در یک سال  
رفته بصحبت حاجی تاتار آمدند از جناب راطر بقعه تربیت و معلم سرسبز  
محمد و به بود و رشد ظاهر شد بسیار مضیاب شدند مردمان اطراف و دیار  
در زمان نواب علی در خان مهابت جنگ و عمر شریف نیز طرب نو با لکلی  
رسیده بود که رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی میکم  
دختر میر سید محمد عظم و دختر و یک پسر شدند با منقط نام دختر بی بی  
ابلال زوجه شیخ عزت الله مذکور بالا دختر ثانی بی بی دولت جهان  
که یکی از حارثه کامله بودند زوجه حضرت سید شاه محمد حسین و انا پوری بکن  
میر سید محمد باصر و پسر انا نام بود میر سید محمد ایشان را نیز بیعت و تربیت  
از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیاتن دختر این شیخ  
امان الله گردید بی اولاد شدند و پسر و چهار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمد خواهر نکاشت برادر طویل

شماره دوم در بیان کیفیت میر سید محمد عظم پیر مع میر بیچو

واضح باد میر سید محمد عظم را بیعت و تربیت و تعلیم مخفی از برادر اعظم خود شادی  
ایشان در انا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبد القادر بن میر

این جناب حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره الا اولاد شد

شماره اول شجره اول بزرگ فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شهاب و میر سید  
معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شهاب پسر کلانی که صاحب  
کمالیات بودند و تصرف و کرامات با آنحضرت بیعت و تربیت باطنه یکی از آن  
و انانپور از میر سید محمد مدد انانپوری بطریقه عاریه چشتیه بود و حصول عالیه  
بودند صاحب و مجدد حال با کمال شادی با آنحضرت در انانپور شدند از بی بی  
متکا دختر میر سید سکرم رضوی و انانپوری از ان بی بی یک دختر شایسته  
بنی زوجه میر سید محمد خوش ان پسر میر سید سکرم اولاد شد الا خلف ارشید  
حضرت بودند حضرت شاه محمد بهارک قدس سره شمع بزم مشایخین زمانه  
عالات آنحضرت بنین مست که در او ازل عمر از وطن بنیت تحصیل علم ظاهر  
و باطن ساحت کردند اختیار با بصارت و یاریمیات والد ماجد جوید بیان است  
بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دلی رفتند میوسی حیدر آباد بکانه کن  
از محمد الشایخین العرة العالین ملاومت شد حصول بیعت کردند بطریقه  
عالیه قله دریه و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال و خدمت ماندند  
چند سال چون بخت سال گذشت در مدت سفر و مقارقت پدر بزرگوار علیست  
والد ماجد خود در انجا سوسی وطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در



ازین بی بی چهار دختر نیز از ولاد میر سید محمد حسین شادی سید شاه حسین  
 ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی میر سید حسین ابن مولوی سید محمد حسین  
 شد ذی اولاد و اما شاهرالدین نور دین لیاقت هر گونه دار و ندار بی وفای  
 حیثیت تمام الله تعالی اولاد یعنی پسر با عطا فرمایند و سوم در ذکر دختر  
 سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم که خدائی ایشان بقصه شیراز شاه  
 کریم الله ابن شاه نجابت الله گردید اولاد نشد شمره چهارم در ذکر دختر  
 چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی حلوی نسب ساکن  
 نظام پوره که خدا شد از لطیف این عقیقه یک دختر و یک پسر شد میر  
 غلام محمدی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی که خدا شدند اولاد نشد دختر  
 بی بی عارفه مسماة معرفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه حسن الحق ابن شیخ محمد  
 که خدا شدند و اما دشاه جنگلی شاه محمد سحاق اصل سکونت قصه بجاره ایضا

انصاری نسب را توان هرگز از عطا حق

شمره اول شجر اولی فرع اول اصل دل و زبان اولاد میر سید محمد ثانی  
 انور بادشاه کلانی میر سید محمد ثانی میر سید محمد که زینب سجاده جد بزرگوار  
 بودند ذی اقامه اصرار اس شادی ایشان از مسماة ترکیمبا دختر مولوی  
 شاه احمد نوآباده خور و شد یک دختر ایشان مسماة یحیی که شادی ایشان  
 از شاه ضیاء الحق اس شاه نور الحق ساکن نوآباده خور و گردید دختر ایشان

زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والد میر عبدالحسین که ذکر اولاد  
 ایشان نموده شد پس و دم بی بی عابدیه زوجه شافخ علی مذکور رسید  
 شاه ابراهیم حسین عزت شاه بهجو جو که ایشان را بیعت بطریق فرود  
 از جناب حضرت مولوی سید شاه حسن رضا قادری نعمی شد حصول  
 و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید و دختر ششم  
 یکسما بیکن زوجه مولوی فرحت علی کورجی یک دختر ایشان بی بی  
 مریم زوجه شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکوره بالا ذی الا  
 شد و دختر ثانی سماء رحمن زوجه سید معظم ابن تیر مظفر حسین عزت  
 میر کلویک پسردیک دختر ایشان پسرسید امیرالدین و دختر را نام سماء  
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن  
 بهجو یک دختر ایشان سماء براتن زوجه میر لطافت حسین والد سید شایعین  
 و شاه ابراهیم حسین را از لطن شکوه و دختر بود و نیز ذی دلدار و یک  
 شاه نعمت حسین و دختر ثانی شافخ علی و بی بی عابدیه سماء اما بانها  
 زوجه شاه خادم حسین عزت شاه بهجو سجاد نشین آستان حضرت  
 سید محمد میر و مریا چون اولاد نشد سرکه معاش از جانب زوج خود مسکی  
 بنت البنت برادر مذکور الصدر دادند مالک ملکیت نمودن آن معاش  
 بقبضه میر لطافت حسین و اما میر شجاعت حسین مرحوم هست میر لطافت

ایشان در موضع پاسبان از دختر میر ولی الله محمد میر سید علی محمد الدین رضوی  
 شده بود نام زوجه ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجه میر سید عظیم  
 و اما شاه ابراهیم حسین ابن شاه فتحعلی زوجه مسماة رحمن یک دختر مسماة  
 حیاتی زن زوجه میر شجاعت حسین مذکور الصد پسر سید شاه امیر الدین که از دختر  
 میر اسمعیل علی ابن سید نرنگ علی ساکن مدلی عظیم آباد که خدا شد یک دختر  
 و یک پسر ایشان دختر مسماة علیمه زوجه سید محمد واجد ابن شاه حسین علی  
 لا ولد در مکه معظمه وفات یافت و نام پسر سید مظفر حسین که از دختر میر  
 بهاری و اما میر علی ساکن جویری که خداست الله تعالی وی ولد نام  
 و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر که از دلیس و اما مسافر و الله علیه  
 که خدا شد کیفیت در بیت دریافت شد الا پسر علی بقدر میر مظفر حسین سید  
 هدایت حسین دعوی حلا و اول شادی ایشان از بی حسینا دختر شاه  
 محمد یعقوب علیه الرحمه شده بود و اولانش از شادی ثانی که از خواهر شاه  
 محمد علی شیخوری شد و دلیس نام یک سید سخاوت حسین نام دومی یا دلیس  
 از خواهر این هر دو برادر زوجه شاه امین الدین احمد ابن شاه امیر الدین  
 علیه الرحمه سجاد نشین بهار و خواهر شاه مظفر حسین مسماة مرادن زوجه

شاه احمد حسین عرف پیر حی مذکور الصد و اولانش

نسبت دوم ثمره دوم و بجه اولی فرع اول اصل اولی در بیان

یکی سماء محمد و زوجه بنا بحضرت شایه یحیی علی کذا کذا زیت ایشان بالا  
 دومی سماء مستقیمه و ملا نشد ایشان سومی سماء سکینه زوجه شایه یعقوب  
 حسین یحیی بن کر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر بیک مرتبست  
 شمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول جد بیان اولاد فرزندان  
 میر سید نورالدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر  
 باید دانست میر سید نورالدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلانان محیط و  
 قاضی بر معاش پدی و جدی شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع بن  
 برادر کلانان ثانی بر چهار خواهر زن را از ترک آباء محروم ساختند و کار خود  
 پرور داشتند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الله ابن حضرت شاه محمد بن  
 که زوجه خود سماء ناصره دادند و اسم شریک شدند شادی میر سید نورالدین  
 یک بعد دیگر از دود دختر شریعت الله ابن شیخ طه الله الله شیخ  
 امان الله کردید از پسر دودی بی دود و پسر شدند نام زوجه دودی بی فاضله  
 بی بی فاضله از بطن این بی بی و دود پسر یک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

حکما و پسر از ایشان

نسب اول شمره دوم

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عروت شاه کلان نیزه سید محمد ثانی  
 بیعت ایشان از جد مجرب از پدر زکریا بود صاحب سجاده شادی اول

بعد از جد من حضرت سید شاه غلام حسین و آنا پوری و تربیت باطنیه از حضرت  
سید ساجد یحیی علی رحمة الله علیه بفضل تعالی هر گونه زیادت و میلست ظاهر  
و باطنی دارند صاحب سبقت شادی اولین ایشان از دختر خال شده بود  
یعنی از سماء و حیدر خان و دختر سید شاه عبدالرشید عمی عرف شاه جی این حضرت  
سید شاه الطیب التمدد رحمة الله علیه پهری چون از آن یک دختر شد  
انهم ننماد و بعد عرصه کرده از وجه انتقال و نسب نام بموضع نیا و آن برگشته  
او گری که معاش جانب حصه نادری و خسر پوره هست تکلف بسیار با عزا  
حال خود نیامد سر سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر الله ساکن ساکن  
شادی ثانی کرده اند بفضل تعالی یک دختر تولد یافته شد نام عوث بانیک  
نهادند و حضرت میر و شکیه عوث الثقلین ترقی میات کشید و

خواهر خور و سید شاه فضل حسین زوجه شاه محمد آفرم می دادند

محمد و پیام از خبر اولی مجمع اولی اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوادی

میر بن باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بهنک ساکن ماد و گور  
و بیعت ایشان را نیز از حضرت جدا جدا این فقیرست که تقریب جدی  
برادر بوده اند صاحب توقیر و ذی تدبیر بود میر حامد حسین صاحب اندک  
سه سپرد و در و نتر با ایشان بخشید و آنها نیز ذی زلال دست سپرد و میر سید

دکتر سید شاه نعمت حسین عرف جان بن ثانی میر سید نور الدین

چو شیده مهوای میر سید نعمت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین  
 بیاقت غلامی کرد و ز بسیار دانستند که فدائی ایشان از دختر نشی علی حید  
 که یکی از فرزندان محمد دوم شاه صفی صفی پوری بود بزرگ دیدم و دیوید و بیاقت  
 بکرد و فرزند امید از منته تقدیری کسی اولاد نشد برادر زاده گلانی میرسد  
 محمد معظم پسر میر مظفر حسین را پسر ششم سناقتند و حصه تکر که معاش خود بان  
 فرزند دادند مالک قابض آن تکر که پسر شان پید شاه امیر الدین گشته حال پسر شان  
 نسب سوم شمره دوم شجر فرج و اصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که بیاقت  
 و شیت نظایر و باطنی بسیار داشته در عراق املت و ترک بود کمال شادی  
 ایشان از سماء لطیفاً بنت حضرت سید شاه اعلی الله اولاد و  
 سجاد حسین میر سید محمد قادری امجری گشته از بطن ابن بی بی رو دختر  
 و یک پسر شدند دختر اول روح میر محمد حسین ابن میر عامر حسین و دو دختر و  
 یک پسر ایشان یک دختر زوجه سید افضل حسین و دو پسر شان دوم دختر  
 شاه فرید الحق ابن شاه ظهیر الحق دام پسر سید محمد حسین و نام  
 و زنده شیر سید شاه افضل حسین قادری ایشان را بیعت از دنیا حضرت

اسلامات نایان همیشه طریقه پیدا شدند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسماعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شد از ان بی بی

فرع دوم اصل محل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطیب  
باقری نسب بر بیان اولاد میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان  
راضع باد حضرت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته  
پیری و مردی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند و بیعت ایشان از اولاد اجداد خود  
چند سیه نیابت قضا و خیر و خالی خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند از انهم  
ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی  
عبد الفتاح قاضی سید ثریه و زنا پوری که قال ایشان بودند گردید از بی بی  
واصله عرف و صلا و دختر قاضی سید عماد الدین فریضه این حقیقه کینه  
و دو پسر شد و نام دختر بی صدرا شادی و بی امام شد و نام پسر کلان  
میر سید محمد فضل و ثانی را نام محمد اجل که در عین سبابه جان ناکند  
رحیل ملک بقاشد ندا عقاب شما دلا شادی سید محمد افضل از بی بی  
میتقنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از بی بی  
زوجه دختر خال یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناکند ذات یافت  
نام پسر میر سید عبدالشکور که جو سزداتی و صلاتی پنداشتند بسیار پلیدی و  
دانشمند و پیشیار و از قرآن مغر و ممتاز و مبر بار خای بهمه جلیل العذر و قرآن

حاجد حسین مذکور الصدر و اما میر احمد حسین عم خود دختر کلائی ایشان از سید  
 افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سملوی که خداوند و پسر  
 یکی از ان سید الف حسین که شادی اولی از دختر شاه نظر الحق گردید چون آن  
 زوجه اولاد گذارشته رحلت کرد و شادی ثانی از خواهر شاه فرید الحق این  
 شاه نظر الحق گردید و دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب است  
 زوی اولاد نیست تمام پسر سید احمد حسین شادی این عزیز بهایه بهترین  
 و صاحب ذی ثروت بود فضا نموده یعنی از دختر پسر مقصود علی ساکن  
 لکهنو و لاهور شادی نموده اند و کلائی توفیق بخشید پسر ثانی میر سید محمد حسین  
 میر سید کریمت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند که خدای ایشان  
 از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید  
 ولایت حسین مقصود و دختر دختران منسوب به آنما به بهترین و صدر  
 زوی اولاد اند پسر سوم سید ابانث حسین نوجوان فوت شد و لا اله الا الله  
 چهارم میر سید کفایت حسین که انیس بهمنه را می فقیر اند صاحب اقیه و  
 تبریر شادی ایشان از دختر سید محمد علی ساکن کلائی پسر سه گردید و محمد  
 جوان بی بی قضا گردند بار بطرف شادی نشد و فقضا اولاد نداشت و محمد زور و  
 بیعت این هر دو برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلائی را  
 بیعت از جانب سید شاه یحیی علی قدس سره بطریق عالییه حشمتیه گردید چرا که



آباد داشتند هرگاه و مایان سبز زیارت بزرگان میر تقی و در آن احاطه چند از اجداد  
 پیشین است حضرت میر سید محمد جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر  
 سید محمد ناصر و میر سید سلیم اجداد این فقیر و احوال اجداد و الا و لا و دیگر  
 مانند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساکن و دایره ایشان یکی  
 محمد عوث عوث نقشی و من شادی ایشان از مسماة قیسمة دختر شاه دحیلا سلم  
 گردید یک دختر شد ایشان را که برادر عثم نقشی امیر بید این مولوی عزیز است  
 که جدا شد مسماة سوسن لا ولد و علت نمودند و در ایشان مولوی فرحت علی  
 ابن نقشی محمد عوث که بیایات موری و معنوی محمود بودند علم بیت حضرت  
 و لفظ و طایفه شادی ایشان از مسماة بیگم دختر شاه ابراهیم حسین آباد  
 یک دختر شد بی بی مریم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دایره گشته عثم نقشی  
 نام فرزندان محمد قاسم است محمد و احمد ذی ولد و یک تنکوه نقشی محمد عوث  
 عرف و من بود مسماة وزیر میرا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه ایشان  
 مولوی خیر القدر رحمته الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و در عبارت علم فارسی  
 و دیار لاثانی و خوشتر و پرهنر ذی جوهر بیت ایشان را بطریق عالی از والد خود  
 الا طریق معنوی از بهر در داده خود قبول کرده یعنی از جناب حضرت  
 سید شاه قمر الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب ابویضا  
 از ستادی و دفترون بودند و حاجت ظاهر بر حسن چهری و فیضی نیز بود بسیار

شادی ایشان گردید از بی بی ریحیه دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین  
ولده میر سید محمد اولی و زنی اعظام خود است تعالی ایشان یک دختر و یک پسر  
دختر که طهارت نمود الا پسر نام پسر میر سید محمد شد که بیاقت صوری و منوی  
میداشتند بیت آن بزرگوار در خانان خود انا با اجداد بطریق چشمتیه مصر که  
شادی میر سید محمد از بی بی علییه دختر خود میر سید محمد با صحران میر سیدین  
ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر  
و دو دختر بود و نام یک دختر سماه نعیمه و دو پسر سیدین سادی ایشان  
و اقران شده بود اولاد و نام دختر ثانی سماه لیل اعزت سماه لالین  
زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لبان که ازین بی بی اولاد آمد بعد ذکر  
پسر عالیقدر تبصریح که کور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلح که بر دلو  
خانانی ابا اجداد خود مدت العمر نماند تبکیه خانه آبابی که بر کثرت محکم کورگی  
الا شادی نمودند یک بعد دیگر از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول  
از سماه طیمه خواهر محمد حسن ابن سید وجهه الدین عرف سید بولن و عقد  
نکاح و قات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از سماه حاشورگر دختر  
سید محمد مدنی که از سکناهی علی بهار از انهم فرزند پسر نشد چون وفات  
یافتند شادی ثانی نمودند بموضع مدنی و بخانه یکی از شرکا ابدار تاجا  
انجناب زنده بودند که اولاد نشد برادر زوجه ثالثه بعد وفات شان آن خانه را

# میر سید محمد جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان لوا با ده کلان اولاد میر سید محمد اول  
 و صاحبان کورجی ذریت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید محمد جهان فراغت  
 یافت میفرسید ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان نصابه و نایب در الفج گردید  
 سید اولیا بودند تا یک دنیا بحر من هم مشغول و با خدا گاه روزگار زیاده  
 نکرد و بار شاهی حمزه انشا یا قضا بخانه نشیند شکسته والد صاحب ایشان را  
 بحضرت میر سید محمد جهان ابن حضرت میر سید قلب الدین باقری نسب  
 بود و بار شاهی امیر الامراء بن خطاب یمن الملک وقت آخر ترک نمود  
 ماندند و با خدا بیعت ایشان ما از پدر بزرگوار خود و بطریق عالی چشتیه نصیب  
 الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهی است  
 نام آن چشتی پور عنایت الله از مساهه حکیم و خورشید محمد یحیی ابن شیخ ذکر کرد  
 فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الله از فرزندان حضرت بابا شیخ  
 فرید الدین شکر گنج القضا از طبق این بی بی شدند و دو فرزند به بلند کلان  
 نام بود میر سید حسین عرف سید حسینی و اما میر سید عبدالرسل تا دنیاست  
 که و اما قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم که غذای  
 ایشان از دختر خال خود شد نام زوجه شان بی بی نصیبه بود و دختر شیخ  
 معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجی از طبق زوجه شان یک دختر

شادی آنجناب شد از مسماة بی بی جمین دختر بی بی ناطقه زوجه شایسته آن  
 توبادی بفضله ازین بی بی چهار پسر و دختری علم و پرور را از جمله کلماتی است  
 تذکر الصدوقی مولوی محمد اکبر شد در ایشان دو پسر از نام نامی سومی شاه  
 محمد اصغر و جیهی علم پرور شدادی ایشان در قصه شیر گردید از دخترش  
 لطیف علی ابن شاه محمود بفضله ولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل عیسی  
 شادی ایشان از دختر مولوی میرا شرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر  
 نسو به است از شاه مقصود پسر عالیقدر مولوی احتشام حیدر اسد رضا  
 بنشد در حیات و نام پسر عاری شاه خیرات علی در خویشانی که شش  
 اند از هر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد از تنگم خود  
 اولاد دارند دختر و پسر و معاصر شد و نمود از اولاد سنگوه پدر که بودند ازین  
 سنگوه نیز دو دختر و پسران چهار و دو ناگذا رحلت کردند یک میان و مضور  
 که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار و جوان قضا کرد و دی را  
 نام بودیسی ازین هنر بر دو دفات یا قند که بعد دیگر از اولاد موجود اند  
 ذی اولاد یک نام امداد و دی میان محمدی که پیشه تجارت نمایند لالی  
 میکنند دختران نیز منسوب با بچا اند ذی اولاد اند از بنیاضم شد و تربیت

حضرت میر سید عبدالواحد رحمۃ اللہ علیہ

فرع سوم اصل نخل اولی در بیان ذکر اولاد دوم میر سید ابویا ابن

نوبت ترویج ننگه بود زمانه منتقم کاشته قصد سفر کردند بمرست و پنج سال  
 واضح باد زمان ولادت آنحضرت در عهد اخیر جلال الدین اکبر بادشاه  
 در عهد سلطنت معظم شاه کرد و در انتقال چهار سلطنت دیدند معاودت  
 نمودند بمرست و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار را خریاندند بهمنشی  
 و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر و پا که جهانگیر مگر  
 چند ساله اند بهمه چنگه داری و محالظ کو نوال شاه هزاره زفاقت ایشان  
 پسند نمودند و بنوش تبیری برین امضا شد چند سال هرگاه خطاب باقرباب سیر  
 بشاه هزاره موصوف از شاه او یک زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جاسم  
 تیلوانی در بر و حمیر و حضرتانی بکسین شریف رسید بچهل شوش تعبرین پیش  
 و نفس مصاحبین سابقین شاه هزاره ترک روزگار کردند چون هم نشینان قدیمی  
 شاه هزاره شدند مغزول آنحضرت زفاقت شاه هزاره نکردند قبل هر چند شاه هزاره  
 بهادر شاه بهر زفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زینهار زیاده هر که عده  
 جلیله کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بوطن تشریف آوردند چند سال  
 گذشته بود که والد را جدا بجناب کرده بودند انتقال پیدا شد خزن و طلال کمال  
 و شهر نشین بجاتای کس را نیافتند جز یک برادر عمزاد میر عبد الشکور  
 ملاقات کرده آمدند بسوی وایا پور در اینجا یافتند از بزرگان و برادران احباب  
 میر شهاب الدین و میر کن عالم ابن میر سید عبد القدر و میر سید مکاهم یک

و پسر شدند حواله نام دختر بی واسعه که از شیخ محمد درویش که خدا شد  
یکی از صاحبان کوی نانائی شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرم  
شاه و باون بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید  
محمد سلیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند عقیاب مانند خرد فرزندان میر سید حسین  
محمد شان بایر شنید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید جبار رسول  
شد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد باصر نام دختر بی بی  
رقیبه که از برادر مراد میر سید جبار الحلیم که خدا شده بودند هر دو نوجوانان  
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد باصر این میر سید حسین ابن

### میر سید اولیا ابن میر سید محمد جهان

واضح باد بسال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد باجر که در کیفیت ایشان  
برین مخطوبت ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریق عالییه فصریه حصول و نیز در  
تعلیم معنویه ضبط مراقبه و مشغول و نیز طبیعت و بیاقت ظاهر و مخفی کتاب  
عربی و فارسی و فقه اصول با اینهمه بودند و در فنون بیهیافت افزون دور  
فن تیر اندازی کمال در حد خود و پیشانی چنانچه در سال تالیف کرده بودند  
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود دارد این خاکسار بعد از استساغی  
رسید بودند از رضای الهی والده ماجده ایشان که در انتقال چون آنقدر  
مخدوم گشتند فایح الهمال و والده ماجده در این سفری ذکر حضرت ذوالجلال

آخرش هر روز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت درآمدند شادمانی  
 رسید که بی طالب که در آن سن و سال بزوجی الهی تعالی ششش اولاد خفیه  
 دو پسر و چهار دختر هر یک چون شمس و قمر سعید اختر میان اولاد آنجناب در تن  
 کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هرگاه آنجناب علی القاب ترک جلیل صده کرد  
 به اقامت آماده شدند بکل علی الله تکیه خانقاه آباءنی شهر نشسته شد و تقیم  
 به مشغول باد او تعالی بعد از استقیم بار از رفتن شکسته سلسله ملاقات باطنی  
 هسته متوقع فصل خداوند کریم بقیه عمر خود را در چاکشی و گوشه گیری بسر  
 هر دم می بزرگای او تعالی می پرداخت بطایمان حق را ضرورت است از انداختن  
 ترکش و جوب لازم آنحضرت در مشاهد حق تیر فاست را کمان ساخته بسیار  
 و برگ آب و نان توکل بقیضه آورده همدیگر را در خود نشان داده آخر بنام  
 حق بزرگ حق که بودند باین حق روزی قربان جان خود ساخته زبیه  
 استمائی که هم سم رضا الهی گشت آخر کار خاک توده گرد و طائر روحش بال  
 محبت آمده وصال حق یابد کار از لب سوار گذرد و چونکه آنحضرت در حق بزرگ  
 داشتند کمال رعایت جبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چهار دختر در  
 دنیا گذارشته بعد یک صد و شانزده سال کرد و بماتقال و رسیده کنیز است و  
 و همجری سفر فرمودند جناب حضرت جدا مجید چون بیال کینزار و یکصد و بیست  
 شاه او رنگ زیب فالگه بادشاه بود و تعالی و باخردا برادران اعظم شاه

خرنیزان در اقران بود ملاقات ساختند و بصحبت ایشان چند روز اقامت  
 و مقصود آنها پور پرورشند از دل قصد ترک سفر کردند و روزی از روزها  
 عند ملاقات از میکسید محمد رضوی که بهر اخلاقی حقیقی بودند و از عمر پنجاب  
 نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر متاعل پنجاب چنین تذکره افتاد و چو  
 فرمود ای برادر من رسید لرب هفتا قصد شایلی چکنم اگر واقعی باشد چیزی  
 نیست حصول اولاد کدام کس دختر خود با این ضعیف خواهد دیدان متبسم شده  
 میکسید محمد فرمود ای جناب علی انقباض شادی اولی دختر سه هست خوش  
 تا که خدا الهی رسد خیال گفتیت بودیم که مقصود نبرد بیت شما سید هم اگر نصیب  
 اولاد فهو الحمد اولاد هر دو برابر و واحد باشد بفضل حضرت یاری سلسله اولاد  
 بود جاری با صراحت تمام آفر کرده قبول واضح باد شادی اول میر سید محمد  
 ابن میر سید جباگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی  
 و رضائی دختر شاه موسی صفی پوری که زیده اولاد محمد و شاه صفی بود  
 کرده بود از بطن این بی بی دختر سه تولد شده بود بی بی رقیه نام مادر  
 بی بی چینی خرد سال ایشان را گذارشته والده ایشان بودند سنان پور  
 پدرش یافته بهر دست خانه تقری شادی ثانی از دختر میر سید محمود  
 نوک بادی کرده بودند از آن بی بی کسی اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در آن زمان  
 نوزده ساله بود و سن جدا علی میر سید محمد با صبر و بلا شصت سال یا هفتاد



در حوصله او رکی باشد لذت دنیا را شائق بهر دو یک نیست بهر فرستادن لائق  
 کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها صد دانشمند اب شاہی میفرمودند بعد  
 از آنکه عذر از جانب بادشاه در دوازه رسید بطلب فرمان شاہی بدین مضمون  
 اگر چه در جواب تحریع میخواستند بایجاب حمده طاعت جواب صاف مگر میفرمودند این سخت  
 ستاد نماید شوم رو بر حق تعالی و عده خلایق از کسے فرزند آن خود را فرستند تقصیر  
 سعادت آخر کار آنحضرت از هر دو سپر کردند شفا را بطلب شاه نادار سپر کمال  
 میر رسید عبدالقادر بنوش حوالی منزلت از باد و ذکر سکر رانی گفتند باد شاه  
 مرا خوراندن نمی تواند بستم بسیار خوار زبده وزارت هیچ نیست نزد فقیر خاک  
 چون پرسیدند از پسر ثانی از میر رسید محمد حسین مقبول ربانی حصار در می شان  
 میر رسید محمد ایشا را مکرر گفتند در کتاب گفتند میخواستی که فرزند زبده بلند مرا تمام  
 خبر بادشاه بحرانی انتشار دادند تطلی یقین قاضی ام عیان است چنانچه با پیغمبرت باری  
 جبهه سالی که بادشاه وقت شود و بر و این پسر بحرانی جهان آستان بزرگان  
 چنان بود و بدیداد حق مشغول که داشتند فی پروائی بچهاروا شافس کردند از طلب دنیا  
 بے اعتنائی بار سوم کسے نادار از جانب سواد شاه بادشاه از آنجا که نال نشناخت  
 کو سے قناعت را بطلب مگر بلبعی عاقبت اندیشی است کمال که روزی خود را  
 سپردن دست بچاک گوید زیبالی لباس ابریشمی خوشتر نماند و خدمت شاہی آخر  
 چون کمان غم شد نیست از قوت وز و اسحق کسیکه بیکد و قدم مانداتند و قریب

و عالیقدر و محترم شاه ملقب بهادر شاه که تخت نشین بمقام و بی شدند بر  
 تخت نشینی سلطنت و پیش آمد سعادت واقع شد و جنگه جلال آنها خرم  
 یافته کردند انتقال و تخت نشینی بر شاهزاده محترم ملقب بهادر شاه با  
 بحال در آنوقت بهادر شاه از وفات آنحضرت آمدنیال و از آنجا فراموش  
 بنام آنحضرت هر وزارت طلب نمود با در شاه ابوالناسر حضرت میر سید محمد  
 جناب اقدس و اعلیٰ اکبریم فرمان شاهی نمودند نهادند بر سر در پشت فرمان  
 تحریر نموده عذر بعبارت بهتر اول این بیت نوشتند مقوله حضرت سعدی  
 علیه الرحمة مفور فرایند تقصیر دین تحریر رسد اگر طالبی کاین زمین طوکنی  
 نخست اسپ باز آمدن پی کنی و غریب نو از عالی جاه دین پناه هرگاه لائق  
 خدمت شاهی نماید بسبب رسیدن سن کبیر چون هوش و حواس بهایانانمکه  
 که آرد و بجا ادب شاهی توفیر میسر کرد می دارم چون میشود که سینه میخورد اندک  
 می شود من برهنه می پوشانم باقی نماند این ضعیفی خبر عرض و هوس الله  
 باقیست و پس ازین عذر کرده خلعت شاهی منصب وزارت واپس دادیم  
 هر چند اهلان ترغیبا لیلینصحت گفتند اگر خود می آوری شرط خدمت بجا دمی رو  
 بد خود یک از فرزندان خود را بفرستی و بمعنی نیز پسد خاطر نیاختاد فرمود  
 فقیر دارد و و پس که اهل جذب است ننهند و زوردار از طریق خدمت بجا  
 به خبر دوی معروف بیا و الهی بهر حوالی مشغول بمشاهده ذات ربانی کی بود

## شجره سوم شجره اصل

بزرگ و دختر سوم بی بی علییه که از سیر سید ارشد این میر سید عبد الشکور  
شده کتخاد و دختر یک پسر نام میر سید محمد صلح کیفیت ذریه ایشان

بالا شد بخوبی مذکور

## شجره چهارم شجره اصل

در بزرگ و دختر چهارم میر سید محمد باقر نام بود بی بی واحد که خدا شهنشاه  
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین که جوئی فریدی نسب متولد شده و این  
این بی بی و پسر و دو دختر نام دختر یک بی بی زاده بنت بی بی  
واحد از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی که جوئی شده که خدا کرد  
و دختر ایشان یک بی بی و اصله روجه شاه وحید الاسلام دومی بی بی  
ناظمه روجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکور بالا حال دخترانی که خدا فی ربان  
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جگوری  
نام پسر و دم شیخ غلام حیدر عرف میان کسی که سستی بود در اقران و سستی  
و زور مثل بخت زن پهلوان نقل نمایند که ده منی توپ شاهی را یک بر تاب  
از دست از دانا خنده درین باره هیچ تامل نداشتند و فری یک از برادران  
براه کورچی رسیدند براسپ سوار ازین نمونه بلا قات شد چشم و چهار  
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت آتش نهاده تا دیر نمودند کلام به تقریر

عرصه فلکی طی نماید فرو رفت که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کردن پیش آمد سیر نمود  
 هرگاه زوجه آنحضرت در دنیا پور و دیر در آنحضرت گردید انتقال که دوام نماند  
 ماند و سرور حال فرزندان خود را نیز بر حسن جدادری ایشان گناشته بختا  
 آبائی شهر پخته افاست کرد و عمر آخر سپرد و ده واقع شد انتقال در آنجا است  
 هزار پانزین پدر و جد بزرگوار بجهت کعبه کبریا کجوری کل بعد چند سال اولاد و حتر را  
 که خدا کرده حضرت میر سید محمد رحمة الله علیه یافتند بد است احدیت وصال

### شماره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد باصر را بودند دختر کلا سنی بی بی صبیحی بی توکل خدا عمر  
 بسر کردند در چهل عزت غایب نشینی از آنجا که عارف کامل بودند بی شعور بودند از هر  
 پایه معذور که خدا می پسند نام در باب الهی بسر شد عمر بهشتی من که بجز و روی  
 بودند بحق بالا از صد سال شد کردند انتقال از همه خواهران و برادران بودند

عزرا آتش اندیشه درگاه است

### شماره دوم شجره اصل

در ذکر رضوانی سادات بی بی سید ابودنام آنحضرت که خدا شده در بی امام  
 و احوال از میر سید فضل الدین عزت سید فضلوا بن میر سید عبداللین بر سر  
 بوجود آمده بود بنام سید صدر الدین در از ده ساله بمر و ثمره حباب بر و انتساب

ایشان نماند

در سنه یک هزار و نود و هفت گردیده بود این پنج چشم شهر سراج الامل عشر شریف ببالا از  
سال هفتاد و پنج پشش سید محمد بن ده سالگی که فرمان شاهی رسید برده از آن  
پشش سال گردید انتقال بدو بزرگواران عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشد  
بود مشغول در عبارت و ریاضت و شغل و اشتغال بیت و تربیت و تعلیم  
شدا از جداد سی حضرت میر سید محمد در خصوصی بر گاه رسیدن شریف محمد رسول  
سی سال فرمان جدادی شادی کرد و اقبال انجام شادی شد از بی بی و دختر  
دختر خسته آخر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدی عارطان نواب  
آن عصمت مایه عارفه کاتبه بود و بدو یک دزد و بیت شهر آمدند با اینست  
مشغول بزرگ حق ذات خدا از بطن آن بی بی سید العبد و من شاه محمد بن  
دو پسر و یک دختر آمدند و بدو اولاد اهل کمال بنزایل کمال شجره شادانی  
سید شاه نصیر الدین احمد که بیت و تربیت ایشان بطریق عالیست  
نصیریه بود و حصول از والد ماجد خود شادی ایشان گردید از دختر خاله محمد بنی  
از بی بی یحیی دختر بی ابوالنبت حضرت شاد محمد مبارک قدس سره اولاد  
کس نشد در موضع مقام کانور رفته که بر انتقال بالا میر چهل سال در اینجا

بود و مردان انتخاب

شجره دوم شجره در ذکر دختر خسته اختر بی بی اقیبا دعوی بی محمول  
که خدا شد نماز میر سید محمد حسن این میر سید و سید الدین سید بولن رمدی بفضیل

تصدیق کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از گزند و شد رفتن نتوانست گشت  
 به پست او زدند و فرستادند به در بین طور قصه شنودری هست بسیار شادی در  
 اقران اخوان شده بود و او را نشند آتش غلام حیدر دوم نیز بودند تبوند  
 عاجب قوت و قوت اگر برادر یک جانب میشدند جانب دیگر نیز کافی  
 بودند این تنومندی از عنایات الهیت الا علم ظاهر نمیداشتند هر دو  
 برادر مگر سپید غلام حیدر منشی حیدر نام بودند قتی السید بودند شاعر

ذی فنون بهر اسرار مری ماند

شماره پنجم شجر اصل نخل اولی

در بیان حالات پسر گلان میر سید عبدالقادر این حضرت میر سید محمد  
 از جناب مرست حال و نموند بسیار غرور یکبار سوزند بست آثار و در علم  
 فاقه چند روز غمی خوردند ایام ولادت اصحاب بسال یک هزار و هشتاد و هجری تا هر  
 چهل سال آمد ذی حیات در پایه ثبات از ترویج بیخ نبود و سر و کار و شمولی  
 بود و متاهله دار در و انانیا و زیر و دشت سبستان ست مزار باین قبر جناب

ایلموزش و زرش دنیا بند

شماره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد حسین خلیف

ثانی حضرت میر سید محمد با صر

استلام است از حضرت جد لا محمد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد حسین قدس

حواس و هوش تا چهارده سال اندر حیات کیفیت جذبه برده هاری کشف و کرامت  
 آنجناب اکثر بشهرت معبودترین گوی و بعد سه سال جدادی آنحضرت نیز  
 کردند انتقال و برانگی خانه شد بصورت نوحه گر برادر دوم میرسید نصیرالدین  
 نبود هیچ دختر و پس از آنجا که یا خود ازین دشواری و ندم مزاج بصورت پدری  
 تا موافقت بر دفع آمد قصد سفر کردند می آرد مرزاخان بیگ خواب  
 مرقد آباد را بود و یک از اراکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و سرشین  
 روزی عرض ساختند در شریعت آوری آنحضرت هیچ واقع میشود بسیار کثرت  
 در اینجا طلب فرایند اهل و خیال حضرت عالی تبار که مزاج شده بود آمده بر سر  
 جلال فرمودند همه با کردند انتقال که اسام طلب در خیال شده بودند سکوت  
 واقعی امر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند در اینجا فرمودند  
 همچنین اراده دارم باشد تجویز نمایند مرزاخان بیگ فرستادند پیام نهاده  
 قاضی زاده گان که از مریدان آنحضرت بودند بجام کشن نگر گنگره چنانچه  
 قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریطی نسب و نسب ماری اینها  
 از انصار قرابت یکی از مریدان و اثنی الا اعتقاد بودند دختر خود را دادن بخت  
 کردند اقبال آخر کار انعام شد عقد و نکاح نام آن زوج ساقه ماهی بی بد  
 دختر قاضی ولی محمد این قاضی محمد شجاع این قاضی شیخ رفعت و اثنی الا قاضی  
 سلامت الله این قاضی محمد علی ابن شیخ محمد سج ابن شیخ محمد ضعیف از ائمه

بوجود آمد پس آن چهار سهر کی عالی تبار کی ازان کلائے سید سید مظفر علی والد  
 ماجد حضرت سید شاه یحیی علی دومی سید غنظفر علی روح بی بی رشید معروف بود  
 سومی سید منلی چاری سید قطب علی از دوسر ان اولاد شد و هنوز موجود فرزند ان

ثمره سوم اصل نخل در میان جلالت سید شاه ولی الله سید کلائی حضرت

سید محمد حسین

واضح باد پس کلائے از سید السالکین سید محمد وین حضرت سید شاه محمد حسین بودند  
 از سر حقیقت و معرفت از آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان  
 در سده یک هزار سی و چهار در دامن فیض میامن پدری دامادی پدرش یافتند  
 تربیت ظاهری از پدر بزرگوار است و تربیت و خلافت از جد ماری حضرت  
 سید شاه محمد مبارک قدس سره بهرست سالگی کردند شادی از دختر  
 محال خود از بی بی با صره دختر سید محمد ثانی از بیطن آن زوجه و دختر  
 تولد شدند ذریه ایشان هنوز باقیست کیفیت این تبصره بالا مذکور شد اما از  
 زوجه ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر انجناب علی القاب را بطار امر از اکین  
 سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بلاقه مرشد آباد بودند  
 مریدان بسیار هر گاه والد ماجد و انجناب محمد و مر زمان بی بی دولت جهان  
 سمر چهل سالگی بجا رسد لایحه دفعتاً کردند اما شغال والد ماجد آنحضرت را پیش آمدند  
 محال حزن و غم از آن بزرگی رسید مدای کلامی و سرگوش رفت غایبی



تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید محمد و من سه چهار ماه جبرائیل دادند بودند حضرت  
 بطور مشین گونی آمدند و المنه هر برادر بودند آفتاب و آفتاب نوی اعتبار صاحب  
 اقبال یکے جدا مجد دومی جدا دومی این خاکسار از بر و فرزندان شدند و  
 و بهوشیاری اسرار و دختر بی سجد و جوان شد که خداوند شکر را علی  
 امین سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کا کوی الالبه اولاد و

از نیل و ذکر فرزندان فرزندان بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

تجره اولی اصل محل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الوہابین  
 سید شاه غلام حسین قدس سرہ ابن حضرت سید شاہ ولی اللہ

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن نگر بخاندان جدا دومی شد ببال یکزار و یکصد  
 شصت و شصت و بیستم شهر محرم الحرام ازین روشندان آنحضرت سید غلام حسین  
 والد ماجد آنحضرت از طویر آنحضرت شد عکمال سرور اگرچه از اصل اولی بودند دختران  
 دومی شعور میفرمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب گشت  
 جمع نمودند اقربان و اقربان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بمحضرو والد ماجد آنحضرت  
 بمکتب میر و حضور دست در پیش شریف را نگاه میدادند آغاز بسم الله اندوختند  
 الحاصل نشد بعت آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم  
 فرمودند بگورب یسر و تم و با غیر تمیل آنهم نموده قدوس شیرینی ازان در دهن  
 امین فقیر نهادند و نیز برین شریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش امین بگویند

گریه یا ختم آسانی تحریر نمود این بزرگوار اهل معاش را میباید بودند که استکارا محصل  
 در نهایت آن بزرگوار هیچ شک و شبیه نیست از صورت و میراث اشکار و پخته و عین  
 چه اعتبار چه چند سال از بطن آن بی بی دختر تولد شد نام بود بی بی سعید  
 بعد دو سال شان بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت شهر محرم الحرام بتایخ دوم  
 تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جد مادر بی بی  
 شرقی در رانای پور آنده تولد شدند فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت  
 جد الامجد سه ساله و اشته مسند طلب برادر و جناب سوار کشتی آوردند و در  
 مع اهل و مجال بسوی وطن در روزگان کشتی در قصبه نواباوه شدند و آنجا  
 از کشتی بهر ملاقات احوال سید دعوت از خانه اعلان الا محل اولی زنده بودند  
 با شماع شدند پرنشان کلام جاری شد بر زبان اشاره باین دان ناقص  
 العلان ما در نهایت و شرافت آن زوجه محبت باشد و فکر را از آنز و عطف نیست  
 هیچ محبت چه شرق غمی ماند بشرقی دیار احمقند مصاهبت نمایان واقع شده  
 بخانه فقرا که نیابت و شرافت بهترین و مستعین را واقع شد مصاهبت در  
 اهر و شرافت کترین بر حسین و ترین بیغرمود و تا غریب میزند در مقام دانا پور  
 بخانه فرد آمدند کرده از دریا عبور حضرت سید محمد وین سید شاه محمد حسین و  
 فرزند پور کمال شدند مسرور از آن روز خانه ویرانه کردند آباد و تان شاد و شمان  
 بسال یک هزار و یکصد و هفتاد و دو آخر دی محمد بن حضرت سید شاه شمس الدین

نهاده که تفرشی می شود و یک دلمان بر آورده اند و فرمود این را بگیر بپاوشاد  
 بهر خزائن محققه فقیر میفرمودند شش ماه شده بود آنحضرت ایستاد وصال حضرت  
 ذوالجلال کرد که انگیزهائی کردند انتقال سپید شدند از دست افغان مرزومی که  
 بهر پیر و ایشان غایبها پدر پادشاهی مقرر شد و پادشاه عالم شاه در آن زمان  
 بسفر بود و در شرقی دیار اینجور اقل میکنند در قصبه همدان بود که بهر ایشان  
 چتر شاهی بپایندند و از آنجا رسیدند در حضرت بهار رسیدند و آستانه فرزندند  
 ملاقات شایستگان اینجور روز سه فجر رسید که پادشاه بالبح در اراکین می آیند  
 بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد حسین در قصبه و انا پور حضرت سید شاه علی الله  
 قدس سره و قریب هزار والد را جاذب در وقت کنند و شطرنجی گسترایند و بهر وقت  
 با حاکم را سد و چون پادشاه شاه عالم سید شاه را قریب هزار رسیدند  
 دایره حضرت سید شاه محمد حسین کدام جا است عرض ساختند و اثره نیست  
 شکسته و دایره است و گفته مسجد و این ست مرز فرود آمده و بهر هزار داده فاقه  
 خواندند و رسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه القام میسایندند و بهر  
 برادر و بهر هفت هر یکی کلافی آنحضرت هستند و دانی هست و بهر فقیر و انگیزه شدند و شد  
 مصافحه از هر دو نشستند میفرمودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادر من  
 شمس الدین دو سال داشتند و والد را جاذب از دست شریف و دلمان آنحضرت نزد  
 بهر عز و کیفیت کردند بیان که آنرا در هر چه دستار نهاد و هر نوعی دارند ما

فرموده شش دین است ترقی دین دوا هم بس معنی سیم الله و سیم باخیر  
 میفرمودند بدولت آن حافظه و دین شد حصول و زبان خود برآورده و چنانچه  
 هر چند که حضرت علامه تحصیل چندان نبود الا مقدره که اگر در آنحضرت بحث و  
 تقریر نمود در تراجم حفاظ را القمه میدادند حال آنکه ناظر و خوان بودند میفرمودند پیش  
 و خزان محل اولی را که در کدها در شرف اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی  
 بطور القمه در معاش مال پور و طبع و کده حصول کل اولی را که در کده معرفت رکع  
 خود سازند ازین شدن نمیتواند اجزا نمودن فرمان شاهی برادران شهاب  
 رش احمد در آن شریک نصفا نصیف نمایند سخن محنت و قرابت محبت به انطو  
 تمیل بعد در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفته حصول ملاقات کرده که  
 زمان سلطنت پرانده شده بود چند فرامین دیباستانه یکجا کرده فرمان آوردند  
 و پیش نظر پدر بزرگوار دست بسته گذارند بهرگاه معاش نمودند فرمودند ای ولی  
 درین فرمان ضا و ضا نوشته است بسیار عرض ساخته ضا و ضا چه معنی دارد  
 ای پسر بزرگوار فرمودند حکم دت اخر عریق دیگر خواهد شد این معانی بار ضبط  
 خواهد کرد این کلمه گفته از دست خود که دندان فرمان چاک چاک اهل چند بود  
 شاه بیباک فرمودند ای ولی مشو طول روزی بر آستانه تو برسد بادشاه  
 دین پناه بطلب این فقیر خواهد دید مرا هست وقت آنکه کرم شناسی و دعوت  
 کنی و بر چه دیگری را در پیروی تا فرزندان تو اهل دنیا شوند و دست مبارک بدندان

بقیض و دخل و دروغانی موجود وقت و ایر ضعیفی هم و اگر داشت شد در صورت  
 فرزندان آنحضرت است حالا صرف دارد و صادر کمتر صرف دیگر و دیگر میفرمودند  
 بعد از قتل پادشاه بهوی دلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پرگندگی کار طلب  
 آنصوبه وقت اجزا نمایند در آنوقت قاسم علیخان بود و در صوبه شهر شیشه عظیم آنرا  
 ویر به صورت ادب بسیار بود و در سه بهر اجزا و زنان حاضر و بار صوبه شدند  
 در آنوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر شیشه عظیم آباد بود و بسبب نبود  
 جعفر علیخان مالک هر سه صوبه شیشه و اولیید و صوبه بنگ بود و در آن  
 طرقت شان نواب قاسم علیخان نائب که و اما در شان بود و در بطور و بطه  
 از بر و صاحبان بود بسیار با تامل و عرض عرض بیکی و دخل و بار شدند  
 مغلیان و القامان تیغ برهنه و بر و درباری بودند که کسی میشد بشو و آنگاه  
 چنین بود در اینجا اتهام میفرمودند در آن زمان نواب قاسم علیخان از غرض  
 و اگر نیز و گردان بودند بعد بر بارشاهی بحضور عالی که شاه عالم پادشاه  
 رفته معذرت کرده ببال بر صوبه شیشه مانند و خطاب عالی جا و یافتند بعد چکه  
 از پادشاه و گردان شدند با نیزش کا سگار خان تسلط بر ملک یافته صدکا  
 مطابق آیه الیوم لمن الملک و احد القهار بودند میفرمودند نواب  
 قاسم علیخان اول والد ماجد را نشانقتند چون السلام علیک کرده  
 نشیند نواب را بنشیند عمده جلیل این جرات بیخلفه ناپسند رسید استیست

حاضر فرمودند آنهم کردند قبول و مرادیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند  
 این فقیر زاده است قوز از دست خود مرا گرفته برزافو خود نشاند و پرسید  
 نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند سرور لاریب جمله سیادت  
 اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه بخوانی گفتم پند نامه سعدی  
 که سیافرمود بدینیکه یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال سه توابع از  
 گردن فراوان نیکوست + که اگر توابع کند غوی اوست + باستماع این  
 مرا از سینه خود کردند ضم و بهر دو سحاش قرآن بعینه التفسیر شد تفسیر  
 و سفر و گسترانیده شد با خبری چه بود و مدت تناول از قسم طعام با بطون  
 و تره چولانی ملال کسادی نمود آینه و سرکه اچا نابل و اچار اول و دست  
 و تریل خوردند آنوقت که در ماهی شاه صاحب طعام انواع از قسم خوردند  
 لذیذ طعام سپس هرگز بدینطور نخوردیم بیایا التماس رسانیدند طعام  
 چیست نظیر طعام انیقسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب بر چنین نیست  
 چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه بکلفانه انتخاب هرگز نخواهد  
 بعد و طلب شدند تا نون گویان و چوبه دهریان منصب و ابرو موافق فرمایان  
 شد اگر چه باد شاه وقت در مدعا فی بطور اینه و ستار درگاه انتخاب کرد  
 در هر گشته بملو آری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نمایان  
 خاکسار پادشاه زمین ما را بر دے غالی پادشاه افسردی و هشت بیگه است

میفرمود محمد والدین حد کرده شد بدخانی نشین از گردش ملکی بر نواب علی  
 آقامت رسید چنان چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو و  
 چند روز بعدی طالب علی بودند تلخیص جدا جدا شد آن کار به برجم شد نواب علی  
 از یورش اتولج قاهره از هر جانب تسلط آنگزین نواب قاسم علیخان بر کرد  
 خود ایشان شده بدیده اتماس خاص حضرت والد ماجد را طلبید و حضرت  
 با کمال وزاری و سفیر نمود آنحضرت را بهر صلح و مدد نواب شجاع الدوله  
 که نیمه گاه او بمقام یکسر صلح شاه آباد بود آنحضرت یک روز پیاده پاکه  
 بالا از سی کرده بود در آنجا میفرستد بر فرد دیگر تشییع می تا در هم چنین بود  
 طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند نواب حضرت والد ماجد خود رسید  
 شاه محکم حسین را و چنین ارشاد نمودند ای ولی تو اورا مضروب گشتی  
 حالا مضروب شد من التماس پر ای نامه و پیامی او میکنی و دم بقدری  
 آنحضرت متنبه شده شدند خادشین باز کردند از ملاقات آنکرستی علم  
 و حکومت شد غریب کدام را بهر گرد و بدیدی طریق میفرمودند جد بهر  
 تسلط نواب قاسم علیخان از فرشت آباد خود نواب جعفر علیخان آمدند  
 کمال و بدید و صورت در عظیم آباد و چو در فرستاده جناب والد ماجد را  
 کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کرد و نمایان نواب  
 جعفر علیخان شنید منقص شد از ملاقات کسرشان و فرمان فرمودند و کار

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سوره سبن از جابر گفت  
 و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناسم و درین حرمه عرض  
 من نمیدارم و امر دزد چو شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است  
 بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عرض گاهی  
 نسوزان ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دارد عیال و نسب آن از اهل  
 فقیر گذشت برادر تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند و بگفت  
 نواب قاسم علیخی آن ای برادر این فرمان که در مقام پیش من آوردی از من  
 در خلافت این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد  
 من جدت بود بسیار خند مزاج جواب دادند بجهت ای قاسم علی ترا چه شد  
 استکبار پیدا کردی استکبار صورت او داشت که با دشت که با دشت که سایه چل  
 اولیا بر سر دارد و اگر کسی گفتی شاید مقرب الهی شدی این فرمان  
 شاه شاهان آنست که از خطاب عالی جاوه یافتی و در ورتیر یافتی مرا چه  
 خوابی داد آنچه که دوی در زیران پرستان خود دینی این کلمه ببا کانه  
 گفته اند اینجا بر خاستند نواب گفت بنشین بنشین فرمودند بچشم من مرا کانی  
 سوره سبن حکم بجهت باران نمود بگریه و باران منخیز شدند بر جرات  
 کلام فقیر بعد از آنجا از چشم خلافت شدند پنهان که گیرد و اگر گیرد و  
 از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بحد و نواب چشم نم شده کشید آه سوز

گفتند



سنت جماعت چنان چنین چسب است برای بسود و بهترین فرمود نواب  
 معلى اعقاب در جواب که انصاحب در زمان طالب علمى چنانچه عین عمل ایشان  
 و سیادت بهترین مراد بود جاگیر عالم مرانیزیل است متعش که برای این صاحبزاده  
 تجویز نمایم عمده جلیل یا منصب جاگیر یا غیره و نذر از اتفاقات نواب مرچین  
 باشد معلوم که صورت عظیم کم آلوده فیض نماید چونکه بودم خورد سال آخر چنین نوبت  
 یافت و بعد و سال والد ماجد من در آنجا فو نه انتقال بمرد مقصود و هر دنیا بسود  
 حضرت مجبور نواب صاحب را پیدا شد کمال خزن و طلال مرزا خان بیگ  
 کی که از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در آنجا نمانند مرزا را گفتیم مرا مراد  
 که نقش بر بر بطن دهن نمایم در جوار پدر بزرگوار آفرید صلاح پیشش داد  
 نقش را سپرد کردند مع خدمتکار دایه کار فراب آمد و آنجا پور و صندوق ساخته  
 برآوردن نقش پاک بسواری کشتی رفتیم در آنجا رسید و نفیض نقش  
 برآورد و با خنیا طور و صندوق کرده از آنجا آوردیم در جوار پسر مجبور دهن مردم  
 از آنوقت باز قصد مرشد آباد نمودیم میفرمودند در مرشد آباد رفت انتقال  
 از حضرت والد ماجد عرض کردم که باد شاه بهر کفان معاش میداد بسیار حضور  
 جماعت کردند بر انتصار فرمودند و نقد میر میر دو برادر کافی است عرض کردم  
 من که دو برادر خواهم ماند چه نخواهد شد انزالش اولاد فرمودند اگر در نا الهی چنین است  
 انزالش معبندی آن نیز خواهد شد الحمد لله در زمان والد ماجد من بحاصل یا نص

بعد از آنکه در باز و زخمی نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب حضرت علی بن  
 عازم مرشد آباد شد و آنرا در ملاقات بغیر خانه در وانا پور در روز دوشنبه خورد  
 بسواری بکجه اراده دریا عازم شدند سوس مرشد آباد و فرمودند جناب صاحب  
 بسبب تنهایی پریشانم بهر دستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت عود است  
 بعد و والد ماجد مراجعه نواب کردند و در پی بنام امام ضامن علیه السلام  
 میفرمودند حضرت جد الا بهمان فقر حقیر در اثبات راه نواب مرالسبب از اخلاص  
 در سفره وقت خوردن طعام دوستان بستن شایسته نواب بهادر امواته ام یک  
 روز دست خاص و شاربندی نمودند و امر به کیمه والد ماجد من تاب مغاقت  
 نیاده خود رسیدند بمرشد آباد و کماله عالی کرده شد قریب تر در اینجا همراه والد  
 ماجد تمام طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میسرید و هر روز  
 دقت در بار همراه والد ماجد و میر تقی والد ماجد من بجای بهترین می رسید و مراد  
 از دست گرفته در کنار میگرفتند تا میرزا نواز شسته می ماند و کلمه کلام میکردند  
 خبرهای پرسیدند بدین منوال حاضر می نمودند و در بار محرم در آن زمان و سال  
 میفرمودند روزی در جلسه در بار حسب عادت رفته در آنوقت حضرت والد ماجد  
 بودند و مراجع منشا و معولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعد از نواز شسته در آن  
 کس از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که ندب محلی القاب علوم شیه مذاق  
 از سنین چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند شایسته

شاد و مبایل که آنهم مرید و خلیفه آنحضرت بودند حاضر شد و بیعت بطریقه  
 عالییه شصتیه خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم با نعم بطریقه عالییه بود و بعد  
 چند حاضر ماند بر شور و محمول بنیاید و کیفیت ذکر و اشتغال مشغول و دو سال  
 چون گذشت که حضرت نمودند لبالب یکم از رویا کنند تا پنج هجری سیزده هجری  
 انتقال مرا پیدا شد حزن لال و وقت انتقال حضرت هم من عرض ساختند  
 که مجاز فرمایند این فرزند بیست پس یکبار از مشایخین بحواب فرمودند اجازت  
 بعد از بیعت ایشان همان روز داد و ادام کافی است و آن اجازت مرا زبانی است  
 به از تحریر خلافت و مثال چند کسان تا نعم بنیاید درین قبیل و قال ازین مقبر  
 حقیرم که مرا تربیت بیعت از جدا جدا پیر و دستگیر و حصول بعد چند سال که من  
 مبارک حضرت جدا جدا رسید به بیست و سه سال ثانی شادی شد و در تعلیم آباد  
 از دفتر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف ابن حافظ محمد بیست و سه سال  
 آنجناب بالا نوشتند ام با نسب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن و از خیر  
 آند در تعلیم آباد بنجامه شیخ قریشی نسب شادی کردند و دختران پیدا شدند یک  
 جده من ثانی خواهر خود جده من که از شیخ برکت الدین شیخ اهل الدین من شهر  
 کتفا شد و از بطن آن بی بی اولاد شد و آن شیخ صاحب از و شادی آنیکه  
 و دسر آن از یک دختر که شد و دسر نامی می فرمودند و بعد شادی من من  
 می پرسید نصیر الدین احمد بجانب مغرب که مریدان ایشان بودند بسیار در مقام

بیک چیز سے زائد پانچ سو روپیہ سالانہ می آدہ زمانہ من ہر دو برادران را ہر کار  
 ہر گاہ پدر و اعظام پیداشدند و رانہ شان کشت یکزار روپا قصد شد سینویہ  
 ای فقیر حقیر و زمانہ مایہن مجبندی سالیانہ شد و ہزار شکر خدا بول بالا  
 حال از نیم بہت جمع بالا اگر ز زندانم یا وقاحت برین گزیند بخوبی گذر و  
 اوقات مشایخانہ و اگر نواہد کہ ہر دو کہ وادت نشیند مال قار دن نیز نکند کفایت  
 درین زمانہ میفرمودند عمر سے سیزدہ سالہ بود کہ وفات یافتند پدر و مادر و ام  
 چل و شل سال یکزار و یکصد و ہشتاد و ہجری بعد و سال در تحصیل علم خود  
 چون فرصت یافتہ عمر بزرگوار مراد بود و کسی فرزند بصلاح والدہ ماجدہ قصد  
 شادی نمودند و نیز عمر من سادی ہمیشہ گردید میرزا علی ابن میر حسن رضا  
 والد میر محمد رضا یک دختر شد خواہرم را نام شد حمیدہ دختر سعیدہ و زمان  
 طفلی آن دختر بزرگوار مادرشان وفات یافتند و شادی من در سوختن کوکب  
 از دختر میر محمد علی مراد میر حسین ابن میر یوسف علی گردید نام زوجہ  
 بی بی عصمت النساء الدین آن بی بی یک فرزند نرسند موسوم ہوا احمد بن حسین  
 سالہ بود و در جوانی چھک ہر دو وفات یافتند باز قصد نابل نہا ختم عمر من  
 شانزدہ سالہ بود جب دنیا از دل من حق بر بود قصد بہت و تربیت نمودم چنانچہ  
 اتفاق بہت از والد ماجد نشدہ بود شہر فیاضی حضرت قطب العالم شاہ  
 محمد نعم خدس سرد با شتاع در آمد ہر دو علم التقریم حضرت شاہ قطب الدین خرم

انجک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجروح نام بعد از وفات پدر شد آخر کار  
 تمام در دختر مسماة سکران از سیر عباس علی ابن میر دوست علی که خدا شد اولاد  
 شد و هرگاه در اینجا سکونت کرده برادرش شیخ کرم علی در اینجا جدا شد تا تقوی بنویسد  
 باو نشان کار دیبانت را انتظام بخونی بگرداند انجام و حرم نشان نیز کارخانه کار  
 من سید پسر دود و باو خانه داری ایشام دیده باشتی هرگاه ذکر آمد حضرت  
 صفوی محمد و ایم قدس سره و بنیاده حلال شان نیز بنویسد یعنی حضرت صفوی محمد  
 ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اولی مرید و مستر شد بود صفوی  
 امانت الله رحمة الله علیه طریقه شان قادر بود و سر مدینه محمد و بود و بعد از آن  
 با اجازت شان آمد و بنظر شد بهر استخاره با طریقه ابو اعلی که حضور حضرت  
 قطب العالم شاه محمد معتمد قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت  
 ماندند آخر خلافت این طریقه یافت حسب اجازت جانب وطن تشریف بردند و خدمت  
 دو پسر دیگر دختر و دو پسر صفوی شاه رشید علی که مرید و مستر شد و طایفه در او  
 بودند و نام پسر کلان صفوی احمد الله است پسر ایشان صفوی وجه الله که بعد از او  
 صفوی شاه روشن علی زینب سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد  
 با پیام حج شریک بودند ما انرا کسی اولاد نشده بود و پسر او سبط نام صفوی  
 قائم الله بود و پسر سوم صفوی شاه نور الله بود چند سال درین دیار ماندند و  
 ایام جوانی بهمین این خاکسار بودند بسیار جوانست از سن بود نسبت را با طایفه

کانپور گردن اشتغال برادر دوم سید شاه شمس الدین حسین را پذیرفتند بجای  
 پسر والد و من شادی آن برادر نیز و برادر کے کردید بعدہ گردن اشتغال اشتغال  
 از زبانی جسدہ ماجدہ کہ نام جدادری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ  
 عبدالصمد ابن شیخ و بعد از فوت داشتند در شهر پٹنہ بطور کاشکار و نام جدہ  
 نادری من بود سماء سلطان بی بی بنت شیخ امان علی ابن شیخ سلطان  
 ابن شیخ و رضا فعلی درین شهر بودند از تجار و برادر و مصاہرت و قریہ شذام  
 مادر من بود آسمانی بی نام ہر دو امون من بود شیخ عاشور علی و قریہ مہر علی  
 ابن نوجوان فوت شدند لاکھ نامون مرادیدہ باشی شیخ عاشور علی کبر سن  
 شدہ بودند در اینجا گردن اشتغال بجا و سہ سال دامن غلا سے من بود قاطبہ  
 بی بی اند شیخ محمد منیر نصاری بودند کتھا شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد با ششم  
 و صوفی محمد و اکھم ابن شیخ محمد اعظم ہر دو برادر و غلام بودند ساکنین شہر پٹنہ پاکہ  
 پسر محمد منیر شیخ کرم علی برادر خالقی من بہر ملاقات مایان بسواری کشتی  
 از انجمن اہل و عیال در نیامی آمدند جاسے کشتی رسید در تنباہی زوجہ و  
 پسر ایشان شدند در دریا غریق بہت از انجمن تنہا در اینجا رسید بر استہ  
 معویت و آفت بعد ملاقات در نیجا ماندند خواستہم کہ در شہر قاشادی شان  
 تمایم قبول نکردند آخر کثیر سہولت کلام کردہ در خدمت شان و دوم از در  
 پسر و یک دختر شد یک نام بود عیدہ و در منیر از در شیخ عابد علی کہ خدا

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت برد و بود از دیگر فرزندان  
وقت انتقال از خلافت و بانیشینی کردند سر فرزند در وقت رحلت پدر بزرگوار  
خود ده ساله بودم منوید بزرگوار استیلا حرتی فرار جانب شمال احاطه مغرب  
مزار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سر و در وجه شان محمد بیملوی جانب  
مغرب مزار است پسر شان حضرت میر سید محمد قدس سر و جانب جنوب پائین  
شان پنجمه مزار حضرت سید شاه میر سید محمد حسین قدس سر و نواسه شان  
و در پهلوی سر و در وجه شان بی بی دولت جهان ابل مزار اند این همه عوام  
نیاز و فاتحه نمایند خصوصاً ولادت انجام شادی و در پهلوی حضرت میر سیدی  
مزار است والد جد من حضرت سید شاه ولی الله در بجنب جانب مغرب  
قبر والد جد الامجد من است و جانب مغرب پهلوی شان مزار است والد من  
حضرت سید شاه سلطان احمد و در پهلوی سر و در وجه شان والد ای ملکسار  
بعد و مزار است حضرت جد الامجد پیر سنگیر بعد و جد من بعد و خاله من  
زوجه عم الامجد بعد و قبر عم الامجد در آن بعد و قبر عم سید شاه مراد علی  
در پهلوی سر و در وجه شان زوجه انتخاب اند بعد و من بسیار و خواهران من و دیگر  
عزیزان این بزرگواران تحسیر نمود دیگر غرض از تائیس تحریر نمود  
ثمره اول شجر اولی اصل اول خاتمه در احوال عم کلائی سید شاه

در ایام قزلباش بعد مراجعت از سفر چین رسیدیم ندریم بسوی وطن رفتند  
 و خلعت روم صوفی محمد دایم صوفی شاه تقیه الله بودند بعد انتقال برادر  
 کلاسه سجاد نشین شدند و هر ادای حج نیز رفت بودند از حضرت جدا مجد کاتب  
 اکثر بود پس ایشان صوفی ولی الله واضح با نوا هر جده ابن خاکسار بی  
 است الرسول زو به شیخ برکت الله ابن شیخ اهل الله از زمان جیانت شهر خوار  
 در غلیم بنا و مقیم ماند و امام بعد از آن برکت اخیر محبت عزیزان و ناما پورا قاضی  
 شدند و شایسته قبر ایشان و والد جده من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در ایام  
 الا والد عثمان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت الله قادری بودند  
 در قصبه چلواری مدفون اند و اسکان شیخ برکت الله شاه محمد قاسم پدر  
 شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد و اجداد کب و قضا ایشان در بزرگ و شاه  
 محمد عاصم که خدا شده و بناسجاد نشین مر لا اگر بودند ابوعاش در دایم  
 شیخ برکت الله شیخ سلامت الله زوجه عثمان خلاصی مولوی اکرم الحق و  
 مولوی و عطا الحق بودند و اولاد نماند و پسر دایم شیخ امان الله بود  
 زوجه شان نیز بودند و عیال دور رفتند هر دو ازین جهان از آنجا که سلسله قضا  
 بود برین تصریح نگاشت باید دانست حضرت جدا جده من فرزندان فرزندان  
 دیده کردند و بناسجاد نشین ساکنی انتقال بسال نجاه و چهار هجری بستیم  
 شهر حرم الحرام رز چهارشنبه بود و در جده من بعد سیزده سال بهان



علی بن ابی طالب و داشتند سید پسر ایشان و یک دختر و قشیش محمد حسین را سید دختر و یک  
 پسر قشیش سعید و ولایت حسین بطور ایشان سر رشته دار گردید و اپیل بودند  
 در خانه مشرق خانس صاحب بهادر و نیز او ستاد بودند و قریب و ممتاز از رفقا بودند  
 بعد از انتقال والد خود و حاکم وقت این حدود به پسرشان بخت داشت تا دیات  
 با و ج جلیله نامه عم پسر کلانی قشیش محمد شاه سید و لا و علی و ثانی سید اعظم علی  
 هر دو و داماد هم خودی که تیا النساء زوج کلانی و بی بی ولی النساء زوج بهادر  
 ثانی هر دو و بی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی  
 میر ولایت حسین از دختر هم نیز کردند از سماء محمد و یکم دختر قشیش محمد شاه شش  
 دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شر فاطمه چهار و دو دختر در  
 اکبر آباد از بهر دو برادر عیانی که خدا از قاضی باقر علی سماء و حسنا و احکیم  
 داشت علی سماء صدرا کلمان سماء فیهما در موضع کراتی بر سرای و سماء نفیسا  
 از میر فرست حسین و سماء مجیب از میر نظر حسین هر دو برادر عیانی ساکن قصبه  
 چهره و یک دختر انام معلوم نیست در ضلع علیکده کول در خانه شرفا که خدا  
 یک پسر نام سید احمد حسین شادی اول از دختر سید میر بخوان در اکبر آباد  
 شد ثانی بعد از وفات زوجه اولی از دختر انینا عمه او شاه محمد سیادت  
 از بهر دو اولاد داشتند و پسرین قاضی باقر علی و اولاد علی و حامی باسط علی  
 و پسر حکیم داشت علی نظام علی خان صدر وکیل یا صاحب بنو زانها موجودند

واضح باو فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند و لااقل  
 ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود  
 بر روز یکشنبه تعمیل عظم ظاهر بیت بطریق عالیّه قادیان مولانا شاه طاهر الحق  
 قادری بنواذ بهر دو از ده سالگی در علم فرب فراخ بودند و تربیت و تعلیم یافته  
 بطریق عالیّه ابوالعلائیّه از جانب حضرت سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ  
 بود و بوقت خلافت سید صاحب شایان عصر و اکثر چند سال در ایام جوانی جو  
 اجمہ جلیلہ حاکم وقت بودند و سرشته دارد شیر الہ آباد مدت ده سال آخر ترک  
 روزگار بودند و بعد از سجدہ سالگی شادی شد از بل سماء امین النساء و آخر  
 بخشی سید محمد حسین ابن بخشی سید محمد علی المدد تعالی بخش و اولاد چهار سیر  
 و چهار دختر سیر بطولیت مرند و دختران از خواہر زادہ و پسران از دکان کدوا  
 شدند و ذی اولاد سیر چارم سید عنایت المدد انچه که از ذوبہ عم کلاسنہ  
 دریافت شد اصل نسب بالا در اینجا بنویسید چرا کہ تحریر بہر صحت نسب مصداق است  
 میر سید عالم علی ندی نسب مکن یارہ بودند پسر شان سید امجد علی پسر ایشان  
 سید احمد علی از وطن متفاوت کردہ بہر حصول مدد معاش روانہ دیا و سرستہ  
 شدند خلاصہ شہر نکالہ بمقام سو لکچہ در آنجا سکونت کردند و اختیار بہداشتند  
 جلیلہ صورت رفتہ کار پسر ایشان بخشی سید محمد علی جلیل القاد حکام بودند  
 ارستار حاکمان وقت و دو پسر ایشان کلانی بخشی سید محمد شاد یا دود خان

شدند و از اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الداد خواهر خود این فقیر  
که خدا شدند یک دختر شد به خرنی بمرد بعد از او داشتند از حرم چند پسر و  
دختر و کیفیت اولاد برادر خود آیند تبصیر می شود و بخواهد نگاشت  
شماره دوم در بیان اولاد و دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حقیقا النساء زوجه شاه تراب الحق

باید دانست نام علمه حضرت سماء حفظ الله که از برادر کلان خود و بودند  
و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب السمان مولوی حسین  
حضرت شاه طیب السمان فرزند شاه سیف السمان بودند و کسب باله  
تخیر شد حصول این بی بی در زمانه خود را به بود و در عبادت الهی پرستید  
و سفید و مطیع والدین تا عمر خود در دنیا پدید بر بندگان ماندند خانه نداشتند  
بسبب کثرت اهل و عیال الله تعالی پنج پسر و چهار دختر بخشید به عیال سالگی  
رو برو والدین کردند انتقال چنانچه پسر و دختر گزاشته فرزندان سید  
شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر و اخلاص الا عظم یافتند و از استعدادش  
بنظیر بودند و اکثر آنکه بی بی طیب پیش حاکمیت بودند بیعت ایشان را از حضرت  
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بطریق عالی نقشبندی در بیت ایشان  
از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت ملاقات و ملاقات  
و بیعت از بهر و اجازت ملاقات و بیعت و تعلیم فیوض باطنی بر این

دو دختر میر فوخت حسین مسماة سراج النساء و دو پسر میر مظفر حسین و میر حسین  
 و نظیر حسین و پسر غشی و لا و علی میر طاعت علی و یک خواهرشان که از میر صاحب  
 که خدا و میر اعظم علی را دو پسر سید طاعت علی و سهرابی سید احمد علی آئیده منقولست  
 حالا ذکر کرده و لا و حم الا عظم می نامیم که که خدائی شده واضح باد و دختر کلانی مسماة  
 بخشا النساء زوجه اونی اخوی الا عظم شاه و محمد قاسم دو فرزند از طین این  
 زوجه شده اند و در خدمت کردند بصغر سن بعد از آن مادرشان فوت شد  
 و دختر ثانی عمر کلانی مسماة عبد النساء زوجه سید شاه فدا حسین ابن سید شاه  
 فرید الدین ایشانرا از طین این بی بی یک دختر شه جمیل نام بهم بست سالگی  
 شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن آثم بعد وفات مادر میر داد و لا و فاند و دختر سوم  
 هم کلانی را نام بی بی ام البتول عرف بتول از برادر سید هدایت حسین شده  
 که خدا یک دختر شد نام نظیر النساء که خدا شده از سید ارشاد حسین ابن  
 امیر حسن امام ابن سید شاه داشت علی مبارکی ذی اولاد شده بجه اولاد  
 ازین عالم نام پسران برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شده  
 و دختر نیز شده برادر فوت شده از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین  
 ابن میر علی سجاد چلواری که خداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر  
 ایشان و دختر چهارم هم کلانی نام تلج بی بی و امت الرسول عونت رسول  
 از برادر کلانی عیانی این خاکسار که ضایعی از سید شاه علی حسین که خدا

اولکمالان بودند نسبت عالیله ماده جذب در آخر عمر در جذب الهی بودند و  
 کلیه بحق افسوس زنگ و فاکر دسی و چهار سالگی رحلت کردند بسیار مریدان  
 و سرشدان ایشان می شدند بسیار کینزار و دو صد پناه و سه پجری وفات  
 یافتند شمره سوم پسر ثانی عمده این فقیر پسر شاه محمد و اجدان شاه تراب  
 رحمت الله علیه که مردم از وی فنون و پیرهن بودند و استعداد و فارسی بود بسیار  
 و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابوالعسلایه ایشان را نیز از حضرت قطب العظمی  
 سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و فکر یا معنی غیر طبیعت بود و بسیار  
 دارنده در دو حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر می نمود و در شعر و سخن که  
 خوش مذاق بودند و پیشه تجارت کردند و با انصاف و عفت از کار خود بود و ملت اخیر  
 بیست از حضرت شاه مظفر حسین ابن و خلیفه حضرت حکیم شاه فرحت الله  
 قدس الله سره از هم کرد و عذر و اجازت پیر و مریدی از حال کلامه یافتند و مرید  
 و سرشدان ایشان نیز بودند و هر شصت سالگی در میل ملک بقا شدند بسیار کینزار  
 و دو صد و شصت و چهار ولادت ایشان بسیار کینزار و دو صد و شصت و چهار عرق  
 بهاء نومی قعده ازین فقیر محبت بسیار داشتند و در چند من تلمیزی ایشان ارد  
 این فقیر شادی ایشان بعلاقه بهار و اقران شد موضع نور پور راز سلسله  
 تحفه النساء دختر شیخ بهاء علی و دو دختر و یک پسر از لطن این زوج شدند  
 زوی اولاد و نام پسر شیخی سید محمد و زوی یکم و فارسی سبیت دارد و نیز فقیر

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند و وطن آمده زبیر سجاده شدند باز شاد  
 مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ثبات بابرکات ایشان شدند بسیار تقصیر  
 و پنج سالگی کردند انتقال بهال یک هزار و دویست و هشتاد و یک هجری برد  
 پنجشنبه هزار واقع است و حضرت منیر باستان حضرت مخدوم سیدی میر  
 قدس سره شادی اولی که از دختر گلان خال کلانی شده اولاد شده مادر پسر  
 هر دو کردند انتقال اولاد نام شادی ثانی از مسماة امیر النساء دختر میر حسین  
 شد و در بهار محله بار و درمی از ایشان نیز شدند و دویست و یک دختر بفرستی  
 وفات نمود و الا پسران جوان شده رحلت کردند اولاد صلی نام میرزا فرزندان  
 برادران و فرزندان معنوی اگر چه استاد این فقیر بودند اولاد که صحبت نیز  
 مرا حصول شد با وجود این تغذیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان  
 سرور این فقیر اندر سبحان الله عجیب مراتب بابرکات بودند  
 شمره دوم یک خواهر ایشان از به برادر بزرگ و ایشان طوره مسماة اولاد  
 عمت امون از سید مرتضی ابن میران علی ابن سید شرف علی ساکن  
 رموی که خدا شد یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بعضی بفرستی  
 میت ایشان از دین عمه خود از شاه قمر الدین حسین بطریق عالیسه  
 چشتیه مرودیه و الا تربیت و تعلیم معنوی بطریق عالی ابو العسلانیه از  
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره یافتند بطریق یکبار از

قدس سره بفضله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران دو قرآن که خدا  
 انرا بعینه ذی اولاد اند الا پسران صغیر از محمد خلیل و محمد طویل الله تعالی غفرلهم  
 دارد و دختر دوم شاه محمد و اجد علیا رحمه از حضرت زاده ایشان سید فضیلت  
 ابن سید شاه تصدق حسین که خدا شد یک پسر گزاشته بنام محمد طویل و جوان رحلت  
 کرد و از فرزندان سید است الله تعالی عمر طویل کشد و ذی علم نماز باقی از محل ثانیه در  
 دختران اندیکه که خدا از شاه و اجد حسین پسر ای ذی اولاد نام پسر ایشان  
 محمد رضا ثانی و دختر طویل که خدا و نام شاه محمد و اجد محمد امین بیست از داله خود  
 نموده است ای اولاد است بنام محمد حسین و حسین و حسین خیر باد شمره  
 چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب ابن مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم  
 از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده کمال صلاحیت طبع بود و گویا عارف بالله  
 کار دنیا گشته کرد و از خوشنویس بود و بعد بهر بنفقه ساکنی قضا کرد و در این فقیر کمال محبت  
 دانش پیدا شدند بهر دو شیر

### شماره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد سجاد جانی کرم

ام و ابا را نور العین و واضح باد شاه محمد سجاد ذی ارشاد ابن عمه خاکسار مولی  
 و بهر دو و بهر این فقیر حقیر الله زور و سالی در تحصیل علم هم سبق چندی اوقات  
 سر در نوکری حاکم وقت نمود و بعد از آن کلاسه محبت ایشان را نیز از حضرت  
 قلوب اشعار بخین سپید شاه و خواجه ابوالبرکات قدس سره در بیت تعلیم

و شاعر است تخلص عطا تریت باطنه یافت از غم خود حضرت سید شاد  
 مبارک حسین قدس سره این حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قمر الدین  
 قدس سره و بیعت ایشان از حضرت عم کلا از شاه محمد قاسم قدس سره  
 و کلمات بزرگوار حکم وقت چندی بسر کردند حال و تجارت مشغول اند که خدا  
 ایشان از خواهرزاده ام یعنی از دختر سید شاه امیر السداین میر تقی الله  
 از مسافه است الصفوی اولاد پسران شدند حالا سه پسر از موجود کلا نسبه  
 مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کسب نوکری حکام زمانه در آنگری  
 نیز فوقیت دارد و هر کار در برادران ثوق است بیعت ایشان نیز از حضرت  
 سید کلانی مدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاه محمد سجاد حاجی الطهرانی  
 آنکه بعد در کسب بطون نیز وارد کمال در شاعری به چیل کد خدائی از دست  
 اخلاق مسافه حسین انصاری و سید محمد و هم بخش ابن سیر شجاعت علی مرحوم  
 از مس اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسرانی شاه محمد وزیر محمد طایر  
 حاصل بیعت ایشان نیز از جد اصغر است که خدائی نیز شد پسرانی نیز است  
 سر سوم محمد محیی و پسر سوم بانام محمد صلیب است در تحصیل علم مشغول است  
 و دختر کلانی محمد و جد سماه بخت النساء که خدا از سید ابوالبرکات معروف  
 بشاه برکت ساکن موضع مدین پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین  
 بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین



## شماره ششم

در ذکر دختر ثانی عمر این فقیر مسماة بی بی کاسم که از میراث علی شده و خواهر  
 بیعت دارند از خال ابا اعظم خود خواهر عزیزه صاحب صفت و عصمت از بطن  
 این بی بی دو پسر شد یکی عمر و دیگری که خدا شکر در از نهادن پسر مرد پسر شاه  
 نظیر حسن مسلمه موجود است بپایه ثبات و تعلیم و ذی شعور در علم عربیت  
 به نظیر و عبارت فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار و طبیعت دارد صلاحیت بیست  
 و نوبت ایشان از خال خود یعنی از حیات اخوی سید شاه محمد و امشده

ارشاد که خدای شد از دختر سید البرکات ذی اولاد است

شماره شجره فرج ثالث اصل اولی در محابه حضرت سید شاه فرید الدین احمد  
 رحمة الله علیه مرید و خلیفه و ابن حضرت سید الواصلین سید شاه  
 غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان تهجیح

باید دانست ولادت حضرت عم الاوسط عمده الشایخین سید شاه فرید الدین احمد  
 در سال یک هزار و دویست و دویست و هجری بهاء رمضان به نیرجه رمضان علی اکرم  
 در عو شاء مضمون بود و بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقه عالیه تقا در پی  
 و تربیت معنوی بطریقه ابوالحسن لایه از جایگاه از بزرگان این سلسله شریف  
 حیثیت عربی و فارسی بود کمال الایجاز و بیعت مدرس دادند و نه دنبا  
 ارشاد آهسته خنجر گیری معاش مقبوضه دایمی نمودند شادی این حضرت

سنوی در حضرت قطب البصیر رحمۃ اللہ علیہ قمر الدین حسین خاں الاعظم قدس سره و جماعت بیعت  
 از حضرت اخی کلانی و بعد تبرک روزگار پنج بار دست یارات بسوی حجاز شریف  
 بردند حج نمودند زیارت حرمین شریفین ذات البركات اندو در فن شاعری  
 دارند کمال در اردو فارسی ساجد مخلص است فیضیاب از ایشان اند بسیار  
 و مردان کثیر از وقت ترک نوکری چنانچه نمیرنگان مرشد زاده ایشان بیت کرد  
 و تربیت یافتند خویش اوقات اند فیضیاب صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند  
 شادی ایشان گردید از مسحاة البصیر رحمۃ اللہ علیہ عمو بر اتن دختر میر محمد عامر  
 برادر حمزه زاده ایشان بودند فیضیاب اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بکاک بقادر  
 پسر الاسود و اند چهار دختر همه با کتخدا باجی بکاک از میر حسن حسین که میوه است  
 اولاد دارند و دیگر از سید عبد الحکیم زوی اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علیم سید  
 که خدا از حکیم امیر اکثر زوی اولاد چارگی از محمد غزال زوی اولاد دست بیضه را  
 زیست و ارشاد است بیضه را فقط ارشاد الا پسر مال پسر را نام سید محمد شاکر  
 و از حسین قنوم اکبر آباد شد زوی لیاقت اند و حبیب نظامی بغاری خواب  
 شاعران به تعلیم بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و تبریزیت و اجازت  
 شد زوی ایشان از مسحاة البصیر رحمۃ اللہ علیہ ولایت حسین گردیده است زوی ولد  
 اند دخترانده موجود بسیار طبع و کمال و فهم بسیار اند و شغل کتاب بینی بسیار  
 و مجازانده از هر عام به نسبت تربیت و اجودیت و محبت و بیغیر حقیر نیز بوده اند کار

یک دختر که خدا سده رحمت نمود نام حرمت بود لایب صاحب عفت بود  
 و دو دختر شریفان خود اندر وجود و پسر کلانی نیز اندر وجود سببی رجب علی بن  
 مقصود الله تعالی این سه را بخشید صورت بسیار و فنی عبادت بخود سید شاه  
 هدایت حسین و دانی حضرت سید شاه فرید الدین احمد علم ظاهری موافق ضرورت  
 داشتند و همیشه بصیغه مختاری ماضی در بار داشتند که آنکس طبیعت ذی  
 که بفر خود هیچ نداشتند اتفاق بیعت ایسان نشد الا تربیت یافته بطریق معنوی  
 از خال الاعظم حضرت سید شاه فرید الدین حسین قدس سره بطریقه عالیه  
 ابوالاعلی بود که ندائی ایشان نیز از دختر سوم علم کلانی گردید از سادات است  
 و دو پسر دیگر نیز متولد شدند دختر از همه کلانی ذی اولاد شده مع اولاد و وفات  
 یافت الا پسران موجود که خدا اند جا بجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید  
 علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پناه داری که خدا چنان  
 دختران الا یک پسر سببی ابو سعید رحیم الدین متر شد و میر جناب باقی اعظم  
 سید شاه علی حسین بیعت و سید نصیر الدین را که ندائی در قصیه نیز شد یک دختر شد  
 بمرد و زوج نیز شادی ثانی نیز نمود و انهم فوت شد و سنگر فتنه این فقیرست و ثانی  
 مرید علم کلانی خود نموده برادر هم بر گرفته و این میر سید حسین پسر سوم حضرت  
 علم الاوسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاهری دارند محتاج تحریر را کسی  
 نیستند که رو بدو از بیعت ایشان بر از جناب حضرت سید شاه خواجده ابو الکلا

اردو ختر کلانے غم خود کردند از سماء فصیح النساء بنت حضرت سید شاه  
 شمس الدین حسین قدس سرودی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال  
 رحلت کردند بعد پنجاد و شش سال سال سی سال یک هزار و دویصد و پنجاه و نهم شهر محرم الحرام  
 پانزدہم تاییح بود از اولاد سید پسر احمد و دود ختران قصاکر دند یکے خود و  
 نام نام پسر کلانے سید شاه فدا حسین بیت ایشان را از بعد بزرگوار و  
 بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت باطن از انخی الا اعظم شاه محمد قاسم علیہ الرحمۃ  
 والد خود جانشین شدند تربیت نہایت پر سلیقہ بودند و خلق و سافر پرور  
 نام آوری کردند خاندان ہمہ روسا شهر و رگر و اخلاق بودند شہرہ آفاق  
 با درویدیکہ تحصیل علم ظاہر بودند ہجرت سال ولادت آنجناب در اواخر  
 ربیع الاول در سن یک ہزار و دویصد و سنی ہجری بمشہد متسع سال  
 کردند انتقال بسال یک ہزار و دویصد و ہشتاد و پنج ہجری مرقد ایشان در  
 قصبہ مشیرم پہلوی انخی کلانے وفات شهر رمضان شریف تاییح  
 پانزدہم حصہ ترکہ خود دارشان صلیبی بہم شرعی اوند و دود ہار زادہ خود را نیز  
 تعلیم تربیت نمود و از دارشان گردانیدہ ہر کہ حصہ دادند سوا سے آنکہ برادر  
 خود بودند موجود اند بے حصہ دارشان ترکہ را خوردنوش نمودند با وجودیکہ  
 موجود اند شادی آنجناب از دختربانی ہم کلانے شدہ بود یک پسر و دختر  
 متولد شد با یام صغر سنی فوت شدند مگر وہ العبد الا ارحم سید پسر و دختر



قدس سرہ ذریعہ مشیخہ از حضرت پیر محمد سید شاہ قمر الدین حسین

قدس سره بطریقہ عالیہ یو اعلیٰ و مجاز نیز از اشی کلانی اند شادی و اولی ایشان

از نسماة محمد و مه دختر شاه امير علي مرحوم گردیده بود و هنر زلف بودند اين تقير

چون زوجه کردند انتقال داد و بدین شادی شانی از دختر میرزا محسن رئیس شهر

شهرزادہ زوہرہ موجود آگاہی اور اولاد و تیز اندیشہ کے ساتھ

تتمه چهارم شجره فرج سوم اهل اولی در بیان حالات و اولاد و سید

اساتذہ کرام حضرت میر سید سلطان احمد فیہ روم حضرت سید خواجہ

سید شاد علام حسین مراد

واضح باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دویست و شصت و شش هجری

بما تشعبان العظم روميا وشبهتا يارنج ووازو دم این حضرت در فرزندان والد

اجل و ائمن و ذی اقبال بوده اند و بصورت جوانان بسیرت و اهل تحسین مسروران

نرسیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل

کامیابی سببیت افروان مومند چون پهلوان صاحب قوت و زور پستی کجاست

کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

است معجزه و طاقته الهی العالی منزه و خالق و مدبر و تدبیر کننده

شاد شدند و از اسرار و محبت خواستگار شدند و از آن روز به بعد

[illegible]

بسال یکوزار و صد و بیست شش هجری و بیستم شهری قندهار روز یکشنبه  
 خلعت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از  
 هر یک اعمام خود نمودند و در سره فارسی درست است بعبارت مربوطه نوکری  
 چند باز نزد حکام زمانه کرده اند که خدائی ایشان از دختر خود و هم کلائی گردید از سنان  
 است الرسول عزت رسول از بطین این بی بی بعد چند سال شادی اولاد  
 و دو دختر و یک پسر و اهل تربیت و تعلیم طریقه ابوالحسن با از حضرت خال اعظم  
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند و حیات آنحضرت ذکر آنحال  
 تعلیم می برداختند چون از اینجا کشور و فایده تر شرب نگشت بعد انتقال آنحضرت  
 به بیت بطریقه نقشبندیه ابوالحسنیه شد آنکه ابا رفته از جناب حضرت قطب  
 مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره ساقند به  
 در صحبت بابرکت حاضر شده جناب حضرت شیخ المتقین حکیم شاه و مظهر حسین  
 قدس سره جانشین و خاتم الرشید حضرت واصل باشند حضرت شاه  
 فرحت الله قدس سره و خطیب به مس و دست فیض طریقه مذکور گرفتند  
 بعد علی ذکر آنحال و تعلیم اسرار باطنه مادی و غلات شدند و نیز خلافت  
 از جناب حضرت عمده العارفین سید شاه خواجه ابوالحسنین قدس سره  
 ابن و خاتم الرشید حضرت قطب العاشقین مادی و غلات با جازت اخذ به بیت بطریقه  
 گردیدند و فیض از پروردگار با جازت یافتند و سجاد و ترشد و بهر شیشه پیری بگردان

شجاعت علی ساکن سامن که خدا یک پسر و دو دختر که دختر زوجه محمد کبیر و  
 زوجه سید فضل امام و نام پسر سید ظهور المحسن که خدا از دختر برادر هم  
 سید محمد کاظم یک دختر است موسوم عطیه فاطمه و ثانی شادی نیز در اوان  
 خود نمود و دختر ثانی است الصغیر از دوشی محمد زید ابن سید شاه محمد و  
 مذکور الصدوق که اولاد ننوده شد و دختر سوم سماء ولی النساء که خدا از سید کمال  
 نواسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین و دو دختر و دو پسر گذاشته کمال الدین  
 وفات کرد و یکی دختر که خدا از سید حامد رسول نبیره سید علی سجاد پهلوانی و زوجه  
 و او دومی هنوز که خدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعوبت آن بود  
 و نام ثانی تبارک حسین هر دو هنوز که خدا الا بطل تعین علم و روزگار انداخت  
 ثانی حضرت میر سید سلطان احمد سماء شمس النساء که در عمر این فقیر خواهر  
 خورد و بود بیعت بطریق عالی و در می نمود از حضرت عدا جد سید الواصلین و  
 مشغولی باطنه بودند که خدا شد از پسر کمالی سید عنایت الصدیک دختر  
 شده بود سینه که بعد نام بود دختر النساء بعد که اولاد نشد بعد پناه و شصت  
 سال رحلت نمود و شل عارف زمانه که تسبیح الهی شصت دوم شهر ربیع الثانی جمیع  
 بسال بگذر بود و صد و نود و پنج هجری رحلت کرد و تدفین هم پهلوی خواهر کلالی  
 پسر کلالی حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره اخوی کلالی ابن غانی جانا  
 معالی انقاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت



الالباب و صفات جمیع از همه برادران مکرم به نسبت جبر سبزه اتی و صفاتی سبحان اسد  
 ولادت آنحضرت مبالغه کنیز از دو و صد و نود و هجری باه سوال الکریم تاریخ  
 یازدهم روز پنجشنبه واقع از پیران حضرت پیر و شکیب جبراحمد قدس سره کی  
 کمالیت و علم عربی و فارسی و نظم و شعر و دیار و در حکمت حکیم صادق صاحب  
 دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم و در رقم نجفی و طب و هر خطی که  
 می نمودند بحیث حضرت را بطریق عالی نقشبندیه الیو اسلاطیه و جناب حضرت  
 قطب العاشقین سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سره و نیز اجازت  
 و خلافت یافتند از آنحضرت مانند در صحبت تبریت الا کشودین اطنطریق  
 مذکور از جناب انبی الا اعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سره که در آن  
 و بمنزلت نیز بودند از انبی و نیز از قلم نیز بنحوش رقی انانعی و نیز از انشی سید محمد حلیل  
 برادر حلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنی بطلب گفتند در حکمت شاگرد رشید حافظ  
 غلام نبی خان بودند و او شاه و حاکم وقت و نیز بعد که کوتوال نمودند بمرست  
 سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النساء بنت سید شاه ولی احمد بنی  
 علیہ الرحمہ گردید و اولاد شد و و پسرویند و دختران پسرخورده مسیحی سید اشرف حسین  
 بصغر سن بی رحلت نمود و نیز چند دختران الا یک دختر کلانی سماه میرم النساء که خدا  
 شد و از سید شاه مبارک حسین قدس سره از بطن این عقیقه شدند و دختران  
 وفات شدند به کم سنی بعد از آن انهم رحلت کردند و فرزند از چند تن به بلند رانام

رسیدند اکثر یاران قیامیاب انداز نعمت سینه گنجینه ایشان چنانچه خلعت الرشید  
ایشان را بپوشید و تربیت از ایشان ست و نیز فیروز برادر خالائی مرید و سرور  
بعد از حال اخی سید شاه قدح حسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمدنی دریا  
نشستند با نظام سرداری و زمینداری از هر صد سال بعد از همه مجبور اند اندک  
صحت بخشید یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله در گذشت ثانی یک پسر  
موجود بنام سید کن الدین حسین که از دختر هم سید شاه کاظم حسین کلانی  
گردید زوی اولاد است و دست موجود بنام زین الدین حسین طلال اندیش  
و دو فرزند کلانی ثانی در گذشتند و دختر ثانی اخی اعصانی بی بی طه و رفاطمه  
دعوا محمد النساء از صاحبزاده خود چهار حضرت سید شاه مبارک حسین قدس  
که خداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین زوی اولاد اند بعد فوت  
و دختر و لدی موجود است الله تعالی عزتی هم کند حالا سه نفر یعنی اخی کلانی از بنف  
بالا الا هنوز باین حالت مشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کترین ایشان ست

این حقیر سکین خطا حسین فانی کیفیت خود و رفاطمه تحریر خواهد داشت

سمره مخیم شجره بخت فرع سوم اصل اولی در ذکر محمد حضرت سید شاه  
مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین

قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگر چه میر سید جمال الدین احمد عرف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

بجزی ہنتم شہر ضیہ المربہ بجزیہ پنجاہ و یک جناب علم العظمیٰ اوستادی مولائی  
 حضرت سید شاہ مراد علی کردند اشغال وزارت و چوار دالہ و چار خود  
 عالی تبار یا یا یک سفر حج بود این خاکسار قبائل یکزار و دو صد و شصت  
 بجزی السہ تعالیٰ این برادر سعید کوثرین حکیم سید شاہ کاظم حسین را و اولاد  
 ایشان را از ایدہ بخش کہ با فعل زبیب سجادگی جدا نجد نیز خود اند اگر چه جا  
 ذکر حمید سید شاہ شمس الدین حسین جہادوری ورنہ پنجاہ سو ق بود چونکہ ذکر مصائب  
 آنحضرت است با قبل آن ذکر میان حضرت سید شاہ عبداللہ انان قدس سرہ  
 مقدمہ شجرہ طیبہ قادریہ نسب حضرت سید شاہ مظفر حسین خاں <sup>عظیم</sup>  
 ویرد تکیہ حضرت سید شاہ عبداللہ انان قادری مع ذکر اولاد ایشان  
 واضح باد کہ نسب ابا اجداد حضرت سید شاہ مظفر حسین قادری و حضرت  
 سید شاہ عبداللہ انان قادری بالا نوسہ است درین کتاب بہ نسبت دوم باب  
 اولی در ذکر فرزندان حضرت محبوب جانی عوٹا لا عظمیٰ محی الدین سید عبدالقادر  
 جیلانی رحمۃ اللہ علیہ الا بیان کیفیت کہ یکسہ کسی نسب فرزند نامعلوم کرد  
 بنا معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد  
 حضرت سیدی سید الدین عبدالوہاب ابن حضرت عوٹ الثقلین از  
 ملتان تشریف آورده در شہر دہلی زبان سلطنت بادشاہ عالمگیر خانہ خور  
 بیرون دہلی دروازہ شاہ جهان آباد یعنی در دہلی قدیم پاسبان خود بارشاد

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از جمیع اخوان دارند  
 فوقیت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشسته علاج بسیار آن می نمایند  
 دست شفا هست و هر یک عزیزان در کتب درسی نیز شاگردان در حصول محبت  
 ایشان بطریق عالیّه چشیده از جد امجد حضرت سید ابوالاعلیٰ سید  
 شاه خدام حسین قدس سره دسینه از نعمت باطنه نیز خالی نیست  
 اگر چه ارشاد ظاهری از کسی باینست که خدائی ایشان از دختر خال خود  
 سید شاه حسن احمد بن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام آن بی بی  
 سماته فریدون النساء از بطن این عقیقه چندا ولد شد و سه پسر و یک دختر  
 به کم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند موجود که خداوند دختر کلانی  
 منسوب از سید ظهور الحسن ابن سید محمد و منجمش و ثانی منسوب از سید کریم  
 سماته است النساء و اولاد هر دو آنند که در الصدر الاپسر که نام سید  
 عطاء معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاهر  
 عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد  
 دیگر برچسبیت است الاذکار و تخریج بیعت از پدر بزرگوار خود حصول است  
 بفرزندى این فقیر مقبول است الله تعالی ترقی نماید و توفیق حسن تدبیری  
 دهد تا اید که خدائی از دختر خاله این گردیده است هنوز اولاد نیست الله تعالی  
 عطا فرماید بطور بابا و اجداد بنحشد و بنحشد عمر بتراید بسال بکثیر از و صد و شصت

و فرزند ایشان بودند حضرت سید شاه عبدالعزیز یانی طاعت ایشان  
 سید محمد سر فر از لقب با انبیاز جا که در دره مخفی حال شهر بودند و وضع با  
 ولادت بنام حضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید اسماعیل کبیر قناتی درین شهر  
 دلی در سال یک هزار و هشتاد و هجری پس شعوبیت و تربیت تعلیم باطنیه  
 قادر بر از والد ماجد خود حصول ساقی و وقت انتقال والد ماجد سی ساله بودند  
 انتقال آنجناب بسال یک هزار و نود و ده و هجری کار ساریه اند فو حات تذراته  
 روزانه بیشتر بود از مردان و متقدمین امر در سلاطین بسیار کسان بر سطره  
 همند ال طعام حلاوه لنگر خانه بودند بعد انتقال والد ماجد خود و اشیای ایشان  
 بدستور کار خانه ماندگر چه راجه اندای متقدمین بودند مثل مردان کیه انان  
 راجه خیالی رام و پیرشان راجه ساد و حورام بیکت و عابرین حضرت بطلب  
 سید انتهای عمر که کسی فرزند بود پیشی در عالم خواب مشرت از جمال حضرت  
 مسبب بجانی شدند از انجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چه ایمانی پر طلال و چه  
 واری خیال اولاد و نصیب تو نیست این امر محال خواب هر خود را که او را مثل  
 و حضرت پروردی و سیدانی و نصیب او اولاد هست او را که کند از یک فرزند که  
 که دار و نام محمد سر فر از لایب هست با انبیاز هرگاه از خواب شد ندیده  
 و گشتند بهوشیار شد و در تجسس و تلاش آن نامدار از خیرات شاد شد و نشان  
 دریا نقد بجای آورد و در خواب خود بی بی پارسا را بیاعت سعید در زرجیت

مرشد یاران و مریدان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلافتی گردید با شرف و حاکم در  
 حصول فیض حاکم بادشاه و اراکین شاهی معتقد گردید این بزرگ آرا با اجداد  
 از بغداد شریف آمده چند پشت در اینجا اقامت پذیر شدند در ملتان  
 یعنی حضرت سید شاہ شمس الدین ابن سید شاہ میر ابن سید شاہ علی ابن  
 سید شاہ مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن  
 حضرت بیعت الدین عبد الوہاب ملقب الرشید کلانی حضرت عوث الاعظم سید  
 عبد القادر جیلانی محبوب بحالی رضی اللہ عنہ و خلف حضرت سید شمس الدین  
 قادری سید محمد قادری و ابنہ سید عبد القادر ثانی یکبار در دہلی آمدہ چند اقامت  
 کردہ باز بسوئے ملتان کہ وطن جدید شد از برگران تشریف بردند پس ایشان  
 سید عبد الزاق ثانی ابنہ سید حامد قادری ابنہ سید موسیٰ قادری صاحب  
 اثر و قادریہ باز تشریف آوردند در دہلی در زمان سلطانین ششین چند سال  
 بسبب مجوزی مردمان معتقدین دین شریف و مقیم نان بعد تشریف بردند بسوئے  
 ملتان ابنہ محمد یحییٰ ابنہ سید و خود و فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر  
 ملتانى ملقب بسید عیاش الدین چون تشریف آوردند اقامت کردہ باز تشریف  
 بردند و نیز جمیع ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عبد العزیز کہ فرزند  
 موسیٰ عوث الثقلین بودند حالاً از فرزندان ایشان سجادہ نشین بغداد و شریف  
 جاسر عزت نشین شدند و سالہا در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

عرت فرزند بیگم و سن سرین حضرت سید شاه عبدالمنان نجاه و بیست  
 سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی  
 زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی فویما دعوی بی صاحبه و نام والده  
 حضرت سید شاه عبدالمنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد  
 بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود و بقدر در نیاز شست  
 از زبانی محسن و پیشینید و یادداشت بر علم عزیزان نگاشت القصه بطریقه  
 زوجه آنحضرت دل دختر متولد شد و بنام محمدی بیگم در دلی ایام صغری  
 رحلت یافتند بسال یک هزار و یک صد و هفتاد و نود هجری فرزند بی بی در عالم بود  
 آید در دلی مرسوم سید سید سلام عبدالقادر اعزان و مریدان را  
 از ظهور ایشان سرش شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبدالقادر عجم چار سال  
 شد در مسابق و دقت تشریف آوری جنانحضرت سید شاه عبدالمنان  
 قدس سر و شرفی داری بی شهر عظیم آباد بیش آن گردید که یکی از فرزندان  
 راجه ساد و حور ام حکم بادشاه و دقت تبدیل منصب از انجا به منصب شد  
 و علاقهات محال و هیات این جوار بر لاجوار عطا شد چون راجه مذکور آمد  
 اقامت چند سال درین شهر نمود و خواستگار تشریف آوری آنحضرت شد  
 عریضه نوشتند که آب و هوا اینجوار بر سر اعتدال و از زانی غله بکشت انجا کمال  
 حضوری سرفراز فرمایند بر تخریر راجه مذکور حضورتها به تفریح تشریف آورند

او شان دادند بعد عرصه فرزند سے از بطن آن بی بی متولد شدند بسیار کینه  
 و یکصد و بیست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه  
 عبداللہ النان تا حیات خود بعد اخذ بیعت تربیت و تعلیم بطریقہ عالیہ قادر  
 گردید و بجای فرزند صلیبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد بسیار کینه زار و  
 و ہفتاد و ہجری این حضرت پنجاہ سال عمر داشتند بحضور اراکین شہر و متفقین  
 و مسترشدین شدند سجاد و نشین ترکہ دستور نیازات و اغراس بود بجا آوردند  
 از دورات تا سال عمر پنجاہ و پنج مجرب بودند کہ خدای گنودہ بودند روزی صبح  
 وضو دست خود بر سرک مالیدند و بر زبان آوردند درین سن اللہ تعالی و عدہ  
 اولاد و غیرہ یکدم کس و قدر خود باین فقیر خواہد داد و از فوت سید محمد مددی  
 ابن سید عسکری کہ از فرزندان حضرت سیدنا عبدالمزاق خلعت ثانی حضرت  
 محبوب جانی رضی اللہ عنہ بودند اراکین سلطنت بادشاہی مخاطبت سید محمد  
 از مریدان محضین حضرت سید شاہ عبداللہ النان قدس سرہ بودند دست  
 عرض ساختند بایر گنگر برین خاکسار محب معاملہ گذشتہ است چند دختران  
 شدند و دوسہ سالہ شدہ بمبارضہ و احد فوت شدند حالاً این دختر دہدہ است  
 دہ سالیت کردہ بودم کہ بکنیزی حضور دہم در بیعت چنین کلمہ ارشاد شد  
 زہی نصیب کہ آن رتبہ و شرف بر بیت حضور ما بد آفرانان حضرت عقد  
 نکاح واقع شد نیز و بیت در آمد نام آن محمد و بی بی اشرف النساء بود



بی بی طعن النساء این مخدومه بودند چندانکه اشتغال جناب حضرت شاه جهان  
 قدس موشده بود و معمر بنفستادینوس بالاتبایخ چهاردهم شهر ذی قعدة بمال  
 یکمیز از یک عدد وفوده و یک سجزی بمرد و از دوازده سالگی بودند حضرت سید شاه  
 غلام عبید القادر اجازت سلاسل خاندان خود و سبزه دادند و فرموده عالم  
 حبیبی است شما بیعت کسی از شایخ روان خانی بروز چهارم حاضرین مقصدین  
 ایشان را از بی عیاده نمودند بعد دو سال بطریق عالیة قادریه بیعت حصول  
 ساختند ازینا بحضرت مولانا حسن رضا قدس سر که یانشین و میر  
 و خلیفه حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد نعم قدس سره بودند روان ابد  
 از ایشان سلسله بیعت اجرا شد و خواهر گلان خود را در ذی حیت دادند و میر  
 محمد جعفر خان منصب دار بن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان  
 و خواهر شمس را نیز در ذی حیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند که ایشان  
 از شرفا و رئیس این شهر بودند فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی  
 بصغر سن ذوات یافت بعد والد و شان و از بطن خواهر گلان یک دختر متولد  
 شد و در اول مسماة امیر النساء است اما فی یکم ذی اولاد شدند و یک پسر  
 شد و پسر سی غلام رسول آنهم بعد رحلت والد و گذشت ازین عالم راضی  
 مذکور به مرگ خانقاہ حسین کرده از سرکار سالن چهارم و در ویر روزنه  
 و در کاکا تون و چند ریات همه بر پا شد هیات که مذکور اناسی یکم از بر خاندان

چند استقامت کرده بعرض راجه مذکور از شهر دلی مشفقان خود را مع اهل  
 و عیال و مریدان با کمال طلبی بقتل وقت قضاوت آوری بیگم صاحب اکثر مریدان  
 و مستفیدین از بخاندان آمدند همراه بعضی مشایخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلطان  
 از فرق کبیره و نیز حکیم فاروق و الد حکیم محمد حسین و حکیم قادری و حکیم ابوالحسن  
 و مریدان مجتمع کار خاص میردگاهی و میرجمیت علی عرف میریگیا و غیره مع  
 پرستاران بجمعیت درینجا آمدند راجه مذکور هر یک حسب لیاقت بنواخت  
 که بعد بر جمعی کار و بار هم ازین شهر رفتند و در بنجار حلت ساختند سواری زرافانی  
 بگردون رتبه شاهی آمده بودند آن ترکان و آن بر اسپان فوق داشتند و  
 حضرت سید شاه عبدالقادر چهار سال چند ماه بود در اینجا آمده بعد یکسال  
 دختر کلانی تولد یافتند از آنجا که در شهر غلطیم آباد متولد شدند نام غلطیا  
 نهادند و در آن بعد عمارت مکان بهر اقامت و خلعت طیار شد باره دوی و  
 خانقاه بهر عرص بزرگان انتمه استماع است از بزرگان و بهر عمارت از زمین  
 که کل می بر آورند خندق شده بود مشهور گر گری شاه عبدالمنان خالانرا و دیگر  
 جاسه حیرت نمیدان آن بلور افسانه ماند کجا شدند کار خانه کاشانه نمی نیاید  
 جانی گر گریفت و بر لای آوردن چون بسال یک هزار و یک صد و ششاد و سه تولد یافتند  
 دختر کلانی بعد سه سال تولد شدند و دختر ثانی ساسه غلیما النساء و بسال یک هزار  
 و یک صد و نود و چهارم پجری متولد شدند و دختر ثانی یعنی صد و مادری این خاکسار

سیح نهادند بجز روزینه از سر کارانهم تا میات حضرت جدادری مانند شدن  
نزد این خاکسار موجود است یا دگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی در کیفیت حالات جناب حضرت  
سید شاه شمس الدین حسین جدادری این خاکسار تمیز کرد فرزند  
دادا و عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین این حضرت  
سید شاه ولی المدح است آرمگاه ولد حضرت سید المجدومین حضرت سید شاه محمد  
قدس سره نسب باقری برادر اعیالی و ثانی حضرت جبر محمد بن فقیر یعنی سید  
شاه غلام حسین قدس سره دلالت یافتند در سال یک هزار و یکصد و هشتاد  
و دو دوم یکم شهر جادی الاول بعد انتقال جداد خود تربیت و تعلیم علم ظاهر  
آنچه که شد بحضرت ایشان از انجی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی و مفتی  
سیح المدعو اند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس  
باید دانست آنحضرت بودند هیچ کمالی پاکیزه صورت جمال فکر و ذهن رسا  
در علم خیر از انجمله طلب کیا هم بود و با ایشان دشوکت ملاقات راجه بای  
و یار و بادشاه در دلی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بکمال  
اعزاز و توقیر سیح خاک پاک نذر دادند و خلعت و لیل شایان یافتند از فرمان  
بادشاه در ملک سلطنت سیح حکومت نبود باقی که تعداد مواضع از معانی

ابن میرهاد علی ساکن شیخیه گردید یک دختر شوله عبد العشاء و جوان شد  
 تا که تجد رعت کردند الا پس که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال  
 یافتند از حال اعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و شادی از  
 سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شام  
 غلام قادر را از جد مادری سید شاه شمس الدین حسین بسیار بطو محبت بود  
 که هر دو بزرگ مرید یک میر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی  
 آنحضرت کردند از خواهر ثالث انجناب سماء لطف النساء که مابین از دریا  
 ایشان استم و مشهور بود درین شهر این شعر بطور کفره یکطرف کفر  
 یکطرف اسلام و پیر عثمان مرید ساد هورام و در صحبت بابرکت آنحضرت اسلام  
 قبول نمود موس شد یک رئیس بنود و در سال یکزار و دویست و دوازده یا نهم  
 شوال الحکم رعت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر عجمیست و سه  
 سال بعد رعت والد ماجد یازده سال بعید حیات بود و تعلیم تربیت باطنه  
 بمریدان کردند نام آبا و اجداد را نمودند لای شادی نموده بودند حضور وقت  
 انتقال حسین کردند مقال که فرزندان من عین فرزند خواهر فرود است  
 والد ماجد نیز همین فرمودند بودند آخر همان شد تا حیات آنحضرت و بعد  
 وفات کارخانه مشایخی در پیرانیکر و فرود چون عده ماجده والد و این فقیر  
 و نیز جناب جد مادری راه بسجوات داده ثروت از دست یار دادند و بسجوات

که از والد ماجد حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند سروده از برادران  
 حمزه و ذکریه و زکریا و دخترخور که از همه برادر و خواهر بود و دخترخور سماء و سلسله  
 فاطمه بیکم که خدا شدند از میر سید نسیم السلطان سید رحیم الله و ولد سید فهم الله  
 و ابن سکونت دریا پار کشن پور کشو خلع ترهت الالبیب مانعت خانه انی  
 که بے رفتن بخیر پور و خانه داری و آبائی مانند در علت کردند چون در تقدیر  
 قضا اولاد نشد برادر زاده خود سید شاه مبارک حسین را و ابن خاکسار و عسکری  
 پرورش کردند مانند میران خود و سال یک هزار و دویست و هشتاد و پنج هجری صلت نمود  
 و یک پسر سید برکت حسین و دخترخور سماء قدر النساء ازین خواهر خود کلانی و از هم  
 برادر و خواهر خورد سه یا چهار سال شده وفات یافتند الا پسر ثانی ذی و ولد شد  
 سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سر  
 ولادت شد ایشان یک هزار و دویست و دوهجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود  
 که محتاج از تحریر بود و آنرا در سپاهگری دخل داشتند بسیار چندی بر فاقه  
 نامد بر اجه گویا از بسبب افاست حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید  
 شاه خواجه ابو البرکات قدس سره بهر حال در علم موسیقی نیر داشتند  
 بسیار دخل شادی و بختاب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد  
 شد از سماء حیثات النساء یک دخترخور از وطن ابن ابی بی سماء محفوظ  
 از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی که خدا شدند الله تعالی اولاد بخشید

بهز نام شاهی و از حضرت مولانا سید شاه حسن رضا قدس سره که خلیف  
 و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره گردید  
 بیعت بطریقه عالیّه قاپوچین گردید حصول و از تربیت و تعلیم باطنیه مستفید  
 مشرف بنقاوت شد بعد با صرار حضرت اخی کلانی محود و والد ماجد متاهل شد بسیار  
 بکنز راه و در حدیث شهر محرم الحرام آخر یعنی از جناب سماء لطیف النساء بنت  
 حضرت سید عبدالننان صاحب قدس سره اگر در زمانه خود بسبب بیماری و  
 ضعیفی و معذوری پایی بود و در حال التابریخ عانی چنان بود که کیفیت  
 مراقبه و مشاهده حتی و ذمی قوت در سوارگی کمالیت داشتند و رفیق  
 سپاهگیری و غل کمال طلب دنیا بهر اندوخت نبود الا ببرکات اهل و عیال  
 الا مردم سخی حوصله بلند داشتند چند سال برفاقت و پیمیشینی نواب شیخ الدین  
 و نواب احمد الدین و تادمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی  
 شد خاندانشین تبوکل خدا چون انجام شادی شد بمرسی سالگی در آن سال  
 آن خرد چهاردهم ذی قعدة بروز عرس حضرت شاه عبدالننان قدس سره تولد  
 یافتند فرزند کلانتر تربیت بلند حضرت سید شاه قمر الدین حسین قیاس سره سر  
 ولادت از لفظ ظهور محمدی برآمد الله تعالی سید پسر و چهار دختر با حضرت  
 عنایت فرمودند دختر کلانی سماء بی بی فصیح النساء که از سید شاه قمر الدین  
 که خدا شد بدو ذکر فرزندان ماقبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النساء

فیض نگاه شادین کرد و شربین چنین گشتم را از طریق گری چون نشوم کدما

هستی ای شاه قمر دین هست مرا بدل یقین

هست غلام کترین فانی خاکپا سے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدس سره که کمالین ارشد الباکلین سید

شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جدادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین

نواسه جناب حضرت سید شاه عبدالنشان قادری خواهر زاده حضرت سید شاه

غلام عبدالقادر قادری که مفقود بود و وجود این اکمل المتقین بیدر و پسر

این فرزند عالی گهر دلاوت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دصد و سی و هجده

ظهور محمد چهاردهم و یقین در روز شنبه بروز عرس جدادری خود حضرت

سید شاه عبدالنشان قادری لاریب از ظهور حضرت نام آبا و اجداد روشن

مثل شمس و قمر سه

عین در صورت قمر و یکسا

سر سبز تخی و دلائق تعریف

جلوه حق جوهر قطره یکسا

بی نه ممکن جو ہو سکے توصیف

مشور کرد و جانب جدادری سجاد و بر احق مستند و بغیض بخشی خلائق از ائمه علم

با و آنحضرت در معرفت سالکی نمودند ختم قرآن از تعلیم قمر از زبان زمامت

چهارده سالگی تحصیل علم ظاهر به کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند

تمام از درس اوستاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطفلیت و جوانی الا پسر کلانی سید  
کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی ابن خاکسار و پسر و  
و دختر اندکی که خدا و دومی نا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و شبارک حسین  
ذکور الصدر الا پسرانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی ابن  
فقیر فقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خدا است از دختر حکیم قربا انلی  
در اقران جدی خود یک دختر شده بود و مرد هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی  
نیما الا که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مظلوم

شجره طیبه لاثانی در حالات فرزندان کلانی یعنی حضرت قطب العصر  
سلطان السالکین عمدة العارفين سید شاه قمر الدین حسین قدس  
سیر معالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس

فرستاد شد مرا از مدح شای تو	برکت جان من بود سرخوشم سپاسی تو
هر شد یاک مقتدا از مدح آل مصطفی	خدا برین است جای تو بخت حق نصای

مظهر و ان کبریا مصدر فیض مر قضا	چونکه قوی خدا تا عاشق شد خدا می تو
سر خدا سینه ام جلوه پاک دیده ام	شک به حق رسیدم ام از سبب لای
تا که دست سگ حضور سیر نمود و نور	فیض چون شد ز من ظهور بود بهر خطای
از دست در دلم تابیدت اگر کرم	سر چشم خود گم خاک در سرا می تو
کرد فراق تو من پریش تا ند جان تن	بیکشاید زین محن از روی تقای تو



حصول شدیکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریق سدا سدا گیه که  
 می بودند از حضرت موسی سهاگ که بیهوشا قی ان تفتال شغال و ذکر از فیض  
 معمر گشته که یاران را در وقت وجود حال ظهور رقصیه میشود و ترسبت شد بیکر علی  
 بنده از مرزا جان سرور و بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و آن بیکر بایان می  
 نفرمودند بخرقه از الف بیک مروج میفرمودند آنچه که از مرزا صاحب گرفتیم بخرزاد  
 علاءه ازین او پس بود بفیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت محمد و  
 شهاب الدین پیچوجوت قدس سره و فیض روحی حضرت نور الدین  
 عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی و حضرت خیر  
 رحمة الله علیه بدان وسیله در تقنی بود کمال شده برین فیضان بالا مال  
 گشتند اهل کمال هرگاه همه فیضان بر طلب شد طاری فیضان ارشاد و تشریف  
 شد جاری خلافت نیز از هر جا شد حصول که در شهر عظیم آبا و شهور و فیضان سیم  
 دوره در اتفاق بیعت ما اندم نشده بود بجهت خیر و شهر آبا و رفته از پیر و بزرگان  
 حضرت سید شاه ابوالبرکات حصول نمیدادند و اجازت بیعت نیز یافتند  
 الا که راسه را میخواستند بخرقه تربیت و تعلیم بایان و یاران را نیز لیاقت یافتند  
 بعضی بعض را مشورت بخلاف ساختند و در روز مرد و عزیزان خود خلافت بخشیدند  
 یکی باخی الا عظم حضرت سید شاه محمد قاسم برادر عمه از ادین فقیر و هم  
 مشورت ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر بر چند هزار اخذ بیعت خلقت

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذی فنون و فنون  
در علم موسیقی کمال بزرگوار بود و بعد و جد و حال اگر چه کتاب حکمت و طب نتواند  
آلا علاج مرخصان باستانه میگردد و نیاز بصحت میرسد و در سن شصت و دو  
سالگی اهل فقیه با از جناب حضرت سید شاه یحیی علی اخی شدند بعد و بخت  
قدومه ایشان بجناب حضرت اسرار علی محمد دوم شاه حسن علی قدس سره  
و تربیت صحبت یکماه چون در وقت فائده تریب نگاشت زبان بعد حاضر شده  
در خدمت بابرکت نظر اسرار حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه باطنه فیض اندوز شدند و در این  
بسیب غیبت آنحضرت خانه نشین غریب گزین گشتند حسب اتفاق نشینان  
جناب حضرت و اهل باطن حکیم شاه وحش الدخان طایب حسن و دوست  
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چیمه بردند و در قاصد شش ماه  
در اینجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه خودی و استغراق دست داد  
و فکر کردین طریقه شل جان است تا آنوقت صورت نه بسته بود و حصول گشت  
در انقضای انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت  
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسید از نکات این طریقه و اسرار  
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آنرا صاحب ارشاد چنان شد  
که آنحضرت در طریقه سهروردی و بعد از روز بزرگ

در دامن جده ماجده و عمه پرورش یافتند از آن بعد بر صید کثیر حسب اتفاق  
 وقت شادی ثانی کردند قبول از مسماة بی بی با دشاہ یگم دختر خواجہ محمد یوسف  
 رحمہ اللہ علیہ اسراعی از لطیف آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید  
 سلامت حسین نام شد بعد یک سال بعد سرسی شد از حال بعد یک سال والد  
 ماجده نیز آن نونہال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بمجاہ بقرہ دی گذشت  
 از یک فرزند شدند فرزند آن که هنوز موجود اند بهر نام دشان قرۃ العین ایمن  
 بسال یکبارہ دو و صد و چهل و چوبی والد ماجد آنحضرت کردند انتقال بسال یکبارہ  
 دو و صد و چهل و پنجاہ سال بچری با همضر کردند والد ماجد آنحضرت  
 انتقال از شعاری پنج وصال آنحضرت از دستای بلغ الشعر اسوددی اگر علی  
 صاحب بناری یاد دست نوشته ای آید که ما و ما بنظر لایق

قطعه

عالمی معمر شد از شور و شین	قطب عصم چون از نیال کم گذشت
شد بواہب شاہ شمس الدین حسین	با تفری شوریدہ دل ارشاد کرد
وزیر این خاک را گفت بزبان اردو صوری و معنوی جببند حسب حال	

قطعه

جب کیا تانا نامی میرے انتقال	دوسری تانچ تھی ماہ صفر
بارہ سو ہجرت پر تھا اونچاس سال	روز جمہ اور تھا وقت عصر

و امشگیر غده نافه بودند بقوله خواجگان پیشین در سخی بند نادری کیشانی بعد  
 حصول سمیت چندان ماندند بقید حیات سبحان قنوج نذر اناس کی نکره و تکرار  
 و نه ادای عرس بزمه خاص نبود معمول الا بهر حال اس که تشریف می بردند مجلس  
 بودند نمایان و نفیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سعد عثمان نه ترک از معاش  
 پیری گرفتند بوجه معاش میفرمودند من تاب دارم این قماش بخر تو کجای  
 تجارت آنهم نه دوکان بار داری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس  
 اول وقت معاملات و نیادی بود در خرید و فروخت شالی و غیره و کیفیت غذای  
 آنحضرت چه نویسد که تالخال خشکه و بوقت شب نان دست پزی بپزد و غن گاهی  
 بدو ترکاری و غیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود و بر آن عادی نمی شدند  
 البخیر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید می داد غذا را و لباس لباس بر کلفت  
 می پوشیدند بطور یاد شا باشد که به انطور کسی را نمی شد میسر و عادت بود  
 خوردن طعام رسمی و عرت و یک وقت معمول بود بعد از آمدن عزیزان  
 و از نصف روز تا شام وقت شب یک پاس میاران در علقه مراقبه بود و برست  
 و تعلیم در زبان والدین مجوزی بسیار و اصل را اول شادی در منصب بهما اگر گوی  
 بحد بلخی از سادات بی بی ریاضا النساء دختر خجسته اترسید شاه ولی احمد  
 بلخی از بطن آنخود و نه تولد شد ندیک فرزند از جنود تبه بلند رسید شاه  
 مبارک حسین بعد یک سال آن زوج کردند انتقال خود گذارشته بودند

اونکے در کی کسے گدا سنے جو	بختے اذ کو سیم وزر دیکھا
جیسے اوپر پڑی نگاہ فیض	اوسکو نہ ہوش و بختہ دیکھا
قرحت افزا نہوئے کیونکر دل	آپکو جب چشم تر دیکھا
ادب نہیں برکات کی ہوں پاتا ہوا	باعث عشق یہ اثر دیکھا
شعاعی فی تین بین کہتے لوگ	اوسا منعم نکوئی بشر دیکھا
وہ نہ آئنگے میری جاے تن	اسکو ہر بار غور کر دیکھا

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی  
غیر کو بھی نہ آنکہ سہر دیکھا

شجرہ طیبہ فی سحر سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ  
مبارک حسین خلف الرشید ربہ مجید حضرت قطب العصر مع  
ذکر اولاد و محاسن

انور باد اخئی فی الدارین ولی قیمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ  
مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دصد و سی و دو  
ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذی قعدہ چار دہم بادۃ النبیخ ولد انجناب  
منظور بدیل بچانہ فیض کا شاد بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جاے  
نولد و احد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق مقول  
فقہ اصول از الدماجد خود انچہ کہ نمودہ حصول و تربیت و تعلیم مذکور

جب کیا فانی نے اس میں فکر و غور لادو تا پنج یون لایا کا ل  
 شمس نیا دین جب ہوگی غروب پائے ذات احدیت کا وہ وصال  
 و انقض بعد ہفت سال انتقال حضرت عداوری آنحضرت پر دم شد نیز یافتند  
 وصال بسال یکہزار و دود و صد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت  
 صبح صادق روز چہارشنبہ تا پنج تا یف کہ از فراج حسین علیحان مرحوم برگشتہ  
 از کلام مینماید درین اوراق رقم

### قطب

روز ہجرت است یا شب تاری	شمس لای در لباس ماتم هست
چرخ یگوید از سر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

کو صیف چند انگہ گنم در بانم از بیان و تقریر قاصر و آخر بر مسلم ظهور محمد سال  
 ظهور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ محمد بے برائی ملی اختر  
 سال رحلت تعمید است از سر حریت طراز فیض آثار در احاطہ مسجد  
 درجہ حضرت قطب العالم حضرت محمد شاہ محمد شہم عالی تبار فیض

از بصیرت نماید بہار

### عشر ل تمام

جسود حق جو بھیر نظر دیکھا	عین در صورت تشر دیکھا
میرتبہ فقر و شان بشاری بین	ایسا کوئی نمین بشر دیکھا

شده و عمر بیست و پنج سالگی نو جوان گردند انتقال بسال یکمزار و دودصد  
 و هشتاد و هفت هجری جاسه مسرت است و غم و الم و دمی سید شاه  
 عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی بیست و دارند و افزونیت  
 ایشان است از عم الاصفه سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد برادر  
 عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بذالطریقه است سومی سید  
 شاه شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند پر شعور و عربی و فارسی  
 شایسته بیعت ایشان نیز از حضرت عم الاظم مدوح شادی این هر دو برادر  
 گردند بمقام سیوان از دقان شیخ طلام محمد علی شیوخ عثمانی و قمر  
 دومی گردند انتقال فرزندان اند پسر ماری سید رضی الدین حسن  
 که در دانا پور از دقان سید شاه علی حسین صاحب که خداست ذی اولاد  
 بیعت ایشان نیز در تربیت از عم الاصفه راتبه و منزلت برتر حضرت سید  
 شاه محمد سجاد و الله تعالی زیریت ایشان برادر و پادشاه مبارک باد و بجز  
 بقیه شجره و کیفیت حال خود مینویسد خاکسار سبکین سید عطاء حسین

### ابن سید سلطان احمد

مخفی مبارک و ولادت خاکسار در سال یکمزار و دودصد و دوی و شهر رمضان  
 شریف روز پنجشنبه در فرموده یارینج جناب حضرت جدادری بریدار و شش  
 طفل نیکو سیر عطار حسین بر مسانه سید گشت ظهور

شغل و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیّه نقشبندیه ابوالمسلمانی  
 یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت  
 و جانشینی سجاد و از هر دو بزرگوار جدا جدا والد عالی تبار مزاج منکسر بود  
 از فنون عبارت پسند اخلاق مستقیم تعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت  
 مسبب معمول برادر خال زاد و رضاعی بودند این خاکسار پسر دو و چهارم و پنجم  
 زاده انس بودند و خوش رقم تحریر عبارت نیز در برجه معقول و شاعرانه نظیر  
 شادی اولی روز و بر حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خال یعنی از دختر عمه  
 سید شاه مراد علی نام آن زوجه بود بی بی مریم و دختر شده اند آنان بی  
 بعد چندی بر سیاق فتد و فوات زان بعد شادی ثانی از دختر ماسون شان  
 کردند از سیاقه براتن النساء و دختر سید شاه حسین احمد این سید شاه ولی احمد  
 یک دختر زان زوجه نیز شد هر دو پسر و دختر شادی سوم گردید و در خواجه زادگان  
 از دختر خواجه محمد و اگر علیه الرحمه اولاد شدند در عالم حیات یک بعد مات  
 به صغری روز فرزند و فوات یافتند آنگاه ششصد چهارم یک زنی علم و خوشای  
 یک سید مستیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتختند بیعت برادر  
 ایشان را از هم الاظم سید شاه محمد قاسم رحمه الله علیه بطریقه عالی  
 ابو العلاء و تربیت و تعلیم غیر مغربه الاولاد را عمل او بسیار بود و جدا جدا  
 درین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن



خطبه نیز عهد الفطر و عهد الفصحی و خطبه هر جمعه تا سال تمام قریب پنجاه کتاب تصنیف  
 و دوازده مجلس مولود آنحضرت سر در کائنات از لفظ تاریخ نبی سن تالیف می برآید  
 مولود و چهار نیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود حمید و جز باشد و مولود قادر به بنام  
 کرامات مجتبی و مولود وحیده و الوار قطبیه لمعات فریده فیض نظامیه اسرار نقشبندی  
 و مولود شرفی و مولود ملائیه هر یکی در احوال بر بزرگان نامی چهار مخطوطه بزرگان  
 و چهار ششوی سر حق و گنجینه ولایا و السانہ و پذیر و سر خطایک دیوان فارسی یک  
 دیوان اردو در اسرار اشغال معمولات اشرف و کتاب و تفسیر السالکین سی جز و کتاب  
 کیفیت العاقین در چهل جز تمام و کتاب و تفسیر السالکین چهل جلد و کتاب  
 حقیقت العاقین و چهار مولود صدیقیه و فاروقیه و ثمانیه و مولود مرقصی ذکر الشماخ  
 و فواکد کبری و و حالیات چند ان نوبه البته لائق طبع است اگر کتب با فو  
 عوام این بیان نمایش حیثیت و استعداد و خودیست از معانیه دریافت  
 خواهد شد شرف فضل حق در کار هر دو کار هر دو کیا بیری السک سرکار سه  
 القصه عمر شانزده سالگی بیعت بطریقہ عالیہ چشتیه تحفه شیخ محمد انصاری  
 سید شاه غلام حسین سید الواحملین جدا مجد خود نمود و پنج سال  
 حاضر خدمت شده تربیت و تعلیم بطریقہ ابوالعلایه از حضرت پیر مرشد  
 سید شاه قمر الدین حسین خاں الاعظم اوستاد و محترم گردید از هر دو جای  
 بخلافت شرف یافته علاءه از بن فیضان اولیایه در بهت و یک سالگی

بست و سه بود از سه رصحتان	بود و یوم الخیسن وقت ظهور
سانی تولید صاحب اقبال	چونکه شد گفتش بدل ستود
شدند از منیر شمس الدین	بیتظیر اولیا و بود این بود

فرستاده یکی از مشایخین عالی تبار بزرگ از مریدان آنجناب در عقر بیایم  
ولادت تشریف آورند و قبر ولادت این حقیر دادند بعد تولد نام عطا را  
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بنیز ظهور خدا حسین و علی حسین آخر کار  
عطا حسین شد مشهور بسبب تسمیه بلفظ قاضی اینکه قاضی عطا را  
یکی از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الزا  
برین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق و اضع با و تا هفت سال  
عمر ببلات گذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی  
نمود از علم محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده سال  
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مراد پروریدند از علم بهره اند  
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی عزیز الدین حیدر که  
و کتاب طب از حضرت خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دشت علاقه حضرت بهار  
در بریت چندان دل ندارد تا نسخ کافیه خوانده است فصل الهی و کرامت و تفسیر  
قرآن مجید تا پانزده پاره بکلام عربیت بحکم از سبب ماضی حرمین شریفین شرح و عبارت در  
حیرت بر طریقه تالیف کرده اند و نیز در دو پند تالیف است مختصر و مطول و خلاصه و غیره

در دهر آن ده و دسیر و صغر سنی رحلت کردند و دختر ثانی این فقیر فقیر از سید  
 شاه منیر الدین حسین که خدا شده بود پیوسته است اولاد ندارد و الله تعالی  
 آن همه را بخیر رساند و از دوازده چهر بزرگوار و مردان تابش کوشی و اینجا درین دیار  
 بسیار چند برادر الا اکثر و بر سر این فقیر که در گذار تمام باقی ماندگان باقی ماند  
 مذکور در بیان حالات سیادت و ضروی نسب که در موضع انجمنه و چو  
 واضح بود یکی از بزرگان از شایان قدیم که از ابلا از دو صد سال گذشته اند  
 از سیادت مشهوری تشریف آوردند درین دیار بدان موضع که در مسکن  
 اختیار نمودند اولادشان در این موضع هستند موجود سابقین بودند و بنصب  
 قضا و قضا حالا از پیرزاده مکی اندر چند از قرابت از آنها بمصاهرت رفیق  
 در شرف را اینجور و نیز از خاکسار باید داشت نام آن بزرگ بود و حضرت  
 چنانا مشهوری رضوی نسب چند نسب نسبت از حضرت امام علی موسی  
 علیه السلام می پیوند و اسامی بزرگان بالا دریافت شده پسر حضرت  
 سید میحاشهدی حضرت سید عارف مشهدی ابنه سید معروف  
 فرزندان شان سید بره ابنه سید محمد سحاق ابنه سید محمد صالح سید  
 ایشان یکی سید منور علی پسر شان حکیم احمد علی ابنه حکیم  
 محمد آفاق پسر شان حکیم محمد سحاق که از دختر خود سید احمد علی و پوری  
 که خدا شد و لا و لا و تیره همان وقت پسر دومی سید محمد صالح سید کریم الله ابنه

تا هفت سال بروز گازی پانزده روز طاقت حاکم وقت بسر نمود و بعد بهرست و دو  
 سالگی متایل شد شادی گردید و در قصه بهار از دختر شاه امیر علی صاحب  
 فردوسی که از اول حضرت مخدوم الملک قدس سره اند بهرست هشت سالگی  
 حرک و زنگار کرده و مفرا اختیار کرد پنج سال در سفر ماند و بار بار تا ملک حجاز بنهر  
 زیارت حرمین شیرین که مخطبه و مدینه منوره و وزارت بزرگان بحسد  
 پنج سال معاودت نمود و حاصل بیال یک هزار و دویست شصت و پنج عجمی بهر  
 سی و سه سالگی وین قصه صاحب گنج و سیده اناست پذیر شد بهر تعلیم مردان و دختران  
 هنوز بدان مشغول است زیاده کیفیت تخریطول است حالا مع اهل عیال  
 اناست گزین و در قصه شد آنرا سی و سه سال گذشت عمر نیز بانجام رسید  
 بهر شصت و شش مدعا پانچم باخیر بعدا خیر از طریق آن دارد از اولاد و تنفیه  
 حقیر یک پسر و دو دختر شدند نام فرزندان سید عطا قطب الدین که از دختر  
 خال خود شاه وزیر علی مرحوم که فدا است و دختر زاده بهر سنی فوت شدند حالا  
 یک پسر و دو پسر است سید عطا قطب الدین از جوانان تحصیل علم  
 مشغول است و دو دختر کلانی از سید قطب الدین حسین که فدا است از اولاد است  
 دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی نشان عنایت فاطمه عت مجید النساء که فدا  
 از سید قطب الدین ابن سید وحید الدین بهاری و ثانی خورشید سال است و یک کلانی  
 نشان از نام نور الدین حسین و ثانی از نام عطا شمس الدین حسین باقی چهار

ذی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجد علی چارمی سید بشارت علی  
 هر دو ولد و پسر است علی سید امجد و حسین ذی ولد اند که خدائی ایشان در  
 پهلوانی از دختر سید علی حاد گردید پسر است بنام احمد حسین و سید امجد علی را  
 یک پسر دو و دختر دو نفر کانی زوجه شاه رحیم بخش یک پسر و بیماری شاه  
 عبدالحکیم پسر ایشان موجود دختر کانی زوجه میر صاحب علی چند دختران و دو  
 پسر سید ابوالفتح و دومی سید عبدالباقی ذی اولاد هستند و خلف سید امجد علی  
 میر ولایت حسین پسر ایشان میر حمایت حسین مه خواهر ایشان یکی زوجه شاه  
 رحیم بخش دومی زوجه میر صاحب سومی زوجه ادلی شاه عبدالحکیم شاهی ایشان  
 و شش پسر و گردید از خواهر میر عباس علی یک دختر شد زوجه سید ابوالفتح بخش  
 ذی اولاد اند و پسر سید امجد علی سید اسد علی و سید غفر شید امام سومی را نامند  
 یا و نام ذی اولاد هر یک اند که کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا  
 مولوی حسینی ابن مولانا احمد علی احمدی پهلوانی داماد انتخاب انداختی  
 یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از مجانب این دیار می نویسد حال  
 از شیوخ اکابر جاری مشایخان عظامه قصبه پهلوانی که معروف اند در هر معمار  
 و دیار بعد و ذکر اولاد فرزندان محمد دوم بدرالدین شهباز پوری

تمت کتاب بزرگ مشایخان قصبه پهلوانی جاری اولاد حضرت

سید اعلیٰ اساتید سید یوسف علی ابنه ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید  
 آل بی که موجود اند یک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواهر  
 سید احسان علی خشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی  
 بهمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یکی قاضی فضل علی دومی شیخ عبدالحق  
 کلا سید داد پسر یکی را نام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواهر زاده  
 خشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی  
 سید احمد حسین سید محمد تقی اند کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر موسی سید محمد حسن  
 که بود و دوازدهم برادر کلانی قاضی سید ثمره ثانی ایشان رابع فرزند یکی قاضی  
 سید احمد علی که تا فرزند ایشان منعقب تضا بانی نام دومی سید محمد علی موسی  
 سید افرو علی چارمی سید اسد علی پنجمی موسوی سید اشهد علی قاضی سید  
 احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سید پسر شند پسر کلانی قاضی احمد علی  
 سنی سید ارشاد علی یک پسر و یک دختر فرزند و یکی سید یاض علی دومی  
 سید میر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یک سطر حسین دومی ناظر حسین  
 و نام پسر سید ارشاد علی سید شهاب علی عوف میر چند و د شادی ایشان شد  
 از شادی اول دختر شاد ثانی شادی از دختر شاه عبد الکرم بان پوری شد اولاد  
 اولاد نام دو پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی از شد علی یک دختر ایشان رابع  
 میر غلام امام ابن سید گدا علی سید پسر ایشان رابع امام و احمد امام رابع

خطیر الحق داماد مولوی نواز شلی ابن مولوی حمید علی سوم مولوی شاه  
 امیر الحق که بنور سجادہ ابائی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چاری  
 مولوی صفیر الحق داماد قاضی محمد و عالم نجفی مولوی فقیر الحق بدین اختران  
 مولوی نصیر الحق را نیز فرزند نیست و دختر اینقدر دانست که نکاشت فرزند  
 دومی حضرت شاه مجید الله شاه حمید علی یک دختر ایشان زوجه بیوی علی  
 والد صاحب قاضی علی اشرف قدسی با ولاد شده از جهان لا ولد رفتند و پسر شاه  
 حمید الحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یکی مولوی محمد علی چهار پسر ایشان  
 یکی مولوی قلندر والد شاه غلام دستگیر دیوبندی مولوی قطبی دورانام یادند  
 الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابوالفضل بودند یک دختر ایشان  
 زوجه اول مولوی محمد سجاد قادری ابن حضرت شاه نعمت السقا و رفیق شمس  
 یک دختر دیگر پسر شد بایشان از آن محل شاه محمد مصطفی همسر بودند مابین فقیر  
 کبیر معقود و انجمن نام پسر ابن شاه ابوالفضل نام کلانے میان شاه حسین  
 و نام ثانی شاه احمد حسین که احمد و شفیق قلبی ابن خاکسار بودند بعد سطر ج  
 مشرف ریارت آستانه حضرت غوث پاک شده در بغداد و بانجوار رحلت کردند  
 و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه حمید الحق شاه ابوالقاسم بود  
 از دختر صفیر و حضرت شاه نعمت السقا قادری از پسر شمس السقا که خدا شایدم  
 یک پسر ایشان مولوی شاه محمد علی که پریاقت و ذی اخلاق بودند که خدا

باید است در مقدمه کتاب هذا ذکر آمده است الاولاد حضرت جعفر طیار از این  
 که بزرگان آمدند بزرگی سسی امیر عظامه السدرا اولاد بسیار حضرت جعفر طیار  
 درین و یار تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی شایر در قصبه چهلواری  
 بودند یکی از شایستین کبار شاه ظهیر السدرا والد ماجد حضرت شاه مجیب السدرا  
 قادری یکم از خاصان اهل اشد در اینها شد حضرت اشین ایشانرا بیت  
 در بیت مغوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عا وال دین قلندر  
 که برادر بزرگ خسرو حضرت بودند و نیز استفاده با طنه و از شاه در حضرت مرگنا  
 محمد و ارث رسول نما قادری دین قصبه شدند و کلام طریقت کزین و نیز  
 خانقاه پیریم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تریهیم یا نیست  
 جهاند که رفتند و رفت تهرندی جو فاعلاتن شدند آکیلیت و کرامات  
 شدند برید آفران و عام خلقت شدند مریدان خانقاه لیا شده عمارات بلند القصر  
 از برادرزادی پیر انحضرت نیز تولد یافتند باحضرت یکم خرد و دوسر یکم زانام شاه  
 عبدالحق پسر ایشان شاه نورالحق و دواهر ایشان پسر ایشان مولوی  
 شاه ظهیرالحق ابن شاه نورالحق ابن شاه ظهیرالحق لوراه شاه غلام نقشبند  
 ابن شاه عماد الدین قلندر را بعد حاصل مولوی شاه ظهیرالحق پانچ پسر و دختر  
 یکی از فرسب از مولوی مظفر بی شاه با ز پوری و ویلی کند از مولوی عیسی  
 ابن مولوی محمد العلی و نام فرزندان مولوی شاه نصیرالحق و مولوی شاه



مولانا احمدی شد یک پسر متولد شد مولوی احمد کبیر نوجوان به عالم متفوقان رحلت کرد  
 بعد از شادی دیگر از دختر شاه محمد مصطفی تزویج شد یک پسر شد از بعد از  
 مفورده ساله شده بمرد و یک دختر است یوه بی اولاد شادی از قرابت شد  
 بمولانا احمدی رحمة الله علیه از شادی اولی سه دختر و دو پسر و دختر کلانی زوجه  
 مولوی محمد امام رحمة الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابوالحیات رحمة الله علیه  
 و ثالث زوجه قاضی علی اشرف که کور و خلف کلانی مولوی بادی علیه الرحمۃ  
 که از دختر منغیر و جناب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره که خداوند  
 از مسماة بی بی شرفا از بطین آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی  
 مولوی شرف الدین والد شاه بدر الدین الا دیگر شادی فرزند مولوی بادی  
 صاحب از آن نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد اکرم  
 مورد رضا و تسلیم ذی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و اوست  
 ایشان مطلع نیست و از شادی ثانی مولانا محمد و یک دختر زوجه دوم  
 مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادی ایشان در شهر طینه شد  
 از دختر مولوی اشهد علی یک پسر و یک دختر بوجود آمدند و اولاد و پسر و برادر  
 ایشان بکس بقا جیل بنده عرصه تر که مسماة جمیلہ دختر مولوی اسمعیل بنفشه  
 و از شادی سوم مولانا محمد و یک پسر سمس مولوی محمد عارف و چند خواهر ایشان  
 با سبب که خدا شدند ذی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محفل ثانی پسر مولوی

ایشان از دختر عم خود شاه مجتبیٰ ابن شاه شمس الدین چاری گردیدند و اولاد  
 نشدند و دختر محل اولی حضرت شاه مجیب السعد قادری شاه نور ابو و ندیک دختر  
 ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت السعد رحمة الله علیه  
 بود و از شادی ثانی حضرت شاه مجیب السعد قادری دو دختر و یک پسر شدند پسر  
 یک دختر شاه و عبد الله که مد صبح و بعد از ایشان هر دو به نیت بودند نام جد  
 و پدر ایشان یا همان شادی اول شاه و عبد الله در نو باده شد از خواهر شاه  
 مراد علی مرحوم از بطن ان عقیقه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه  
 محمد یوسف و دختر شاه و عبد الله و عبد الله مولوی ابو تراب رحمة الله علیه و از شادی  
 ثانی که در جوهر بهار شد بخوبی دریافت نیست الا یک صاحبزاده شاه محمد مصطفی  
 که شادی ایشان از دختر ضیاء استادی مولوی محمد نام شد یک دختر و سه پسر  
 ایشان شاه نعمت مجیب و شاه نعمت السعد سوم شاه اشرف مجیب و دختر  
 شاه محمد مصطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی کبر باید دانست  
 دختر دیگر حضرت شاه مجیب السعد قادری از مولوی شاه و حید الحق که خدا  
 شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر و یافت شد یعنی پسر کلانی نام نامی  
 بحر تبه عظامی مولانا احمدی رحمة الله علیه و ثانی مولوی علی کبر رحمة الله علیه  
 یاد دارم ایشان را بچرخ یک پسر مولوی علی اشرف و دیگر بود باور ایام بقدریت  
 رفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عم کلان خود

و پسر در اینجا مناسب افتاده که ذکر فریت مولوی عبدالعلی مرحوم نایب باید داشت  
بمولوی شاه عبدالغنی سه دختران یک زوجه مولوی محمد اشرف و دو مولوی محمد رحیم  
و ثانی زوجه مولوی شاه ابو الحسن فرد ثانی زوجه مولوی عبدالعلی یک دختر ایشان  
زوجه ثانی مولوی فرد مرحوم پنج پسر یک مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار مولوی  
رعایت حسین و دو مولوی نوازش علی یک دختر ایشان بود زوجه مولوی علی محمد  
ابن مولانا ظهیر الحق سومی پسر مولوی عیسی که از دختر مولانا ظهیر الحق که خداوند  
یک پسر ایشان در آداب مولوی فرد مرحوم و چارمی مولوی کمال شود و  
بصده جلیله مال مال لا ولد کردند انتقال بیخی مولوی محمد رئیس جوان  
بر دارند و مولوی عبدالغنی خلف ارشد مولوی عبدالغنی با وجود علم شریعت  
و طریقت که داشتند بی بی حافظه قرآن نیز آنحضرت ذی شان از علم  
لا ولد رفتند جانشین شان پسر خواهرزاده شان شاه دمید الحق ابن مولوی  
محمد و جدا شادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خلف ثانی  
جناب حضرت شاه نعمت المقدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمة الله علیه  
آنجناب بنظیر منشی در علم صوری و معنوی بودند شادی ایشان از دختر  
شاه و جدا شده بود و رحمة الله علیه یک پسر ایشان بودند ذی علم  
و اریه حال صاحب سلیم مولوی عبدالکریم در سن ثور سیده رحلت کردند و اولاد  
وند با آنجناب دیگر اولاد شد فرزند سوم بودند جناب او استاد مولوی محمد ام

شاه و حیدر الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسن و یک دختر  
 سمانه بمیل بر گاه از کرک و اولاد هر دو خواهران حضرت شاه نعمت الله قدس سره <sup>یا فاضل</sup>  
 احوال آنجناب مشیخت تلمب مینویسد و افع باو شادی جناب حضرت شاه نعمت الله  
 رحمة الله علیه در قصه میر و وضع گنگنه از صبیبه حکیم با سو علیه الرحمة بعنایت آتشی  
 از بطین آن بی بی اولاد شد و غیر آن که بطولیت رفتند بیعت پسر موجود و در  
 دختر تلمت کلانی مولوی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فرد و لاریب همه  
 کمالات بودند و فرزندش بی بی اولاد ایشان از دختر مولوی عبدالغنی یعنی از خواهر  
 مولوی شاه عبدالغنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرف ابومیان  
 جوان شده بکمالات صوتی و مخفی رسیده شادی شد از سمانه بی بی بیعت دختر  
 کلانی مولوی محمد نام قادری نو جوان رحیل ملک بقاشد و اولاد و نامند شادی ثانی  
 مولوی فرد رحمة الله علیه از صبیبه مولوی محمد العلی گردید از بطین ابن زوجه  
 اولاد شدند اکثر اولاد و پسر و یک دختر که خدا شده و نجات یافتند کلانی مولوی  
 شاه نور العین که سجاد و نقشین محمد پدربزرگوار شدند شادی ایشان از دختر  
 عم خود مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزندی بود  
 خور و سال قضا کرد و بعد ایشان سجاد و نقشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی  
 حبیب الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رعایت حسین  
 ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبدالعلی از هر دو بطین اولاد و نامند دختر

ابو الفضل شده بود ثانی شادی از دختر خال غور و ایشان گردید یعنی  
 از دختر حکیم مظفر پس از موجودی که مولوی عمر در از نام دیگران  
 ندارم یا دختر زنده هفتم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان  
 از دختر خال کلانی حکیم واعظ الله شده بود و فرزند آن موجوده خلف کلانی  
 مولوی یحیی یا مولوی مولائی شدند در جیل ملک بقا کیفیت اولاد  
 دریافت نشد الا دختر مولوی صاحب درجه پسر شاه نور العین بودند با خر  
 عمر به زیارت حرمین شریفین فرستاده و او ساخته در آنجا کردند

### انتقال اناسه دانا الیه راجعون

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاه بدر الدین شیار پوری قدس  
 باید دانست این بزرگ از سیادت غلمی سلوی نسب بوده از نظر تقیم  
 فرد سید میباشند پیوند اسطه خلعت و خلفا حضرت مخدوم الملک  
 قدس سره از آنجا که بودند جاری این خاک از ذکر ذریت نکاشت  
 آنچه یافت که نسب نامده علی استسلال الانیانت که می نگاشت  
 بنای شریفه فرزند آن ایشان یکم بعینه آل اندو ثانی اولاد و فرزند  
 آل آنجناب یکم شاه مظفر احمد پسر بزرگوار شاه اقبال حسین جسر  
 شاه میان جان کمسوی بلکه سبب هر دو پسر و فرزند ثانی مولوی  
 مظفر نبی یک دختر ایشان زوجه ثانیه مولوی محمد عی باقی کیفیت

عالی مقام بر تبه شادوت شدند اختتام از دختر کلانیه مولانا احمدی رحمه الله علیه  
 که خدا کرد و در دو و پسر و سه دختر تولد شدند دختر کلانی زوجه ابو میان ثانی  
 زوجه پسر شاه اسماعیل مذکور دختر خرد لاله و در پسر کلانی مولوی آمل احمدی  
 حدیث و حاجی محمد پسر پسر کردند متاهل شدند فرزندان مولوی نور احمد که از دختر  
 برادر عمزاد و خالاتی مولوی محمدی که خدا شد نزدیک پسر ایشان رانانم مولی  
 مولوی منظور احمد داماد کلانی شاه علی علیب مرحوم باقی کیفیت اولادشان  
 دریافت نیست فرزندان چهارم جناب علی القاب و ستادی مولوی شاه  
 ابو الحیو ا که از دخترانیه مولانا احمدی علیه الرحمه که خدا شدند و پیشتر  
 کلانی مولوی محمدی که از دختر محمد که خدا شد و ذی اولاد اند و پسرانی شاه محمد و  
 بعارضه طحال مادر جانی رحلت کردند فرزندان پنجم جناب شیخ فاطم حضرت  
 شاه نعمت الله قادری جناب علی القاب مولوی محمد قادری که جمیع صفات  
 بودند موصوف از دختر شاه نور یک دختر شهید که زوجه مولوی محمد محیی شدند  
 از بطن آن عقیقه دو پسر و یک دختر شدند کلانی سسی غلام و سنگی از جانی  
 رقتند ملک بقا ثانی مولوی عنایت رحل مقبول اهل قبول از جوان نشسته  
 الا اولاد گذشتند و خواهر ایشان زوجه مولوی نور احمد مرحوم نیا چه نامیم مرقوم  
 فرزندان ششم آنحضرت مولوی محمد جاب و یا مولوی علی سجاد که با وجود تحصیل  
 علم ظاهری به طریق فقر علیه داشتند که غلامی اولاد ایشان از دختر مولوی

یک پسر ایشان چو دهمی غلام نجف و سه خواهر  
 ایشان دختران چو دهمی غلام شرف یکی جان بی بی  
 حرمت بی بی جنود شادی ایشان در موضع کرائی بر سر ای آیت  
 حال اولاد ایشان دریافت نشد و دومی بی بی منون شادی  
 ایشان در عقبه چمبره بملکریان دان بود از میر سلامت علی  
 گردید و انا پور شدند مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علی  
 و خواهر ایشان بی بی منون زوجه ادنی میر عباس علی صاحب  
 لا ولد بجز و مسماة مطهروه و دو پسر و یک دختر بود بمیر  
 مقصود علی یکی سید فقیر علی دومی سید امیر علی که خدا شده لا ولد  
 بمروند و خواهر ایشان نیز در ایام صغر سن فوت شد باید دانست  
 دختر چو دهمی غلام شرف زوجه کلائی مسماة ریسب النساء  
 و دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوجه چو دهمی  
 میر دوست علی ابن چو دهمی میر غلام حسین و بی بی زینت زوجه مفتی برکت الله  
 یک دختر ایشان مسماة قدیر النساء که مولوی سید منور علی صدر اعلی ابن میر منور علی  
 ساکن موضع شیخ پور که خدا شدند و دختر ایشان میر نور علی قاضی و یک پسر ایشان  
 عمه دراز و اما دهمی سید ثناء حسین ابن مولوی سید  
 و اجد حسین ابن میر فاو بخشش مرحوم پسر دوم مولوی منور علی

ذریت ایشان تا معلوم آتای آرند میر و بنده محمد دوم بر پشت  
 پنجم بودند میر محمد صاحب دنا بن سید محمد حبیب زاده در یافت گشت  
 ذوی اقبال که خدای ایشان در قصبه دانا پور شد در فراغت  
 لکیان دانا پور که شیخ زاده در آستانه چند زنان بودند بنوه  
 و فرزندان منیسین چون که صاحب شعور و تمیز بودند فرامین  
 بادشاهی در آنجا یافتند برگرفتند و رسو غایت صوبه یافته  
 حضوری در دیار بادشاهی گردید منصب جاگیر یافته بختاب  
 چودھری شدند معروف چودھری محمد سعید خان  
 گردید صیغه زمین داری حصول سکونت نیز گردید و قصبه  
 دانا پور که معروف محل چودھری است الفرض یک پسر  
 ایشان چودھری غلام وارث نام بایشان پسران  
 شد چارہر یک نامدار یک چودھری غلام شرف دوی  
 چودھری غلام حسین سومی چودھری غلام سید ریاضی  
 چودھری غلام امین هر دو برادر سوم چارہر یک یافته  
 لا ولد رفتند از شہ عالم الا پسر چودھری غلام حسین  
 بودند چودھری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل ثانیہ  
 الا از جمہ کلائے بودند چودھری غلام شرف



شادی ایشان بوضع پهلوانی شد از مساهه سکران و قهر مولوی بدیع الزمان  
 ابن شیخ عبد المجید مولوی بدیع الزمان و اما بدو شیخ غلام حیدر از مساهه  
 میاستن که خدا حصول از بطن مساهه سکران یک دختر شد مساهه رحمن که از سید  
 محمد عظیم ابن میر قمر علی که خدا شد فی اولاد اندیک پسر ایشان سید نصر الدین  
 خواهر این زوجه مولوی وحید الدین حیدر علی و پسر سوم چوهری غلام نجف  
 سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبد المجید که خدا شد اولاد نشد و پسر  
 چهارم سید دمی احمد عرف سید محمد علی سه شادی ایشان کردند از بطن کس  
 اولاد نشد باکل مالک تر که از و چهارم شد بدو دختر چوهری غلام نجف مساهه  
 طاهره زوجه میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و پسر سید سید  
 محمد عظیم مذکور الصدر اما دیر فرموده علی مرحوم دمی سید محمد کلیم و اما سید کلیم  
 ابن مولوی منور علی سوی پسر محمد عظیم و خواهر کلانی ایشان زوجه سید حاج حسین  
 مساهه حمیده یک پسر شده بود و در خواهر ثانی ایشان زوجه سید نور الحسن و اما  
 ناظر سید فدا علی در اینجا کیفیت درسته چوهری محمد سید خان انجام یافت  
 چیزی ذکر صاحبان موضع نیچوره که قرابتیان ایشان اندی نگار و نام  
 با و یکی از سیادت نامی که نام یاد دار از اولاد حضرت حسین صغری ابن حضرت امام  
 زین العابدین رضی الله عنه که سلسله مسلسل بالا دریافت نشد چوهری که اولاد ایشان  
 نوی اقبال شدند و قرابت داری شد و وقع حسب یاد میسید یعنی ان بزرگ

سیدانظر علی والد شیرمس الهدی شادی اولی ایشان برقع  
 کاندس گردید از دختر میرا محمد علی ذی اولاد اند و خواهر  
 ایشان زوج سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر نور علی

ذکر اولاد چودهری غلام نجف

بایز شنید شادی چودهری غلام نجف عرت چودهری  
 ذودما از دختر بنزلف شیخ عبد المجید پهلوانی گردید که شیخ  
 عبد المجید بنزلف شیخ غلام حیدر ساکن موضع رودخانه  
 بودند اکتول چارپیر و یک دختر از بطن این عقیقه  
 چودهری غلام نجف شد فرزند کلان سید عابد علی  
 که کمال مندرشان صیغه زمینداری انجام کردند و نیز دادند  
 رونق به تجارت شادی اولی ایشان از خواهر میر مقصود علی  
 شده بود شادی ثانی از مساة و جیسا عرت مساة و چودهر  
 شیخ غلام حیدر ساکن موضع رودخانه گردید یعنی از خواهر  
 مفتی غلام قادر مرحوم اولاد این بی نشد چنانچه سید  
 عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لا ولد شد  
 و بعد از پسرانی چودهری غلام نجف میر خورشید علی  
 که دام عمده بسلسله روزگار سیر کار حکام سیر ساختند

آنچه که معلوم است بنویسد از آنجا که فرزند از چند نشی مرحوم میر سید حسین علی کردان  
 یاران قدیم جناب حضرت امی الاظم قدس سره جناب حضرت سید شاه محمد قاسم  
 قدس سره اند و نیز کامیاب محبت جناب حضرت میر محمد قطب العسری سید شاه  
 جمال الدین حسین قدس سره اند و نیز مشورت از زیارت جناب مظهر السرائر  
 سید شاه غواهد البه کرات قدس سره اند علت غائی تحریر بدین نمط که یک فصل  
 قدیم محبت مصمم این مختصر تحریر اند و نیز بفضل اکثر اوردان ایشان را حصول ثمرت  
 بیعت از جناب حضرت امی الاظم قدس سره و هم دیگر فرزندان ایشان حقیقت  
 سلسله بیعت از جناب امی سرشته اتقا و طویل که کار شاد سید شاه محمد حبیب و  
 دوام فیضه و یکایه است درین کتاب ذکر نسب و اولاد و شایسته و واجب شد و الله

تحریر بنیاد

و اینها فوکر نسب میکنند تحریر سلسله توقیر

بعد از میر سید حسین علی سلیض السعوت شیخی میان از سیادات رضوی میگویند  
 مقام مالکرام نو دارد قصه مجده و بی خلع مرزا پور خلف الرشید ایشان سید باب  
 خلف ثمان سید محمد زمان فرزند ایشان چهارم یکی ذی لیاقت و اقتدار زمان  
 سکونت شان بقصه داود و نگر ضاع بهار گردید پس کرانی ناظر سید فضل محمد  
 پسر ایشان یکی سید و ارشاد علی که از خضر عم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد  
 شد پس ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر و اصل علی که بطریق ذریه و الدخود

رئیس بود چهار پسر بود و نذریت دو پسر علی بن موسی و سید قمر علی بنی شادی بنی  
 روشن علی از دو دختر هم او سید شد از یک بطن مولوی سید نور علی و از دیگر  
 سید قمر علی که کیفیت اولاد او بالا تخیر شد و از نیرگان پسر چهارم میر نور علی و نیز  
 فقیر بخش از یک ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یک میر بهادر علی و دومی میر علی  
 ابنان میر نور علی پسر میر حیدر علی ششی سید عبد العلی وزیر بهادر علی صاحب راسخ  
 شده و سه دختر پسر کلان میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان که خدا شد  
 یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر پسران سید ولایت حسین سید  
 کمال الدین حسین و سید طه الدین حسین و سید عزیز الدین حسین در قرابت خواهر زاد  
 این خاکسار اند پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از سوگو  
 علی حسن عرف مستور ابن مولوی افضل علی که خدا شد از سید نور الحسن موجود اند و  
 پسر سوم میر مقصود علی که کیفیت ذریت شان در افت شد الا پسر یک خواهر بر سر  
 برادر سید حامد حسین و ملا و کلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن قصبه برادر  
 میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه خال این هر سه برادر ذی اقبال بودند  
 و میر فرحت حسین را سه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شهاب حسین  
 اولاد و دختری بر سر برادران موجود اند

و ذکر آبا اجداد سید حسین علی

یکی از اجاب نشی میر فضل الدین احمد که از سیادت رضوی آنکه کیفیت نسب ذریت

شیخ ذوالفقار علی که مولد این فقیر بودند فیضیاب و برین طریق از حضرت  
پیر مرشد قطب العصر بودند و او را یک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بند حوطلاوری  
که از خلفا حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره بودند و ولد و در علت کردند حالا  
تفصیل ذکر فرست شان نمایم آنچنانکه معلوم و شادی ایشان اکثر در بی اعیان  
که تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین ولد سید طفیل علی و سید ضیاء حسین و لایق  
و سید نصیر الدین پسران سید امیر الدین حیدر مرحوم موجودند و سید علی بخش  
ولد سید نصیر الدین و پسران سید فضل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

### تتمه

خاتمه الطبع از قلم شکسته رسم سید محمد علی خان مخمرازیان شیخ امیر الدین احمد  
چشتی صاحب گنجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی ابن الاکبر  
شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائنده پور گنه شاهجهان پور  
ضلع پینه کی از فرزندان جناب حضرت خواجه معین الدین شیخ قدس سره <sup>سلطان</sup> <sup>القدس</sup> <sup>العالی</sup>  
بعد از وفات کون مکان لغت پنجبرآورد الزمان و مقتضای امر طهارت و جود  
و شاد و محاب کبار احمد مختار بر جملة حضرات گل گلشن بیادات گویر آید  
و دیار می بخابت اختر تابنده بهرج شرافت عالی سبب و الانسب  
واضح باد که درین زمان حمید و وقت سعید نسخه ایاب بند کراتساب

مانند ثنائت سید فضل حسین و پسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و  
 نام پسر سید هارث علی سید وارث حسین خلعت ثنائی سید محمد زمان سید فضل الهادی  
 پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدور و پسر ایشان کی سید محمد صدیق و دومی  
 سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الهادی پسر ایشان  
 سید طفیل علی و دو خواهر ایشان کی منسوب از سید حسین علی و دومی منسوب از سید  
 رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول  
 شش پسر سید فضل امام شدند کی سید کنان الدین مرحوم مذکور الصدور و دومی  
 سید امیر الدین سید پسر ایشان سید حمید الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت الدین  
 پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز ذی اولاد نیستند چاری سید  
 فتح الدین لا اولاد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید فیض الدین و سید  
 انبیه سید سجاد حسین لوا سه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید  
 فضل حسین که در عروج مانند بسیار پیش حاکم وقت در شهر مدین علی الا بشیعه مذکور  
 در توبه تبصره و در بلاد کلاتی و بخوار احمد تندر تات این برادران طایفه مذکور  
 و ابو العالی مشرب شدند الغرض و و پسر شدند سید فضل حسین سید محمد حسین  
 پسران این دو کی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان  
 از انجمله فرزندان که دختر سید قربان حسین که رحلت ایشان را از بزرگی بطریق قاریه  
 بود و درسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر

قطعه تایخ طبع طبع از شیخ محمد کاظم صاحب کوکب این شیخ شجاعت علی  
صاحب کن قصد صاحب شیخ ضلع گیلان شید شید بنالدین احمد  
صاحب کفنی و میر خورشید علی صاحب نفیس

چرخ طبع شد کنز الانساب کز وی	بود قیامت نسب را تسلیم
به لفظ او جلوه گر روی معنی	بجایم باورین رخ شاد دل
سواد سطورش بصفح بیانش	چو منیل سپیدین فروشته کمال
چهارونق آب و زرش برآمد	چنانا نوگوئی که شد دسته گل
ز باغ چو پدید کوکب سنا	باو شمشیر اگر گشت قیاس

ایضا

محمد آتش کوکب کنز الانساب	لباس طبع در بر کرد امروز
بسال اختتام انطباض	رسم کرد گل تر رونق افروز

ایضا

هوئی مطبوع جبیر کنز الانساب	بتالیفات فانی خوش اوقات
لکها کوکب فی سال اندوی اجداد	چیا اب مخزن منیب سیادت

ایضا

ز برج طبع کوکب کنز الانساب	زنگ شمس طالع گشت هرگاه
بتایخ شیوع انطباض	نو شتم قد و سادایت و سیاه

حضرت سادات رفیع الدرجات لایق پسند متقدمین و سودمند  
متاخرین یاز تا ایفات واقعت رموز اسرار عسرفان کاشفت قایل  
ایقان باد کوش میخاکو حیرت جرمه نوش جام محبت مقبول بارگادیر دانی  
جناب حضرت میر شاه عطا حسنین صاحب تخلص فانی غزلت گزین  
محمدرام ساگر منجملات قصبه صاحب گنج ضلع کیا حسیب بر یک بلنج شیخ  
محمد رضا کافظم صاحب کعبه کوکب زمزم قصبه صاحب گنج خلف الصدق شیخ  
شجاع علی صاحب باهتنام معدن لطف و کرم منهل جود و جهم جناب  
شیخ نورالدین بن جیواخان صاحب الکب مطیع حیدر  
وصفیری بمطیع نامی و گرامی صفدری واقع بندر بمبئی بتاریخ  
پانزده رمضان المبارک سنه ثانیه جری نبوی مطابق هر آنست سنه ثانیه  
بصحت تمام از زیر طبع فرین شده و اویزه گوش رفت کارگشت خلعت  
مقبول و مطبوع اهل عالم نماید بمنده و کرمه فقط

کاتب کتاب نذراشار احمد بریلوی است





قطعه تاریخ طبع طبع شد این سخن کتاب حسین علی

مستخرج من اصل کاین سخن از فرط صفا  
بایع طبعی آموخت شرف نبل میثا  
باقی در کتاب گوناگون حال باو لیا

# اشتهار

چونکه حاجی سید عطاء حسین

معروف بعبد الرزاق صاحب صنعت

کتاب بنده حق تصنیف در این رقم جدید فرموده اند

لکن امید که کسی بدین اجازت را رقم قصد طبع

این کتاب نکند و در بازار روی نخواهد

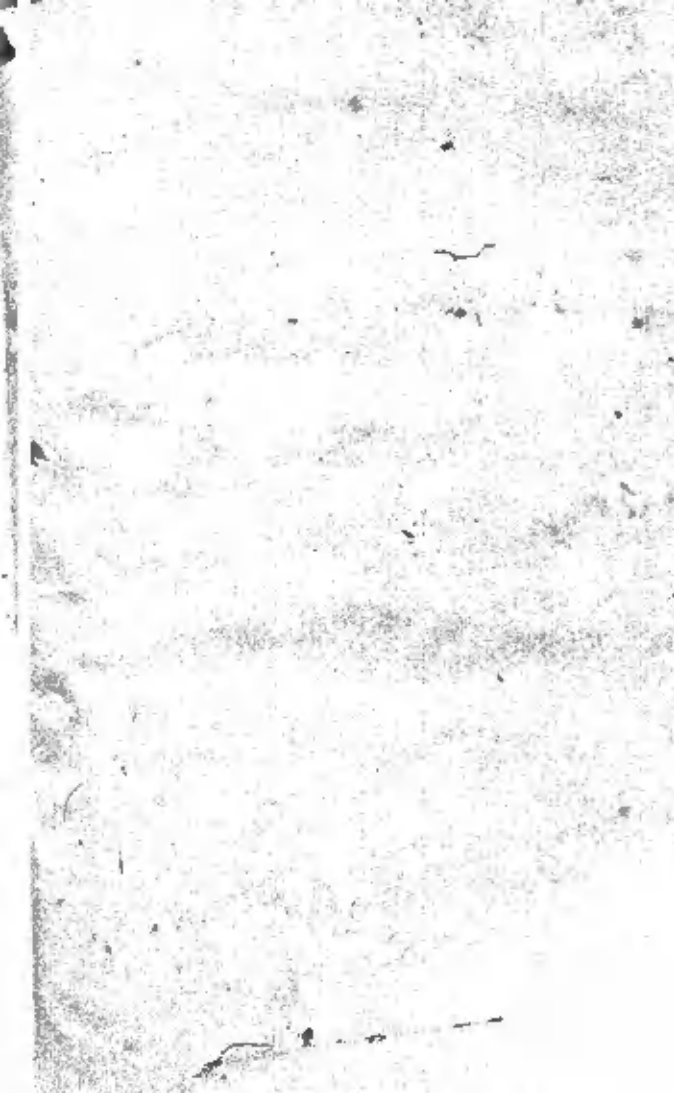
فانون بحیرت از کتاب طبع کتاب

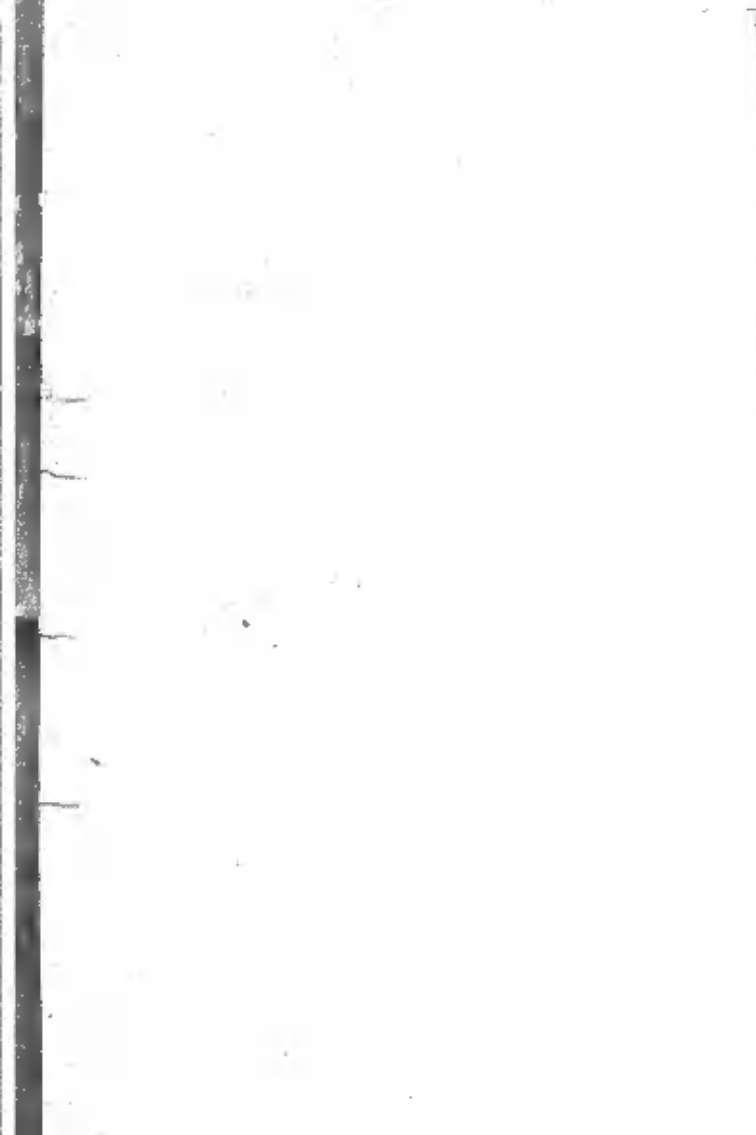
مردوب صورت نقصان با نظر فرمود

المستتر

نورالدین بن جیوا خان







CENTRAL ARCHAEOLOGICAL LIBRARY.  
NEW DELHI  
Issue Record.

Catalogue No. 929.736954N/Att.  
- 4864.

Author-- Atta Husain alias  
Abdur-Razaq.

Title--Kanzul Ansaab.

Borrower No.	Date of Issue	Date of Return

